

دانش خانواده و جمعیت

جمعی از نویسندگان

طرح کتابداری تحول دروس معارف اسلامی





مجموعه اخلاق اسلامی ۵۵

دانش خانواده و جمعیت

- ◆ نویسندگان: زهرا آیت‌اللهی، شیماسادات حسینی، دکتر امیرحسین بانکی‌پور فرد، دکتر بتول نامجو، دکتر انسیه کتابچی، دکتر محمدجواد محمودی، دکتر مونس سیاح
- ◆ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها ◆ معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی
- ◆ ویراستار: سعید فلاحتی (متن بانان سام) ◆ صفحه‌آرا: حسین قاسمیان ◆ ناشر: دفتر نشر معارف
- ◆ نوبت چاپ: هفتم، ۱۴۰۱ ◆ شمارگان: ۵۰۰ نسخه ◆ قیمت: ۶۵،۰۰۰ تومان ◆ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱-۴۸۳-۸

مراکز پخش

مدیریت پخش دفتر نشر معارف: قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۲۷۷۴۰۰۰۴
اراک: ۰۸۶-۳۲۲۲۹۰۳۸، ارومیه: ۰۴۴-۳۲۲۵۴۶۴۱، اصفهان: ۰۳۱-۳۲۲۵۱۳۴۱، اهواز: ۰۶۱-۳۲۲۲۸۰۰۰، تهران: ۰۲۱-۸۸۹۱۱۲۱۲
خرم‌آباد: ۰۶۶-۳۲۲۲۲۲۷۱، رشت: ۰۱۳-۳۲۲۳۴۵۶۹، زنجان: ۰۲۴-۳۲۳۶۶۴۲۵، ایلام: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۸۸، بجنورد: ۰۵۸-۳۲۲۱۲۲۸۲
بندرعباس: ۰۳۶۱۷۵۵۷، بیرجند: ۰۷۶-۳۲۲۲۴۱۷۹، ساری: ۰۵۶-۳۲۲۲۴۱۷۹، شهرکرد: ۰۱۱-۳۲۲۵۳۰۲۰، شیراز: ۰۲۸-۳۲۲۴۴۴۱۴
قزوین: ۰۲۸-۳۲۲۴۰۰۷۶، قم: ۰۲۵-۳۷۷۳۵۴۵۱، کرج: ۰۲۶-۳۴۴۳۵۲۹۰، کرمان: ۰۲۴-۳۲۲۳۱۴۶۶، کرمانشاه: ۰۸۲-۳۷۲۳۸۴۱۱
گرگان: ۰۱۷-۳۲۲۳۷۸۸۰، مشهد: ۰۵۱-۳۲۲۲۰۱۱۹، یاسوج: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۸۵، یزد: ۰۳۵-۳۶۲۲۰۳۳۱

کلیه حقوق محفوظ است

نشانی الکترونیکی: E-mail: info@NashreMaaref.ir؛ پایگاه اینترنتی: www.NashreMaaref.ir

پیش از ازدواج

شناخت انسان	۱۷
شناخت روابط انسان با جنس دیگر (زن و مرد)	۱۹
انواع ارتباط در حوزه رفتارهای جنسی	۲۰
۱. خودارضایی	۲۳
۲. هم جنس گرایی و ارتباط جنسی با هم جنس	۲۵
۳. روابط با جنس دیگر خارج از چهارچوب ازدواج	۲۷
۱-۳. روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج و بدون زندگی مشترک	۲۸
۲-۳. روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج همراه با زندگی مشترک	۳۷
۴. روابط با جنس دیگر در چهارچوب ازدواج	۴۰
ضرورت پیروی از هدایت الهی	۴۴
۵. رفتار جنسی مطلوب از دیدگاه اسلام	۴۵
۱-۵. توصیه به ازدواج، تسریع و تسهیل آن	۴۵
۲-۵. خویشین داری جنسی تا آستانه ازدواج	۴۶
۳-۵. تأکید بر رعایت حیا در روابط با جنس دیگر	۴۷
۴-۵. سفارش به تقوای چشم و گوش و زبان و لمس	۴۷
۵-۵. رعایت حجاب از سوی زنان	۴۸
۶. مهارت های لازم برای مدیریت غریزه و تقویت خویشین داری جنسی	۴۹
۱-۶. راه کارهای اندیشه ای	۵۰
۲-۶. راه کارهای رفتاری	۵۲
الف. سلبی	۵۲
ب. ایجابی	۵۳
۷. ازدواج موقت	۵۴
۸. مدیریت روابط عاطفی دختران و پسران	۵۶
مهارت های رفتاری برای مدیریت روابط عاطفی با جنس دیگر	۶۰
۱-۸. اصول کلی	۶۰

۶۱	۸-۲. مدیریت رابطه به سوی ازدواج
۶۲	۸-۳. مدیریت شکست عاطفی
۶۵	نمودار مطالب فصل
۶۶	پرسش های فصل
۶۶	منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل دوم:

تشکیل خانواده

۶۹	ازدواج و کارکردهای آن
۷۰	۱. کارکرد فردی ازدواج
۷۰	۱-۱. تکامل شخصیت
۷۰	۱-۲. ایجاد آرامش روانی
۷۱	۱-۳. پاسخ صحیح به نیازهای جنسی
۷۲	۱-۴. کامل شدن ایمان
۷۲	۱-۵. کسب استقلال
۷۲	۱-۶. تجربه مدیریت
۷۲	۱-۷. بهره مندی از حمایت های گسترده
۷۳	۱-۸. کسب اعتبار اجتماعی
۷۳	۱-۹. ارضای میل به جاودانگی
۷۳	۱-۱۰. رونق اقتصادی
۷۳	۲. کارکرد اجتماعی ازدواج
۷۴	۲-۱. انتقال ارزش ها از نسلی به نسل دیگر
۷۴	۲-۲. پرورش مهارت های اجتماعی کودکان
۷۵	زمان مناسب ازدواج
۷۹	تسهیل ازدواج در رویارویی با موانع مختلف
۸۳	۱. اشتغال به تحصیل
۸۴	۲. مسائل اقتصادی
۸۶	۳. خدمت سربازی
۸۷	۴. باورهای اشتباه
۸۸	۵. نیافتن فرد مناسب

۶. موانع خانوادگی	۸۹
۱-۶. مخالفت والدین	۸۹
۲-۶. طلاق پدر و مادر	۹۰
۳-۶. سوء سابقه والدین	۹۰
۷. سابقه طلاق یا فوت همسر	۹۰
انتخاب همسر شایسته	۹۲
۱. ضرورت شناخت خود	۹۲
۲. معیارهای همسرگزینی	۹۲
۱-۲. همتایی و همانندی	۹۲
۲-۲. خوش اخلاقی	۹۴
۳-۲. سلامت	۹۴
۴-۲. سن ازدواج	۹۵
۵-۲. رضایت از معیارهای ظاهری	۹۷
۳. شیوه آشنایی با فرد مناسب برای ازدواج	۹۹
۱-۳. آشنایی بدون واسطه	۹۹
۲-۳. آشنایی با واسطه	۱۰۱
مراسم خواستگاری	۱۰۲
روش شناخت	۱۰۳
عقد ازدواج	۱۰۷
نمودار مطالب فصل	۱۱۰
پرسش های فصل	۱۱۱
منابعی برای مطالعه بیشتر	۱۱۱

فصل سوم:

تحکیم خانواده

عوامل تحکیم خانواده و مهارت های رفتاری آن	۱۱۵
۱. عوامل اعتقادی	۱۱۵
۱-۱. اعتقاد به تقدس پیوند زناشویی	۱۱۶
۲-۱. دین داری	۱۱۷
یک. ایجاد وفاق در تعیین بایسته های زندگی خانوادگی	۱۱۸

دو. تأثیر رعایت حلال و حرام الهی	۱۱۸
سه. اعتقاد به نظارت الهی در روابط با خانواده	۱۱۹
چهار. تأثیر شرکت در مراسم دینی	۱۲۰
مهارت های رفتاری مرتبط با دین داری همسران	۱۲۱
۱-۳. مثبت اندیشی	۱۲۲
مهارت های رفتاری همسران	۱۲۳
۲. عوامل رفتاری	۱۲۳
۱-۲. اظهار محبت به همسر	۱۲۴
مهارت های رفتاری همسران	۱۲۵
۲-۲. خوش گفتاری	۱۲۶
مهارت های رفتاری همسران	۱۲۷
۱-۲-۲. شیوه سخن گفتن با همسر	۱۲۷
۲-۲-۲. شیوه تعامل با سخن همسر	۱۲۸
۳-۲-۲. رعایت زمینه های لازم برای گفتار مؤثر	۱۲۹
۳-۲. ارضای صحیح نیاز جنسی	۱۳۱
۴-۲. مدیریت اقتصادی خانواده	۱۳۵
۱-۴-۲. کسب درآمد	۱۳۶
۲-۴-۲. مدیریت مصرف	۱۴۱
۵-۲. توجه به تفاوت ها در رفتار با همسر	۱۴۴
۱-۵-۲. تفاوت های جنسیتی	۱۴۴
۲-۵-۲. تفاوت های فردی	۱۴۸
۶-۲. احترام به همسر و خانواده او	۱۴۸
۱-۶-۲. احترام به همسر	۱۴۸
مهارت های رفتاری همسران	۱۴۹
۲-۶-۲. احترام به خانواده همسر	۱۵۰
مهارت های رفتاری همسران	۱۵۱
۷-۲. سازگاری با همسر	۱۵۲
مهارت های رفتاری همسران	۱۵۶
نمودار مطالب فصل	۱۵۷

پرسش های فصل	۱۵۸
منابعی برای مطالعه بیشتر	۱۵۸

فصل چهارم:

فرزندآوری

اهمیت فرزندآوری	۱۶۱
۱. اهمیت و جایگاه فرزندآوری در اسلام	۱۶۱
۲. تشویق به فرزندآوری در اسلام	۱۶۴
۳. آثار و فواید فرزندآوری	۱۶۵
۱-۳. آثار و فواید روحی روانی	۱۶۶
۲-۳. آثار و فواید جسمانی	۱۷۰
۳-۳. آثار و فواید خانوادگی	۱۷۳
۳-۴. آثار و فواید معنوی	۱۷۵
موانع فرزندآوری	۱۷۵
۱. موانع فرهنگی، اجتماعی	۱۷۵
راهکارهای رفع موانع فرهنگی اجتماعی فرزندآوری	۱۸۰
۲. موانع طبیعی	۱۸۲
۱-۲. ناباروری	۱۸۲
یک. علل ناباروری	۱۸۲
دو. عوامل مؤثر بر ناباروری	۱۸۳
سه. درمان ناباروری	۱۸۵
۲-۲. سقط جنین	۱۸۶
۱-۲-۲. سقط جنین در فقه و قانون	۱۸۷
۲-۲-۲. عوارض سقط جنین	۱۹۰
تک فرزندی و پیامدهای آن	۱۹۱
۱. پیامد برای والدین	۱۹۲
۲. پیامد برای فرزند	۱۹۳
حمایت های اجتماعی و اقتصادی از فرزندآوری در قانون	۱۹۴
۱. حمایت اقتصادی از فرزندآوری	۱۹۵
۲. حمایت از مادران	۱۹۶

۱-۲. حمایت از عموم مادران	۱۹۶
۲-۲. حمایت از مادران دانشجو	۱۹۶
۳-۲. حمایت از مادران شاغل	۱۹۷
نمودار مطالب فصل	۲۰۰
پرسش های فصل	۲۰۴
منابعی برای مطالعه بیشتر	۲۰۴

فصل پنجم:

جمعیت

تعریف جمعیت و جمعیت شناسی	۲۰۷
دیدگاه های مختلف درباره جمعیت	۲۰۸
۱. دیدگاه کاهش جمعیت	۲۰۸
۲. دیدگاه افزایش جمعیت	۲۰۹
روند تحولات جمعیتی جهان	۲۱۱
۱. پیش از گذار	۲۱۱
۲. گذار جمعیتی اول	۲۱۲
۳. گذار جمعیتی دوم	۲۱۲
تحولات جمعیتی ایران	۲۱۴
۱. عوامل مؤثر بر تحولات جمعیتی ایران	۲۱۷
۱-۱. عوامل مستقیم	۲۱۷
۲-۱. عوامل غیرمستقیم	۲۲۳
۲. وضعیت جمعیتی ایران در آینده و پیامدهای پیش رو	۲۲۶
۱-۲. پیامدهای اقتصادی	۲۲۷
۲-۲. پیامدهای فرهنگی-اجتماعی	۲۲۹
۳-۲. پیامدهای سیاسی-امنیتی	۲۲۹
۴-۲. پیامدهای خانوادگی	۲۳۰
۳. راه کارهای برون رفت از بحران جمعیت	۲۳۱
الف. اعمال سیاست های جمعیتی مناسب	۲۳۱
۴. شبهات جمعیتی یا چالش های مطرح در جمعیت	۲۳۵
۱-۴. کمبود آب و افزایش جمعیت	۲۳۵

۲-۴. پیشرفت اقتصادی و کاهش رشد جمعیت	۲۳۷
۳-۴. افزایش رشد جمعیت و افزایش بیشتر میزان بیکاری	۲۳۷
۴-۴. کیفیت جمعیت یا کمیت جمعیت	۲۳۸
نمودار مطالب فصل	۲۳۹
پرسش های فصل	۲۴۰
منابعی برای مطالعه بیشتر	۲۴۰

کتابنامه

منابع فارسی	۲۴۳
مقالات علمی و پژوهشی	۲۴۹
سایت های اینترنتی	۲۵۳
منابع لاتین	۲۵۳

فصل اول:
پیش از ازدواج

اهداف درس

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱. درباره هویت خویش و ارزش‌های انسانی خود و آینده زندگی نگرش دقیق‌تری

به دست آورند؛

۲. درباره هویت انسان در قالب جنسیت زنانه مردانه و ارتباط هریک با جنس دیگر

بهتر بیندیشند؛

۳. شیوه‌های رایج ارتباط با جنس دیگر را نقد و ارزیابی کنند؛

۴. با رفتار جنسی مطلوب از دیدگاه اسلام بیشتر آشنا شوند؛

۵. مدیریت غریزه جنسی و ارتباط با جنس دیگر را بیاموزند.

شناخت انسان

انسان برای زندگی شایسته نیازمند برنامه‌ریزی، و برای برنامه‌ریزی نیازمند شناخت خویشتن است. آن‌که انسان را ساخته و پرداخته بیش از هرکس می‌تواند درباره مخلوقش، شناخت دقیق ارائه دهد. قرآن کریم آدمی را دارای دو بُعد مادی و فرامادی معرفی می‌کند. تعبیری چون خلقت از خاک، گل و زمین اشاره به بُعد مادی وجود انسان دارد، و بیان این نکته که در مرحله‌ای از شکل‌گیری وجود انسان، روح الهی در او دمیده می‌شود، بُعد فرامادی وجود او را یادآوری می‌کند.^۱ خداوند از این مرحله از خلقت انسان با تعبیر «نفخه روح الهی» یاد می‌کند. در حقیقت شرافت این بُعد از وجود انسان بدان پایه است که خداوند از آن به «روحي» (روح من) یاد کرده و از این رو موجودات ارزشمند جهان هستی، یعنی ملائک، را به نهایت خضوع در برابر او، یعنی سجده، امر فرموده است. خداوند در آیه ۱۲ تا ۱۵ سوره مؤمنون می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ • ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ • ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا • ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ • ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ﴾

۱. «إِنِّي خَالِقُ بَشَرٍ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ • فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (سوره حجر، آیه ۲۸-۲۹) و نیز نک: سوره سجده، آیه ۹-۷؛ سوره ص، آیه ۷۱-۷۲.

به یقین انسان را از عصاره‌ای از گِل^۱ آفریدیم، سپس او را به صورت نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه [= شبیه لخته خون] درآوردیم. پس آن علقه را به صورت مضغه [= شبیه گوشت جویده] گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم. بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم. آنگاه جنین را در آفرینش دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است. پس از این مراحل قطعاً خواهید مرد.

در این آیه پس از ذکر مراحل مختلف تحولات جنینی، به مرحله‌ای خاص با عنوان ﴿ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ (سپس او را آفرینشی دیگر ایجاد کردیم) اشاره کرده که در آن انسان بهترین مخلوق، و خداوند نیز بهترین آفریننده و شایسته تکریم و تعظیم شده است. سپس به سرعت یادآوری کرده که زندگی مادی انسان روی زمین گذراست و مرگ او را فرا خواهد گرفت؛ هرچند بعد فرامادی وجود او جاودانه خواهد ماند و به تناسب اعمالش از لذت جاودانه برخوردار یا در رنج ابدی گرفتار خواهد شد. البته چه بسا در گذر از عقوبت کردار خود، پس از تحمل مشقت فراوان، در نهایت از لذت‌های بهشتی هم بهره‌مند گردد. قرآن در ۷۵ آیه بر جاودانگی انسان و تأثیر تلاش و عملش در سعادت یا شقاوت ابدی او تصریح می‌کند؛ از جمله آیه ۱۴ سوره احقاف که می‌فرماید: «آنها اهل بهشت هستند و در آن به سزای اعمال نیکی که انجام داده‌اند، جاودانه خواهند بود».^۲

و آیه ۸۰ سوره مائده که می‌فرماید: «چه اعمال بدی از پیش فرستادند، [که در نتیجه] خداوند بر آنان خشم کرده و همانا پیوسته و همیشه در عذاب خواهند بود».^۳ در آیات مختلف نیز تأکید شده که این سعادت و شقاوت حاصل عمل ارادی خود انسان هاست؛ از جمله آیه ۵۲ سوره یونس که می‌فرماید: ﴿هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ﴾ (آیا جز به آنچه انجام می‌دادید کیفر داده می‌شوید؟).

قرآن کریم علاوه بر ذکر جاودانگی وجود انسان به دلیل وجود روح الهی در او، در آیه ۷۰ سوره اسرا یادآوری می‌کند: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ (به تحقیق، فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم).

۱. چه بسا اشاره به تشکیل سلول‌های جنسی از خوراک آدمی باشد که خوراک او در نهایت از خاک برگرفته شده است؛ از گیاه باشد یا از حیوان.

۲. ﴿أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾. (سوره احقاف، آیه ۱۴)

۳. ﴿لَيْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ﴾. (سوره مائده، آیه ۸۰)

و بدین‌گونه کرامت ذاتی انسان‌ها را که به واسطه بُعد فرامادی او ایجاد شده، متذکر می‌گردد و در آیات دیگر بیان می‌کند که چون انسان موجودی صاحب اراده و اختیار است، می‌تواند استعداد بیکران خود را در مسیر تعالی خویش به کار گیرد و به آنجا برسد که به مغفرت و رحمت در جوار خداوند که جامع جمیع صفات کمال است برسد؛ «در جایگاه صدق، نزد خداوند مالک مقتدر». و می‌تواند به آنجا برسد که خداوند می‌فرماید: «همانا بدترین جنبدگان نزد خداوند انسانی است که حقیقت را نمی‌شنود و نمی‌گوید. این گروه تفکر نمی‌کنند».^۲

«بنابراین انسانی که علم و اراده خود را در مسیر امیال حیوانی به کار می‌گیرد، از نظر سیرت مانند حیوانی است که چهارپا راه می‌رود».^۳

مولوی به زیبایی می‌گوید:

ما به فلک بوده ایم یار ملک بوده ایم	باز همان جارویم جمله که آن شهر ماست
ما ز فلک برتریم وز ملک افزون تریم	زین دو چرا نگذریم منزل ما کبریاست
گوهر پاک از کجا عالم خاک از کجا	برچه فرود آمدیت بارکنید این چه جاست ^۴

شناخت روابط انسان با جنس دیگر (زن و مرد)

اکنون که به خود و حیات انسانی خود نگاهی کلی انداختیم، در مراتب جزئی‌تر، باید به ابعاد وجودی خویش نظر کنیم. از آنجاکه این کتاب به موضوع خانواده اختصاص یافته، به انسان از منظر جنسیت و نوع ارتباط میان زن و مرد توجه می‌کند.

خداوند برای تداوم حیات انسان و رشد و تعالی او، استعدادها و امکانات متعددی در اختیارش قرار داده تا با بهره‌گیری از آن استعدادها و امکانات، مسیر رشد و کمال را پییماید. نیازهایی را نیز در وجود او قرار داده که ابعاد مختلفی، از جمله جسمانی و عاطفی و روانی دارد. با گذشت زمان، انسان در مرحله‌ای از رشد، بالغ می‌شود و تحولات جدیدی نیز در او رخ می‌نماید.

با بلوغ و ظهور علائم ثانویه جنسی، تفاوت بین دختران و پسران آشکارتر شده و تغییرات

۱. «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ». (سوره قمر، آیه ۵۵)

۲. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّعْرُ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ». (سوره انفال، آیه ۲۲)

۳. نک: جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۵۰۳.

۴. مولانا، دیوان شمس، غزل شماره ۴۶۳.

ایجاد شده زمینه جذابیت هر جنس را برای جنس دیگر بیشتر می‌کند و تمایل به پیوند با او را به وجود می‌آورد. هم‌زمان با این تغییرات، با فعال شدن تخمک‌ها در دختران و اسپرم‌ها در پسران، بدن توانایی تولیدمثل را می‌یابد. این امر نشان می‌دهد که در مراتب کمال انسان، مرحله‌ای از رشد او با هدف فرزندآوری و دوام نسل بشر صورت می‌پذیرد.

«پس از بلوغ و هم‌زمان با تغییرات جسمانی، تحولات عاطفی و روانی نیز در فرد اتفاق می‌افتد. تفکر انتزاعی و توانایی استدلال در او رشد می‌کند، احساسات و هیجانات شدیدتر شده و گاه کنترل آنها دشوار می‌شود، تمایل به ارتباط با دوستان نیز تقویت شده و فرد مایل به استقلال از خانواده و ورود به روابط اجتماعی جدیدتر می‌شود. هم‌زمان با این تحولات و با ورود به دوره جوانی، نیازهای عاطفی و جنسی به جنس دیگر شدت می‌یابد؛ هرچند عوامل و محرک‌ها در شدت و ضعف این نیاز تأثیر دارد. این عوامل عبارت‌اند از:

یک. محرک‌های زیستی عصبی، همچون تأثیر نوع تغذیه؛

دو. محرک‌های محیطی ارتباطی که شامل دریافت حواس پنج‌گانه و به‌ویژه دریافت‌های دیداری، شنیداری و لمسی و نیز ارتباطات بین فردی و حضور اجتماعی در فضاهای گوناگون و همچنین استفاده از رسانه و فضای مجازی است. به عبارتی، دریافت‌های حسی که بار جنسی دارند بر هورمون‌های جنسی و منابع تحریک درونی اضافه شده و آنها را تشدید می‌کنند.

سه. محرک‌های ذهنی. گاه ذهن فرد تحت تأثیر محرک‌های دیداری یا شنیداری شروع به تصویرسازی می‌کند و منجر به تحریک جنسی می‌شود.^۱ در حقیقت، گاه میل جنسی مانند اشتها عمل می‌کند، نه نیاز زیستی و همان‌گونه که بسیاری از افرادی که گرسنه نیستند زمانی که بوی غذای خوش‌رایحه‌ای را استشمام می‌کنند یا لقمه غذای لذیذی را می‌چشند احساس گرسنگی و نیاز به غذا پیدا می‌کنند، برخی محرک‌های محیطی نیز میل جنسی افراد را تشدید می‌کنند.

انواع ارتباط در حوزه رفتارهای جنسی

از آنجاکه ارتباط با جنس دیگر پیامدهای گوناگونی دارد، ضوابطی برای این روابط تعیین می‌شود؛ ضوابطی که تأمین نیازهای جنسی و عاطفی را بیشتر تضمین می‌کند و حیات و

۱. نک: اصغری نکاح، تربیت جنسی کودک و نوجوان، ص ۲۱۷-۲۱۲.

سلامت و رشد و تعالی کودک حاصل از این روابط را نیز تأمین می‌نماید. در قرن بیستم با رواج لیبرالیسم و اهمیت آزادی‌های فردی، جریانی فکری ایجاد شد که معتقد بود انسان باید میل جنسی را هرگونه و به هر میزان که می‌خواهد سیراب کند، مگر جایی که با آزادی دیگران در تعارض باشد. یکی از کسانی که دیدگاه‌هایش در این تحول فکری مؤثر بود «زیگموند فروید» بود. وی تعارض‌های جنسی را دلیل اصلی تمام روان‌رنجوری‌ها می‌دانست و معتقد بود: «میل جنسی انگیزش اصلی رفتار افراد است».^۱

ایده فروید امروزه از سوی بسیاری از روانکاوان و روانشناسان ترویج می‌شود. گروهی از فمینیست‌ها نیز در ترویج آزادی‌خواهی جنسی نقش بسیار مهمی داشتند. فمینیست‌های رادیکال با هدف آزادی‌خواهی، خواستار رهایی زنان از محدودیت‌هایی بودند که مسئولیت ازدواج برای آنان فراهم می‌کرد. آنها با تأکید بر نقش خانواده در اسارت زن، خانه را منجلابی برای زن می‌دانند و به همین دلیل خواهان گسترش روابط جنسی آزاد زنان، ترویج هم‌جنس‌بازی آنان و آزادی سقط جنین‌اند.^۲

از دیگر عوامل مؤثر بر آزادی روابط جنسی، می‌توان به رسانه‌ها اشاره کرد: تفکری که لیبرالیسم اعتقادی در آمریکا و اروپا ایجاد کرد و توسط رسانه‌ها در بین عموم مردم رواج یافت.

«مهم‌ترین تأثیر رسانه‌های تصویری بر حوزه رفتارهای جنسی، عادی‌سازی روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج است. تحقیقاتی که درباره جوانان مبتلا به این نوع روابط انجام شده است، نشان می‌دهد این برنامه‌ها روابط جنسی را برای آنان به امری عادی بدل کرده و همین نکته سبب اقدام آنان به روابط جنسی بوده است».^۳ به‌گفته اندی بنت: «مشاهده این فیلم‌ها در جمع خانوادگی محیطی را فراهم می‌سازد که در آن نوجوانان [به‌ویژه دختران] از مسائل جنسی - که پیش‌تر حریم ممنوعه بود - آزادانه‌تر سخن بگویند».^۴ این

۱. «فروید در سال ۱۸۵۶م در شهر فریبگ (جمهوری چک) به دنیا آمد. مادر او زن سوم پدرش بود و پدر نیز فردی سخت‌گیر بود. فروید که کواکبین مصرف می‌کرد، با نوشتن مقاله‌ای در مورد آثار مفید کواکبین، موجب ایجاد انگیزه برای شیوع آن در اروپا و آمریکا گردید. او در زندگی شخصی با همسرش دچار مشکلات جنسی بود و از ترس بارداری همسرش، خود را از لذت جنسی با او محروم می‌ساخت. فروید در چهل سالگی دچار روان‌رنجوری شد و اختلالات روانی خود را به تراکم تنش جنسی مربوط دانست» (دوان. پ. و سیدنی الن شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۵۹-۵۰).

۲. بسیاری از فمینیست‌ها از جمله سیمون دوبووار در کتاب جنس دوم به این مطلب اشاره کرده‌اند.

۳. گروه تحقیقات مدیا اسکوپ، تأثیر رسانه‌ها بر رفتارهای جنسی جوانان، ص ۵۵.

۴. بنت، فرهنگ و زندگی روزمره، ص ۱۲۷.

خود سبب افزایش دغدغه‌های جنسی، عادی‌سازی روابط جنسی، کاهش حیا و در نتیجه موجب پایین آمدن سن روابط جنسی می‌شود.

«در این رسانه‌ها سریال‌هایی عرضه می‌شود که در صدد عقلانیت بخشی به خیانت زن و شوهر، روابط میان محارم و روابط بین افراد هم جنس بوده یا در پی نشان دادن موقعیت سلطه جویانه زنان در روابط جنسی‌اند. از سال ۲۰۰۵ م به بعد، موج گسترده‌ای نیز برای راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان ایجاد شد که همگی بر آن‌اند سبک‌زندگی زنان و مردان ایرانی و روابط بین آنها را دگرگون کنند»^۱. امروزه برخی نهادهای بین‌المللی نیز برای جهانی‌سازی اخلاق جنسی نوین، از طریق ایجاد تعهد برای کشورها، در پیوستن به معاهدات سازمان ملل و سپس نظارت بر اجرای این معاهدات تلاش گسترده‌ای انجام می‌دهند.

♦ برای مطالعه بیشتر

«در سال ۱۹۹۹ دولت یونان پیشنهادی از «کمیته رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل»، مبنی بر ضرورت آموزش جنسی و ارائه روش‌های جلوگیری از بارداری در محتوای درسی مدارس دریافت کرد. کشورهای ایرلند شمالی، قزاقستان، قرقیزستان، نپال، رومانی، فیلیپین، اسپانیا و ازبکستان نیز در سال ۲۰۰۰ مجبور به همکاری با «کمیته رفع تبعیض علیه زنان» شدند تا در راستای اهداف کمیته، به ارائه برنامه آموزش‌های جنسی و توزیع رایگان وسایل جلوگیری از بارداری بپردازند.

همچنین «کمیته رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل» در سال ۲۰۰۰ از دولت چین و در سال ۲۰۱۶ از دولت ترکیه درخواست عدم مجازات زنان خودفروش را مطرح کرد و کشورهایی چون روسیه، مکزیک، رومانی، فیلیپین و پرو نیز تحت فشار این کمیته قرار گرفتند تا فحشای با رضایت زن را قانونی نموده، روسپیان را مورد حمایت قانونی قرار دهند. دولت افغانستان نیز در سال ۲۰۱۳ تحت فشار قرار گرفت تا دخترانی که مرتکب فحشا و زنا می‌شوند مجازات نشوند.

از سویی این کمیته در سال ۱۹۹۹ به دولت قرقیزستان تذکر داد تا در آن کشور هم جنس‌بازی از مجازات مصون باشد. اعضای «کمیته رفع تبعیض علیه زنان»، از مقامات مکزیک، سوئد و ترکیه نیز خواستند که در آن کشورها هرگونه محدودیتی علیه همجنس‌بازان مرتفع گردد و نیز در سال ۲۰۱۵ از عراق درخواست کرد همجنس‌بازان در عراق آزاد بوده و در صورت تمایل گردهمایی و راهپیمایی داشته باشند. این کمیته در

۱. نک: شفیعی سروستانی، زن، نظام سلطه و رسانه‌ها، ص ۹۷.

سال ۲۰۱۳ به افغانستان و در سال ۲۰۱۴ به عراق و بحرین و نیز به دولت پاکستان تذکر داد که سقط جنین در آن کشورها باید آزاد باشد. قابل توجه آنکه در سال ۲۰۱۴ به بحرین تذکر داده شد تا ازدواج دختران زیر ۱۸ سال غیرقانونی اعلام شود.^۱

«کمیته حقوق کودک سازمان ملل نیز در سال ۲۰۱۵ به عراق فشار آورد تا دختران نوجوان دسترسی آزاد به خدمات سقط جنین داشته باشند و قابل توجه آنکه هم‌زمان در سال ۲۰۱۴ از اردن و در سال ۲۰۱۱ از بحرین تقاضا کرده ازدواج دختران نوجوان از نظر قانونی ممنوع گردد. این کمیته در سال ۲۰۱۵ از کشور عراق خواسته هم‌جنس‌بازی نوجوانان آزاد گردد و به افغانستان تذکر داده که باید نوجوانان بتوانند روابط جنسی آزاد و خارج از چهارچوب ازدواج داشته باشند».^۲

«کمیته حقوق بشر سازمان ملل و نیز کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این سازمان نیز در سال ۲۰۱۵ به عراق توصیه کرده‌اند هم‌جنس‌بازی زنان و مردان در این کشور آزاد باشد».^۳

فرهنگ مدرن جنسی که هم‌اکنون در جهان رواج پیدا کرده، صورت‌های مختلفی از رفتارهای جنسی را به رسمیت می‌شناسد: ارضای جنسی با غیرهم‌جنس در قالب ازدواج؛ ارضای جنسی در روابط آزاد با غیرهم‌جنس و در غیر قالب ازدواج که ممکن است به صورت ناپایدار و گذرا باشد یا درازمدت که از آن به «هم‌خانگی» تعبیر می‌شود؛ ارضای جنسی با هم‌جنس؛ ارضای جنسی با خویشتن (خودارضایی). اما اسلام ارضای نیاز جنسی را تنها در قالب ازدواج با غیرهم‌جنس، به رسمیت می‌شناسد و مشروع می‌داند و سایر رفتارها را انحراف و گناه معرفی می‌کند که به اختصار شرح داده می‌شود:

۱. خودارضایی

خودارضایی نوعی لذت‌جویی یا کام‌جویی بدلی است و شامل هر رفتاری است که فرد برای رسیدن به اوج لذت جنسی با خود انجام می‌دهد. این رفتار نوعی انحراف جنسی است که در دین مقدس اسلام حرام بوده و از گناهان کبیره شمرده می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

هرکس از راهی غیر از همسرش شهوتش را دفع کند از تجاوزکاران است.^۴

۱. پایگاه اینترنتی سازمان ملل متحد، گزارشات کمیته رفع تبعیض علیه زنان: <https://iran.un.org>.

۲. همان، گزارشات کمیته حقوق کودک.

۳. همان.

۴. «فَمَنْ ابْتَغَى زَوَاةَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَاذُونَ». (سوره مؤمنون، آیه ۷)

امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ به سؤالی درباره خودارضایی فرمود:

گناهی بزرگ است که خدای متعال در کتاب خود از آن نهی کرده است. و کسی که این عمل را انجام دهد، گویا با خودش ازدواج کرده است. اگر بدانم کسی این کار را می‌کند، هرگز با او غذا نمی‌خورم.

«برخی برای این عمل آثار مفیدی چون تخلیه انرژی‌های منفی را ذکر می‌کنند، ولی باید در نظر داشت این رفتار علاوه بر گناه، آثار سوء جسمی و روانی نیز در پی دارد؛ از جمله: صرف انرژی ذهنی و فکری در مسیر مخرب و غیرمفید و نیز ایجاد ضعف در برخی فعالیت‌های مغزی، همچون ضعف در حافظه کوتاه مدت یا ضعف در تمرکز»^۱، «بروز اختلال‌های جنسی مانند ضعف لذت در ارتباطات جنسی پس از ازدواج و کم شدن قدرت باروری، ضعف دستگاه عصبی و کنترل اعصاب، ایجاد برخی اختلال‌های خواب»^۲ و به تأخیر انداختن ازدواج. علاوه بر آن، این رفتار سبب ازدیاد عطش جنسی می‌شود و پس از ارضا، هرچند از نظر جنسی به نیاز پاسخ داده شده، نیاز روانی فرد ارضا نمی‌شود. حال آنکه انسان نیاز دارد در روابط جنسی هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی ارضا شود. افرادی که این کار را می‌کنند، معمولاً به این رفتار اعتیاد پیدا می‌کنند و ترک آن برایشان سخت خواهد بود. نتایج برخی از پژوهش‌هایی که به پیامدهای جسمانی خودارضایی پرداخته است به شرح زیر است:

«پژوهشگران معتقدند واکنش قلبی عروقی حاصل از استرس ناشی از خودارضایی در طولانی مدت می‌تواند به افزایش فشارخون منجر شود. مطالعه بر روی ۲۷۰۰ نفر نشان داد خودارضایی، اختلال در عملکرد پروستات را در پی دارد»^۳ همچنین بر اساس پژوهش دیگری خودارضایی، اختلال عملکرد جنسی را به دنبال دارد. این مسئله می‌تواند در زندگی زن‌اشویی آینده نیز تأثیر منفی بر جای بگذارد»^۴.

۱. «سُبُلُ الصَّادِقِ علیه السلام عَنِ الْقَضَائِي قَالَ: إِنَّهُ عَظِيمٌ قَدْ نَعَى اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ وَقَاعِلُهُ كِتَابُ نَفْسِهِ وَلَوْ عَلِمْتُ بِمَا يَفْعَلُهُ مَا أَكَلْتُ مَعَهُ». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰)

۲. «خودارضایی مکرر باعث تحریک بیش از حد سیستم عصبی پاراسمپاتیک و افزایش تخلیه استیل کولین از انتهای این رشته‌ها در مغز می‌شود که این خود موجب پاره‌ای از عوارض جسمانی و روانی است: همچون حواس پرتی، ضعف حافظه و عدم تمرکز حواس و...». (دیانت مقدم، آرامش طوفانی، ص ۳۰-۲۹)

۳. شریفی خضارتی و کیانی، انحرافات جنسی، مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی، ص ۲۳۵-۲۳۲.

4. Drabick, J.J., 1997. Dimitropoulou, P., A. Easton, D. pocock, R. 2009.

5. Costs, R.M. 2012.

پژوهش‌های دیگری پیامدهای روان‌شناختی خودارضایی را مورد مطالعه قرار داده‌اند.^۱ آنها نشان دادند خودارضایی با رضایت جنسی و سلامت روانی رابطه معکوس دارد. در پژوهش‌های دیگری نشان داده شده که خودارضایی طولانی مدت با افسردگی همراه است.^۲

نتایج پژوهش پری در سال ۲۰۱۹م^۳ که به مرور پژوهش‌های سال ۲۰۱۲م و ۲۰۱۴م پرداخته است نشان می‌دهد خودارضایی ارتباط معکوسی با شادکامی دارد.^۴

۲. هم‌جنس‌گرایی و ارتباط جنسی با هم‌جنس

هم‌جنس‌گرایان دو گونه‌اند: برخی از آنها افرادی هستند که به‌رغم هویت جنسی سالم، به ارتباط جنسی با هم‌جنس می‌پردازند؛ این افراد هم‌جنس‌باز دچار انحراف و گناه شده و مجرم محسوب می‌شوند؛ ولی تعداد اندکی از هم‌جنس‌گرایان دچار اختلال هویت جنسی هستند. این افراد به درمان نیاز دارند. افراد دارای اختلال هویت جنسی افرادی هستند که ارگان تناسلی طبیعی آنان پسرانه یا دخترانه است، اما به‌طور مداوم و شدید به اتخاذ وضعیت و نقش جنس متفاوت تمایل دارند.

این اختلال گاه علت فیزیولوژیک دارد که معمولاً با عمل جراحی و دارو درمان می‌شود. دکتر جوزف نیکولوسی^۵ و دکتر لیندا ایمز نیکولوسی^۶، متخصصان حرفه‌ای درمان هم‌جنس‌گرایی در سطح بین‌المللی، می‌گویند: «متخصصان گزارش کرده‌اند که افراد دارای اختلال جنسیتی، که گمان می‌رود مشکلی زیست‌شناختی داشته باشند، قطعاً به‌نوعی غیرمنتظره و به‌خوبی به مداخله درمانی پاسخ می‌دهند».^۷ علت اختلال هویت جنسی در برخی نیز روانی است که فرد می‌بایست با کسب اطلاعات، اراده قوی و استفاده از راهنمای مشاوره متعهد، وضعیت خویش را اصلاح کند. در هر صورت مطابق قانون، رابطه جنسی هر فرد باید با جنس متفاوت با جنسیت ظاهری خودش، آن هم در قالب ازدواج باشد. در

1. Brody, L.R, 2009.

2. Husted, J.R, & Edwards, A, 2004.

3. Perry, S.L.

۴. زارعی توپخانه و چراغیان، تربیت جنسی و ازدواج جوانان، ص ۷۰-۶۹.

5. Joseph Nicolosi, Nicolosi.

6. Nicolosi, Linda Ames Nicolosi.

۷. نیکولوسی، فهم هم‌جنس‌گرایی و راهنمایی والدین برای پیشگیری از آن، ص ۷۰.

غیر این صورت، آن رابطه حرام است و فردی که مرتکب این عمل شود، مجازات می‌شود. آیات و روایات بسیاری بر حرمت رابطه جنسی با هم‌جنس تأکید دارند. برای مثال، آیاتی که به قوم «لوط» اشاره دارد،^۱ زشتی هم‌جنس‌بازی مردان و عذاب الهی مربوط به آن را گوشزد می‌کند. در یکی از این آیات می‌خوانیم: «بر آن قوم بارشی [از سنگ] بارانندیم. بنگر که عاقبت کار بدکاران چیست».^۲

در آیاتی نیز که به قوم «رس» اشاره شده، بر زشتی ارتباط جنسی زنان با یکدیگر (مساحقه) و عذاب الهی آن تأکید شده است.^۳ در روایات متعددی نیز به صراحت آمده:

زنانی که هم‌جنس‌بازی می‌کنند، در روز قیامت با لباس‌های آکنده از آتش

محشور می‌شوند و در این دنیا حد زنا [صد ضربه شلاق] بر آنها جاری می‌شود.^۴

قانون مجازات اسلامی ایران در ماده ۲۳۴، مجازات هم‌جنس‌بازی مردان را مرگ و در ماده ۲۳۹ مجازات هم‌جنس‌بازی زنان را صد ضربه شلاق اعلام کرده است.^۵

بر مبنای دیدگاه اسلام خداوند در نظام آفرینش، هر لذتی را بر مبنای هدفی خاص قرار داده است. امور جنسی نیز همراه لذت است؛ اما یکی از اهداف مهم آن تولید نسل و بقای آن است. این امر با هم‌جنس‌بازی محقق نمی‌شود، بلکه این رفتار نوعی انحراف در امور جنسی است. اما در نظام فکری لیبرال، اصل در شریک جنسی، داشتن لذت است و خود لذت هدف غایی است؛ به همین دلیل لذت موردنظر آنها هدفی ندارد.^۶

به نوشته بسیاری از مجلات پزشکی و علمی، هم‌جنس‌بازان برخی بیماری‌ها را چند برابر بیش از افراد غیرهم‌جنس‌خواه دارند: ایدز پنج هزار برابر و سفلیس، سوزاک، هپاتیت، سرطان سینه و سرطان رحم نیز چندین برابر.^۷

۱. سوره‌های اعراف، هود، نمل، حجر، انبیا، حج، شعرا و عنکبوت.

۲. سوره اعراف، آیه ۸۴ و ۲۸-۳۰ و ۸۱-۸۰؛ سوره نمل، آیه ۵۵.

۳. سوره ق، آیه ۱۲؛ سوره فرقان، آیه ۳۸.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۶۳.

۵. تبصره ۲ مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی اعلام می‌کند: «در مواردی با اثبات توبه مجرم، مجازات ساقط می‌شود».

۶. نک: فرهنگند، فمینیسم و لژیونیسیم، ص ۱۴۴؛ به نقل از prahn, 2000, p. 21: «فریود روانشناس مشهور می‌گوید: همجنس‌گرایی نمی‌تواند به عنوان بیماری تلقی شود؛ بلکه باید آن را نوعی توسعه در روابط جنسی بدانیم».

7. Cameron et al, 1993: 292-299, CF, Associated press, 1999, (Marazo, 1998: 1604).

۳. روابط با جنس دیگر خارج از چهارچوب ازدواج

به ارتباط جنسی شخص با دیگری (غیر هم جنس) بدون پیمان همسری، «رابطه خارج از چهارچوب ازدواج» گفته می شود. این رفتار در تمامی ادیان آسمانی گناه محسوب می شود. اسلام رابطه جنسی خارج از چهارچوب ازدواج را گناه برشمرده و خداوند در قرآن می فرماید:

به زنا نزدیک نشوید که همانا زنا زشتی آشکار است و بد مسیری است....^۱

در آیه مذکور نه تنها از اقدام به زنا، که حتی از نزدیک شدن به آن هم نهی شده؛ زیرا به دلیل شدت میل جنسی، چه بسا افراد اگر به زنا نزدیک شوند و خود را از محیط های محرک دور نسازند، اختیار از کف دهند و اقدام به این رفتار غیراخلاقی و حرام کنند. در آیه ای دیگر می خوانیم:

زنان و مردان زناکار را صد ضربه بزنید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. مبادا که در حکم خدا درباره آن دو دچار ترحم گردید و باید هنگام مجازات آنان، گروهی از مؤمنان حاضر باشند.^۲

حضرت علی (ع) نیز درباره عذاب اخروی فردی که رابطه جنسی نامشروع دارد، می فرماید: زناکار در آخرت با بد محاسبه ای روبه رو خواهد شد؛ خداوند مهربان بر او خشم می گیرد و در آتش جاودانه خواهد بود.^۳

در روایات، حکمت تعیین مجازات و اصرار بر اجرای آن، پاک سازی مجرم از آلودگی و گناه، و پیشگیری از فراگیر شدن جرم در جامعه عنوان شده است. در حقیقت از آنجاکه بُعد فرامادی انسان اصالت دارد و فانی نخواهد شد، جسم مادی انسان پس از انحراف از مسیر زیر فشار قرار گرفته، به سوی طهارت روح بازگردانده می شود تا پس از مشقتی موقت، از سعادت ابدی بهره مند شود.

۱. «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا». (سوره اسرا آیه ۳۲)
 ۲. «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». سوره نور، آیه ۲.
 ۳. «إِيَّاكُمْ وَالزَّانِيَةَ فَإِنَّ فِيهِ سِتًّا خِصَالٍ: ... فَسُوءُ الْحِسَابِ وَسَخَطُ الرَّحْمَنِ وَخُلُودٌ فِي النَّارِ...» (شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۸۰). ماده ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی مجازات زنا را صد ضربه شلاق بیان کرده است و ماده ۲۲۸ مجازات مرد یا زن متأهل را که همسرش در دسترس باشد و امکان رابطه جنسی با او را داشته باشد، ولی با وجود این، زنا نماید، مرگ اعلام کرده است (البته در مواردی با اثبات برخی دلایل در دادگاه، تخفیف در مجازات امکان پذیر است). در ماده ۲۳۱ این قانون آمده است: مرد و زنی که وادار به زنا شوند، مجازات نمی شوند و آن که با دیگری به زور زنا کرده، حتی اگر مجرد باشد، محکوم به قتل است.

از آنجاکه متاسفانه روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج در جهان رو به ازدیاد است و برای ترویج این رفتار تلاش می‌شود، این موضوع بیشتر مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد. برخی عوامل مؤثر در گسترش ارتباط با جنس دیگر خارج از چهارچوب ازدواج، عبارت است از: پایبند نبودن به ارزش‌های دینی؛ تأثیر گرفتن از سبک زندگی غربی و خودباختگی در مقابل تمام ابعاد این نوع زندگی؛ افزایش فناوری‌های ارتباطی و ارتباطات گسترده میان فرهنگی، به ویژه از طریق رسانه‌های جهانی همچون ماهواره و اینترنت؛ فشار همسالان؛ هیجان خواهی و تنوع طلبی؛ لذت طلبی بدون عاقبت اندیشی درباره پیامدهای گریزناپذیر آن؛ نداشتن اعتماد به نفس و ناتوانی در مهارت «نه گفتن»؛ انگیزه‌های مالی برای برخی دختران^۱.

۱-۳. روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج و بدون زندگی مشترک

روابط با جنس دیگر انواع مختلف دارد: گاه رابطه فقط در محدوده روابط عاطفی با فردی، همراه با خویش شدن داری جنسی است، و گاهی در قالب دوستی‌های اجتماعی است که در آن عشق مطرح نمی‌شود، ولی در موارد بسیاری به رابطه جنسی می‌انجامد. این نوع دوستی‌ها شبیه «چندهمسری پنهان» است که قواعد ازدواج را هم برنمی‌تابد و مشخصه بارز آن رابطه‌های اجتماعی بسیار با جنس دیگر است. معمولاً دوام این رابطه‌ها به دروغ‌هایی بستگی دارد که طرفین با موفقیت به یکدیگر می‌گویند.

در دوستی‌های اجتماعی با جنس دیگر از آنجاکه کشش غریزه جنسی بسیار قوی است، فرد با انتخاب خویش، با برخی رابطه جنسی برقرار می‌کند و با برخی فقط رابطه دوستی دارد. افرادی که خواهان «تنوع بیشتر»، «تعهد کمتر» و «آزادی بیشتر» در روابط با جنس دیگر هستند، معمولاً از این نوع دوستی‌های اجتماعی بیشتر استقبال می‌کنند. در این روابط عنصر پول، نه به صورت مستقیم که بیشتر در نقش هدیه و تبادل هدایا نقش دارد و دختران به بهانه روز تولد و... هدایایی دریافت می‌کنند. برای پسران نیز معمولاً تنوع جنسی لذت بخش است. گاهی نیز روابط خارج از چهارچوب ازدواج، بدون دوستی‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. این نوع ارتباط در برخی جوامع لیبرال رواج فراوان دارد. این روابط به معنای رابطه جنسی بر اساس میل و اراده خود فرد و رضایت طرف مقابل است و به جز رضایت زن و مرد، محدودیت دیگری را نمی‌پذیرد و بر پایه آزادی در رفتار است. از آنجاکه «انتخاب‌ها آزاد،

۱. در اصطلاح به این عمل «تیغ زدن» گفته می‌شود.

ولی پیامدهای آن اجباری است» باید پیامد این نوع روابط را مورد توجه قرار داد. این نوع روابط، پیامدهای آسیب‌زای فراوانی دارد که برخی از آنها از این قرار است:

یک. آسیب‌های روانی: زیاده‌روی در ارضای غریزه جنسی نه تنها باعث ارضای کامل نمی‌شود، بلکه آسیب‌زا نیز خواهد بود. به تعبیر شهید مطهری: «در این مورد هرچه عرصه بیشتر گردد، هوس و میل به تنوع افزایش می‌یابد».^۱ «از آنجاکه هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود و تقاضای نامحدود، خواه ناخواه انجام نشدنی است، همیشه نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها با آن همراه است که این امر به اختلالات روحی و آسیب‌های روانی می‌انجامد».^۲

دو. کاهش ازدواج و محرومیت از منافع آن: «ارتباط آزاد با جنس مخالف سبب کاهش ازدواج در جامعه خواهد شد؛ زیرا بر اساس منطق مبادله، هنگامی که افراد به راحتی و با صرف هزینه اندک، امکان رسیدن به اهداف مورد نظر خویش را داشته باشند و بتوانند از این طریق خود را ارضا کنند، انگیزه زیادی برای جایگزینی شیوه‌های همراه با مسئولیت [همچون ازدواج] نخواهند داشت».^۳

الیزابت فاکس جنووویس،^۴ کارشناس مسائل زنان، در بیان وضعیت آمریکا می‌گوید: تعداد زیادی از زنان جوان، هرچند به اشتباه، از رابطه جنسی و تن دادن به آن - و نه خویش‌داری جنسی - برای شیفته و مجذوب کردن مرد استفاده کردند. افزایش چشمگیر تولد کودکان نامشروع و کاهش نرخ ازدواج، حاکی از محاسبه اشتباه این زنان است؛ اما زنان جوانی هم که پایبند به هنجارهای سنتی و قواعد اخلاقی بودند، وضع بهتری نداشتند؛ زیرا مردان با دسترسی آسان به زنانی که مخالفتی با رابطه جنسی قبل از ازدواج نداشتند، انگیزه خود را برای پذیرش تقاضای زنانی که رابطه جنسی را بهای ازدواج می‌دانستند، از دست دادند. تعجیبی ندارد مردان جوانی که می‌توانند بدون ازدواج از رابطه جنسی برخوردار باشند، ازدواج را به تأخیر انداخته و یا به طور کلی از آن صرف نظر نمایند.^۵

۱. شهید مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۸۷-۸۴.

۳. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۲۲.

4. Elizabeth fox Genovese.

۵. جنووویس، «زنان و آینده خانواده»، ص ۲۳۷.

در نتیجه بسیاری از مردان و زنان از لذت پیوند عاطفی با همسر و بهره‌مندی از آرامش حاصل از این موّدت و محبت، و همچنین از رسیدن به کمال و بالندگی حاصل از ازدواج محروم می‌شوند.

دکتر آیان کرنر^۱، مشهورترین مشاور امور جنسی در آمریکا، خطاب به زنان می‌نویسد: «هرچه رابطه جنسی آزادتر باشد، رضایت و شادمانی عاطفی کمتری احساس می‌کنید».

جرج گیلدر^۲ نیز یادآور می‌شود: «شواهد نشان می‌دهد مردان نیز وقتی ازدواج کرده و احساسات خود را یک‌جا متمرکز می‌کنند، زندگی بهتری دارند».

سه. سردی روابط همسران: به دلیل عرضه گسترده جاذبه‌های جنسی زنان و سهولت ارضای جنسی مردان با هر زنی، روابط عاطفی بسیاری از زن و شوهرها سرد و کم‌رنگ می‌شود. در بسیاری از پیوندها از عشقی آتشین خبری نیست. مردان به اندک تمایلی جسم زن را در اختیار دارند و زنان لطف تمنای پُررنج مرد را برای وصال با خود نمی‌چشند. پس از ازدواج نیز بسیاری از زن و شوهرها به انحصار روابط جنسی همسر خود با خویشتن اعتمادی ندارند؛ حال آنکه قوی‌ترین عامل در استحکام روابط همسران، اعتماد به همسر در وفاداری جنسی است. «در مطالعه ترکیبی که در سال ۱۳۹۰، در فاز اول ۲۰۳۱ نفر و در فاز دوم ۹۲ نفر از افراد ۱۸ تا ۴۰ ساله از بین دانشجویان متأهل هفت دانشگاه انجام پذیرفت مشخص شد احتمال طلاق در کسانی که قبل از ازدواج روابط پیشرفته با همسرشان داشته‌اند، ۳/۱۸ برابر و در کسانی که قبل از ازدواج روابط پیشرفته با غیرهمسر داشته‌اند ۳/۶۳ برابر بیشتر از افرادی است که قبل از ازدواج رابطه پیشرفته با فردی نداشته‌اند».^۳

«مطالعه‌ای در آمریکا که بر روی بیش از هفت هزار مرد و زن (یک‌بار در ۱۸ سالگی و بار دوم در ۳۸ سالگی آنها) صورت گرفت، نشان داد کسانی که تا پیش از ازدواج پاک‌دامنی خود را حفظ می‌کنند، نسبت به بقیه افراد ۵۰ درصد کمتر در معرض «طلاق» قرار می‌گیرند. همچنین «میانگین درآمد» آنها ۲۰ درصد بیشتر از دیگران است و در زمینه «تحصیلی» نیز به مدارج عالی‌تری می‌رسند. در ضمن، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هرچه روابط جنسی

۱. Ian Comer.

۲. George Gilder.

۳. نک: خلج‌آبادی فراهانی و دیگران، «تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج به احتمال طلاق، در بین افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی».

قبل از ازدواج کمتر باشد، زندگی مشترک پایدارتر است و فرد نیز خوشبخت‌تر، سالم‌تر و موفق‌تر است»^۱.

وندی شلیت^۲ می‌گوید: «مادران تنها، فرزندان رها شده، قلب‌های شکسته، بیماری‌های جنسی و هرج و مرج احساسات و همچنین سقط جنین، حاصل روابط جنسی مدرن است»^۳. چهار. تنزل جایگاه زنان: در جوامعی که روابط آزاد با جنس مخالف شایع است، جایگاه بسیاری از زنان، از انسانی محترم به کالای جنسی عمومی تنزل می‌یابد؛ به گونه‌ای که مردان به بسیاری از زنان به چشم کالا می‌نگرند تا از آن بهره‌برند و سپس او را رها کنند. «تحقیقات نشان می‌دهد نگاه به زن به عنوان ابزار جنسی می‌تواند در زنان منجر به نارضایتی از جسم خود، اختلال‌های غذایی، پایین آمدن عزت نفس، احساس افسردگی و حتی مشکلات جسمی در دختران و زنان جوان شود. چراکه در جوامعی که اخلاق مدرن جنسی گسترش یافته، معیار اصلی در برقراری ارتباط با جنس مخالف، جاذبه‌های جسمانی زنان است؛ از این رو، آنان با تمرکز بر جسم خویش جهت جذب جنس مخالف، دچار آسیب‌های مربوط به سلامت شده‌اند. رژیم‌های غذایی افراطی برای داشتن اندامی جذاب، از جمله این آسیب‌هاست. در این رقابت، تعدادی از دختران به معیارهای مطلوب خود در حفظ ظاهر و اندام دست می‌یابند و برخی نیز با برداشت منفی از ظاهر خود، شادمانی روحی خویش را از کف می‌دهند»^۴. علاوه بر آن در جامعه‌ای که رابطه آزاد با جنس مخالف رواج دارد، زنان عقیف آسیب بیشتری می‌بینند»^۵.

خانم جینا لمبروزو،^۶ روان‌شناس معروف ایتالیایی می‌گوید:

اینکه گفته شود غرایز جنسی آزاد گذاشته شود و هرکس که مشتاق لذات و هوسرانی است، در پیروی از امیال خویش افسارگسیخته گردد، اگرچه در ظاهر

۱. شلیت و دموس، دختران به عفاف روی می‌آورند، ص ۴۲-۴۱.

۲. وندی شلیت متولد ۱۹۷۵م. در ایالت ویسکانسین آمریکا است. او که فارغ التحصیل رشته فلسفه از دانشکده ویلیامز است، سعی کرده با شواهد دقیق مشکلات ناشی از بی‌توجهی به عفاف را در جامعه آمریکا بررسی کند و به نقش اساسی عفاف در سلامت فرد و جامعه بپردازد.

۳. نک: پاسنو، شلیت و دیگران، «فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳».

4. Report of the Special Rapporteur on violence against Women, its causes and consequences, Ms. Rashida Manjoo 2015.65.

۵. نک: لوی و کبیر، تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب، ص ۱۰۴.

6. Gina Lombroso.

مطلوب است، ولی برای زنان آسیب‌زاست؛ چراکه زنان دل‌ربا و فریبنده به آسانی قادر بر تصاحب شوهر دیگران می‌شوند و زنان پارسا شاهد از دست دادن همسران خود می‌گردند و سرانجام در این عالم، بین زنان پارسا و تبه‌کار فرقی نباشد. ارتباط آزاد، سعادت ناچیزی نصیب زنان مردنما می‌نماید و در عوض، آنهایی که دارای حس مادری و آرزوهای بلند اجتماعی هستند، از بین رفته و نابود می‌گردند. سزاوار نیست زنانی که درخور تحسین‌اند، به خاطر عده‌ای محدود فدا شوند. قوانین معمول ملل جهان نیز همین است که نباید مصالح اکثریت، فدای لذات قلیلی شود. تردیدی نیست که بهترین راه حل همان راهی است که پیشینیان انتخاب نموده‌اند؛ یعنی زناشویی.^۱

پنج. گسترش سوءاستفاده جنسی: آشکار ساختن جاذبه‌های جنسی از سوی زنان به تحریک جنسی مردان منجر می‌شود و چون قدرت جسمانی آنان بیشتر است، خشونت‌های جنسی علیه زنان، در محیط تحصیل و کار و جامعه گسترش می‌یابد. ویلیام گاردنر^۲ می‌گوید: بدون وجود ازدواج و خانواده جهت تنظیم میل جنسی، دچار آشفته‌بازاری از روابط جنسی خواهیم شد که در آن انسان‌ها به حیواناتی جفت‌جو تبدیل می‌شوند که تحریکات جنسی برای آنها همه‌چیز، و تعهد و مسئولیت هیچ است.^۳ شش. دغدغه دائمی برای برآوردن نیاز جنسی: روابط جنسی خارج از محدوده خانواده، زودگذر و موقت است و فرد برای استمرار رابطه متعهد نمی‌گردد؛ از این رو، بسیاری از زنان و مردان زمان بسیاری صرف می‌کنند تا شریک جنسی جدیدی بیابند که البته با او نیز تعهد روابط مستمر ندارند. به همین دلیل، همواره نگران نیاز جنسی سیری‌ناپذیر خود هستند که آیا در آینده نیز پاسخ‌گویی برای آن می‌یابند یا خیر.

هفت. گسترش سقط جنین و تولد فرزندان محروم از حمایت پدر: ارتباط جنسی می‌تواند به بارداری دختر منجر شود. اگر او جنین را سقط کند، مرتکب جنایت علیه انسان کوچک بی‌پناهی شده است، و اگر آن را نگه دارد، انتساب او به مادر روشن است، ولی اثبات پدری

۱. لمبروزو، روان‌شناسی زن، ص ۱۱۵-۱۱۳.

۲. ویلیام گاردنر (William Gardner) دارای مدرک دکترای ادبیات انگلیسی از دانشگاه استنفورد آمریکاست. او از سال ۱۹۷۱م در همین دانشگاه و نیز در دانشگاه یورک به تدریس پرداخت و دارای کتاب‌ها و مقالات متعدد در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.

۳. گاردنر، جنگ علیه خانواده، ص ۸۸.

مرد قطعی نیست؛^۱ زیرا هیچ قرارداد الزام‌آوری این زن را از ارتباط با سایر مردان باز نداشته است. حال اگر مادر سرپرستی کودک را بپذیرد، محکوم به پذیرش سرپرستی فرزندی بدون حمایت پدر خواهد بود و اگر نپذیرد، لذتی کوتاه مدت سبب عمری رنج کودکی بی سرپرست خواهد شد. امروزه مسئله مادران مجرد و کودکان تک‌والد یکی از معضلات اجتماعی غرب است.

هشت. **گسترش بیماری‌های جنسی:** روابط آزاد جنسی، به رواج بیماری‌های جنسی، به ویژه ایدز، منجر شده است؛ از این رو در جوامع آزاد از آغاز بلوغ به نوجوانان شیوه‌های ارتباط جنسی ایمن آموزش داده می‌شود. «متأسفانه، این آموزش‌ها برای جوانانی که از ترس ابتلا به ایدز و سایر بیماری‌های مقاربتی از روابط آزاد پرهیز می‌کردند، اطمینان خاطر ایجاد کرد که سلامت آنها در خطر نیست؛ در نتیجه، این روابط گسترش بیشتری پیدا کرد. علاوه بر آن، اگرچه آموزش شیوه‌های ارتباط جنسی ایمن تا حدی برای مراقبت‌های بهداشتی مفید بود؛ اما دیگر عوارض روان‌شناختی، خانوادگی و اجتماعی روابط پیش از ازدواج را از بین نبرد و گسترش داد.^۲

نه. **توجه افراطی به مسائل جنسی:** در جامعه‌ای که تحریک جنسی فراوان باشد، بسیاری از افراد در مدتی طولانی متوجه مسائل جنسی‌اند، بی‌آنکه به مسائل عمیق و سازنده بیندیشند. در این محیط‌ها فعالیت‌های علمی و حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی کاهش می‌یابد؛ از این رو امروزه مهم‌ترین دلیلی که برخی کشورها برای حمایت از تأسیس محیط‌های علمی تک‌جنسیتی مطرح می‌کنند، کمک به رشد علمی دانش‌پژوهان است. برای نمونه «در اواخر دهه پایانی قرن بیستم، کشور سوئد به کمیته رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل گزارش داد: دولت سوئد معتقد است که در صورت جداسازی دختران و پسران، دانش‌آموزان بهره علمی بالاتری خواهند برد.^۳

ده. **بی‌توجهی به بسیاری از نیازهای انسانی:** اخلاق نوین جنسی، بسیاری از نیازهای غریزی آدمی را نادیده می‌گیرد؛ از جمله:

۱. آزمایش‌های ژنتیک می‌تواند عدم انتساب فرزند به مردی را اثبات کند، ولی انتساب او به مرد را به صورت قطعی اثبات نخواهد کرد.

2. A. Social representations concerning sexual abstinence and the condom as prevention mechanism. 2012, p491-501.

۳. طاهری، بررسی اسناد بین‌المللی حقوق زنان، ص ۸۱.

یک. نیاز غریزی به عشق ورزیدن و معشوق واقع شدن. این حس در محیط آکنده از هوس‌های موقت و هرجایی شکل نخواهد گرفت؛
 دو. نیاز غریزی به حیا و عفت‌ورزی و بسیاری از ارزش‌های اخلاقی دیگر؛
 سه. نیاز غریزی به مهرورزیدن پدرانه و مادرانه.
 یازده. بروز آسیب‌های معنوی: روابط آزاد زن و مرد از مصادیق شهوت‌رانی شمرده می‌شود. بر اساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام، شهوت گذرگاه شیطان، سرسخت‌ترین دشمنان، فاسدکننده دین^۱ و بیمارکننده عقل است^۲ و افسوس در قیامت را به دنبال دارد.^۳ کسی که عقل او بر شهوتش غلبه کند، برتر از ملائکه می‌گردد و کسی که شهوت او بر عقلش غلبه کند، از چهارپایان پست‌تر خواهد شد.^۴
 شاعر گران قدر مولوی گوید:

این جهان کوه است و فعل مانند / سوی ما آید نداها را صدا
 مار شهوت را بکش در ابتدا / ورنه اینک گشت مارت اژدها^۵

♦ برای مطالعه بیشتر

گزارش ملی کشورهای اروپایی به سازمان ملل، اعتراف دولتمردان این کشورها به شیوع گسترده فجایع جنسی در کشورهایی است که به تأمین آزادی در رفتارهای جنسی بیشترین تعهد را دارند.^۶ نمونه‌هایی از این گزارش‌ها عبارت است از:
 ۱. گزارش ملی کشور انگلستان به CEDAW^۷ در سال ۲۰۰۸ م:
 - در انگلستان خشونت‌های خانگی و جنسی علیه دختران و زنان ادامه دارد؛
 - قاچاق دختران و زنان در حال فزونی است؛
 - طبق بررسی‌های اتحادیه دانشجویان انگلیس، از هر ده دانشجو چهار نفر اعلام کرده‌اند که دست‌کم یک بار هدف آزار و اذیت و بدرفتاری جنسی قرار گرفته‌اند. گزارشگر

۱. «طَاعَةُ الشَّهْوَةِ تُقْسِدُ الدِّينَ». (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۳۴۴)

۲. «قَرِینُ الشَّهْوَةِ مَرِیضُ النَّفْسِ مَغْلُولُ الْعَقْلِ». (همان، ص ۳۴۶)

۳. «مَا لَنْدَأْ أَحَدٌ مِنَ الدُّنْيَا لَذَّةً إِلَّا كَانَتْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عُصَّةٌ». (همان، ص ۳۴۷)

۴. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۵۱.

۵. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول.

۶. نک: یوسف‌زاده، نقض حقوق زنان و کودکان در اتحادیه اروپا.

۷. «کمیتة رفع تبعیض علیه زنان در سازمان ملل» با نام اختصاری CEDAW شناخته می‌شود. همه کشورهای جهان که به معاهده بین‌المللی «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» ملحق شده‌اند، موظف‌اند وضعیت زنان را در کشور خود به این کمیته گزارش دهند. بنابراین گزارش‌های یادشده، اعلام وضعیت زنان این کشورها از سوی دستگاه‌های رسمی و دولتی آن کشورها است.

ویژه خشونت علیه زنان سازمان ملل در گزارش از وضعیت زنان در انگلستان، در سال ۲۰۱۴م اعلام کرد در سال ۲۰۱۳م، ۶۰۸۹۴ مورد تجاوز جنسی در انگلستان گزارش شده که نسبت به سال ۲۰۱۲م، ۱۷ درصد افزایش داشته است.^۱ از سوی دیگر، تنها در شهر لندن و در سال ۲۰۱۳م، ۴۲ درصد از زنان جوان بین ۱۶ تا ۱۸ سال، آزارهای جنسی را تجربه کرده‌اند. دختران با سن ۱۶ تا ۱۸ سال در بالاترین سطح از خطر تجاوز جنسی قرار دارند، در حالی که زنان در سن ۱۸ تا ۲۹ سال در معرض بیشترین تهدیدها و توهین‌ها در اینترنت هستند.^۲

طبق اظهارات شورای مرکزی پلیس ملی انگلستان، تعداد مظنونان که در ارتباط با پرونده جنجالی آزار و اذیت جنسی کودکان بازجویی شده‌اند، به بیش از ۲۲۲۰ نفر رسیده است. طی سه سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵م بیش از ۵۵۰۰ مورد جرم جنسی در مدارس بریتانیا به پلیس گزارش شده است. این اطلاعات نشان می‌دهد که در این دوره سه ساله حدود چهار هزار مورد اتهام آزار جنسی و بیش از ششصد مورد تجاوز در مدارس این کشور (که مختلط است) گزارش شده است. بر اساس این گزارش، بیش از ۱۵۰۰ قربانی کمتر از سیزده سال سن داشته‌اند. پلیس این جرائم جنسی را طی این سه سال تحصیلی ثبت کرده است. جان براون، مدیر برنامه‌های «ضد سوءاستفاده جنسی» در انجمن ملی جلوگیری از ظلم به کودکان، گفت: «این آمار واقعاً نگران‌کننده است، به ویژه زمانی که قربانیان خیلی کم سن هستند و این تعرضات در ساختمان مدرسه انجام شده است. این آمار برای ما جای تعجب نداشت، زیرا تحقیقات قبلی این مؤسسه حاکی از گسترش میزان سوءاستفاده جنسی میان افراد جوان بود. ما می‌دانیم دسترسی برخی از دانش‌آموزان که سن بیشتری دارند به تصاویر غیراخلاقی تأثیر مخربی بر دیدگاه آنها دارد و دانش‌آموزانی که در مدارس ابتدایی هستند، فعالیت‌های جنسی را که می‌بینند، تکرار می‌کنند».^۳

۲. گزارش ملی کشور آلمان به CEDAW در سال ۲۰۰۴م:

- زن در رسانه‌ها و تبلیغات به عنوان کالایی جنسی نشان داده می‌شود؛^۴

- زنان در آلمان مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند.^۵

۳. گزارش دولت فرانسه از وضعیت کودکان در این کشور در سال ۲۰۰۶م و گزارش ویژه فروش و هرزه‌نگاری کودکان در سال ۲۰۰۲م:

1. www.ons.gov.uk, ons, dcp171778-360216.pdf, p.39.18. - Report of the Special Rapporteur on violence against Women, its causes and consequences, Ms. Rashida Manjoo, 2015.
2. www.nspcc.org.uk qualitative-study-children-young-people- Report of the Special Rapporteur on violence against Women, its causes and consequences, Ms. Rashida Manjoo, 2015.
3. <http://www.ucl.ac.uk/jdibrief/crime/sexual-abuse-in-schools>.
4. A/59/38, Par 384.
5. ibid: Par 400.

- آمار فحشا در حال افزایش است؛

- گزارشگر ویژه فروش، فحشا و پورنوگرافی کودکان سازمان ملل در گزارش از فرانسه در سال ۲۰۱۲ م اعلام کرد که صاحب نظران فرانسوی نگران بلوغ جنسی زودرس کودکان هستند که نتیجه قرار گرفتن در معرض مطالب مستهجن است. این امر سبب افزایش تعداد حملات جنسی به نوجوانان، افزایش نرخ سقط جنین در آنها و استفاده از قرص های پیشگیری از بارداری و در دسترس بودن عکس های مستهجن و ویدئوهای از اقدامات جنسی نوجوانان شده است.^۱ در فرانسه در سال ۲۰۰۲ م، گزارشگر ویژه دفتر مرکزی مبارزه با قاچاق انسان در فرانسه ادعا کرده است که بین ۱۵۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰ روسپی شناخته شده در فرانسه وجود دارد که نیمی از آنها در مکان های عمومی پاریس، مانند خیابان ها، کار می کنند.^۲

- مرکز مطالعات خانواده IFS و مرکز روندهای اجتماعی STI دو مرکز بین المللی ذیل مراکز مربوط به سازمان ملل، در گزارش سال ۲۰۱۵ م اعلام کردند: «۵۷ درصد افراد متولد شده در فرانسه، حاصل تولدهای خارج از تأهل (نامشروع) هستند».

۴. پایگاه فهرست های شگفت انگیز، فهرستی را با عنوان ده کشوری که دارای بیشترین آمار آزار و اذیت جنسی هستند، منتشر کرد که در آن به ترتیب آفریقای جنوبی، سوئد و ایالات متحده آمریکا طی سال ۲۰۱۷ م بیشترین میزان تجاوز در جهان را داشته اند. بر اساس این گزارش، سوئد از جمله کشورهایی است که میزان جرائم جنسی در آن رو به افزایش است. در سال ۱۹۷۵ م حدود ۲۴۱ مورد پرونده مرتبط با آزار و اذیت های جنسی در این کشور به پلیس گزارش شده بود اما این آمار در سال ۲۰۱۴ م به ۶۶۲۰ مورد رسیده است.

- مرکز مطالعات خانواده IFS و مرکز روندهای اجتماعی STI مربوط به سازمان ملل، در گزارش سال ۲۰۱۵ م اعلام کردند: «۵۴ درصد افراد متولد شده در سوئد، حاصل تولدهای خارج از تأهل (نامشروع) هستند».

۵. در آمریکا نیز FBI در سپتامبر ۲۰۰۶ م چنین گزارش داد:

- در سال گذشته حدود ۹۳۹۰۰ زن قربانی تجاوز جنسی شده اند؛ یعنی به طور متوسط از هر ۱۰۰ هزار نفر، ۶۲/۵ نفر.

- کمیته فرصت های برابر شغلی آمریکا در سال ۲۰۰۶ م گزارش داد: این کمیته در سال ۲۰۰۵ م، ۱۲۶۷۹ مورد شکایت از سوءاستفاده جنسی در محل کار دریافت کرده که ۸۵ درصد آنها زنان بوده اند. گزارش گروه ویژه خشونت علیه زنان سازمان ملل در مأموریت خود در سال ۲۰۱۱ به کشور ایالات متحده آمریکا گزارش داد: «بر اساس نظرسنجی

1. Report of the Special Rapporteur on the sale of prostitution and child pornography in France, 2002.

2. ibid. report of the ms.rashida manjoo, 2011.

مؤسسه ملی ارتکاب جرم NCVS در سال ۲۰۰۸ م، ۳۵۶۹۰ تجاوز جنسی یا ضرب و شتم جنسی علیه زنان انجام پذیرفته است»^۱.
مرکز «حقوق بشر برای دختران» آمریکا اعلام کرد:

- خشونت علیه دختران، داستان بخشی از حقیقت دردناک آمریکاست. این حقیقت دردناک بیان می‌کند که از هر ۴ دختر هجده ساله آمریکایی، یک نفر خشونت جنسی را تجربه کرده و سه درصد از قربانیان تجاوز و خشونت جنسی نیز دختران کمتر از ۱۲ سال هستند.^۲

۲-۳. روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج همراه با زندگی مشترک

نوع دیگری از روابط خارج از چهارچوب ازدواج، ارتباط عاطفی و جنسی با فردی است که گاه با این هدف که در آینده با یکدیگر ازدواج کنند، صورت می‌پذیرد و گاه این نوع رابطه، شیوه زندگی آنان شده و این سبک زندگی را انتخاب می‌کنند. این نحوه از زندگی که امروزه در غرب رواج بسیار دارد «cohabitation» نام دارد که به معنای «هم‌خانگی» یا «هم‌باشی» یا «هم‌بالینی»، در زیر یک سقف برای مدت نامعلوم است، و گاه به غلط تعبیر «ازدواج سفید» برای آن به کار می‌رود؛ حال آنکه اساساً این رابطه [ازدواج سفید] از نظر حقوقی ازدواج محسوب نمی‌شود و امری نامشروع می‌باشد.^۳

چراکه مهم‌ترین ویژگی ازدواج آن است که تمامی مراحل ازدواج از پیوند تا جدایی و نیز پس از فوت یکی از طرفین، قانونمند است؛ حال آنکه این نحوه زندگی قانونمند نیست.^۴ افرادی که به این نحوه زندگی روی می‌آورند، ادعا می‌کنند هرچند بدون تعهد قانونی با یکدیگر زندگی می‌کنند؛ ولی نسبت به یکدیگر این تعهد اخلاقی را پذیرفته‌اند که به یکدیگر وفادار بمانند و مسئولیت زندگی مشترک را بین خود تقسیم کنند. نام این پیوند را هم از آن جهت سفید گذاشته‌اند که در شناسنامه طرفین ثبت نمی‌شود و شناسنامه سفید می‌ماند. برخی محققان این نوع زندگی را رابطه بدون تعهد می‌دانند و برخی تعهد در آن را شکننده و ناپایدار و منوط به یک رابطه رضایت‌بخش می‌دانند. پیمان و تعهد در این نوع زندگی صرفاً ماهیت اظهاری داشته و قاعدتاً در صورت تخلف و نقض تعهد یکی

1. ibid, 2011.

۲. غریب‌آبادی و رضاییان پور، وضعیت حقوق بشر در آمریکا، ص ۱۱۶.

۳. به این عمل در شریعت اسلام و قوانین ج.ا.ا. «زنا» اطلاق می‌شود.

۴. نک: سهراب‌زاده و دیگران، «ازدواج سفید، انگیزه‌ها و زمینه‌ها».

از طرفین، هیچ ضمانت اجرا و اهرم فشاری برای الزام طرف یا طرفین متخلف به رعایت تعهدات فی مابین و اقتضائات حقوقی آن وجود ندارد. به هیچ محکمه قضایی نمی‌توان مراجعه کرد و از هیچ مرجع رسمی نمی‌توان توقع دادستانی، پیگیری و توبیخ نقض‌کننده پیمان را داشت.^۱ این شیوه زندگی هرچند در کشور ما بسیار نادر است، گرچه به دلیل تبلیغات گسترده‌ای که برای ترویج آن می‌شود، پژوهش‌هایی درباره تجربه زیسته این افراد انجام پذیرفته است. نتیجه این تحقیقات عبارت است از آنکه: «دانشجویانی که دارای خصوصیات چون اضطراب، افسردگی، شتاب‌زدگی، هیجان‌خواهی، تخیل قوی بودند و نیز سطح اعتماد و همراهی آنها بالا بود بیشتر نسبت به «هم‌باشی» نگرش مثبت داشتند و دانشجویانی که از سطح بالای مسئولیت‌پذیری، نظم، خویشتن‌داری برخوردار بودند نگرش منفی‌تری نسبت به آن داشتند».^۲

پژوهش‌های انجام‌یافته در داخل و خارج کشور نشانگر آن است که نارضایتی افرادی که به این شیوه روی آورده‌اند، پس از گذشت چند سال، شدید شده است. علت این امر چنین بیان شده است:

یک. آینده نامشخص زندگی: «عدم قطعیت در مورد ثبات و طول عمر این زندگی، سرمایه‌گذاری در آن را برای هر دو طرف پرخطر می‌کند؛ ازاین‌رو در موارد بسیار، فرد حاضر به سرمایه‌گذاری مالی و عاطفی در رابطه‌ای که آینده‌اش نامشخص است و طرفین به راحتی می‌توانند از آن خارج شوند، نمی‌شود. علاوه بر آن، از آنجاکه این رابطه معمولاً مدتی به طول می‌انجامد، میان زن و مرد الفتی از نوع الفت در ازدواج به وجود می‌آید؛ اما چون در این رابطه، شریک زندگی می‌تواند هر زمان که بخواهد به زندگی مشترک خاتمه دهد، هر دو طرف همواره در حالت اضطراب و نگرانی و احتمالاً بدبینی نسبت به یکدیگر به سر می‌برند. ازاین‌رو احساس رضایت عاطفی در میان آنها بسیار کمتر از احساس رضایت در میان زن و شوهرهاست».^۳

دو. افزایش احتمال خیانت جنسی: به دلیل غیررسمی بودن زندگی مشترک و نبود نظارت خانواده و اطرافیان، احتمال خیانت جنسی در «هم‌باشی» بسیار بیشتر از ازدواج است.

۱. نک: شرف‌الدین و عراقی، «بررسی تحلیلی ابعاد مختلف ازدواج سفید در ایران (مؤلفه‌ای از سبک زندگی غربی)».

۲. نک: طالبی و سلطانی، «نقش ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی در پیش‌بینی نگرش به ازدواج سفید».

۳. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۶۲.

پژوهش‌های انجام‌یافته نیز نشان می‌دهد «مردان متأهلی که پیش از ازدواج با همسر آینده خود رابطه جنسی داشته‌اند، نگرش مثبت‌تری به روابط فرزندناشویی دارند».^۱

سه. **محرومیت از حمایت خانواده و جامعه:** این شیوه زندگی توسط خانواده، اطرافیان و جامعه پذیرفته نمی‌شود؛ از این رو در مشکلات زندگی، طرفین محروم از حمایت آنها هستند.

چهار. **محرومیت از لذت فرزندآوری:** فلسفه وجودی این نوع زندگی ارضای نیاز جنسی عاطفی عاری از تولیدمثل است و هم‌باشان، لذت شیرین پدری و مادری را دریافت نمی‌کنند.

پنج. **احساس حقارت در مقایسه با دوستان متأهل:** در این شیوه زندگی گاه احساس حقارت در مقایسه با وضعیت و شرایط دیگران وجود دارد؛ زیرا خود فرد و اطرافیان، او را فاقد توانایی ازدواج سالم و طبیعی می‌دانند. علاوه بر آن، این شیوه زندگی سبب محرومیت از امتیازات همسری، مانند شأن اجتماعی و حمایت‌های دولتی از خانواده‌ها مانند دریافت وام، تسهیلات شغلی و... می‌شود.

شش. **ناپایداری این زندگی و آسیب‌های جدایی:** «همواره در همه زندگی‌های مشترک اختلافاتی پیش می‌آید. در ازدواج‌های قانونی، هم تعهدات درونی همسران و هم تعهدات بیرونی، به ماندگاری رابطه کمک می‌کند و طرفین معمولاً راهی برای رفع اختلافات و سازگاری با همسر و تداوم زندگی می‌یابند؛ ولی در هم‌باشی، قواعد بیرونی وجود ندارد تا الزامی برای متعهد ماندن ایجاد کند و در نتیجه هم‌باشی، آزادی خیلی زیادی را برای ترک کردن رابطه با کمترین هزینه به طرفین می‌دهد.^۲ بنابراین میزان جدایی در این نوع زندگی بیشتر از طلاق در ازدواج است و تمامی آسیب‌های طلاق (سوءاستفاده طرفین نسبت به هم، حملات جسمی، فقر، بی‌خانمانی و...) در متلاشی شدن این نحوه زندگی هم وجود دارد».^۳ پژوهش‌ها نشان می‌دهد در مواردی هم که هم‌باشی به ازدواج منجر شده، معمولاً کیفیت ازدواج آنان قوی نبوده است.

«کمپ داش و همکاران طی مطالعه‌ای بر روی ۱۱۴۲۵ زوج در دو نسل ازدواج [= نسل ازدواج بین ۱۹۶۴ و ۱۹۸۰ م و نسل ازدواج بین ۱۹۸۱ و ۱۹۹۷ م] نشان دادند زوج‌هایی که

۱. علی‌تبار و همکاران، «بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرزندناشویی»، ص ۲۶۲.

۲. نک: سهراب‌زاده و دیگران، «ازدواج سفید، انگیزه‌ها و زمینه‌ها».

۳. همان.

قبل از ازدواج ارتباط هم‌خانگی یا هم‌باشی داشته‌اند در مقایسه با زوج‌هایی که قبل از ازدواج هم‌باش نبوده‌اند، کیفیت ازدواج ضعیف‌تر و طلاق بیشتری داشته‌اند.^۱

«مطالعات انجام شده در آمریکا و سوئد نیز نشان داده است که میزان طلاق در میان افرادی که قبلاً یک‌بار هم‌خانگی را گذرانده‌اند، هشتاد درصد بیشتر از میزان طلاق در میان کسانی بوده که چنین تجربه‌هایی نداشته‌اند»؛^۲ زیرا زندگی زیر یک سقف بدون عقد ازدواج، رفتار دو طرف را طوری تغییر می‌دهد که باعث می‌شود در ازدواج، کمتر متعهد شوند. و نیز تحقیقات نشان می‌دهد «آنهايي که تصميم به هم‌باشي مي‌گيرند، ويژگي‌هاي دارند که اغلب باعث بروز مشکلات بعدی در زندگی مشترک می‌شود».^۳

هفت. مشکلات قانونی مربوط به فرزندان یا امور پس از جدایی: مشکلات قانونی هم‌باشی، زمانی آشکارتر می‌شود که زن باردار شود. او در این وضعیت یا سقط جنین کرده و با عوارض ناگوار جسمانی و روانی آن مواجه می‌شود، یا صاحب فرزندی فاقد هویت می‌شود که تعهد و تکلیفی برای مراقبت و تربیت او وجود ندارد و از کودکی آسیب‌های فراوانی می‌بیند. ظهور مشکلات دیگر این نوع زندگی زمانی است که مرد زندگی را رها کند؛ در این حالت زن نمی‌تواند ادعای نفقه، مهریه یا ارث کند.

هشت. از دست دادن فرصت‌های مهم زندگی سالم: «هنگامی که طرفین وارد رابطه‌ای شوند که برای آن هزینه‌های احساسی و زمانی و مالی داده‌اند، با پایان یافتن آن احساس می‌کنند فرصت‌های مهمی را در زندگی خود از دست داده‌اند. برای یک زن این فرصت‌ها شامل از دست دادن جذابیت‌های ظاهری ناشی از بالا رفتن سن، آسیب‌های اجتماعی و از دست دادن فرصت‌های ازدواج است. برای مردان هم از دست رفتن اندوخته مالی و همچنین موقعیت‌های بهتر برای یک رابطه جدی می‌باشد».^۴

۲. روابط با جنس دیگر در چهارچوب ازدواج

«داده‌های پژوهشی مختلف در جهان نشان می‌دهد: از بین انواع روابطی که می‌تواند نیاز جنسی را تأمین کند [= قرارهای عاشقانه، رابطه جنسی واحد یا چندگانه، هم‌خانگی و...]

۱. Kamp Dush, 2003, p. 539 - 549.

۲. همان.

۳. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۶.

۴. نک: سهراب زاده و دیگران، «ازدواج سفید، انگیزه‌ها و زمینه‌ها».

ازدواج به عنوان یک الگوی مناسب رابطه سالم به شمار می آید و ازدواج‌هایی که به دور از تنش‌ها و تعارضات مستمر و به طور سنتی شکل می‌گیرند، الگویی برای روابط سالم قلمداد می‌شوند.^۱ به طور کلی پژوهش‌ها نشان می‌دهند تأهل با سلامت در ارتباط است و افراد متأهل از مؤلفه‌های سلامت بیشتری برخوردارند.^۲ کودکانی که والدینشان ازدواج کرده‌اند از سلامت جسمانی و روانی بالاتری برخوردار هستند، به سطوح تحصیلی بالاتری دست می‌یابند، از مزایای اقتصادی بهتری بهره‌مند می‌شوند و از جرم و بزه دوری می‌کنند؛ افزون بر این، احتمال اینکه در آینده ازدواجی موفق داشته باشند، افزایش می‌یابد.^۳ نهایت آنکه ازدواج بنیاد فرد و جامعه را تشکیل می‌دهد و از اهمیت بالایی برخوردار است؛ حتی اگر تعداد زیادی از ازدواج‌ها به شکست بینجامد.^۴

امروزه علاوه بر پیروان ادیان آسمانی، به دلیل آموزه‌های دینی خود، اندیشمندان جهان نیز بر ازدواج و خویش‌داری جنسی تا آستانه ازدواج تأکید می‌کنند. برخی محققان در مواجهه با پیامدهای نامطلوب آزادی‌های جنسی (از جمله گسترش بیماری‌های مقاربتی، بارداری در سن نوجوانی، سقط جنین و تولد فرزندان خارج از چهارچوب خانواده و عوارض روانی روابط ناپایدار با جنس دیگر) برنامه «خویش‌داری جنسی»^۵ را مطرح کرده‌اند و «هم اکنون در برخی کشورهای غربی از جمله آمریکا، مدل‌های «خویش‌داری جنسی تا زمان ازدواج»^۶ و آموزش جنسی خویش‌داری مبتنی بر مزایای به تعویق انداختن فعالیت جنسی را آموزش می‌دهند تا نوجوان و جوان بتواند وظایف و پیامدهای ناشی از این رابطه را دریابد و تشویق شود تا از هرگونه رابطه جنسی خارج از چهارچوب ازدواج اجتناب ورزد. این امر عمدتاً به دلیل رشد تعداد متخصصان علوم پزشکی، سازمان‌های سلامت عمومی، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، مربیان، معلمان، والدین و نوجوانانی است که دریافته‌اند داشتن رابطه جنسی در سنین مناسب و هنگام ازدواج، بالاترین سطح سلامت اجتماعی، مالی، روانی و جسمانی را به دنبال دارد».^۷

1. Brenner, 2003.

2. Estroshin and Ram, 2016.

3. White and Gallagher, 2000.

۴. زارعی توپخانه و چراغیان، انقلاب جنسی و نهضت‌های خودمهارگری در غرب، ص ۱۸۹-۱۹۰.

5. sexual self control.

6. Abstinence- until- marriage.

۷. نک: بازگشت غرب به عفاف: بر اساس پژوهش مؤسسه رشد جوانان آمریکا.

♦ برای مطالعه بیشتر

عفاف‌گرایی در غرب

از جمله جنبش‌های نوظهور دهه‌های اخیر در آمریکا که در پی سرخوردگی و شکست لیبرالیسم جنسی به ظهور رسید، جنبش خویشتن‌داری جنسی با علامت اختصاری TLW است.^۱ از سال ۱۹۹۳م فعالیت گسترده جنبش TLW آغاز شد. برگزاری همایش‌ها و نشست‌هایی با محوریت ترویج و تبلیغ خویشتن‌داری جنسی و بیان مضرات و کاستی‌های لیبرالیسم، از جمله این فعالیت‌ها است. عضوگیری‌های مستمر از جوانان و نوجوانان در سراسر ایالات متحده آغاز شد. برنامه‌های آموزشی وسیع، جهت اطلاع‌رسانی چستی جنبش و ضرورت عمل به دستورات آن برای زندگی سالم و رو به رشد، از دیگر اقدامات فعالان گروه‌های TLW است. تنها در سال ۱۹۹۶م بیش از ۶۰۰ محصول رسانه‌ای برای ترویج عفاف و خویشتن‌داری تولید شد. عضوگیری جنبش TLW برای جلب مشارکت افراد و اقشار مختلف، از ایالات متحده آمریکا فراتر رفته و در دیگر نقاط جغرافیایی نیز صورت می‌پذیرد. در استرالیا، آفریقا و آمریکای جنوبی اجرای برنامه‌ها و تشکیل سمینارهای مختلف از سوی این گروه صورت پذیرفت. در ۱۹۹۹م برنامه‌ای عبادی در جهت ترویج خویشتن‌داری جنسی در سانفرانسیسکو بر روی پل گلدن گیت^۲ برگزار شد. بیش از ۱۵۰۰ جوان و نوجوان، تابلوهای تبلیغاتی گروه را حمل می‌کردند. پیش از ورود به سال ۲۰۰۰م در استرالیا برنامه‌های نمادین و در راستای برنامه سانفرانسیسکو در کلیسا برگزار شد. بالغ بر ۴۰۰ نفر در آستانه ورود به هزاره دوم میلادی، برای موفقیت جوانان در خویشتن‌داری جنسی، دست به دعا برداشتند. از طریق سایت TLW عضوگیری و اطلاع‌رسانی این گروه، به صورت گسترده‌تر ادامه یافت. تا سال ۲۰۰۱م بیش از ۳۱ هزار نوجوان عضو رسمی سایت شدند.^۳ تاکنون این جنبش، با نام‌های متفاوتی تشکیل گروه داده^۴ و در سرتاسر جهان، عضو می‌پذیرد.^۵ در کتاب‌های آموزشی که امروزه برای بهبود وضعیت خویشتن‌داری جنسی از سوی حامیان این جنبش تألیف می‌شود به برخی از موانع موجود برای خویشتن‌داری پرداخته شده است؛ از جمله آنکه غفلت و شیفتگی در فرهنگ پست‌مدرن، فرد را به داشتن زندگی لذت‌جویانه تشویق می‌کند. فردی که در جامعه پست‌مدرن می‌آموزد «اگر لذت دارد، انجامش بده»، زمانی که به کمترین نیاز در مسائل جنسی برمی‌خورد، درصدد لذت‌طلبی برمی‌آید. متفکران جنبش خویشتن‌داری جنسی به مکتب «منیت»^۶ اشاره می‌کنند که به معنای توجه صرف به لذت‌های جسمی

1. True Love Waits.

2. Golden Gate Bridge.

۳. اطلاعات این بخش، برگرفته از سایت اصلی جنبش TLW است: www.lifeaway.com.

۴. نام‌هایی مانند: Silver Ring, Best Friend.

۵. برخورداری، عفاف‌گرایی در غرب، ص ۸۱.

6. Me.ism.

است. در این محیط آسیب‌ها و تبعات پرداختن صرف به لذت‌های جسمی می‌تواند انسان را تا مدت‌ها از طلب لذت‌های غیرجسمی دور کند. در همین راستا، فقدان باورها و پایه‌های عقیدتی که بتواند در سنین نوجوانی، فرد را از ورود به روابط بازدارد از دیگر موانع برشمرده شده است. از نظر حامیان جنبش خویشتن‌داری جنسی دروغ‌پردازی‌هایی که در موسیقی‌ها و فیلم‌ها صورت می‌گیرد نیز مشوق ورود نوجوان بدون تجربه به روابط جنسی است؛ رسانه‌ها ارزش‌ها را وارونه القا می‌کنند و مهم‌ترین عامل تهییج و تشویق نوجوانان و جوانان به روابط جنسی هستند. درخواست خویشتن‌داری جنسی، کاستن از اقتدار و تأثیر رسانه‌ها یا کسر بودجه آنها و کنترل و نظارت بر آنهاست. از نظر آنان دیگر عامل مهم ورود افراد به روابط ناامن جنسی، به‌ویژه در سنین کم، فشارهای محیطی است. باور نادرست «همه این کار را انجام می‌دهند، چرا من انجام ندهم؟» مانع از خویشتن‌داری جنسی نوجوانان و جوانان می‌شود. رسانه‌ها، همسالان، شریک‌های ارتباطی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فشار در برقراری روابط جنسی هستند. علاوه بر این، حامیان خویشتن‌داری جنسی، آموزش تشریحی و مفصل مسائل بهداشت جنسی، راه‌های جلوگیری از بارداری و روش‌های سقط‌جنین را نیز مشوق و محرک نوجوانان در برقراری روابط می‌دانند. از نظر ایشان القای اینکه «همه درگیر روابط هستند و روش‌های امنی برای آمیزش وجود دارد و مشکلات ناشی از آنها رفع‌شدنی است»، علاوه بر اینکه مانع از خویشتن‌داری جوانان می‌شود، آنها را برای رابطه، تحت فشار قرار می‌دهد. موارد زیر از مصادیق رفتارهای ضروری برای خویشتن‌داری جنسی است که در بیشتر این آموزش‌ها به چشم می‌خورد: «داشتن پوشش مناسب به نحوی که موجب به نمایش گذاشتن جاذبه‌های جنسی نشود»، «هرآنچه که از جاذبه‌های جنسی انسان به شمار می‌رود (که به‌طور طبیعی در زنان نمود بیشتری دارد) باید پوشیده باشد»، «افرادی که نمی‌توانند پوشش مناسب داشته باشند در راه خویشتن‌داری جنسی به‌طور قطع، با مشکل مواجه می‌شوند»، «اجتناب از محرک‌های جنسی سمعی و بصری، اعم از فیلم، سایت، موسیقی، کتاب و تصویر»، «اجتناب از بحث و گفت‌وگوهای مخرب و تحریک‌کننده و اجتناب از محیط‌هایی که ممکن است فرد را به داشتن روابط جنسی سوق دهد (اعم از مهمانی‌ها و گروه‌های دوستی)، و همچنین دوری کردن از محیط خلوت و در بسته با جنس مخالف»، «گذراندن اوقات فراغت با افراد عفیف و کسانی که التزام به رعایت خویشتن‌داری جنسی دارند»، «دوری کردن از افرادی که تحت تأثیر لیبرالیسم جنسی به تمسخر خویشتن‌داری می‌پردازند»، «ترک مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر و هرآنچه سبب بی‌اختیار شدن افراد در رفتارهایشان می‌شود».^۱

۱. شبکه سراسری جهانی گام‌هایی به‌سوی خویشتن‌داری جنسی پیش از ازدواج: www.lifeaway.com.

ضرورت پیروی از هدایت الهی

در فرهنگ‌ها و اعتقادات مبتنی بر جهان‌بینی مادی، هدف از زندگی به دست‌آوردن رضایت شخصی است؛ زیرا حیات را محدود به زندگی موقت دنیوی می‌دانند. حال آنکه نظام اعتقادی اسلام، دنیا را مزرعه آخرت و مقدمه سعادتی جاودانه معرفی می‌کند. ما می‌دانیم که در جهان خداوندی وجود دارد که حتی بیش از خود ما، ما را می‌شناسد؛ زیرا او ما را خلق کرده و هستی ما از آغاز ناتوانی‌هایمان که نوزاد بوده‌ایم تا پایان ناتوانی‌هایمان که پیر و رنجور خواهیم شد، همگی در اختیار اوست. او مهربان‌ترین است، به آن میزان که بارقه‌ای از صفت رحمت او در وجود مادران، چنان آنها را متحول ساخته که عشق مادر به فرزندش در همه زمان‌ها و فرهنگ‌ها بی‌مثال شده است. خداوندی که مهر مادری فقط پرتوی از رحمت اوست، منبع بی‌پایان مهر و محبت است؛ از این رو مسلمانان در هر روز و در هر نماز بارها نام او را با صفت رحمان و رحیم یاد می‌کنند. مادر مهربان هرگز فرزند دل‌بند خود را در سر گذر یا در بیابانی برهوت رها نمی‌کند تا هرچه می‌خواهد به سرش بیاید؛ حال کدام وجدان سالمی می‌پذیرد که ارحم الراحمین بنده عزیز خود را در برهوت دنیا رها سازد؟! خداوند مهربان مسیر سعادت دنیا و آخرت را در کتاب هدایت خویش عرضه کرده است. حال ما که سرگشته گنج عظیم سعادت و خوشبختی جاودانه هستیم چه کنیم؟ او نشانی کشف این گنج را به ما ارائه کرده و فرموده اگر چند قدم به راست، چند قدم به جلو و چند قدم به چپ بروی این گنج عظیم در زیر پای توست. کدام عقل سلیمی می‌پذیرد که تعداد قدم‌های راست یا چپ را بیشتر یا کمتر بردارد؟! اگر کسی این کار را کند، آیا باز هم گنج زیر پای او خواهد بود؟! از این رو در نگرش مؤمنانه، این باور عمیق وجود دارد که فقط زندگی بر اساس معیارهای دینی است که ضامن سعادت دنیا و آخرت است؛ زیرا خالق از مخلوق خود و سعادت او اطلاع کامل دارد و با او مهربان‌ترین است و هر کار پروردگار بر اساس حکمت و دانش خلل‌ناپذیر است. او این اطلاعات را از طریق انبیا و کتب آسمانی به بشر عرضه کرده است. پس عقل حکم می‌کند که از این دستورها پیروی شود.

امام علی علیه السلام فرمود: «هرکه از غیر هدایت الهی راه جوید، گمراه شود».^۱

۱. «صَلِّ مَنِ افْتَدَى بِغَيْرِ هُدَى اللَّهِ». (امدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۵، ح ۱۶۸۰)

۵. رفتار جنسی مطلوب از دیدگاه اسلام

در آغاز فصل گذشت که انسان دارای دو بُعد مادی و فرامادی است و بُعد فرامادی او، انسان را صاحب کرامت و سزاوار سجده ملائک قرار داده است. پس از چند سال زندگی، مرگ انسان را فرا خواهد خواند، ولی بُعد فرامادی او جاودانه خواهد ماند و انسان بر مبنای عمل ارادی خویش در زندگی موقت چندساله، از سعادت ابدی یا رنج جاودانه برخوردار خواهد شد؛ ازاین رو نیازمند شناخت مسیر دست‌یابی به خوشبختی ماندگار است. آنکه انسان و جهان هستی را خلق کرده این مسیر را در کتاب هدایت خود به او شناسانده و نحوه تعامل شایسته او با نیازهای خویش و با دیگران از جمله با نیاز عاطفی و غریزی او به جنس دیگر را بیان کرده است. اسلام رابطه جنسی زن و مرد را فقط در چهارچوب ازدواج پذیرفته و به سرعت بخشیدن و آسان گرفتن آن توصیه کرده و به مدیریت غریزه جنسی و خویشتن‌داری تا آستانه ازدواج و سپس ازدواج بهنگام و زندگی مشترک لبریز از محبت و آرامش امر کرده است.

۵-۱. توصیه به ازدواج، تسریع و تسهیل آن

در بخش انسان‌شناسی گذشت که خداوند انسان را خلق کرد و او را بهترین آفریده خودش (احسن مخلوق) قرار داد. قرآن کریم در آیه ۲۱ سوره روم نشان دیگری از رحمت خداوند را آفرینش انسان از دو جنس یاد کرده که هرچند از سرشت واحدی خلق شده‌اند، به دلیل تفاوت‌هایی که در جنسیت زنانه و مردانه خود دارند جذب یکدیگر می‌شوند و با ازدواج به آرامش می‌رسند و میان آنان مهر و محبت عمیق ایجاد می‌شود.

و از نشانه‌های خداوند این است که برایتان از خودتان همسرانی را آفرید تا در کنار او آرامش یابید و میان شما دوستی و مهر و محبت قرار داد، به درستی که در آن، نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند.^۱

روایات بسیاری هم به ارزشمندی ازدواج اشاره و به آن توصیه کرده‌اند؛ از جمله پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «در اسلام، بنایی محبوب‌تر و باارزش‌تر از ازدواج، نزد خداوند ﷻ برپا نشد».^۲

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (سوره روم، آیه ۲۱)

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الزَّوْجِ». (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۳ ج، ص ۳۸۳)

امام رضا علیه السلام نیز در روایتی بیان می‌کند که حتی اگر قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله به ارزشمندی ازدواج تصریح نکرده بودند، برکات ازدواج به گونه‌ای است که هر عاقل خردمندی ازدواج می‌کند و افراد موفق پیروز برای ازدواج می‌شتابند.^۱ به عبارت کوتاه‌تر: روایات خانواده را محلی برای برطرف کردن بزرگ‌ترین مشکلات با کمترین هزینه معرفی کرده‌اند. ارزشمندی ازدواج بهنگام و سرعت بخشیدن به آن نیز در روایات مورد توجه قرار گرفته و در برخی روایات تأکید شده که در صورت مهیا بودن مقدمات اولیه ازدواج، دختر و پسر به دلایل واهی ازدواج را به تأخیر نیندازند؛ زیرا این کار سبب ابتلا به آسیب‌های روانی حاصل از سرکوب غرایز طبیعی یا فساد اخلاقی می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هر جوانی که در آغاز جوانی خویش ازدواج کند، شیطان فریاد برمی‌آورد: ای وای، ای وای! دوسوم از دین خود را از دستبرد من در امان داشت. پس این بنده خدا باید در یک سوم باقی مانده، تقوای الهی پیشه کند.^۲

در روایات دیگری هم بر آسان‌گیری ازدواج و پرهیز از تشریفات زائد توصیه شده؛ از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «پربرکت‌ترین ازدواج آن است که کم‌هزینه‌تر باشد».^۳

۵-۲. خویشتن‌داری جنسی تا آستانه ازدواج

چنان‌که در آغاز این فصل ذکر شد انسان، بهترین مخلوق خداوند و دارای کرامت ذاتی است. او علاوه بر بُعد مادی خود، دارای بُعدی فرامادی است که او را دارای حیات جاودانه ساخته است و به او اراده و اختیار وسیعی عطا شده تا با رفتار ارادی و خردمندانه خود، کرامت ذاتی خویش را حفظ کرده و از لذت جاودانه بهره‌مند شود؛ از این رو انسان باید غرایز خویش را با هدف رسیدن به سعادت دنیوی و خوشبختی جاودانه مدیریت کند. در این باره خداوند حکیم امر فرموده که دختران و پسران تا آستانه ازدواج عفت پیشه کنند و به رفتارهای جنسی حرام آلوده نشوند:

و کسانی که [وسایل] ازدواج نمی‌یابند، باید خویشتن‌داری کنند.^۴

۱. نک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۴.

۲. «مَا مِنْ شَابٍ تَزَوَّجَ فِي حِدَاثَةِ سَبِيهِ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ يَا وَلَدَهُ يَا وَلَدَهُ عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثَّلَاثِ الْآخِرِ» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۹).

۳. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَكْظَمُ النِّكَاحِ بَرَكَهً أَيْسَرُهُ مُؤْنَةً» (متقی، کنز العمال، ج ۳، ص ۲۰، ح ۵۲۴۸).

۴. «وَلْيَسْتَغْفِبِ الَّذِينَ لَا يُجِدُونَ نِكَاحًا» (سوره نور، آیه ۳۲).

مهم‌ترین توصیه اسلام برای آنکه افراد توانایی تقوای جنسی را به دست آورند، مدیریت غریزه جنسی است؛ از این رو قوانینی را معین کرده که برخی از این قوانین عبارت‌اند از:

۵-۳. تأکید بر رعایت حیا در روابط با جنس دیگر

«حیا سد محکمی برای انسان در مقابله با وسوسه‌های شیطانی است. حیا یعنی درک حضور ناظر محترم، و «حیای از خدا» آن است که فرد هنگام انجام کار ناپسند، خدا را ناظر بر اعمال خویش ببیند و از انجام آن خودداری ورزد. در این حال فرد به علم و آگاهی خدا اعتقاد دارد و حضور خدا را درک می‌کند.^۱ هنگام طغیان غریزه جنسی، حیا عاملی بازدارنده از رفتارهای غیراخلاقی است. امام صادق (ع) در این باره فرمود: «حیا فقط مخصوص انسان است. اگر حیا نبود... از فحشا پرهیز نمی‌شد».^۲

۵-۴. سفارش به تقوای چشم و گوش و زبان و لمس

بسیاری از خطاهای جنسی از این حواس آغاز می‌شود. گاه چشم می‌بیند و دل اسیر می‌شود، گوش می‌شنود و نیازهای غریزی تشدید می‌شود، زبان می‌گوید و رابطه هوس‌آلود شروع می‌گردد و لمس نیاز خفته را بیدار می‌کند. خداوند در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور به مردان و زنان باایمان امر می‌کند تا در برخورد با نامحرم، دیدگان خود را فرو آورند.^۳ بیهوده نیست که باباطاهر عریان گوید:

زدست دیده و دل هر دو فریاد فریاد هرآنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز پولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد^۴

برای تقوای گوش نیز سفارش شده تا مردان و زنان از شنیدن موسیقی‌هایی که موجب تقویت تخیلات جنسی می‌شود، پرهیزند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «غنا [= موسیقی مناسب مجالس لهو و لعب]، افسون رابطه جنسی حرام است».^۵

در آیات و روایات بر رعایت عفاف و حیای کلام نیز تأکید شده^۶ و درباره تماس بدنی نیز

۱. نک: شجاعی، نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، ص ۲۸۹-۳۲۰.

۲. «انظروا مفضل إلى ما خص به الإنسان دون جميع الحيوان... فإن من الناس من لولا الحياء... لم يعف عن فاحشه...» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۱)

۳. «قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم... وقل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن».... (سوره نور، آیه ۳۱-۲۰)

۴. باباطاهر عریان، دوبیتی‌ها، ش ۲۳.

۵. «الغناء رقیبة الزنا». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۴۷)

۶. «فلا تغضعن بالقول فیتطعم الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا» (اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید). (سوره احزاب، آیه ۳۲)

از هر نوع لمس، حتی اگر به صورت دست دادن با نامحرم باشد، نهی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که با نامحرم دست بدهد، خداوند بر او غضب می‌کند»^۱.
در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز خطای جنسی در ابعاد مختلف دیداری، گفتاری، شنیداری و لمسی و رفتاری ذکر شده است.^۲

۵-۵. رعایت حجاب از سوی زنان

هرچند باید‌ها و نبایدهای الزامی دین در روابط با نامحرم، دختران و پسران را یکسان دربر می‌گیرد، توصیه خاصی نیز به زنان شده است؛ زیرا جذابیت ظاهری و رفتاری زنان برای مردان، بسیار بیشتر از جاذبه مردان برای زنان است و معمولاً مردان در برابر جنس مخالف، توان خویشتن‌داری کمتری دارند. علاوه بر آن، خداوند از سویی مرد را نیازمند زن خلق کرده و از سوی دیگر با دستور به پوشاندن جذابیت‌های زنانه، مرد را به دستیابی محترمانه به او (از طریق ازدواج) توصیه کرده است. از این رو، رعایت حجاب - که هدف از آن، حفظ ارزشمندی زن و نیز در امان داشتن او از سوءاستفاده مقتدرانه مرد است - بر زن واجب است. در حقیقت حجاب، پیام بازدارنده به مردان بیمار دل است تا در برخورد با زنان، جانب احتیاط را رعایت کنند و از رفتار غیرمؤدبانه پرهیزند. حجاب همچنین وسیله‌ای برای محدود کردن مردان در بهره‌جویی آسان از وجود زن است.

در سوره احزاب^۳ و نیز در سوره نور^۴ بر لزوم رعایت حجاب از سوی زنان تأکید شده است. برخی روایات در تفسیر این آیات، صورت و دست‌ها تا مچ را از پوشش مستثنا کرده‌اند؛ البته باید از آرایش و زینت چهره و دست‌ها در مقابل نامحرم نیز پرهیز کرد. مراجع عظام تقلید همگی بر وجوب رعایت این حد از حجاب فتوا داده‌اند و نیز بیان کرده‌اند که اگر بر میزان و نحوه پوشش مردان هم مفسده‌ای مترتب شود، واجب است که از آن دوری کنند.

۱. «مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً فَخَرُمَ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخِطٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴)
۲. «لِكُلِّ غَضُوٍّ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَقٌّ مِنَ الزَّيْنَةِ الْعَيْنِ زِينَةُ النَّظَرِ وَاللِّسَانِ زِينَةُ الْكَلَامِ وَالْأُذُنَانِ زِينَةُ السَّمْعِ وَالْيَدَانِ زِينَةُ الْبَطْنِ وَالرِّجْلَانِ زِينَةُ الْمَشْيِ...» (در هر عضو از فرزند آدم بهره‌ای از زناست: زناى چشم، نظر کردن است؛ زناى زبان صحبت هوس‌آلود با نامحرم است؛ زناى گوش شنیدن سخن نامحرم با هوس است؛ زناى دست، گرفتن بدن نامحرم است؛ و زناى پا، رفتن به مکان هوس‌آلود است...». (شعیری، جامع الاخبار، ج ۱، ص ۱۴۵)
۳. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ». (سوره احزاب، آیه ۵۹)
۴. «لَا يَتَّبِعُنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ». (سوره نور، آیه ۳۱)

۶. مهارت‌های لازم^۱ برای مدیریت غریزه و تقویت خویشتن‌داری جنسی

خویشتن‌داری به معنای سرکوب نیاز نیست، بلکه به معنای مدیریت نیاز است تا ارضای آن به تعویق افتد و در موقعیت مناسب به شیوه‌ای درست ارضا شود. اساساً یکی از عوامل موفقیت افراد به تأخیر انداختن لذت آنی برای دستیابی به لذت پایدار و آینده‌ای روشن است. فردی که تمایلات جنسی خود را مدیریت می‌کند، پس از ازدواج لذت بیشتر و پایداری از ارتباط با همسر می‌برد. انسان پس از تشنگی‌ای طولانی، لذت آب را بیشتر از هر زمان دیگر درک می‌کند.

از امام باقر علیه السلام پرسیدند: چرا مؤمن گاهی حریص‌ترین است؟ آن حضرت فرمود: برای اینکه روزی را از جای حلالش به دست می‌آورد و جایگاه طلب حلال سخت است و او دوست ندارد آن را از دست بدهد؛ زیرا به خوبی می‌داند چقدر به دست آوردنش سخت است و اگر او جانش را بیخشد، آن را جز در جای خودش نمی‌گذارد.

بار دیگر از آن حضرت سؤال شد: چرا مؤمن با همسر خود رابطه زناشویی زیاد دارد؟ امام علیه السلام فرمود:

برای اینکه خود را از روابط جنسی که بر او حلال نیست، حفظ کند و شهوتش او را به این و آن متمایل نسازد. او هنگامی که به حلال دست یابد، به آن اکتفا می‌کند و از غیر آن بی‌نیازی می‌جوید.^۲

دختران و پسران مجرد برای خویشتن‌داری جنسی نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت رفتار خود هستند تا نفس سرکش را رام خویش سازند. برای تقویت خویشتن‌داری جنسی باید از راه‌کارهای اندیشه‌ای (تفکر درباره فلسفه زندگی، تقویت باور به خدا، جدی گرفتن آخرت و افزایش آگاهی درباره پیامدهای دوستی دختر و پسر، و توجه به کرامت خویشتن) و رفتاری (رعایت حدود الهی و مدیریت ارتباط با نامحرم و نیز کنترل هیجانات و احساسات) استفاده کرد:

۱. در این منبع آموزشی در بخش مهارت‌های رفتاری از کتاب *مهارت‌های زندگی خانوادگی در آئینه آیات و روایات*، اثر زهرا آیت‌اللهی استفاده فراوان شده است.

۲. شیخ صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۵۶۰.

یک. نخستین گام، شناخت خود و نظارت بر آن است و «از جمله لوازم شناخت خود، مراقبه و محاسبه نفس است. مراقبه یعنی رقیب احوال و افعال خویش بودن، و رقیب به کسی می‌گویند که رقیبه (گردن) می‌کشد تا اوضاع نفسانی خود را زیر نظر داشته باشد. محاسبه یعنی آگاهی از میزان طاعات و معاصی خود به منظور رفع نقایص و یا شکر موفقیت‌ها و تلاش برای ازدیاد آنها»^۱.

دو. گام دوم، شناخت و باور به پاداش‌ها و خسارت‌های دنیوی و اخروی اعمال است. حاصل این امر ایجاد خوف و رجا در انسان است که آیات و روایات مکرر بر لزوم وجود آن در انسان برای رسیدن به رستگاری تأکید کرده‌اند. «مقصود از خوف حالتی در انسان است که فرد از تحقق یافتن امری نامطلوب که یقین دارد یا احتمال می‌دهد در آینده واقع می‌شود، ترس و واهمه داشته باشد»^۲.

«در قرآن کریم، حدود صد بار، کلمه «النار» تکرار شده و خداوند متعال مردم را از عذاب جهنم ترسانده است؛ علاوه بر آن پیامبران نیز خود را بشیر و نذیر می‌دانستند»^۳. «خوف سبب بازدارندگی نفس از پیروی از هوا می‌شود و از این روی، خداوند متعال بعد از جمله «هرکس از مقام پروردگارش بترسد»^۴، اثر آن را ذکر کرده و فرموده است: نفس را از کشش‌ها بازدارد»^۵. «رجا نیز یعنی امید داشتن به تحقق امری مطلوب که فرد به وقوع آن در آینده یقین دارد یا احتمال می‌دهد واقع شود»^۶؛ از این رو فرد در مواجهه با انگیزه‌های ناصواب جنسی با امید به بهره‌مندی از وعده‌های خداوند برای افراد با تقوا، قادر بر مهار خویش شدن خواهد شد.

سه. گام سوم، توجه دائم به کرامت و بزرگواری خویش است. خداوند در قرآن فرموده است: «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم»^۷.

«هرکه از درون، بیشتر احساس بزرگواری کرد، خود را از عوامل خواری و پستی نفس دور

۱. نک: بهشتی، تربیت عقلانی، دانشنامه امام علی (علیه السلام) (اخلاق و سلوک)، ص ۲۱۳.

۲. نک: مصباح یزدی، پنجاهای امام صادق (علیه السلام) به ره جوین صادق، ص ۱۱۵.

۳. نک: نوری، بررسی پایه‌های روان شناختی و نشانگان صبر در قرآن، ص ۱۵۰.

۴. «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ».... (سوره نازعات، آیه ۳۹)

۵. نک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۱۱.

۶. مصباح یزدی، پنجاهای امام صادق (علیه السلام) به ره جوین صادق، ص ۱۱۵.

۷. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (سوره اسراء، آیه ۷۰)

خواهد ساخت و خود مهارگری او افزون خواهد شد.^۱ بنابراین در صورت ایجاد نگرش منفی به پیروی از غرایز حیوانی، اراده بازدارنده فرد در برابر پیروی از شهوت‌ها تقویت می‌شود. حضرت علی علیه السلام فرمود: «ابتدای شهوت‌ها طرب و شادی است و آخر آن رنج و دشواری».^۲ فیض کاشانی می‌گوید:

ز دست من گرفت هوا اختیار من خون جگر نهاد هوس در کنار من
بر من چو دست یافت گرفت و کشان کشان هر جا که خواست بُرد دل من، مهار من^۳
چهار. گام دیگر توجه به رابطه پرمهر و محبت خداوند و انسان است. اگر انسان خدا را دوست داشته باشد، برای او هیچ بشارتی بزرگ‌تر از آن نیست که به او بفهمانند محبوبش او را دوست دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از نشانه‌های محبوبیت فرد نزد خدا را عفت و خویشتن‌داری جنسی عنوان کرده و فرموده است: «همانا خداوند فرد باحیای بردبار و عفیف را دوست دارد».^۴ بنابراین به این راه‌کارها باید توجه داشت:

الف. خداوند می‌بیند و می‌شنود. این واقعیت را هرگز فراموش نکنید. خداوند در قرآن کریم فرموده است: «آیا نمی‌داند که خدا می‌بیند؟»^۵

ب. فکر و خیال خود را کنترل کنید. حضرت علی علیه السلام فرمود: «هرکس زیاد به فکر گناهان باشد، عاقبت به گناه آلوده می‌شود»^۶

ج. به ارزشمندی خویش توجه داشته باشید و این کلام گهربار حضرت علی علیه السلام را هرگز فراموش نکنید: «برای نفس شما بهایی جز بهشت نیست؛ پس جز در ازای بهشت، آن را نفروشید».^۷ پروین اعتصامی در شعری زیبا گوید:

دیده بندگی و درافتی به چاه این گنه توست، نه حکم قضاست
کعبه دل مسکن شیطان مکن پاک کن این خانه که جای خداست^۸

۱. رفیعی هنر، روان‌شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی، ص ۲۶۴-۲۶۳.

۲. «أَوَّلُ الشَّهْوَةِ طَرِبٌ وَ آخِرُهَا عَطَبٌ». (آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۰۴)

۳. فیض کاشانی، دیوان اشعار، غزل ۷۶۰.

۴. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْعَفِيفَ الْمُتَعَقِّفَ». (کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۹۱-۲۹۲)

۵. «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ بَرٌّ». (سوره علق، آیه ۱۴)

۶. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۸۶.

۷. «وَلَيْسَ لِنَفْسِكَ ثَمَرٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا». (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶، ص ۵۵۶)

۸. دیوان قصاید، قصیده شماره ۸.

د. تفاوت‌های جنسیتی را بیاموزید و در روابط خود، آن‌ها را در نظر بگیرید؛ از جمله: پسران از نظر جنسی سریع‌تر تحریک می‌شوند و تصورات جنسی به سرعت در ذهن آنان نقش می‌بندد و خویشتن‌داری برای آنها دشوارتر است؛ حال آنکه دختران در ارتباط خود با جنس مخالف بیشتر خواهان ارضای عاطفی هستند و در جذب جنس مخالف از طریق کلام و عشوه‌گری‌های رفتاری، توانمندی بیشتری دارند.

ه. هیچ‌گاه خود را از آفات رابطه با جنس دیگر مصون ندانید؛ زیرا شیطان همیشه در کمین است.

۶-۲. راه کارهای رفتاری

الف. سلبی

یک. هیجانات و احساسات خود را کنترل کنید؛ به این معنا که هدایت ارادی هیجانات غریزی را در دست بگیرید. در جریان کنترل نفس، آدمی هیجانات خود را می‌شناسد، می‌پذیرد و با هدایتشان به سمت هدف‌های بالاتر، به آنها فرصت بروز می‌دهد. انسان موجودی مختار و دارای اراده است و می‌تواند و باید خود و تصمیماتش را کنترل کند. ما با مدیریت و کنترل خود می‌توانیم بگوییم بزرگ شده‌ایم و شأن انسانی یافته‌ایم و مسئول کارهای خود هستیم.

دو. از دیدن فیلم و عکس، پرسه زدن در فضای مجازی، خواندن رمان و اشعار و شنیدن موسیقی‌هایی که میل جنسی را تقویت می‌کند، به شدت پرهیزید؛ زیرا نزدیک نشدن به محرک‌ها آسان‌تر از مقاومت کردن در برابر تحریک است. توجه داشته باشید که اگر از موقعیت‌هایی که می‌توانند وسوسه را در سیستم روانی شما فعال کنند اجتناب کنید، نیازمند تلاش برای کنترل خویش نمی‌شوید.

سه. از پرخوری و پرخواهی پرهیزید و غذاهایی را که سبب تقویت غریزه جنسی می‌شود، کمتر مصرف کنید؛ مانند گوشت قرمز، سرخ‌کردنی‌ها، پیاز، سوسیس و کالباس و غذای چرب. در ضمن شب از غذای سبک و زودهضم استفاده کنید.

چهار. روزه‌داری در کاهش میل جنسی مؤثر است و علاوه بر آن سبب تقویت تقوا و نیروی اراده می‌شود. در صورت امکان، روزه مستحبی نیز بگیرید.

پنج. از بیان احساسات لطیف خود نزد جنس مخالف پرهیزید.

شش. با نگاه یا کلام غیرعادی جنس مخالف هیجان زده نشوید و از خیال پردازی در این زمینه اجتناب کنید.
هفت. از روابط پنهانی با جنس مخالف بپرهیزید و برای هرگونه ارتباط با جنس مخالف از تجربه و مشورت والدین استفاده کنید.

ب. ایجابی

یک. با حضور در برنامه های مذهبی، ارتباط خود را با خدا تقویت کنید و قرائت قرآن و دعا را در برنامه روزانه خود قرار دهید.
دو. روزانه به فعالیت جدی و زیاد بپردازید تا فرصت نیابید در تخیلات آزاردهنده فرو روید. از ورزش نیز غفلت نکنید. ورزش باعث دفع انرژی زائد بدن و تعدیل قوای جنسی می شود و از نظر روانی نیز استقامت فرد را در برابر مشکلات و سختی ها افزایش می دهد.
سه. برای خواب خویش برنامه ریزی مناسبی داشته باشید. فقط پس از خستگی زیاد به بستر بروید و صبح ها پس از بیداری به سرعت بستر خواب را ترک کنید.
چهار. هنگامی که میل جنسی شما تحریک شد، دوش آب سرد بگیرید و سپس به فعالیت سالمی بپردازید که ذهن شما را مشغول سازد. از پوشیدن لباس های تنگ و لباس های زیر بسیار نرم یا بسیار زبر اجتناب کنید.
پنج. روابط عاطفی خود را با خانواده تان تقویت کنید.
شش. از دوستی با افرادی که اهل رفتارهای جنسی حرام و غیراخلاقی هستند بپرهیزید، و با دوستان خوب به فعالیت سالم علمی، تفریحی یا اقتصادی بپردازید و خود را در آن فعالیت ها غوطه ور سازید.
هفت. دختران با رعایت حریم الهی در پوشش، گفتار و رفتار خویش، به جنس مخالف اثبات کنند که برای جسم خویش حرمت اخلاقی قائل شده اند.
هشت. پسران با رعایت حریم الهی در نگاه، گفتار و رفتار، مردانگی خویش را در معرض دید دیگران قرار دهند، نه مردی خویش را.
نه. برای مقاومت در مقابل وسوسه های جنسی، از شیوه تغییر وضعیت آگاهانه استفاده کنید؛ درست مانند اینکه در اوج خشم شما، فردی چیزی گفته که شما نتوانسته اید جلوی خنده خود را بگیرید و ناگهان احساس کرده اید خشم شما به سرعت برطرف شده است.

بنابراین در زمانی که وسوسه‌ها به شدت شما را تحت تأثیر قرار داده‌اند، به سرعت از محیط وسوسه‌انگیز آگاهانه خارج شوید و به کار مثبتی که کاملاً متفاوت با آن فضا باشد، مشغول گردید.

ده. در صورت ارتکاب خطای جنسی برای خود جریمه‌ای سنگین قرار دهید تا نقش بازدارنده داشته باشد. صادقانه و خالصانه به درگاه خدا توبه کنید و این کلام خداوند را فراموش نکنید: «و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که جز گروه کافران، [کسی] از رحمت خدا ناامید نمی‌شود»^۱.

یازده. در خطاهای جنسی، هرگز گناه را تدریجی ترک نکنید؛ زیرا لذت شیطانی گناه، شما را به ادامه آن وسوسه خواهد کرد. بنابراین توبه را قطعی انجام دهید و با عزمی جزم، رابطه شیطان را با خویش قطع کنید.

دوازده. برای پیشگیری از تکرار خطاهای جنسی، بازه زمانی کوتاه مدت (مانند یک ماه یا چهل روز) تعیین کرده، با خود عهد کنید که در این مدت کوتاه از آن خطاها بپرهیزید. پس از گذشت موفقیت‌آمیز این دوره، به خود پاداش دهید و خدا را برای این موفقیت شکر کنید. حال با احساس خوبی که به دست آورده‌اید، بازه زمانی بعد را طولانی‌تر کنید. پس از مدتی می‌بینید که رفتار پاک و شایسته عادت شما شده است.

۷. ازدواج موقت

از آنجاکه برخی نمی‌توانند ازدواج کنند و زیر فشار شدید غریزه جنسی نیز توان خویشتن‌داری ندارند، در شریعت مقدس اسلام ازدواج موقت پیش‌بینی شده است؛ از این رو افرادی که به ارزش‌های اخلاقی و دوری از حرام پایبندند و از مجازات گناه هراس دارند، اگر توانایی خودمهارگری جنسی را ندارند، به جای ارتباط آزاد با جنس مخالف یا هم‌خانگی با او، ازدواج موقت را برمی‌گزینند؛ ارتباطی با کمترین مسئولیت، ولی قانونمند.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «اگر ازدواج موقت را ممنوع نکرده بودند، کسی مرتکب زنا نمی‌شد، مگر شقی و بیمار دل»^۲.

در این نوع ازدواج، مسئولیت‌ها حداقلی بوده و بر مرد لازم نیست مخارج همسر خود

۱. «وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْ رِجَالِكُمْ أَنْ لَا بِئِشَاسٌ مِنَ اللَّهِ إِلَّا الْفَوْهُ الْكَافِرُونَ». (سوره یوسف، آیه ۸۷)

۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۴۳۸ سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۰.

اعم از مسکن، خوراک و پوشاک را تأمین کند؛ هرچند اگر حاصل ازدواج موقت تولد فرزندی باشد، زن و مرد تمام مسئولیت‌های پدری و مادری همچون تأمین مخارج زندگی، نگهداری، حفظ سلامت و تربیت او را بر عهده دارند؛ تا جایی که تخلف از این مسئولیت‌ها حرام است و مجازات دنیوی نیز دارد.

در توضیح بیشتر این نوع ازدواج نکاتی چند درخور ذکر است:

۱. ازدواج موقت یا «صیغه»، ازدواجی است مدت‌دار که باید با الفاظ «ایجاب و قبول» منعقد گردد. مدت آن نیز باید مشخص شود. در این ازدواج باید مهریه ذکر شود. پس از عقد، هر زمان زن متقاضی مهریه شود، بر شوهر واجب است آن را به زن بپردازد. در ازدواج موقت به زن نفقه تعلق نمی‌گیرد و زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند. همچنین زن و شوهر می‌توانند هر شرط مشروعی را قرار دهند و بر هر دو لازم است بدان عمل کنند؛ مانند اینکه در این ازدواج رابطه زناشویی وجود نداشته باشد یا شوهر بخشی از مخارج زندگی را تأمین کند.

۲. در صورت توافق طرفین و نیز در صورت باردار شدن زن، ثبت ازدواج موقت در دفتر رسمی ازدواج الزامی است. ثبت ازدواج موقت، گرچه محرمانه بماند و در شناسنامه ثبت نشود، سبب می‌شود در صورت تخلف از شروط ضمن عقد یا انکار ازدواج موقت یا انکار نسب فرزند حاصل از ازدواج موقت، حقوق افراد قابل پیگیری باشد.

۳. در ازدواج موقت، طلاق وجود ندارد و پایان آن با سپری شدن مدت عقد یا با بذل مدت (بخشش مدت باقی مانده عقد از جانب شوهر) محقق می‌شود.

۴. زنی که در عقد موقت مردی بوده و با یکدیگر رابطه زناشویی داشته‌اند، پس از اتمام دوران عقد باید عده نگه دارد (سپری کردن دو دوره عادت ماهیانه). در این مدت، ازدواج وی با فرد دیگری، به عقد دائم یا موقت، حرام است.^۱

۵. چنانچه دختری بخواهد به عقد موقت پسری درآید، در صورتی که پیش‌تر ازدواج نکرده باشد، باید پدرش به این امر رضایت دهد.^۲

۱. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز در مواد ۱۱۹، ۱۰۴۳، ۱۰۷۵، ۱۰۹۵، ۱۱۱۳، ۱۱۵۸، ۱۱۶۸ و ۱۱۷۱ به این امور اشاره کرده است.

۲. آیات عظام: موسوی خمینی، خامنه‌ای، فاضل لنکرانی، تبریزی، نوری همدانی، مکارم شیرازی و سیستانی در رساله‌های عملیه خود به فتوا یا احتیاط واجب، اجازه پدر یا جد پدری را در ازدواج موقت دختری که پیش‌تر ازدواج نکرده لازم می‌دانند.

۶. در روایات اهل بیت علیهم السلام مردان متأهل از ازدواج موقت نهی شده‌اند، مگر آنکه توجیهی وجود داشته باشد؛ مانند عدم دسترسی به همسر و نیاز جنسی شدید. امام رضا علیه السلام فرمود: ازدواج موقت، برای کسی که خداوند امکان ازدواج دائم را روزی او نکرده است، حلال و مباح مطلق است؛ پس با ازدواج موقت خود را حفظ می‌کند. حال اگر با ازدواج دائم از آن بی‌نیاز شود، ازدواج موقت در صورتی برای او مباح است که از همسرش دور باشد.^۱

در روایتی دیگر یکی از اصحاب از امام موسای کاظم علیه السلام درباره ازدواج موقت سؤال کرد، آن حضرت به او فرمود: «تو را به ازدواج موقت چه کار؟ خداوند تو را [به واسطه ازدواج دائم] از ازدواج موقت بی‌نیاز کرده است».^۲

۸. مدیریت روابط عاطفی دختران و پسران

اسلام حضور اجتماعی فعال و سازنده زنان و مردان را مطلوب دانسته است؛ ولی از شکل‌گیری روابط اجتماعی دو جنس زن و مرد در قالب دوستی‌های همراه با کشش جنسی نهی کرده است.

خداوند در قرآن کریم با عنوان «مُحْذِي أَخْدَانٍ» (گزینندگان دوست پنهان) دختران و پسران را از دوستی‌های هوس‌آلود بر حذر داشته و در ادامه فرموده: «هرکس به ایمان خود کفر ورزد، به یقین عمل او تباه شده و او در آخرت از زیان‌کاران است».^۳

از آنجاکه روابط عاطفی و دوستی‌های دختران و پسران در دو خط موازی پیش نخواهد رفت و معمولاً به روابط پیشرفته آسیب‌زا منجر خواهد شد؛ جوانان نیازمند مدیریت این روابط هستند. برای مدیریت این رابطه‌ها توجه به تفاوت‌های جنسیتی ضروری است. دختران در این دوستی‌ها بیشتر عاطفی و احساسی عمل می‌کنند، درحالی‌که پسران بیشتر لذت جنسی را مدنظر دارند.

«پژوهش‌ها نشان‌دهنده آن است که در این نوع دوستی‌ها دانش‌جویان دختر درک رمانتیک و عاشقانه‌ای از رابطه با جنس مخالف دارند؛ ولی درک دانش‌جویان پسر بیشتر مبتنی بر تفریح و ذائقه لذت‌گرایی و جنسی است. ویژگی خاص دوستی دختران شامل

۱. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۵۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۲۲.

۲. همان.

۳. «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ». (سوره مائده، آیه ۵)

غوطه‌وری در عشق و ازدواج محور بوده، درحالی‌که دانشجویان پسر بیشتر لذت‌گرا هستند. برای دختران دوام رابطه بسیار مهم است، ولی برای پسران هیجان رابطه خیلی مهم بوده است؛ بنابراین زمانی که دوام رابطه هیجان خود را از دست می‌داد بسیاری از پسران رابطه را قطع می‌کنند. آنها اظهار می‌دارند: به خاطر روابط متعددی که داشته‌اند نمی‌توانند فقط با یک نفر [همسر آینده خود] زندگی کنند و بعد از مدتی روابطشان با هر دختری سرد شده و سمت نفر دیگری می‌روند. بنابراین اعتمادی به خود برای ازدواج ندارند.^۱

این دوستی‌ها معمولاً همراه با شادمانی، هیجان و لذت است، ولی زیان‌هایی هم دارد که با محاسبه هزینه و فایده این دوستی‌ها، عقل حکم می‌کند این روابط فقط در قالب ازدواج شکل گیرد؛ خصوصاً آنکه معمولاً این رابطه‌ها گناه‌آلود است. لذت گناه می‌رود، ولی عقاب و عذاب خداوندی باقی می‌ماند. حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای مردم، در برابر خواهش‌های نفسانی صابر باشید و تقوا پیشه سازید؛ زیرا صبر بر تقوا آسان‌تر از صبر بر کیفر الهی است».^۲ بنابراین مشارکت اجتماعی یا علمی با جنس دیگر باید چنان باشد که ارتباط دختر و پسر در محدوده روابط انسانی باشد، بی‌آنکه تمایل‌های نفسانی در آن به وجود آید و این روابط فراتر از محدوده درس یا کار مشخص شکل نگیرد و تمایلات نیز کنترل شود.

♦ برای مطالعه بیشتر

ابی. ال فروث،^۳ روان‌شناس آمریکایی در سال ۲۰۰۷م با مطالعه طولی بر روی ۱۳۱۶ نوجوان دختر و پسر ۱۳ تا ۱۸ ساله نشان داد که داشتن رابطه عاطفی و عاشقانه با جنس مخالف، اعتماد به نفس را کاهش و افسردگی را افزایش می‌دهد. البته دختران بیش از پسران به افسردگی دچار می‌گردند و پسران نیز بیش از دختران با کاهش سطح اعتماد به نفس روبه‌رو می‌شوند.

همچنین تحقیقی دیگر نشان داد که در نمونه‌ای مختلط دختر و پسر، ۵۹ درصد دختران قربانی خشونت فیزیکی و ۹۶ درصد قربانی خشونت روانی شده و ۱۵ درصد نیز اجبار برای انجام عمل جنسی را تجربه کرده‌اند.^۴ هازنبدز^۵ از گذاشتن قرار ملاقات انتقاد کرده است؛ زیرا پیامد آن ایجاد روابط سطحی

۱. نک: سقزی و یزدانی، «پیش‌بینی رغبت به ازدواج بر اساس نگرش به ارتباط پیش از ازدواج».

۲. ابن‌شعبه، تحف العقول، ص ۱۵۲.

3. Ebi. Lfroth.

4. James, West, Deters, & Armijo, "Youth dating violence". *Adolescence*, No. 35, PP. 454 - 465.

5. Hozenbbeds.

است. قرار ملاقات گذاشتن‌های چندگانه (قرار با تعداد زیادی از افراد در یک‌زمان) به دلیل سطوح پایین درگیری در روابط، موجب پایان یافتن آن می‌شود و به همین دلیل از تحول روابط هیجانی معنادار جلوگیری می‌کند. او معتقد است این زنجیره به تعارض در روابط عشقی و ناپایداری در ازدواج می‌انجامد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای دوستی با جنس مخالف، وادار شدن ناخواسته و اجباری به برقراری رابطه جنسی است. این پدیده که صحنه به ظاهر دلپذیر و صمیمانه دوستی را به عرصه آسیب‌رسان فشار و دشمنی تبدیل می‌کند، یکی از بارزترین گونه‌های خشونت در جامعه مدرن معاصر است. تا پیش از سال ۱۹۸۰م تصور می‌شد که تجاوز همیشه از سوی بیگانه‌ای منحرف صورت می‌گیرد که ناگهان به زنی حمله می‌نماید و با خشونت، نیاز جنسی خود را - که پیامد ناکامی است - برطرف می‌کند؛ اما از آن زمان به بعد، مطابق برخی پژوهش‌ها در آمریکا و اروپا اعلام شد که در جامعه، نوع دیگری از تجاوز رایج است که تجاوزگر و قربانی، یکدیگر را به خوبی می‌شناسند و مدت‌ها با هم پیوند دوستی دارند. از آن تاریخ، اصطلاح «تجاوز در قرار عاشقانه»^۱ یا عبارت جامع‌تر و فراگیرتر «تجاوز آشنا»^۲ بر سر زبان‌ها افتاد و به مقاله‌ها و کتاب‌های علمی آن کشورها راه یافت.

امروزه پژوهشگران به سختی می‌پذیرند که تجاوزهای جنسی و از جمله تجاوز آشنایان به سبب ناکامی جنسی یا شرور بودن متجاوزان باشد؛ زیرا معلوم شده که بیشتر مرتکبان این کار، نه محرومیت جنسی دارند و نه از افراد دیگر خلاف‌کارترند. پسران خوب و نجیب و قابل‌اعتماد نیز در موقعیت‌های خاص قرارهای عاشقانه، از نظر شهوانی تحریک می‌شوند و دوست جنس مخالف خود را به تماس‌های جنسی وادار می‌کنند. مهم‌ترین این موقعیت‌ها ناشی از دیدن فیلم‌های جنسی، قرار گرفتن در مکان خلوت و پوشش نامناسب دختر یا حرکات تحریک‌کننده اوست. افزون بر این، طول کشیدن مدت دوستی و تبدیل شدن رابطه اتفاقی ابتدایی به رابطه‌ای پایدار و نیز سوءتعبیرهای ارتباطی و برداشت نادرستی که دو طرف از رفتارهای غیرکلامی یکدیگر دارند نیز می‌تواند موجب بروز خشونت و تجاوز در روابط عاشقانه شود. بررسی‌های انجام‌یافته در ایران نیز نشان می‌دهد در این نوع دوستی و ارتباط با جنس مخالف، آسیب‌هایی جدی متوجه هر دو یا یکی از آنها شده است. برای نمونه، در سال ۱۳۸۰ در جامعه آماری تصادفی از بین دختران و پسران دبیرستانی در چهار شهرستان، دو هزار دانش‌آموز به سه پرسش‌نامه درباره «رابطه با جنس مخالف»، «سلامت روان» و «عمل به باورهای دینی» پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد نوجوانانی که با جنس مخالف، دوستی و ارتباط دارند، به طور معناداری نسبت به نوجوانان بدون ارتباط، دارای نشانه‌های اضطراب،

1. Date rape.

2. Date acquaintance.

افسردگی و بیماری‌های روان‌تنی بیشتری هستند و میزان دین‌داری آنها پایین‌تر است. در سال ۱۳۸۲ از جمعیت ۶۲ هزار نفری دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستانی دیگر، ۳ هزار و ۲۰۰ نفر به عنوان گروه نمونه به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌هایی با محتوای «وضعیت ارتباط با جنس مخالف»، «سلامت روان»، «آسیب‌های روانی اجتماعی» (گرایش به خودکشی، فرار و...)، «رضایت از جنسیت»، «رضایت از ظاهر و روابط خانوادگی» و «عمل به باورهای دینی» پاسخ دادند. در این تحقیق جامع، دانش‌آموزان از نظر وضعیت ارتباط با جنس مخالف، چهار گروه بودند:

۱. کسانی که در زمان انجام پژوهش با جنس مخالف ارتباط داشتند؛
 ۲. نوجوانانی که در آن زمان، ارتباط‌های پیشین خود را قطع کرده بودند؛
 ۳. دختران و پسرانی که به یک نفر از جنس مخالف علاقه داشتند، اما آن فرد از آن علاقه آگاه نبود؛

۴. کسانی که نه در گذشته و نه در حال، چه یک طرفه و چه دوطرفه، با جنس مخالف ارتباطی نداشتند.

مجریان این نظرسنجی، «ارتباط» را این‌چنین تعریف کرده بودند: «دل‌بستگی عاطفی، همراه با تماس‌های پنهانی و دور از چشم خانواده».

نتایج تحقیق نشان داد که گروه اول، از نظر آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی، تنش‌های روحی و ضعف اعتقادات و اعمال دینی، اوضاعشان بدتر و پایین‌تر از بقیه بود. گروه دوم از نظر آسیب اجتماعی و ضعف دین‌داری در رتبه دوم قرار داشتند. گروه سوم از نظر اخلاقی و دینی وضعیت خوبی داشتند؛ اما از نظر روانی از نشانه‌های افسردگی رنج می‌بردند.

گروه چهارم از همه جهات، یعنی سلامت روان، سلامت اخلاق و پایبندی به باورهای دینی در رتبه بالاتری بودند.

با توجه به این بسیاری از دختران و پسران دوستی با یکدیگر را به امید ازدواج در آینده ادامه می‌دهند، باید توجه داشته باشند از آنجاکه این دوستی‌ها تعهد جدی بر تداوم رابطه ایجاد نمی‌کند:

یک. اگر با شما ازدواج نکند، سبب سرخوردگی شما خواهد شد و شما احساس می‌کنید تحقیر شده‌اید.

دو. معمولاً غلبه احساس و هیجان در این روابط، مانع انتخاب عقلانی شده و فرد بدون توجه به عیوب طرف مقابل، تصمیم به ازدواج می‌گیرد؛ البته این سخن به معنای لزوم شکست این ازدواج‌ها نیست؛ زیرا برخی از آنها موفق است، ولی علت موفقیت، دوستی پیشین آنها نبوده؛ بلکه علت اصلی، آمادگی‌های آنها برای تاهل و وجود تناسب بوده است.

سه. اگر پس از مدت‌ها دوستی و ارتباط با فردی، به این نتیجه رسیدید که ازدواج با او به مصلحت شما نیست و این رابطه را قطع کردید، دچار عذاب وجدان خواهید شد. چه بسا او به شما دل بسته و قطع این دل بستگی، او را دچار آسیب شدیدی خواهد کرد. و اگر به دلیل عهد و قرار پیشین با او ازدواج کنید، حاصل این رابطه برای هر دو، دشواری و سختی در سال‌های باقی‌مانده عمر خواهد بود.

چهار. اگر در آینده با فرد دیگری ازدواج کنید:

الف. گاهی اوقات در زندگی شما مشکلاتی ایجاد خواهد شد. برای مثال، چه بسا او با ارائه مدارکی از روابط دوستانه شما با خود (پیامک‌ها، نامه‌های الکترونیکی، عکس، نامه و...)، همسر شما را نسبت به شما بدبین کند؛

ب. گاه احساس می‌کنید به همسرتان خیانت کرده‌اید؛ زیرا در گذشته، قلب و ذهن خود را در اختیار فرد دیگری قرار داده بودید؛

ج. همسر آینده شما برای شما جذابیت لازم را نخواهد داشت؛ زیرا آن دو را با هم مقایسه می‌کنید و به هر حال، برخی ویژگی‌های مطلوب فرد اول را در دومی نمی‌یابید. افزون بر این، قلب لطیف‌تر از آن است که هرچند وقت یک بار شیفته یکی گردد. عشق اولین، تکرار نخواهد شد. پنج. دختران به یاد داشته باشند که در تمامی روزهایی که به امید ازدواج با فردی، خواستگارهای متعدد خود را رد کرده‌اند، فرصت‌های طلایی ازدواجی پاک را از خود سلب کرده‌اند.

مهارت‌های رفتاری برای مدیریت روابط عاطفی با جنس دیگر

۱-۸. اصول کلی

یک. اگر قصد ازدواج ندارید یا شرایط ازدواج برای شما مهیا نیست، احساسات خود را کنترل کنید و به گونه‌ای رفتار نکنید که جنس دیگر به شما علاقه‌مند شود؛

دو. جلسات فعالیت‌های علمی یا گروهی خود را در محیط دانشگاه برگزار کنید، نه در پارک‌ها یا کافی‌شاپ‌ها و اعضای گروه‌های کاری را دونه‌فره قرار ندهید.

سه. برای پرهیز از وابستگی:

الف. احساسات خود را بروز ندهید؛

ب. نگاه و رفتار خود را کنترل کنید؛ زیرا احساسات بدون کلام نیز انتقال می‌یابد؛

ج. برای حفظ شخصیت و احترام خود به گونه ای رفتار نکنید که دیگران حس کنند شما اهل روابط ناسالم هستید.

چهار. در صورتی که دوست عاطفی شما از شما تقاضای غیراخلاقی داشت:

الف. با جرأت و قاطعیت، مؤدبانه مرزهای اخلاقی در روابط را متذکر شوید؛

ب. واکنش قاطع خود را فوراً ابراز کنید تا طرف مقابل قطع امید کند؛

ج. بر این واکنش مداومت داشته باشید؛

د. موقعیتی را که او در آن به شما فشار می آورد، ترک کنید.

۸-۲. مدیریت رابطه به سوی ازدواج

یک. اگر فکر می کنید او فردی مناسب برای ازدواج شماست، اگر پسر هستید، مستقیم یا با واسطه و اگر دختر هستید، با کمک فردی امین و باتجربه نظر او را در مورد ازدواج با شما جویا شوید. تا زمانی که مستقیم درباره ازدواج با یکدیگر صحبت نکنید، طرف مقابل شما سردرگم خواهد بود و احتمال دارد به دلیل فشار خانواده یا دلایل دیگر با فرد دیگری ازدواج کند؛ در صورتی که اگر پیام مستقیم شما را برای تقاضای ازدواج دریافت کرده بود، صبر می کرد و موانع ازدواج را نیز برطرف می ساخت. از سوی دیگر امکان دارد هرچند شما مایل به ازدواج با او باشید، او قصد داشته باشد با دیگری ازدواج کند یا به هر دلیل مایل به ازدواج با شما نباشد. این امر کمک می کند تا گرفتار سردرگمی نشوید و بیهوده ذهن و روانتان فرسوده نگردد.

دو. اگر هم زمان فرد دیگری نیز به محبوب شما دل بسته، توجه داشته باشید که شما مالک محبوبتان نیستید و او حق دارد که خودش همسرش را انتخاب کند، و اگر با دیگری ازدواج کرد شما حق ندارید وارد حریم خصوصی او و همسرش شوید.

سه. چنانچه از طریق گفت و گوی اینترنتی یا فضای مجازی با کسی آشنا شده و قصد ازدواج با او را دارید، مراقب باشید که بسیاری از اطلاعات داده شده ممکن است واقعیت نداشته باشد؛ ارتباط خود را در قالب خواستگاری رسمی شکل دهید و با دیدار حضوری او و خانواده اش، اطلاعات خود را شفاف سازید.

چهار. اگر به این نتیجه رسیدید فردی که به او دل بسته اید، صلاحیت همسری شما را ندارد، هرچه زودتر رابطه خود را قطع کنید. برای قطع رابطه با جنس دیگر باید:

الف. بدانید فراموشی فردی که به او دل بسته بودید، نیاز به زمان دارد؛ از این رو به خودتان فرصت دهید؛

ب. همیشه به خودتان یادآوری کنید که چه بسا در ازدواج با او خوشبخت نمی‌شدید و شاید برخی خصوصیات اخلاقی منفی و ناشناخته او زندگی را بر شما تلخ می‌ساخت؛ شاید فرزندی معیوب حاصل ازدواج شما می‌شد یا شاید...؛

ج. از نگاه کردن به او، حرف زدن با او، ردوبدل کردن پیامک یا نامه‌های الکترونیکی و هرآنچه احساسات شما را شعله‌ور می‌سازد، بپرهیزید؛

د. رابطه را به صورت ناگهانی و کامل قطع کنید. قطع تدریجی رابطه، احتمال برقراری مجدد آن را بالا می‌برد؛

هـ. پیش از بیان تصمیم به قطع رابطه، همه واکنش‌ها و پاسخ‌های طرف مقابل را پیش‌بینی و برای آن جوابی آماده کنید تا هم ذهن خودتان هنگام صحبت کردن آماده‌تر باشد و هم آسان‌تر رابطه قطع شود؛

و. هرگز به محیط‌هایی نروید که احتمال حضور او وجود دارد. از هرچه ممکن است شما را به یاد او بیندازد پرهیز کنید؛ از خانواده او، دوستان مشترکتان، ایمیل یا تلفن او؛
ز. حتماً ویژگی‌هایی منفی از او دیده‌اید. هرگاه ذهن شما به او مشغول شد، به آن ویژگی‌های منفی بیندیشید و به خویشتن بگویید او شایسته من نبود؛

ح. اگر متوجه شدید که باید ارتباط با جنس مخالف خود را قطع کنید و او شما را به آبروریزی تهدید کرد، نگران نباشید؛ زیرا در صورت طرح هر مسئله‌ای، آبروی خود او نیز در خطر خواهد بود. زمانی که قطع رابطه از طرف شما باشد، این نشانه پاک‌ی شماست و دیگران نیز نظر مثبتی درباره شما می‌یابند. اعتماد به نفس داشته باشید و به سخنان و رفتارهای او اهمیتی ندهید.

توجه داشته باشید اگر به هر دلیل در مقابل تهدیدهای او سستی نشان دهید، او با مشاهده تأثیر رفتارش، بر دامنه تهدیدهای خود خواهد افزود.

۳-۸. مدیریت شکست عاطفی

در صورتی که فردی، با وجود وعده‌هایش، به شما بی‌وفایی کرد و از ازدواج با شما سر باز زد، شکست عاطفی خویش را مدیریت کنید و نگذارید عواطف و احساسات، امید به زندگی و

رشد و کمال را در شما ضعیف کند. این کلام خدا را به یاد داشته باشید: «چه بسا از چیزی ناخشنودید و آن برای شما خوب است و چه بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است»^۱.

در شکست عاطفی، به تناسب میزان ارتباط و طول مدت آن، حالات روانی شما متفاوت خواهد بود. هر میزان که تغذیه عاطفی شما از طرف مقابل شدیدتر و طولانی‌تر باشد، قطع رابطه برای شما سخت‌تر خواهد بود؛ از این رو، به زمان بیشتری برای تسلط بر اوضاع روانی خود نیاز دارید.

پس از رویارویی با شکست در عشق، ابتدا شوک زده می‌شوید و دوست دارید واقعیت را انکار کنید. پس از آنکه واقعیت را تغییرناپذیر می‌یابید، خشمگین می‌شوید. گاهی ممکن است به هر وسیله‌ای حتی با لگد مال کردن عزت نفس خود، با محبوبتان چانه‌زنی کنید و او را به ادامه رابطه وادار نمایید. پس از آنکه به قطع رابطه کاملاً یقین کردید، مدتی افسرده خواهید بود و بی‌قراری می‌کنید؛ به درون خود پناه می‌برید و خاطرات گذشته دائماً در ذهن شما مرور می‌شود و احساس ناامیدی می‌کنید؛ ولی با پذیرش واقعیت، اندک‌اندک وارد مرحله جدیدی از زندگی خواهید شد.

برای گذر موفق از این مرحله، اقدامات زیر را انجام دهید:

یک. خشم خود را عاقلانه تخلیه کنید. برای این کار از تکنیک‌های مهار خشم استفاده کنید. همچنین با خداوند سخن بگویید؛ او شنونده خوبی است و به شما کمک خواهد کرد. پس از رازنیاز عمیق با خدا احساس سبکی خواهید کرد.

دو. احساسات خود و آنچه را برای شما اتفاق افتاده، بر روی کاغذ بنویسید. پس از خواندن آن آرامش یافته و قدرت تحلیل شما درباره آنچه پیش آمده، قوی‌تر خواهد شد. پس از مدتی نوشته‌های خود را محو کنید.

سه. پس از شکست عشقی معمولاً افراد احساس می‌کنند توانایی محبوب شدن را ندارند و به همین دلیل نگرش منفی به خود پیدا می‌کنند. ویژگی‌های مثبت خود را در برگه‌ای بنویسید و آنها را مرور کنید. عظمت خود را دریابید و انرژی کافی را برای بازسازی خود بیابید.

چهار. در دفترچه یادداشت خود فهرستی از موضوعاتی را بنویسید که اندیشیدن به آنها

۱. «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ». (سوره بقره، آیه ۲۱۶)

برای شما لازم یا مسرت بخش است. هرگاه فکر او به ذهنتان آمد، سراغ دفترچه خود بروید و به یکی از آن موضوعات بیندیشید.

پنج. هرگاه ذهن شما ناخودآگاه به او مشغول شد، بگویید: «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم...»،^۱ آنگاه وضعیت خویش را تغییر دهید و مشغول به کار مثبت و جدیدی شوید. شش. برای بیرون آمدن از تنهایی، بیشتر در جمع خانواده و دوستان دل‌سوزتان که شما را درک می‌کنند باشید تا خلأ عاطفی شما با حمایت‌های صمیمی آنها جبران شود.

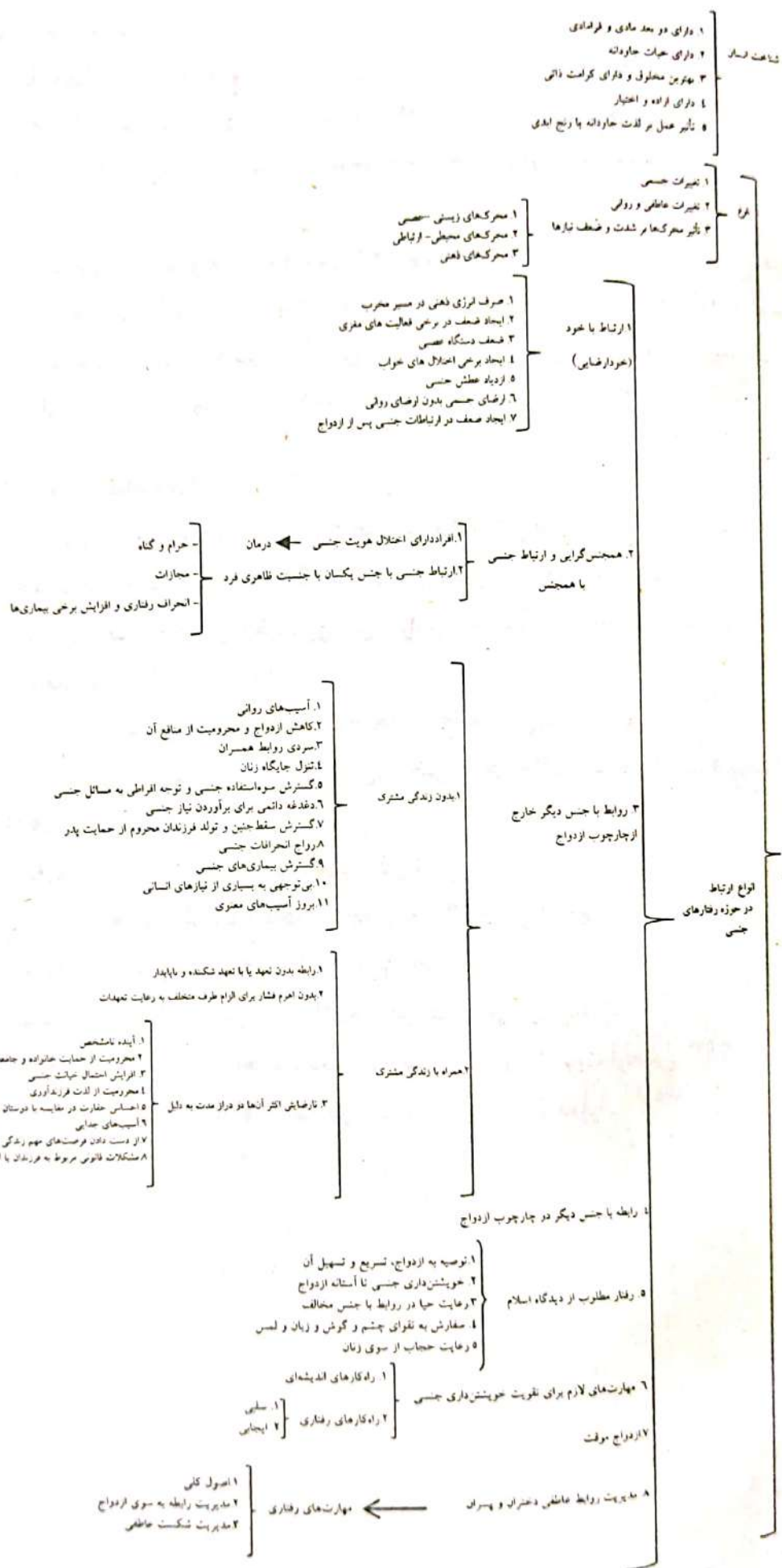
هفت. از تنهایی پرهیزید؛ زیرا وسوسه و فکر او بیشتر سراغ شما خواهد آمد. در تشکل‌های فرهنگی یا هیئت‌های مذهبی دانشگاه شرکت و فعالیت کنید. با افراد باایمان، فعال و بانشاط دوست شوید و دوستی خود را با آنان تقویت کنید. به‌طور جدی درس بخوانید و برای پیشرفت علمی خود در آینده، برنامه‌ریزی کنید.

هشت. گذر زمان درمان خوبی برای فراموشی خاطرات ناخوش گذشته است؛ به خودتان فرصت بازسازی روحی بدهید و از خداوند بخواهید آنچه موجب خوشبختی شماست، نصیبتان گرداند. این روایت از پیامبر ﷺ را در برگه‌ای یادداشت کنید و در جلوی دیدگان خود قرار دهید: «هرکس به آنچه از دستش رفته امید نداشته باشد، آسوده است و هرکس به آنچه خداوند روزی‌اش کرده خرسند باشد، شادمان می‌گردد».^۲

۱. «از شیطان رانده شده به خداوند پناه می‌برم».

۲. شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۲۵ و ۳۹۳.

نمودار مطالب فصل



♦ پرسش‌های فصل

۱. رفتار مطلوب در حوزه روابط با جنس دیگر (زن / مرد) از دیدگاه اسلام چیست؟
۲. چه راه‌کارهایی برای تقویت عفاف در جامعه پیشنهاد می‌کنید؟
۳. برای آنکه عقل و خرد جوان بر هوس‌های نفسانی او حاکم باشد، چه راه‌کارهایی را توصیه می‌کنید؟
۴. پیامدهای مثبت و منفی دوستی با جنس مخالف چیست؟ آیا با احتساب هزینه و با در نظر داشتن فایده این دوستی‌ها، استمرار آن در غیر قالب ازدواج عاقلانه است؟
۵. پیامدهای منفی شکست عاطفی در عشق به جنس مخالف را در بین فردی از دوستان یا آشنایان خود ارزیابی کنید.

♦ منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. احمدی، محمدرضا؛ روابط پسر و دختر؛ قم: دفتر نشر معارف.
۲. حداد عادل، غلامعلی؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی؛ تهران: سروش.
۳. حسینی، سید مجتبی؛ نگاه و پوشش (آرایش، گفت‌وگو و روابط دختر و پسر)؛ قم: دفتر نشر معارف.
۴. رحیم‌پور ازغدی، حسن؛ عفاف نماد هویت انسانی؛ تهران: سنابل.
۵. شلیت، وندی و نانسی لی دموس؛ دختران به عفاف روی می‌آورند؛ قم: دفتر نشر معارف.
۶. غلامی، یوسف؛ راز یک فریب؛ قم: دفتر نشر معارف.
۷. گلزاری، محمود؛ ارتباط آگاهانه با جنس مخالف؛ تهران: مهر.
۸. مطهری، مرتضی؛ مسئله حجاب؛ تهران: صدرا.
۹. ———؛ اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب؛ تهران: صدرا.
۱۰. اسلام‌لو، نعیمه؛ فرشته‌ها هم عاشق می‌شوند؛ تهران: تلاوت آرامش، ۱۳۹۳.
۱۱. برخورداری، زینب؛ عفاف‌گرایی در غرب؛ قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲.

فصل دوم: تشکیل خانواده



از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

کارکردهای ازدواج را بشناسند؛

در برخورد با موانع ازدواج، راهکارهای مناسب برای رفع برخی از آنها را بدانند؛

با معیارهای همسرگزینی آشنا شوند؛

با روش شناخت فرد مناسب برای ازدواج آشنا شوند.

ازدواج و کارکردهای آن



یکی از سنت‌های مهم در عالم خلقت، «زوجیت» است که در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است:

منزه است خدایی که پدیده‌های هستی را زوج آفریده است؛ چه از نباتات و چه از

نفوس بشر و دیگر مخلوقات که شما از آن آگاه نیستید.^۱

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: «زوج‌ها چیزهای متقابلی هستند که هریک از آنها به وسیله دیگری تکمیل می‌شوند».^۲

حکمت زوج‌آفرینی در جهان خلقت تکامل موجودات است. موجودات تکامل یافته به دلیل وجود دو جنس نر و ماده، به صورت‌های بی‌شماری تکثیر می‌شوند. فایده این تکثیر آن است که تنوع ژنتیکی در آن، به روند تکامل خلقت کمک می‌کند. ایجاد تنوع در نوع انسان اهمیت دیگری نیز دارد؛ اینکه انسان نمی‌تواند به صورت فردی زندگی کند، بلکه برای تأمین نیازهای خود ناگزیر است در اجتماع باشد. در جامعه، هر فردی وظیفه‌ای بر عهده می‌گیرد و بدین طریق مصالح نوع انسان تضمین می‌گردد. اگر انسان‌ها جملگی یک شکل و مشابه بودند و همگی یک شکل خاص از استعداد را داشتند، دیگر قادر به انجام وظایف گوناگون نبودند و در نظام اجتماع اختلال به وجود می‌آمد.

از این رو، خداوند تنوع را از جلوه‌های رحمت خود معرفی می‌کند. زوج‌آفرینی انسان سبب تنوع انسان‌ها با استعدادها و توانمندی‌های گوناگون و تکامل آن‌ها نیز خواهد شد. انسان در تحولات رشدی خویش، با آغاز دوره جوانی هماهنگ با نظام زوجیت در جهان هستی، خود را نیازمند نیمه مکمل خود می‌یابد؛ از این رو به ازدواج رو می‌آورد.

۱. «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ». (سوره یس، آیه ۳۶)
 ۲. طباطبایی، المیزان فی تفسیر، ج ۱۸، ص ۵۷۳.

ازدواج برای زن و شوهر کارکردهای مطلوب فراوان دارد و برای جامعه نیز برکات بسیار خواهد داشت.

۱. کارکرد فردی ازدواج

ازدواج کارکردهای ارزشمندی برای هر فرد دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱-۱. تکامل شخصیت

تجربه همسر شدن و پس از آن پدر یا مادر شدن، نوعی کمال شخصیت محسوب می‌شود. فرد بر اثر این دو تجربه، دیگران را بخشی از خود احساس می‌کند که این نوعی «توسعه خود» است.

استاد مطهری رحمته الله علیه می‌فرماید:

ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. بعد از ازدواج وقتی می‌خواهیم کار کنیم، برای من تنها نیست. آن «من» تبدیل به «ما» می‌شود؛ به طوری که انسان به سرنوشت خانواده علاقه مندتر است تا به سرنوشت شخص خودش و رنج می‌برد تا آنان در آسایش باشند. این یک درجه از «خود» است.^۱

بنابراین ازدواج، عواطف لطیف انسانی را به خروش می‌آورد. در حقیقت عشق به همسر و سپس فرزندان سبب رشد عاطفی فرد متأهل می‌شود. هنگامی که دختر و پسر ازدواج می‌کنند، به دلیل عشق به همسر خویش و به دلیل آنکه زندگی جدید را، خانه و خانواده خود می‌دانند که با انتخاب خویش آن را بنا نهاده‌اند، در برابر آن احساس مسئولیت می‌کنند و در صدد رفع نیازهای خود و همسرشان برمی‌آیند. این تلاش جدی و شیرین سبب شکوفایی استعدادها می‌شود و بدین ترتیب خصلت‌های اخلاقی همچون مسئولیت‌پذیری، خلاقیت و سازندگی، صبر و سازگاری، امیدواری، تلاش و نشاط و سرزندگی در آنان رشد می‌کند.

۱-۲. ایجاد آرامش روانی

از آنجاکه این دو جنس یکسان نبوده و هریک واجد چیزی است که دیگری آن را ندارد، میل به قرار گرفتن در کنار یکدیگر در آنها ایجاد می‌شود. در نتیجه هریک مکمل دیگری

۱. شهید مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۶۸.

شده و بدین طریق آرامش می یابند؛ چنان که در قرآن نیز هدف ازدواج، سکونت و آرامش آدمی دانسته شده و فرموده است:

و از جمله نشانه های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و میان شما الفت و رحمت برقرار ساخت. به یقین در آنچه یاد شد، برای مردمی که می اندیشند، نشانه هایی است.^۱

علاوه بر آن، زن و شوهر محرک مثبت برای یکدیگرند و هنگام بروز مشکلات، همراه و رفیق و حامی عاطفی هم هستند. آنان با پیوند به هم، از ناراحتی ناشی از بی اعتمادی به آینده می کاهند؛ خصوصاً آنکه، در بین انسان ها نزدیک ترین رابطه عاطفی، میان زن و شوهر برقرار می شود و این رابطه در کاهش نگرانی ها، اضطراب ها و آشفتگی ها نقشی بنیادین دارد. فرد پیش از ازدواج به دلیل نیازهای مختلف، از جمله نیاز جنسی و نیاز به همراه در زندگی، دچار نوعی ناآرامی و اضطراب است. بررسی وضعیت روانی دختران و پسران پیش از ازدواج، چگونگی تأثیر ازدواج در آرامش روانی را آشکار می سازد. گاه برخی دختران و پسران نیاز به همراه و یاور زندگی را از طریق دوستان برآورده می سازند و برای پرهیز از مسئولیت های ازدواج و زندگی مشترک، مجرد را برمیگزینند. بسیاری از آنها به ویژه دختران، کسب مدارج تحصیلی بالا، به دست آوردن شغلی با ارزش با دریافت حقوق و مزایای مناسب را بر تشکیل خانواده ترجیح می دهند. این افراد معمولاً در سنین میانسالی که خواهران و برادران و بیشتر دوستانشان ازدواج کرده و زندگی مستقلی دارند و پدر و مادر نیز از دنیا رفته اند، از تنهایی رنج بسیار می برند. سایر همسالان علاوه بر کسب موقعیت های اجتماعی یا اقتصادی، به همسر و فرزندان خود دلگرم هستند، ولی آنها در زندگی خود فاقد مونس به نام همسر و فرزند هستند. آنها هرچند با پرهیز از برخی دشواری های تأهل، در دورانی از زندگی، آسایش نسبی داشته اند، خویشتن را از آرامش در ایام میانسالی محروم ساخته اند.

۳-۱. پاسخ صحیح به نیازهای جنسی

رابطه جنسی سالم، به نشاط فردی و تسکین دردها و تنش های بدن می انجامد. این امر برای رفع افسردگی و رسیدن به شادمانی و برطرف شدن سستی و عدم تحریک پذیری،

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (سوره روم، آیه ۲۱)

عاملی مؤثر است و حتی تندخویی و خشم را کنترل می‌کند.^۱ فردی که به نیاز طبیعی خود در زمینه نیازهای جنسی، توسط ازدواج پاسخ نمی‌دهد دچار ناکامی غریزی می‌شود و وجود همین ناکامی‌های غریزی می‌تواند علت پرخاشگری و تندخویی او شود.

۴-۱. کامل شدن ایمان

یکی از دروازه‌های ورود شیطان به ذهن و روان آدمی، غریزه جنسی است. ازدواج عامل تسکین این نیاز است و سبب می‌شود که فرد به برخی رفتارهای خلاف اخلاق روی نیاورد. بنابراین اگر فرد ازدواج نکند، ممکن است بر اثر فشار نیازهای جنسی به گناه کشیده شود. انجام چنین رفتارهایی نیز باعث بروز احساس حقارت در فرد شده و به کرامت نفس وی آسیب می‌رساند.

۵-۱. کسب استقلال

از جمله مهم‌ترین تحولات دوران جوانی، احساس نیاز به استقلال از خانواده پدری و مادری است. بی‌گمان ازدواج و تشکیل خانواده‌ای جدید بهترین پاسخ به این نیاز است؛ زیرا هم فرد را مستقل می‌کند و هم همگان، این استقلال را به رسمیت می‌شناسند.

۶-۱. تجربه مدیریت

با گذر از دوران کودکی و نوجوانی، افراد تمایل دارند افزون بر مستقل شدن از خانواده، مدیریت مجموعه‌ای جدید را نیز تجربه کنند. دختر و پسر پس از ازدواج، مدیران خانواده نوپای خود خواهند بود؛ آن‌سان که هریک به تناسب خویش به برنامه‌ریزی و اجرای ایده‌های خود می‌پردازند. بدیهی است با تولد فرزندان، حیطة این مدیریت نیز گسترده‌تر خواهد شد.

۷-۱. بهره‌مندی از حمایت‌های گسترده

انسان تا پیش از ازدواج و به تناسب نیاز خویش از حمایت‌های مادی و غیرمادی خانواده و بستگان خود بهره‌مند است. با ازدواج و تشکیل خانواده جدید بر تعداد بستگان فرد افزوده می‌شود و فامیل همسر او نیز در زمره بستگان او قرار می‌گیرند؛ بنابراین چتر حمایت‌های عاطفی، روانی و گاه مالی بستگان بسیار گسترده‌تر می‌شود.

۱. نک: سالاری‌فر و همکاران، بهداشت روانی با دگرش به منابع اسلامی، ص ۵۳-۴۷.

ح ۸-۱. کسب اعتبار اجتماعی

ازدواج، اعتبار اجتماعی خاصی به فرد می‌بخشد. در واگذاری شغل، مسکن، وام و... معمولاً تأهل اولویت و شرط است. مردم نیز برای افراد متأهل احترام بیشتری قائل هستند. گویا افراد با ازدواج از مرحلهٔ کودکی و نوجوانی فاصله گرفته و وارد مرحلهٔ بزرگسالی شده‌اند؛ بزرگ‌ترها هم دارای احترام بیشتری هستند.

ح ۹-۱. ارضای میل به جاودانگی

ازدواج و سپس تجربهٔ شیرین پدر یا مادر شدن سبب می‌شود که انسان با گذر زمان، خود را رو به افول نبیند. بدین سان، فرد تداوم حیات خویش را در فرزندان خود می‌یابد که حاصل دسترنج مادی و معنوی او هستند. پژوهشگران و متخصصان مسائل خانواده پیامدهای مثبت دیگری نیز برای ازدواج مطرح کرده‌اند؛ از جمله: ارضای نیازهای عاطفی؛ محبت کردن به دیگران و محبت دیدن از دیگران توسط همسر و سپس فرزندان؛ بهره‌مندی از شورونشاط در زندگی؛ تقویت انگیزه برای فعالیت؛ رشد اخلاقی و تقویت خصلت‌هایی چون مروّت، جوانمردی، صبر و سازگاری؛ پر شدن اوقات فراغت به نحو آسان، بانشاط و مفید؛ آسایش روانی و اقتصادی والدین به دلیل استقلال فرزندان.

ح ۱۰-۱. رونق اقتصادی

«بیشتر افراد، با ازدواج رونق اقتصادی پیدا می‌کنند و ثروت آنان افزایش می‌یابد. فرد مجرد به مصرف‌گرایی بیشتر علاقه نشان می‌دهد، درحالی‌که فرد متأهل آینده‌نگر می‌شود و پس‌انداز و کنترل سبب هزینه‌ها برایش اهمیت می‌یابد. از سوی دیگر، افراد با آرامش و آسایشی که در خانواده به دست می‌آورند خدمات اقتصادی بهتری را در محیط کار ارائه می‌کنند و انگیزهٔ بیشتری برای فعالیت اقتصادی دارند»^۱.

ح ۲. کارکرد اجتماعی ازدواج

«تمدن نتیجه اجتماع، اجتماع زاییدهٔ خانواده و خانواده نیز ثمرهٔ ازدواج است. بنابراین اگر ازدواج به تأخیر افتد یا سست شود، خانواده دستخوش زوال می‌شود، و جامعه، فرهنگ

۱. غلاسوند، خانه‌های اعیانی، ص ۶۷.

و تمدن در معرض خطر قرار می‌گیرد.^۱ علاوه بر آن بدون ازدواج و فرزندآوری، جمعیت کاهش می‌یابد و رو به نابودی می‌رود. در صورتی که ازدواج صورت نگیرد، ولی رابطه جنسی نامشروع فراگیر شود، جامعه فاقد نسلی پاک شده و آثار مخرب تولد فرزندان فاقد طهارت نسل، آن اجتماع را رو به تباهی خواهد برد.

۱-۲. انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر

خانواده کانونی است که در آن ارزش‌های اخلاقی، باورهای دینی و معیارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و زمینه رشد عاطفی و تربیت اخلاقی و اجتماعی اعضای خانواده فراهم می‌گردد. خانواده در انتقال فرهنگ و پاسداشت ارزش‌های فرهنگی جامعه، اساسی‌ترین نقش را بر عهده دارد.

۲-۲. پرورش مهارت‌های اجتماعی کودکان

«خانواده به مثابه اصلی‌ترین پایگاه رشد و شکوفایی شخصیت و پرورش مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان، در سلامت و اعتلای جوامع بشری بس اثرگذار است؛ چراکه شکل‌گیری شخصیت، تبلور رفتارهای اجتماعی، تعامل‌های فردی و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها، اغلب حاصل چگونگی برخوردها، بینش‌ها و تجارب آنها در زندگی خانوادگی است».^۲ پژوهشگران مسائل خانواده درباره آثار اجتماعی ازدواج این موارد را نیز عنوان کرده‌اند: توسعه امنیت اجتماعی در راستای تنظیم رفتارهای جنسی؛ توسعه اقتصادی به دلیل تقویت انگیزه متاهلان برای گسترش تولید؛ بهبود روابط اجتماعی به جهت توسعه جامعه‌پذیری افراد در کانون خانواده؛ بقای جوامع به دلیل فرزندآوری و پرورش نسل در خانواده؛ حمایت و مراقبت از نیازمندان (کودکان، سالمندان و معلولان) در خانواده و کاهش بار اجتماعی این حمایت‌ها.

آنچه با عنوان کارکردهای ازدواج مطرح شد، زمانی حاصل می‌شود که انتخاب همسر صحیح باشد و زن و شوهر مهارت‌های زندگی مشترک را بیاموزند و به کار بندند؛ در غیر این صورت چه بسا ازدواج، آرامش موجود زندگی را به هم بریزد و خانواده و جامعه را دچار گرفتاری‌های بیشتر کند.

۱. سعدی‌پور، مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی، ص ۱۳.

۲. نک: افروز، روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسر‌داری، ص ۱۳-۱۲.

پیدایش درک و فهم نسبت به زندگی مشترک، در کنار شور و احساس عمیق نسبت به ازدواج، بیانگر شروع بهار ازدواج است. همچنان که بهار، با آغاز رویش های خود، از سبز شدن زمین و شروع شکوفه هایی خبر می دهد که به رسیدن میوه ها و ثمرات آن منجر می شود، ورود به سن جوانی نیز خبر از بهار ازدواج می دهد. شکوفه هایی که بی اعتنایی به شکل گیری آنها و نادیده گرفتن آمادگی مستتر در آنها، می تواند موجب بروز خسارت هایی شود که جبران آن کمتر ممکن می شود.^۱

اگرچه جوان با افزایش سن به درک و برداشت های جامع تری دست پیدا می کند و قابلیت هایش هم در زمینه ی پذیرش مسئولیت های زندگی رشد بهتری پیدا می کند و این امر شرایط شکل دهی زندگی مشترک را بهتر و راحت تر می کند؛ اما نمی توان به هرز شدن نیازها و استهلاک فکری و رفتاری جوان، در ارتباط با نیاز به ازدواج بی اعتنا بود. آنهایی که تأخیر در ازدواج را به گمان فراهم شدن شرایط بهتر و آمادگی بیشتر تجویز می کنند، باید نسبت به این آثار که به خاطر نیاز مستمر و فراگیر و پرحجمش، فکر و فعالیت های فرد را درگیر و مستهلک می کند هم بذل توجه کنند. نمی شود یک اثر مفید را دید و جمع کثیری از آثار مضر را در غیاب آن ندید؛^۲ بنابراین «برای ازدواج باید به حدی از رشد شناختی، عاطفی و رفتاری رسید که شایستگی ها و توانمندی های لازم برای آغاز زندگی مشترک به دست آید. این حداقل ها با پذیرش نقش ها و موقعیت جدید، رشد کرده و کامل تر می شوند».^۳

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

دخترها و پسرهای مجرد را همسر دهید، همانا خداوند خلق و خوی آنان را نیکو

می کند، روزی آنان را وسعت می دهد و جوانمردی آنها را افزایش می دهد.^۴

در این کلام به مسلمانان تذکر داده شده که ازدواج خود عاملی برای رشد اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی فرد محسوب می شود. «در برخی کشورها معمولاً فرزند خانواده در سنین ۱۸ سالگی از خانواده خود جدا می شود و زندگی مستقلی را از حیث مالی، عاطفی و اجتماعی در

۱. نک: حبشی، کتاب ازدواج، (تأسیس)، ص ۸۴.
۲. همان، ص ۸۵.

۳. جانباز، از من تا ما، آمادگی ازدواج، ص ۲۳.

۴. «رَوَّجُوا أَبْنَاءَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مَرْوَاتِهِمْ». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۲۲)

پیش می‌گیرد. البته این در حالی است که تجربه فعالیت شغل چند سال زودتر آغاز شده است. جوان با انتخاب کار تمام‌وقت یا کار نیمه‌وقت همراه با تحصیل، زندگی مستقل را آغاز می‌کند. اگر خانواده‌ای نتواند در مرحله تجربه زندگی با خانواده، شرایط تربیتی لازم برای مرحله ترک خانه را برای جوان خود فراهم آورد، خانواده ناکارآمد تلقی می‌شود.^۱

«در گذشته، ایرانیان نیز دختر و پسر خود را از نوجوانی با مسئولیت‌های آتی زندگی مشترک آشنا می‌کردند و آنان را مسئولیت‌پذیر و توانمند تربیت می‌کردند. از جمله آنکه پسران با راهنمایی خانواده به مشاغل خرد و کوچک مشغول می‌شدند و تجربه کسب‌وکار و مدیریت درآمد را می‌آموختند؛ ولی امروزه در اکثر مواقع فرزند در جامعه شهری در زمان تحصیل، کار تمام‌وقت یا نیمه‌وقت همراه با تحصیل را تجربه نمی‌کند»^۲ و معمولاً دوران نوجوانی و آغاز جوانی فرزند، به تحصیل و فراغت می‌گذرد و برای زندگی مستقل تربیت نمی‌شود. در درس مدیریت خانواده و سبک زندگی در دوران دبیرستان مطرح شده که نوجوانان باید بلوغ‌های عقلی، عاطفی، اجتماعی خود را تقویت کنند تا آمادگی ازدواج را بیابند و بتوانند در زمان نیاز به این امر اقدام کنند. والدین نیز با اصلاح شیوه فرزندپروری، می‌بایست فرزندان خود را متناسب با توان جسمانی و روانی آنان، مسئولیت‌پذیر تربیت کنند و هماهنگ با رشدشان، توانایی‌های فردی و اجتماعی آنان را تقویت نمایند و برای تشکیل زندگی مستقل آماده سازند.

بررسی تجربه ازدواج در دوران دانشجویی (ازدواج‌هایی که هم زمان با دوران تحصیل دانشجویانجام می‌پذیرد و یکی از زوجین یا هر دو دانشجو هستند) نشان می‌دهد می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب در آغاز جوانی ازدواج کرد و در صورت حمایت بیشتر مسئولان و والدین و ارتقای کارآمدی زوج‌های دانشجو زندگی مشترک موفق‌تری هم داشت. «دانشجویان معمولاً از نظر موقعیت اجتماعی و فکری از دیگر جوانان در وضعیت بهتری قرار دارند و به دلیل ارتباط نزدیک دختر و پسر در محیط دانشگاه، مسئله ازدواج برای آنها اهمیت بسیار دارد. ازدواج‌های موفق، به خصوص در دوران دانشجویی، محیطی امن و توأم با آرامش ایجاد می‌کند و افراد را از ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی دور می‌سازد»^۳.

۱. نک: موسوی، خانواده‌درمانی با رویکرد سیستمی.

۲. همو، مشاوره قبل از ازدواج با نگاه کاربردی، ص ۴۸.

۳. نک: جان سیر، «عوامل تعیین کننده ازدواج دانشجویی و تاثیر آن بر کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی دانشجویان».

برخی پژوهش‌های انجام‌یافته نشانگر آن است که «دانشجویان متأهل موفقیت شغلی، سرمایه اجتماعی و موفقیت تحصیلی بیشتری کسب می‌کنند، همچنین در مقایسه با دانشجویان مجرد، از نظر تهذیب نفس و سلامت روحی و روانی وضعیت بهتری دارند»^۱. علاوه بر آن، افراد تحصیل‌کرده مدیریت و دقت بهتری در زندگی دارند و به همین دلیل، بحران‌های زندگی را بهتر پشت سر می‌گذارند.

«بر اساس گزارش مسئولان ستاد ازدواج دانشجویی، کمترین نرخ طلاق در کشور مربوط به ازدواج‌های دانشجویی است»^۲. پژوهشی که در سال ۱۳۸۹ از میان حدود ۱۵۰ هزار زوج دانشجویی مربوط به سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ (دوره دهم تا سیزدهم ازدواج دانشجویی) طی مصاحبه با ۱۰۰۳ نفر انجام پذیرفت نشان داد «بیش از ۹۸٪ (۹۸۴ زوج) از افراد موردنظر دارای زندگی پایدار و کمتر از ۲٪ (۱۹ زوج) متارکه نموده‌اند»^۳. تحقیق دیگری که توسط ستاد ازدواج دانشجویی با همکاری ثبت احوال در چند سال بعد انجام پذیرفت مشخص کرد «از ازدواج‌های دانشجویی که طی یک دوره ده‌ساله اتفاق افتاده کمتر از ۶٪ منجر به طلاق شده است؛ این در حالی است که میزان طلاق در بین عموم مردم در این مدت حدود ۲۰٪ بوده است»^۴.

در مصاحبه‌هایی که با برخی از زوج‌های دانشجویی انجام شده، دانشجویان متأهل ثمرات ازدواج دانشجویی را چنین برشمردند: «ازدواج سبب شده تا توان برنامه‌ریزی برای زندگی افزایش یابد؛ به زندگی و فعالیت‌ها جهت داده و زندگی را دارای هدف کرده و نظم و انضباط بیشتری در زندگی ایجاد شده است؛ سبب درک بهتر مسائل زندگی شده، سازگاری را افزایش داده و اعتماد به نفس بیشتری ایجاد کرده است؛ سبب حمایت و توجه همسر، افزایش حمایت خانواده، رهایی از تنهایی، کسب امنیت و آرامش، احساس تعلق و افزایش استقلال و هویت‌یابی می‌شود؛ هرچند با چالش‌هایی نیز مواجه است که مهم‌ترین آن اشتغال، مسکن و فشار تحصیلی است»^۵.

۱. نک: مهدوی و غنیمتی، «بررسی تأثیر ازدواج دانشجویی بر روی ابعاد کارکردی عام نظام اجتماعی».

۲. حسینی و توحیدی منش، *درس‌نامه طلاق*، ص ۱۰.

۳. بررسی سطح پایداری ازدواج‌های دانشجویی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹، واحد ازدواج دانشجویی اداره طرح‌های ملی و جشنواره‌های سراسری معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

۴. حسینی و توحیدی منش، *درس‌نامه طلاق*، ص ۱۰.

۵. نک: خلجی‌نیا و دیگران، «تجربه زیسته ازدواج دانشجویی».

♦ برای مطالعه بیشتر

«در سال ۱۳۷۶ با حضور ۶۰ دانشجو مراسم ازدواج دسته‌جمعی در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. در سال ۱۳۷۷ تعداد آنها به ۲۰۰ دانشجو رسید. این برنامه از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ فقط در دانشگاه شهید بهشتی برگزار می‌شد. هدف از این برنامه کاهش موانع فرهنگی، اقتصادی ازدواج دانشجویان بود تا آنها طی مراسمی با شکوه و دسته‌جمعی زندگی مشترک خود را با سادگی آغاز نمایند و دانشگاهیان و خانواده‌آنان ازدواج در دوران دانشجویی را سهل و آسان ببینند. از سال ۱۳۷۹ با استقبال بیش از ۱۴ هزار زوج در سراسر دانشگاه‌ها به دلیل همراهی بیشتر مسئولین و اختصاص بودجه مناسب به این امر، جشن‌های ازدواج دانشجویی در سایر دانشگاه‌ها برگزار شد. در این مراسم دانشجویانی که دوران عقد خود را سپری می‌کردند، همراه با والدین خود و همسرشان در جشن ازدواج شرکت کرده و بر سر سفره عقد باشکوهی که برای آنان تهیه دیده شده بود عکس یادگاری گرفته و آغاز زندگی مشترک خود را به فامیل اعلام می‌کردند. هرچند اندکی از آنها جشن جداگانه‌ای نیز بین بستگان خود برگزار می‌کردند: ولی اکثر آنان به همین مراسم اکتفا کرده و در نتیجه در هزینه برگزاری مراسم عروسی صرفه‌جویی و علاوه بر آن هدایای مختصری نیز توسط برخی نهادها یا دستگاه‌ها به آنها ارائه می‌شد. جهت ساماندهی این ازدواج‌ها، ستادی با عنوان «ستاد ازدواج دانشجویی» تشکیل شد که هدف آن ترغیب دانشجویان به ازدواج از طریق ایجاد مقدمات و تسهیل فرآیند ازدواج، کاهش و زدودن پیرایه‌های ایجادشده و بازدارنده در انجام ازدواج، ترغیب به سادگی در برگزاری مراسم ازدواج و نیز تلطیف و سالم‌سازی فرهنگی دانشگاه از طریق ایجاد روابط سالم بین دانشجویان، تعیین شد. به مرور، جهت استحکام این ازدواج‌ها، دوره‌های آموزشی نیز به مراسم افزوده شد. در سال ۱۳۸۴ بیش از ۳۷ هزار زوج برای مراسم ازدواج دانشجویی ثبت‌نام کردند. از سال ۱۳۸۵ ستاد ازدواج دانشجویی اکثر این مراسم را در مشهد مقدس برگزار کرد تا طی مسافرت هزاران نفری دانشجویان از دانشگاه‌های مختلف در بازه زمانی چند ماهه، زوج‌های دانشجو، هم مراسم ازدواج آسان را برگزار کنند، هم سفر مرسوم زوج‌ها پس از ازدواج (ماه عسل) انجام پذیرفته شده باشد و هم از آموزش‌ها و مشاوره‌های برنامه‌ریزی شده توسط اساتید و مشاورین مجرب به صورت متمرکز بهره‌مند شوند. در این سفر معنوی، زوج‌های دانشجو در جوار حرم مطهر امام رضا (ع) عهدنامه‌ای را هم قرائت می‌کردند و با همسر خود عهد می‌بستند که روابط شایسته‌ای با یکدیگر داشته باشند. در نظرسنجی این زوج‌ها ۹۰٪ از آنان رضایت‌مندی خود را از این برنامه اظهار داشتند. تا سال ۱۳۹۸ هر ساله حدود ۳۰ تا ۶۰ هزار زوج در سامانه «هم‌سفر تا بهشت» ثبت‌نام کرده و در این مراسم حضور می‌یافتند؛ تعداد کل ازدواج‌های دانشجویی تا سال ۱۳۹۸ به ۸۵۰ هزار نفر رسید. متأسفانه از سال ۱۳۹۸، به دلیل شیوع کرونا، این مراسم متوقف شد. لازم به ذکر

است که در راستای حمایت از ازدواج دانشجویان، علاوه بر برگزاری مراسم و آموزش و مشاوره (حین ازدواج) توسط ستاد ازدواج دانشجویی، برنامه‌هایی جهت مشاوره برای همسرایی (پیش از ازدواج) و مشاوره و راهنمایی برای حل مشکلات ایجاد شده در روابط همسران (پس از ازدواج) در دست اقدام است.^۱

تسهیل ازدواج در رویارویی با موانع مختلف

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ (آخرین سرشماری سراسری کشور) تعداد ۴/۴۲۳/۲۲۵ دختر ۱۵ تا ۲۹ سال (سن متعارف ازدواج دختران در ایران) هرگز ازدواج نکرده و تعداد ۵/۳۷۲/۹۸۹ پسر ۲۰ تا ۳۴ سال (سن متعارف ازدواج پسران در ایران) هرگز ازدواج نکرده وجود دارد.^۲ آمار بالای دختران و پسران مجرد نشان‌دهنده ضرورت آسان‌سازی ازدواج از سوی دختران، پسران و خانواده‌های آنان است. بی‌شک اقدامات جدی دولت در راستای تسهیل ازدواج جوانان نیز امری ضروری است که مهم‌ترین آن، اجرای قانون «تسهیل ازدواج جوانان»، مصوب ۱۳۸۴ و قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، مصوب ۱۴۰۰ است.

♦ برای مطالعه بیشتر

قانون تسهیل ازدواج جوانان (مصوب ۱۳۸۴) دولت را موظف می‌کند به:
ماده ۱: به منظور توانمندسازی جوانان برای تشکیل خانواده، دولت مکلف است صندوق اندوخته ازدواج جوانان را ایجاد نماید.

ماده ۲: دولت مکلف است علاوه بر استفاده از منابع بودجه سنواتی پیش‌بینی شده، از محل «صندوق اندوخته ازدواج جوانان»، به مزدوجین نیازمند به اجاره مسکن - حسب تشخیص کمیته سامان ازدواج با توجه به امکانات صندوق - وام ودیعه مسکن پرداخت کند.

ماده ۳: با تأکید بر روش‌های انبوه‌سازی، کوچک‌سازی، ارزان‌سازی و استفاده از روش‌های نوین ساخت در امر مسکن، دولت مکلف است علاوه بر بهره‌مندی از تسهیلات متداول و رایج فعلی (انبوه‌سازی و اجاره به شرط تملیک) از طریق نهادهای عمومی نظیر شهرداری و اوقاف و امور خیریه و با بهره‌گیری از همکاری و امکانات وزارت مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و استفاده از زمین‌های دولتی یا زمین‌های اهدایی خیرین، واحدهای ساختمانی به عنوان «مسکن موقت» احداث کرده

۱. ازدواج دانشجویی از منظر رؤسای دانشگاه‌های کشور، معاونت علمی آموزشی ستاد ازدواج دانشجویی، ص ۱۵۹-۴.
۲. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ ش.

و آنها را در اختیار زوج‌های جوان، با اجاره مناسب قرار دهد. مدت استفاده هر زوج متقاضی از این واحدها حداکثر سه سال است.

ماده ۴: الف. کلیه دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی و شهرداری‌های دارای تسهیلات رفاهی، فرهنگ‌سرا و تالار، باشگاه و اردوگاه موظف‌اند با هماهنگی کمیته سامان ازدواج، فضاهای مذکور را برای برگزاری جشن و مراسم ازدواج در اختیار زوج‌های واجد شرایط قرار دهند.

ب. به هریک از خانواده‌های جوان عضو صندوق که هیچ‌یک از زوجین اشتغال به کار یا منبع درآمدی نداشته باشند، حداکثر تا مدت دو سال پس از تاریخ ازدواج مبلغی به عنوان کمک‌هزینه زندگی به صورت قرض‌الحسنه پرداخت می‌گردد. سقف مبلغ مذکور را کمیته سامان ازدواج متناسب با سرمایه صندوق تعیین خواهد نمود.

ماده ۵: دولت مکلف است به منظور تکریم و ترویج سنت حسنه نبوی ازدواج، فرهنگ‌سازی و ترویج الگوهای مطلوب، با استفاده از امکانات رسانه ملی و دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی اقدامات ذیل را انجام دهد:

الف. تصحیح باورها و آداب و رسوم مانع و مزاحم ازدواج جوانان در مناطق کشور؛
ب. تشویق جوانان و خانواده‌ها به برپایی جشن‌های گروهی و کاهش هزینه‌های تشریفات مراسم ازدواج؛

ج. روز اول ذی‌الحجه (روز ازدواج امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام) به عنوان روز ازدواج جوانان نام‌گذاری شود؛

د. طرح مباحث مربوط به چگونگی تشکیل خانواده و روش‌ها و آداب همسرگزینی و ازدواج آسان و شرعی، از طریق رسانه‌های گروهی، صداوسیما، کتب درسی مقطع متوسطه (سال سوم و پیش‌دانشگاهی) و آموزش عالی.

ماده ۶: دولت موظف است به منظور سامان فعالیت‌های ازدواج در استان‌ها و نظارت بر روند اجرایی این قانون در کلیه فرمانداری‌ها، کمیته سامان ازدواج را متشکل از فرماندار، امام جمعه شهر و رئیس شورای شهر تشکیل دهد.

تبصره ۱: این کمیته حسب مورد می‌تواند از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی جهت شرکت در جلسات و تصمیم‌گیری‌های ذی‌ربط دعوت به عمل آورد.

تبصره ۲: کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط موظف به همکاری با این کمیته هستند.

تبصره ۳: استانداران موظف‌اند پس از دریافت گزارش اقدامات کمیته‌ها، نتیجه را از طریق دولت به تفکیک هر استان سالانه به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گزارش کنند.

ماده ۷: به منظور رفع موانعی که باعث تأخیر ازدواج می‌گردد و تشویق و ترغیب جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مکلف است، پس از موافقت فرمانده کل نیروهای مسلح اقدامات ذیل را انجام دهد:

الف. تعیین محل خدمت سربازان متأهل در نزدیک‌ترین پادگان و مرکز نظامی محل سکونت؛

ب. پرداخت مستمری به میزان حداقل دو برابر سربازان مجرد، به سربازان متأهل که میزان افزایش مستمری متأهلین از محل صندوق اندوخته ازدواج جوانان تأمین می‌گردد. ماده ۸: دولت موظف است طرح جامع آموزش و مشاوره قبل و بعد از ازدواج مشتمل بر برنامه‌های مشاوره برای همسریابی، تشکیل خانواده، آماده‌سازی زوج‌های جوان برای آغاز زندگی مشترک، آشنایی با حقوق خانوادگی و اخلاق همسرداری و آمادگی برای داشتن فرزند را تهیه و ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به مجلس ارائه دهد. ماده ۹: دولت مکلف است متأهلین واجد شرایط را در اولویت دسترسی به فرصت‌های شغلی، وام اشتغال و وام مسکن قرار دهد.

ماده ۱۰: وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مؤسسات دارای مرکز آموزشی موظف‌اند در چهارچوب بودجه سنواتی، نسبت به ساخت و واگذاری خوابگاه‌ها برای متأهلین اقدام لازم را معمول دارند و همچنین نسبت به پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان متأهل به میزان دو برابر دانشجویان مجرد - که افزایش آن از محل صندوق اندوخته ازدواج جوانان تأمین می‌شود - اقدام نمایند.

تبصره: دانشجویان متأهل رشته‌های پزشکی مجازند قبل از انجام خدمت سربازی و طرح خدمت نیروی انسانی در آزمون دوره‌های تخصصی شرکت کنند. قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» نیز که در سال ۱۴۰۰ تصویب و ابلاغ شد در حمایت از ازدواج جوانان دولت را موظف می‌کند:

۱. کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مکلف‌اند متناسب با برآورد نیاز دانشجویان متأهل، اعم از بومی و غیربومی، زن و مرد، بخشی از درآمد و اعتبارات خود را به احداث، تکمیل، تأمین و تجهیز خوابگاه‌های متأهلین، و نیز اراضی و ساختمان‌های مازاد خود را با مشارکت خیرین و سایر دستگاه‌ها به تأمین خوابگاه‌های مورد نیاز دانشجویان متأهل اختصاص دهند. وزارت راه و شهرسازی هم باید بخشی از اراضی در اختیار خود را به این امر اختصاص دهد و علاوه بر آن سازمان اوقاف و امور خیریه و تولیت آستان‌های مقدسه با رعایت نوع وقف و ترویج «فرهنگ وقف خانواده» به احداث خوابگاه متأهلین ویژه دانشجویان اقدام نماید.

۲. صندوق‌های رفاه دانشجویی مکلف هستند برای دانشجویان فاقد مسکن نسبت به پرداخت ودیعه اجاره مسکن تا سقف حداقل ۵۰٪ متوسط قیمت ودیعه اجاره مسکن ۷۰ متری در کلان‌شهرها و ۱۰۰ متری در سایر شهرها اقدام نمایند.

۳. کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلف هستند در به‌کارگیری، جذب و استخدام نیروی جدید، به‌ازای تأهل تا حداکثر پنج سال به سقف سنی، حداقل ۲۰ سال تمام و حداکثر

۴۰ سال برای استخدام رسمی و متخصصان با مدرک تحصیلی دکتری ۴۵ سال، اضافه کنند.

۴. در به کارگیری، جذب و استخدام و تبدیل وضعیت استخدامی باید به ازای تأهل دو درصد (۲٪) به امتیاز هر فرد اضافه شود.

۵. دولت مکلف است برای کلیه گروه‌های مختلف حقوق بگیر و دستگاه‌های اجرایی، از ابتدای سال ۱۴۰۱ به مدت ۵ سال، پنجاه درصد (۵۰٪) به حق عائله‌مندی آنها در چهارچوب افزایش سنواتی حقوق اضافه نماید.

۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها مکلف‌اند در راستای آگاهی بخشی نسبت به وجوه مثبت و ارزشمند ازدواج به هنگام نیاز و آسان، اقدامات لازم از قبیل تولید و پخش فیلم، سریال، برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها را انجام دهند.

۷. وزارتخانه‌های کشور، ورزش و جوانان، فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر نهادهای ذی ربط مکلف‌اند حداقل سی درصد (۳۰٪) از بودجه حمایتی از سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های فرهنگی را به سازمان‌ها و تشکل‌هایی که در جهت کاهش سن ازدواج و تسهیل ازدواج جوانان فعالیت می‌کنند، اختصاص دهند.

۸. بانک مرکزی مکلف است تسهیلات قرض الحسنه ازدواج پرداخت کند که در سال ۱۴۰۰ برای هریک از زوج‌ها هفتصد میلیون ریال با دوره باز پرداخت هفت ساله است. این تسهیلات برای پسران زیر ۲۵ سال و دختران زیر ۲۳ سال تا سقف یک میلیارد ریال افزایش می‌یابد. بانک‌ها نیز باید برای ضمانت، تسهیلاتی را قائل شوند. در سال‌های پس از ۱۴۰۰ نیز حداقل به اندازه تورم سالانه به این تسهیلات افزوده می‌شود. برای زوج‌هایی که متقاضی دریافت کالای ایرانی برای دریافت جهیزیه هستند نیز تسهیلاتی پیش‌بینی شده است.

علاوه بر قوانین مذکور در سال ۱۳۹۹ نیز آیین‌نامه «تشکیل کارگروه ارتباط خانواده و دانشگاه» توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی (شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها) تصویب شد که یکی از اهداف آن چنین تعیین شده است: «تقویت ازدواج آگاهانه، آسان و بهنگام با همکاری خانواده دانشجویان». مطابق این مصوبه کارگروه مزبور باید در دانشگاه‌های کشور ایجاد شود. در سال ۱۴۰۰ نیز «سند ملی ازدواج دانشگاهیان» توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی (شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها) مصوب شد که مطابق آن می‌بایست ستاد ملی ازدواج دانشگاهیان با ترکیب ۲۶ نفر از مسئولان مربوط تشکیل شده و در موضوع ازدواج دانشگاهیان (دانشجویان، اساتید، کارکنان) از پیش از ازدواج تا سه سال بعد از ازدواج در قالب ترویج، آموزش، تسهیل، مشاوره و هدایت اقدامات لازم را در دانشگاه‌ها انجام دهند.

فارغ از مسئولیت دولت در آسان سازی ازدواج، در منابع اسلامی تأکید شده که در صورت مهیا بودن مقدمات اولیه ازدواج، دختر و پسر نباید به دلایل واهی ازدواج را به تأخیر اندازند و از مشکلات و موانع ازدواج بیم به دل راه دهند؛ زیرا خداوند پشتیبان آنها خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بر خداوند است یاری کسی که برای رعایت و کسب عفاف و دوری از حرام ازدواج می کند»^۱.

دختر و پسر جوانی که با فراهم شدن مقدمات اولیه ازدواج به آن اقدام می کنند، از فواید و برکات ازدواج، که به بخشی از آن اشاره شد، زودتر بهره مند می شوند؛ اما امروزه امور مختلفی سبب تأخیر در ازدواج می شود؛ از جمله: افزایش سطح توقعات مادی و غیرمادی فرد و خانواده؛ آداب و رسوم دست و پاگیر و غلط؛ گرایش پسران جوان برای احراز موقعیت های بالای اقتصادی و اجتماعی پیش از ازدواج و تمایل برخی دختران برای کسب موقعیت هایی همانند مردان و اشتغال در مشاغل خارج از خانه؛^۲ رعایت ترتیب در ازدواج فرزندان؛ ترس و نگرانی از ازدواج ناشی از سوء سابقه ذهنی؛ تغییر معیارهای گزینش همسر و گرفتار شدن به آرمان زدگی و ایده آل خواهی افراطی در انتخاب همسر؛ نداشتن خواستگار مناسب؛ سربازی و اشتغال به تحصیل.

به هر حال وقتی ازدواج به تأخیر می افتد، شور عاطفی در سنین بالا کاهش می یابد و خستگی روانی رایج در این سنین از لذت ازدواج می کاهد. در این بخش به تعدادی از موانع ازدواج و راه کارهای برطرف کردن آنها توسط دختر و پسری که مایل به ازدواج هستند اشاره می شود.

۱. اشتغال به تحصیل

بسیاری از دانشجویان، اشتغال به تحصیل را مانع ازدواج می دانند و تصور می کنند ازدواج مانع پیشرفت تحصیلی آنان می گردد؛ در حالی که هرچند ازدواج سبب می شود آنها ساعات کمتری درس بخوانند، بازده آن بهتر و بیشتر خواهد بود.

نکته تأمل برانگیز اینکه امروزه سطح تحصیلات برخی از دختران بالاتر از سطح تحصیلات پسران است. باید توجه داشت که ارزیابی و قضاوت درباره تفاوت تحصیلات دخترها و

۱. «حَقُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّوْنَ مَنْ نَكَحَ الْيَتَامَ الْعَقَافَ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ» (متقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۶)

۲. پژوهشی در سال ۲۰۰۴ با عنوان «زنان حرفه ای تنها، یک پدیده جهانی، چالش ها و فرصت ها» منتشر شد و نشان داد که بسیاری از زنان حرفه ای در جهان مجرد مانده و چالش های مشترکی دارند.

پسرهای آماده ازدواج باید با عنایت به هوشمندی، کفایت عقلانی، تجارب ارزشمند حرفه‌ای و بینش اجتماعی طرفین انجام پذیرد. درواقع صرف تفاوت در میزان تحصیلات نمی‌تواند و نباید مانعی برای ازدواج باشد. «چه بسا پسرهایی که با وجود بهره‌مندی از ظرفیت هوشی بالا و رشد مطلوب عقلانی و امکان ادامه تحصیلات دانشگاهی، به دلایلی از جمله کسب مهارت‌های موردنیاز، بضاعت مالی محدود و اشتغال به کار موفق به تحصیلات دانشگاهی نشده‌اند. بی‌تردید برخورداری پسر از تجارب حرفه‌ای مفید و ارزشمند از نظر منطقی به مراتب از صرف تحصیلات نظری ارزشمندتر است»؛^۱ ازاین‌رو پسر و دختر در چنین شرایطی می‌توانند همسر شایسته‌ای برای یکدیگر باشند؛ به شرط آنکه: یک. پسر فهمیدگی لازم را برای پذیرش مدیریت خانواده داشته باشد؛ دوست‌دار دانش باشد و مانع تحصیل همسرش نشود و همچنین دارای ویژگی برتری نسبت به همسرش از حیث اطلاعات عمومی یا سطح خانوادگی باشد. دو. زن ظرفیت پذیرش مدیریت شوهری با تحصیلات کمتر را داشته باشد.

۲. مسائل اقتصادی

مسائل اقتصادی هرچند مسئله‌ای مهم و واقعیتی انکارناپذیر است، نباید آن را مانع ازدواج دانست. اگر امکانات لازم و ابتدایی برای زندگی مشترک وجود داشته باشد، می‌توان برای ازدواج اقدام کرد. در این زمینه:

یک. باید به خداوند متعال توکل کرد. خداوند در قرآن وعده فرموده: «اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می‌سازد».^۲

دو. پسران ضمن پایین آوردن سطح توقعات شغلی خود بکوشند تا شغل مناسبی بیابند و در این راه از پرداختن به مشاغل پاره‌وقت و نیمه‌وقت امتناع نکنند. با تلاش و توکل به خدا می‌توان در آینده صاحب موقعیت‌های شغلی مناسب‌تری شد.^۳

سه. دختران نیز هنگام انتخاب همسر توجه کنند که پسر جوهره کار و قابلیت تأمین امکانات موردنیاز را داشته باشد. اگر پسر اهل کار و تلاش است، اما هنوز نتوانسته نیازهای زندگی را برآورده کند، می‌تواند از حمایت خانواده تا زمان فراهم شدن امکانات بهره‌مند باشد.

۱. افروز، «تفویض و تفاوت‌های تحصیلی در ازدواج»، ص ۱۱-۱۲.

۲. «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». (سوره نور، آیه ۳۲)

۳. به برخی شیوه‌های اشتغال مناسب در آغاز ازدواج، در فصل سوم اشاره خواهد شد.

چهار. برای ازدواج نباید توقعات بالایی در میزان مهریه، جهیزیه و مسکن داشت. اگر این امور، ساده گرفته شود، ازدواج آسان و شیرین خواهد شد. برای کمتر شدن مخارج ازدواج، خانواده‌ها با جلوگیری از تجمل‌گرایی و چشم‌وهم‌چشمی، برای برگزاری جشن ساده بکوشند تا برای فرزندشان امکانات ازدواج فراهم شود. در غیر این صورت چه بسا فشار مالی که به دختر، پسر و خانواده آنها وارد می‌شود و دغدغه اقساط وام‌هایی که برای امور غیرضروری ازدواج دریافت شده، زندگی مشترک را از آغاز با کدورت مواجه می‌سازد. در سال‌های اخیر مؤسساتی نیز برای برگزاری آسان‌تر مراسم ازدواج با حذف واسطه‌ها، خدمات مقرون به صرفه‌تری را ارائه می‌دهند.

«آنچه به ازدواج رسمیت می‌بخشد خطبه عقدی است که بین دختر و پسر جاری می‌شود و آن دو را همسر یکدیگر قرار می‌دهد تا عمری زیر یک سقف زندگی مشترک داشته باشند؛ سایر مراسم، حواشی آن است تا ازدواج را مزین سازد. گاهی، افراد به حواشی ازدواج بیش از اصل آن می‌پردازند و مراسم مصرف نمایی عروسی را چنان مفصل برگزار می‌کنند که از آغاز ازدواج، هم فشار اقتصادی به خانواده‌ها وارد می‌شود و هم به دلیل چشم‌وهم‌چشمی، سد بزرگی برای ازدواج جوانانی که خواستار ازدواج هستند ایجاد می‌کند. این مراسم محتوا و قالب اقتصادی ازدواج را افزایش و محتوا و قالب فرهنگی آن را کاهش می‌دهد. اسراف متظاهرانه افزایش می‌یابد و مراکزی هم که به ازدواج و برنامه‌ریزی آن به دید یک شغل نگاه می‌کنند، از طریق تبلیغات و انتشار پیام در فضای مجازی یا حقیقی به ایجاد میل کاذب دریافت خدمات جانبی چون تنوع در خدمات غذایی و نوشیدنی، اجاره مکان برگزاری مراسم، عکاسی و فیلم‌برداری، لباس عروس، تزیین ماشین عروس، موسیقی زنده و... دامن می‌زنند.^۱ آمار ثبت ازدواج نیز نشان‌دهنده آن است که در سال‌های فراگیری کرونا به دلیل حذف مراسم پرهزینه عقد و عروسی، میزان ازدواج جوانان افزایش چشمگیر داشته است. پنج. در صورتی که در منزل پدر دختر یا پسر، امکانات خلوت مناسب زوج جوان فراهم باشد، می‌توان فاصله عقد تا عروسی را طولانی‌تر کرد تا پسر امکان تهیه مسکن، و دختر امکان تهیه جهیزیه را بیابد.

شش. در صورت امکان، زوج جوان در آغاز زندگی از امکانات مسکن والدین استفاده نمایند. هفت. بستگان زوج جوان توجیه شوند که به جای هدایای غیرنقدی کم‌اهمیت [غیرضروری]،

۱. نک: مسعودی و دیگران، «مراسم پیشکاری، نمود مصرف نمایی مناسک ازدواج».

هدایای نقدی به آنها بدهند. این هدایا کمک می‌کند تا اقساط وام‌هایی که برای خرید جهیزیه یا تهیه مسکن دریافت شده آسان‌تر پرداخت شود.

هشت. در تعیین مهریه به شرایط اقتصادی مرد توجه شود و با تعیین مهریه زیاد، دختر (و اساساً خود ازدواج) وجهه اقتصادی پیدا نکند.

نه. در صورت امکان والدین دختر برای تهیه جهیزیه، فقط به موارد ضروری اکتفا کنند و بقیه هزینه جهیزیه را برای تهیه مسکن در اختیار زوج جوان قرار دهند.

یکی از موانع ازدواج دشواری تهیه جهیزیه است؛ خصوصاً آنکه چشم‌وهم‌چشمی و رقابت منجر به اصرار بر تهیه جهیزیه مفصل شده است. جهیزیه مفصل نیز نیازمند مسکن بزرگ برای جای دادن جهیزیه، مخارج جانبی برای رعایت تناسب با جهیزیه، مانند مهمانی مفصل، خرید سرویس طلا و حلقه گران‌قیمت، لباس گران‌بهای عروس و داماد، اجاره سنگین باغ و سالن، هزینه زیاد عکس و فیلم‌برداری و... است. این مخارج علاوه بر آنکه اسراف و حرام است، چه بسا سبب کدورت‌هایی از همان آغاز ازدواج شود. در ضمن منجر به رقابت بیشتر و دشواری ازدواج دخترانی می‌شود که توان تهیه جهیزیه سنگین را ندارند. دانشجویان می‌توانند فرهنگ صمیمیت و سادگی در مراسم ازدواج را جایگزین فرهنگ تجمل و اشرافی‌گری کنند.

ده. از آنجاکه تأمین جهیزیه در بیشتر مناطق ایران بر عهده خانواده دختر است، گاهی فقر فرهنگی، پافشاری بر آداب و رسوم غلط و مقایسه خود با دیگران، این ماجرا را به معضل تبدیل می‌کند.

باید توجه داشت از نظر اسلام و قانون، تهیه جهیزیه بر عهده دختر و خانواده وی نیست و این تنها رویه‌ای عرفی است. درواقع جهیزیه برای آغاز زندگی مشترک است و با همت طرفین، وسایل زندگی کامل‌تر خواهد شد؛ از این رو اگر جهیزیه مختصر بود و برخی ایراد گرفتند و رفتار نامناسبی نشان دادند، مرد باید مدافع همسرش باشد و زن نیز نباید در موضع دفاع قرار گیرد؛ زیرا پاسخ به هر ایرادی لازم نیست.

۳. خدمت سربازی

خدمت سربازی مانع اساسی برای ازدواج محسوب نمی‌شود؛ ضمن آنکه حمایت‌های والدین در دوره کوتاه سربازی به آنها کمک خواهد کرد. افزون بر این، مرد در دوران سربازی

در محل سکونت خود و همسرش خدمت می‌کند و از سال ۱۴۰۱ حقوق سربازی آنان نیز بیشتر شده است. گاه می‌توان با توافق همسر، مراسم عروسی را تا پایان دوران خدمت سربازی به تعویق انداخت.

۴. باورهای اشتباه

برخی از باورهای نادرست در زمینه ازدواج عبارت است از:

۱. ترس از محدود شدن آزادی‌های دوران مجردی؛ حال آنکه:

یک. از دست دادن برخی از آزادی‌های دوران مجردی، بهای رشد و آرامش گران‌بهای است که بر اثر تأهل به دست می‌آید؛

دو. برای اینکه حس نبود آزادی به وجود نیاید، بهتر است طرح تازه‌ای برای روابط با دوستان در نظر گرفته شود تا از روابط دوره مجردی در حد متعادل استفاده شود؛

سه. هنگام انتخاب همسر نظر وی درباره آزادی‌های دوران مجردی و حفظ مواردی که برای فرد مهم است، پرسیده شود تا در این زمینه به تفاهم برسند.

۲. ترس از مشکلات زندگی؛ حال آنکه:

یک. یادآوری سابقه پیروزی بر مشکلات گذشته به خوبی می‌تواند باعث افزایش امید و در نتیجه موجب کاهش ترس باشد؛

دو. مشورت با افراد موفق در زندگی برای کاهش ترس از مواجهه با مشکلات زندگی مشترک، بسیار مؤثر است؛

سه. در انتخاب شریک زندگی باید به توانایی وی در حل مشکلات دقت شود؛

چهار. به خداوند توکل و به رحمت بی‌کران او اعتماد شود؛ زیرا مشکلات و سختی‌ها با یاری خدا تمام خواهد شد؛ ضمن آنکه پس از ازدواج برای حل مشکلات، همراهی به نام همسر وجود خواهد داشت.

سعدی گوید:

همه روز اگر غم‌خوری غم مدار

چو شب غم‌گسارت بود در کنار

کرا خانه آباد و هم‌خوابه دوست

خدا را به رحمت نظر سوی اوست^۱

۲. مقایسه با دیگران؛ راز انتخابی صحیح، تناسب زن و مرد با یکدیگر است، نه تناسب با

۱. سعدی، کلیات سعدی (بوستان)، کتاب هفتم، ص ۲۵۴.

دوستان و آشنایان. مقایسه خود با دیگران، نتیجه‌ای جز یأس یا بالا رفتن توقعات ندارد. بنابراین هرکس باید خود را فقط با توانمندی‌ها و محدودیت‌های خود مقایسه کند تا با رسیدن به سطحی از خودشناسی، تصمیم مناسبی برای ازدواج بگیرد. مقایسه فرصت‌های ازدواج خود با سایر افراد (دوستان، فامیل و...) گاه به بهای ازدست دادن موقعیت‌های مناسبی تمام می‌شود که هرگز باز نمی‌گردد.

۴. تأکید بر ازدواج خواهر بزرگ‌تر؛ در این‌گونه موارد، ازدواج خواهر کوچک‌تر پیش از خواهر بزرگ‌تر باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که موجب سرشکستگی وی نشود؛ بنابراین: یک. والدین با خواهر بزرگ‌تر سخن بگویند و موافقت او را برای ازدواج خواهر کوچک‌تر جلب نمایند؛

دو. والدین علت این امر را واضح و مستدل برای بستگان و دوستان بیان کنند؛ سه. عزت و احترام دختر بزرگ‌تر حفظ شود و محاسن وی، البته نه به صورت ترحمی، در میان جمع بیان گردد؛

چهار. با خواهر بزرگ‌تر درباره ازدواج خواهر کوچک‌تر مشورت شود. والدین نباید وی را در مقابل تصمیم انجام‌شده قرار دهند؛ زیرا این موضوع ممکن است ضربه روحی به او وارد کند. اگر پیشنهاد اقدام برای ازدواج خواهر کوچک‌تر از سوی خواهر بزرگ‌تر باشد، بهتر است.

۵. نیافتن فرد مناسب

امروزه به دلیل کم‌رنگ شدن ارتباط‌های فامیلی، کاهش مهمانی‌های دسته‌جمعی و صمیمانه و نیز کم شدن احساس مسئولیت بستگان، دوستان و آشنایان در معرفی دختر و پسرهای هم‌شان، یکی از موانع ازدواج نیافتن فرد مناسب است. کسی که همسر شایسته خویش را نیافته، باید چند نکته را در نظر بگیرد:

یک. انصراف از برخی معیارهای فرعی: برای مثال، اگر شرط کسی در انتخاب همسر، سید بودن یا تحصیلات عالی اوست، از آنجاکه این دو از ملاک‌های اساسی نیست، باید آنها را کنار نهاد تا دایره انتخاب وسیع‌تر شود.

دو. بالا بردن شایستگی‌ها: توجه به ارتقای مهارت‌ها و توانمندی‌ها و از بین بردن نقاط ضعف خود می‌تواند مؤثر باشد. برای مثال پسر تلاش کند شغلی حتی پاره‌وقت داشته باشد

و دختر نیز شیوه ارتباطات اجتماعی و از همه مهم‌تر، اخلاق فردی خود را بهبود بخشد. همچنین شخص باید از رفتار و گفتار نامناسب پرهیزد و نقاط ضعفی را رفع کند که در ازدواج مورد توجه دیگران است.

سه. حضور فعال در اجتماعات سالم: حضور اجتماعی بستری مناسب برای انتخاب شدن است. گذشته از این، حضور صمیمانه در جمع بستگان به دلیل آنکه علاقه ویژه و شناخت بیشتری به انسان دارند و کمک به آنها، سبب جلب رحمت الهی خواهد شد و با توجه به اینکه آنان عموماً درباره سرنوشت فرد دل‌نگرانی هم دارند، چه بسا زمینه ازدواج او را فراهم سازد. در این زمینه احساس مسئولیت همگانی نیز حائز اهمیت است. بدین بیان که اگر افراد در بین اعضای فامیل و دوستان، دختر و پسر را سراغ دارند که مناسب همدیگرند، با رعایت اصول اخلاقی، آنها را به یکدیگر معرفی کنند. در روایات نیز به این موضوع توصیه شده است. البته دعا و اصرار بر دعا، توکل به خداوند و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام را نیز نباید نادیده انگاشت.

۶. موانع خانوادگی

۱-۶. مخالفت والدین

در صورتی که پدر یا مادر با ازدواج فرزند مخالفت کنند، آغاز زندگی مشترک با اضطراب و تنش همراه خواهد شد. در این زمینه می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

یک. بهتر است فرد علت مخالفت آنها را جویا شود و به دلایل آنها بیندیشد؛ شاید آنان دلیل منطقی و موجهی داشته باشند که در این صورت او باید در تصمیم خود بازنگری کند. اگر علت مخالفت آنان غیرمنطقی بود، با آرامش و احترام و رعایت روابط عاطفی صحیح، آنان را با خود همراه سازد. فرد نباید با عقاید غیرمنطقی والدین به صراحت مخالفت کند، بلکه در ابتدا بخشی از سخنان آنها را بپذیرد و به تدریج خواسته‌های خود را مطرح نماید.

دو. از فردی کمک بگیرد که دلایل او را درک می‌کند و می‌پذیرد و بر پدر و مادر او نیز نفوذ دارد. این فرد می‌تواند یکی از بستگان، دوستان پدر یا مادر، استاد یا مشاور یا روحانی باشد.

سه. برای متقاعد کردن پدر و مادر، ابتدا هریک را که کلامش نزد او نافذتر است، با خود همراه سازد.

چهار. بر محبت و احترام خود به آنها بیفزاید تا محبت و رضایت آنها را بیشتر جلب کند.

اگر طلاق پدر و مادر مانع ازدواج است، باید توجه داشت:

یک. برخی نگران دعوای و درگیری‌های والدین و تأثیر منفی آن بر دختر و پسر هستند؛ حال آنکه چه بسا دعوای و اختلافات، پنهانی و دور از چشم فرزندان بوده است.

دو. عده‌ای نگران خلأهای عاطفی فرزندان طلاق هستند؛ درحالی‌که ممکن است این خلأ را پدر بزرگ، مادر بزرگ یا سایر افراد فامیل جبران کرده باشند یا شخص فردی خودساخته باشد.

سه. برخی نگران تربیت ناصحیح فرزند طلاق هستند؛ حال آنکه چه بسا فردی که نگهداری او را بر عهده گرفته، به خوبی وی را تربیت کرده باشد. بنابراین:

الف. از آنجاکه هر دختر یا پسر دیگری نیز امکان دارد دارای ضعف‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری باشد، در برخورد با فرزند طلاق نیز می‌باید فرایند تحقیق همچون دیگران انجام پذیرد؛

ب. در جلسات خواستگاری ضمن مطرح کردن به موقع این موضوع، باید دلایل طلاق والدین برای خانواده طرف مقابل توضیح داده شود. این کار سبب می‌شود تا آنها موقعیت را بهتر درک کنند؛

ج. می‌توان از پدر یا مادری که با او زندگی نمی‌کند تقاضا کرد تا برای حمایت از ازدواج فرزندش در یکی دو جلسه خواستگاری حضور یابد. برخی والدین از این تقاضا استقبال کرده و حمایت‌گر خوبی برای ازدواج فرزندشان خواهند بود.

۶-۳. سوء سابقه والدین

سوء سابقه والدین نیز مانع ازدواج فرزندان نیست؛ اما در این زمینه بررسی و تحقیق ضروری است. اگر سایه بدنامی، اعتیاد، انحراف اخلاقی، بزه کاری یا حبس والدین زندگی آینده را تهدید می‌کند، برای اطمینان بخشی به طرف مقابل باید توضیح داد که شخصیت او متمایز از فضای حاکم بر خانواده است. همچنین افزایش توانایی‌های فردی و تلاش برای یافتن وجهه اجتماعی مثبت برای خود در جامعه نیز امری ضروری است.

۷. سابقه طلاق یا فوت همسر

امروزه شاهد تعداد فراوان زنان و مردانی هستیم که به دلیل طلاق یا فوت همسر، مجرد هستند. سرشماری سال ۱۳۹۵ (آخرین سرشماری ملی نفوس و مسکن) بیانگر آن است که

در این سال ۳۰۶/۵۶۰ زن ۳۰ تا ۵۰ سال و ۲۸/۵۳۷ مرد در همین سنین بر اثر فوت همسر، مجرد بوده‌اند. علاوه بر آن، تعداد ۴۱۹/۶۵۴ زن و ۲۵۱/۳۴۱ مرد در همین سنین بر اثر طلاق همسر، بدون همسر بوده‌اند.^۱

لازمه پاسخ به نیاز این افراد آن است که خانواده، دوستان و بستگان این افراد مقدمات مناسب را برای ازدواج افراد هم‌تا و هم‌شان از این گروه را با یکدیگر فراهم سازند. بسیاری از دختران و پسرانی که به دلایل مختلف از همسر خود جدا شده‌اند یا همسر آنان فوت کرده، افراد بسیار مناسبی برای ازدواج با یکدیگرند، هرچند برای موفقیت در ازدواج مجدد این افراد توجه به نکات زیر مناسب است:

یک. از زمان طلاق یا فوت همسر حدود شش ماه گذشته باشد تا تنش‌های روانی پس از طلاق یا فوت همسر از بین رفته یا کاهش یافته، و آرامشی که لازمه تصمیم‌گیری صحیح است، فراهم شده باشد؛

دو. در ازدواج دوم نیز شایستگی‌های لازم و معیارهای اصلی ازدواج در نظر گرفته شود؛ سه. در ازدواج مجدد پس از طلاق باید درباره علت طلاق تحقیق دقیق صورت گیرد؛ در ضمن از پیامدهای حقوقی و رفتاری پس از طلاق نیز اطلاع حاصل شود. مثلاً اگر مرد ماهیانه اقساط مهریه همسر سابق خود را می‌پردازد یا اگر هنوز تعلق عاطفی بین خواستگار با همسر سابق او وجود دارد یا....

چهار. در صورت وجود فرزند باید اطمینان یافت که آیا همسر جدید صلاحیت رسیدگی به فرزند را دارد یا خیر؟ اگر حضانت فرزند با همسر سابق است، نحوه ارتباط با همسر گذشته به واسطه وجود فرزندان چگونه برنامه‌ریزی می‌شود؟ اگر همسر دارای فرزند است، برنامه‌ریزی و روش او برای نگهداری و تربیت فرزندش چیست؟

پنج: یکی از مناسب‌ترین افراد برای ازدواج پس از طلاق، همسر سابق است. بنابراین اگر مرد یا زنی پس از جدایی به این نتیجه رسید که همسرش فرد سالمی با خطاهای جزئی و رفع‌شدنی بوده و خودش نیز اشتباهاتی داشته که تصمیم دارد آنها را اصلاح کند، ازدواج مجدد آن دو با هم مناسب است؛ همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «و در این [مدت]، شوهرانشان برای بازگرداندن آنها [به زندگی مشترک] سزاوارترند، اگر خواهان اصلاح باشند».^۲

۱. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ ش.

۲. «وَبَعَثْنَاهُنَّ أَحَقَّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا». (سوره بقره، آیه ۲۲۸)

پس از رفع موانع ازدواج، مهم‌ترین مسئله انتخاب صحیح شریک زندگی است. برای این امر نکاتی چند را باید در نظر گرفت:

۱. ضرورت شناخت خود

انسان تا خود را به خوبی نشناسد، نمی‌تواند تشخیص دهد که چه کسی هم‌تا و هم‌شان اوست؛ از این رو بهتر است فرد ابتدا ویژگی‌های جسمانی، اخلاقی، اعتقادی و خانوادگی خود را مشخص کند.

برای شناخت خود برگه‌ای بردارد و مشخصات مختلف خود را یادداشت کند؛ ویژگی‌هایی از این دست: ظاهری، اعتقادی و مذهبی، اخلاقی، روحیه و منش رفتاری، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، میزان هوشمندی و سطح تحصیلات، خصلت‌های شخصیتی، سلیقه‌ها، برنامه زندگی و حساسیت‌ها.

برای تشخیص دقیق‌تر خوب است نظر دیگران را هم درباره خود بپرسد و هنگام یادداشت مشخصات خود، آن نظرات را هم لحاظ کند. صداقت در هنگام خودشناسی به انسان فرصت می‌دهد تا شخصیت پنهان خود را بهتر بشناسد و به اصلاح عیوب خود بپردازد و با توجه به ویژگی‌های خود همتای خویش را انتخاب کند.

۲. معیارهای همسرگزینی

یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر فرد، فرایند گزینش همسر است؛ زیرا انسان تا پایان عمر با پیامدهای انتخاب خود همراه است. برخی از معیارهای انتخاب همسر ضروری هستند، برخی اگر در همسر آینده یافت شود مناسب است و تعدادی نیز جزء آمال و آرزوهاست. معیارهای ضروری را باید در همسر آینده احراز کنیم، معیارهای مناسب اگر حاصل شود بهتر است، ولی نباید مانع ازدواج شود و آمال و آرزوها را هم چون سیری ناپذیرند باید کنترل کرد. اسلام در انتخاب همسر بر چند معیار اساسی تأکید کرده است:

۱-۲. همتایی و همانندی

اگر فلسفه ازدواج مشخص باشد، ما را به معیارهایمان برای انتخاب همسر نزدیک می‌سازد. بدین ترتیب معیارهایی که با مقصود ما از ازدواج بی‌ارتباط است، حذف می‌گردد.

قرآن کریم هدف و فلسفه ازدواج را «آرامش» آدمی می‌داند. قطعاً این آرامش در مسیر هدایت انسان رقم خورده است؛ بنابراین تمام معیارها، یعنی خصوصیات ظاهری، روحی، فکری، اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و خانوادگی، باید با توجه به میزان ایجاد آرامش تعالی بخش ارزیابی گردد. بنیادی‌ترین مسئله در ازدواج که موجب آرامش آدمی می‌شود، اصل همتایی است. آرامش در سایه ازدواج با فردی حاصل می‌شود که همتای ماست، نه فراتر یا فروتر از ما.

تعالیم اسلام در گزینش همسر بر اصل «کفو بودن» تأکید دارد؛ بدین معنا که زن و مرد تقریباً همتا^۱ باشند؛ البته این هم‌سانی بیشتر در خصوص ایمان است و زن و مرد به سبب ایمان، همتای یکدیگر دانسته شده‌اند.^۲ روایات اهل بیت علیهم‌السلام هم یکی از معیارهای همسر شایسته را ایمان او ذکر کرده‌اند.^۳ مقصود از ایمان رویکردی کلی است که فرد از دین و مذهب به دست می‌آورد. این رویکرد موجب می‌شود وی در برابر آفریدگار خویش به مجموعه‌ای از باورها، کارها و رفتارهای ویژه در زندگی پایبند باشد.^۴ ایمان مذهبی از دو راه، خوشبختی بیشتری را برای همسر به ارمغان می‌آورد:

یک. فرد با ایمان، به سبب ارتباط قلبی با خدا و برخورداری از نیروی کنترل‌کننده درونی، فردی قابل اعتماد است؛

دو. از آنجاکه به نظام اعتقادی و ارزشی مشخصی معتقد است، ثبات شخصیت بیشتری دارد.

مطابق آنچه گفته شد دختر و پسر تفاهم بیشتری خواهند داشت که تناسب بیشتری با هم داشته باشند؛ از این رو تناسب در اعتقادات خانواده و فرهنگ و شخصیت فرد مهم است. درباره خانواده و فرهنگ هرچه هم‌سانی بیشتر باشد، تفاهم بیشتر خواهد بود؛ اما

۱. «اتَّكِبُوا الْأَكْفَاءَ وَاتَّكِبُوا مِنْهُمْ وَاخْتَارُوا الْإِنْفِكَمَ...» (با همتایان خود ازدواج کنید و از همتایان خود همسر گزینید و برای فرزندان خود فردی را پدر و مادر او قرار دهید که همتای خودتان باشد). (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۶)
 ۲. «الْمُؤْمِنُ كُفُوُ الْمُؤْمِنَةِ وَالْمُسْلِمُ كُفُوُ الْمُسْلِمَةِ» (مرد با ایمان همتای زن با ایمان و مرد مسلمان همتای زن مسلمان است). (همان، ص ۴۴)

۳. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «هرگاه خواستگاری نزد شما آمد و دین داری و امانت داری او را پسندیدید، به او زن بدهید که اگر چنین نکنید، در روی زمین تبهکاری و فساد بسیار پدید خواهد آمد» (نک: همان، ص ۲۷۲). و نیز فرمود: «با زنان [فقط] به سبب زیبایی آنها ازدواج نکنید که چه بسا زیبایی آنها، خوارشان می‌سازد و با آنها [فقط] به جهت ثروتشان ازدواج نکنید که چه بسا ثروتشان سبب طغیانشان می‌شود. با زنان برای دین و ایمانشان ازدواج کنید» (متقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۲).

۴. آذربایجانی، مقیاس سنجش دین داری، ص ۲۶.

درباره شخصیت باید گفت: در بیشتر صفات، هم‌سانی موجب تناسب است؛ اما در برخی ابعاد شخصیتی دیگر باید دید که طرف مقابل باید دارای چه ویژگی‌ای باشد که سبب آرامش ما شود؛ مثلاً اگر ما کم‌حرف هستیم، باید ببینیم که آیا کم‌حرفی خود را نقطه ضعف می‌دانیم یا آن را ویژگی خوبی می‌شمیریم؛ اگر نقطه ضعف بدانیم، فرد کم‌حرف همسر مناسبی برای ما نیست و اگر ویژگی خوبی بشماریم، فرد کم‌حرف برای ما مناسب است. همچنین باید ببینیم از بین دوستانی که انتخاب کرده‌ایم، بیشتر به دوستان کم‌حرف تمایل داریم یا پُر‌حرف. بدین ترتیب می‌توان مصادیق کفویت را شناسایی کرد.

چکیده سخن اینکه کفو انسان فردی است که با او احساس آرامش ایجاد می‌شود. در برخی صفات، مانند اقتدارگرایی و اقتدارپذیری با نبود هم‌سانی، تناسب بیشتری شکل می‌گیرد. در مورد تناسب فرهنگی هم باید توجه داشت که اگر تفاوت فرهنگی وجود داشته باشد:

یک. فرد در صورتی که قدرت انطباق با شرایط جدید و متفاوت را دارد، این ازدواج را بپذیرد.
دو. فرد پیش از ازدواج، با فرهنگ و آداب و رسوم طرف مقابل به خوبی آشنا شود تا با رعایت آن، مانع ایجاد اختلاف با وی یا خانواده و بستگان او شود. او باید خانواده خود را نیز در این زمینه توجیه کند.

سه. اگر تفاوت فرهنگی بسیار زیاد باشد، این ازدواج چندان مناسب نیست؛ زیرا بیشتر اختلافات، ناشی از تفاوت اعتقادات و رفتارهای برخاسته از فرهنگ فرد است.

۲-۲. خوش اخلاقی

اساس زندگی زناشویی، سازگاری و تفاهم و همکاری است که این امور فقط در پرتو اخلاق نیک فراهم می‌شود.

۲-۳. سلامت

سلامت جسمانی و روانی نیز جزء شرایط لازم همسر مناسب به شمار می‌رود. گاه فرد دارای مشکلات جسمانی مهمی چون نقص یا عیب عضو، صرع یا برخی بیماری‌های اعصاب و روان است؛ در این صورت:

یک. ابتدا فرد برای درمان بیماری خود بکوشد و سپس اقدام به ازدواج کند.
دو. فردی را که قصد ازدواج با او دارد از وجود بیماری‌های مهمش، خصوصاً بیماری‌های

خطرناک مسری یا آنچه سبب اختلال در روابط زناشویی یا موجب نقص در فرزندان می‌شود، مطلع سازد؛ هرچند لازم نیست بیماری‌های درمان‌شده را مطرح کند. سه. در صورت ناممکن بودن درمان، فردی را برای ازدواج انتخاب کند که سه‌صدر لازم را برای پذیرش بیماری او داشته باشد.

چهار. در صورت وجود بیماری اعصاب و روان، حتماً با مشاور مشورت کند. اگر فردی پرخاشگر یا گرفتار سوءظن‌های زیاد یا وسواس یا افسردگی شدید است، ابتدا با یاری روان‌پزشک خود را درمان کند و سپس با راهنمایی مشاور، توانایی زندگی مشترک مطلوب را در خود ایجاد، و در انتخاب همسر از راهنمایی‌های او استفاده کند.

به جز صفات یادشده، سایر ملاک‌ها نسبی هستند؛ بدین معنا که باید آنها را با توجه به سایر ملاک‌ها و نیز ضعف یا قوت آنها در نظر گرفت. هرچند میزان حساسیت فرد به آن ملاک‌ها هم اهمیت دارد؛ ازاین‌رو اگر به موضوعی (مثلاً قد یا وزن) حساسیت زیاد دارید، حساسیت خود را کاهش دهید و در غیر این صورت آن را هم در زمره ملاک‌های اصلی خود لحاظ کنید.

ح ۲-۴. سن ازدواج

اگر دختر و پسر رشد فکری مناسبی برای زندگی مشترک دارند، نباید ازدواج آنان به تأخیر بیفتد. ازدواج در اوایل جوانی سبب می‌شود تا افراد از نعمت‌ها و برکات ازدواج زودتر بهره‌مند شوند و پیش از آنکه شخصیتشان قالبی محکم پیدا کند، در کنار یکدیگر رشد کنند. ازدواج در اوایل جوانی اغلب باعث انعطاف‌پذیری، گذشت، نشاط روحی بیشتر به همراه توقعات پایین‌تر، سازگاری بیشتر با همسر و در نهایت موجب آرامش بیشتر در زندگی خواهد شد.

البته «برای ازدواج در سنین بالا نیز باید یادآور شد این امر، مانع ازدواج نیست؛ زیرا بالا رفتن سن موجب کسب تجربه بیشتر شده و در نتیجه، زندگی آرامش خواهد یافت. درباره نگرانی از بارداری بانوان در سن بالا نیز باید توجه داشت که خانم‌ها تا پس از چهل سالگی نیز باردار می‌شوند. افزون‌بر این، چه‌بسا افرادی در سنین پایین نیز از موهبت بچه‌دار شدن محروم باشند. مهم آن است که همسران در زندگی مشترک خود آرامش داشته باشند. به‌طور کلی سن حقیقی انسان برآیندی است از سه مؤلفه اصلی: سن شناسنامه‌ای

یا سال تولد، سن زیستی یا بیولوژیکی و سن روانی و عقلانی و سرزندگی. گاه دو نفر دارای سن شناسنامه‌ای یکسان و سن زیستی متفاوتی هستند. برای مثال، فردی دارای موهای سفید بسیار و پوستی دارای کمی چین و چروک است؛ اما دیگری با همان سن، حتی یک تار موی سفید هم ندارد و سلامت دندان‌ها و پوست بدنش نشان‌دهنده سن زیستی کمتری است.

گاه نیز افراد با سن شناسنامه‌ای یکسان، سن روانی متفاوتی دارند. نشاط و سرزندگی، پویایی فکر، بلوغ عقلانی و قابلیت مطلوب همسررداری، قدرت و مهارت ابراز احساسات، انگیزه‌های تلاش، امیدآفرینی و امیدبخشی، توانمندی‌ها و مهارت‌های کلامی، هوش هیجانی و ارتباطات اجتماعی، نشان‌دهنده سن روانی و بلوغ عقلانی افراد است.^۱

نکته تأمل‌برانگیز آنکه با توجه به آمار دختران و پسران مجرد هرگز ازدواج نکرده، اگر پسران برای ازدواج با دخترانی با فاصله سنی ۵ یا ۶ سال کوچک‌تر از خود اصرار داشته باشند، بسیاری از دختران فرصت ازدواج را از دست خواهند داد؛ ولی اگر پسران مجرد با دخترانی با فاصله ۱ تا ۳ سال کوچک‌تر از خود ازدواج کنند، قریب به اتفاق دختران و پسران از نعمت ازدواج بهره‌مند خواهند شد. آمار طلاق در کشور نیز بیانگر آن است که ازدواج همسالان یا افرادی با فاصله سنی اندک، ازدواج‌های موفق‌تری بوده است. برای نمونه، آمار ازدواج و طلاق در چند سال اخیر نشان می‌دهد که بیشترین نسبت ازدواج به طلاق بین زوج‌های همسال اتفاق افتاده است؛ به این معنا که بیشترین ازدواج و تعداد اندک طلاق در بین زن و شوهرهای هم‌سن بوده است. پس از آن نیز در میان زوج‌هایی بوده که پسر یک یا دو سال از دختر بزرگ‌تر بوده است.^۲ کم بودن طلاق در بین همسالان به دلیل نقش همفکری و همدلی بیشتر بین همسران با فاصله سنی اندک است؛ از این رو مناسب است پسران به ازدواج با دخترانی با فاصله سنی اندک تشویق شوند.

نکاتی درباره ازدواج با تفاوت سنی معکوس: مطابق عرف و فرهنگ کشور ما، داماد معمولاً بزرگ‌تر از عروس است. اگر در شرایطی سن دختر بیشتر بود، لازم است دختران به این نکات توجه کنند:

یک. مراقب آثار گذر عمر بر جسم و روان خود باشند و از عواملی که آنها را فرسوده می‌کند

۱. نک: افروز، «سن و تفاوت‌های سنی در ازدواج»، ص ۱۲-۱۰.

2. www.sabteahval.ir.

(همچون حساسیت زیاد به مشکلات زندگی که نشاط روانی را از بین می برد یا آنچه سبب به هم خوردن تناسب اندام یا از بین رفتن طراوت پوست صورت می شود) پیرهنیزند و بکوشند با ورزش و مراقبت های لازم، خود را جوان تر نگاه دارند.

دو. به علاقه ها و سلیقه های همسر جوان ترشان توجه کنند و رفتار خود را با آنها تنظیم نمایند. سه. ظرفیت پذیرش حرف های اطرافیان را داشته باشند. برخی از خانواده ها پذیرای این نحوه ازدواج نیستند، از این رو ممکن است در آغاز ازدواج برخی رفتارها مناسب نباشد، ولی به مرور این مسائل رنگ می بازد.

ح ۲-۵. رضایت از معیارهای ظاهری

یکی از عوامل مؤثر در رضایت از ازدواج، خشنودی و رضایت از ظاهر و زیبایی همسر است. در این موضوع چند نکته را باید در نظر داشت:

یک. در ملاک زیبایی نباید سخت گیری کرد. اگر فرد زیبارو توانایی حراست از زیبایی و محافظت از حریم خود و زیبایی اش را نداشته باشد، زندگی فاقد آرامش خواهد شد و زن یا مرد نگران خیانت دیگران به زندگی مشترکشان خواهند بود. علاوه بر آن، گاهی زیبایی همسر سبب غرور، تکبر و فخر فروشی او می شود که این امر زندگی مشترک را تلخ و تحمل ناپذیر خواهد ساخت. همچنین چه بسا زیبایی زیاد دختر یا پسر، برای کسانی که به برخورد جنس مخالف با همسرشان غیرت و حساسیت زیادی دارند، گرفتاری ایجاد کند، و فرد همواره نگران همسرش باشد. از این رو زن یا مرد زیبا با محدودیت های رنج آفرین همسر مواجه خواهند بود.

دو. هیچ فردی زیبایی مطلق ندارد؛ از این رو باید سطح توقع خود را درباره زیبایی همسر تعدیل کرد تا دچار وسواس در انتخاب و محرومیت از ازدواج بهنگام، نشد. باید توجه داشت که زیبایی امری شدنی است و فردی که برای ازدواج انتخاب می شود، با آرایش، لباس مناسب و... زیبا خواهد شد؛ همان گونه که برخی زیبارویان، زیبایی واقعی ندارند و در صورت محو پیرایه ها و آرایش ها هرگز مورد پسند نخواهند بود. همچنین باید توجه داشت که زیبایی پس از مدتی عادی می شود و آنچه مهم جلوه می کند، رفتار همسر است.

بنابراین اگر هنگام انتخاب، از معیارهای ظاهری فرد احساس انزجار یا اکراه ایجاد شود، مصلحت در انصراف از ازدواج است؛ ولی اگر تمایل ایجاد شد باید وجود سایر ویژگی های

موردنظر را بررسی کرد، و اگر حالت تردید ایجاد شد، باید شناخت بیشتری به فرد موردنظر پیدا کرد. چه بسا پس از آشنایی با سایر ویژگی‌های ارزشمند فرد، گرایش قلبی به او بیشتر شود؛ خصوصاً آنکه زیبایی امری ترکیبی است و چه بسا دختران خوش‌سخن و خوش‌اخلاق و پسران مهربان و فهمیده که پس از اندکی زندگی مشترک، در چشم همسر خود زیباترین فرد جلوه نمایند.

در هر صورت باید احساس خوشایندی به فرد مقابل ایجاد شود؛ ولی نخست باید طرفین اطمینان یابند که بینشان تطابق فرهنگی و خانوادگی و فکری و روحی وجود دارد و سپس به احساس بنگرند. آنها باید به یاد داشته باشند که در انتخاب عاقلانه، پس از ازدواج عشق و علاقه نیز ایجاد خواهد شد. این علاقه وعده الهی است که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده و آن را یکی از نشانه‌های خود برشمرده است.^۱

سه. در موضوع معیارهای ظاهری، احساس دختر یا پسر مهم است، نه نظر خانواده یا اطرافیان او. دختر یا پسر قرار است عمری با همسر خود زندگی کنند، نه دیگران. علاوه بر آن گاه دختر یا پسر در چشم فرد مقابل زیبا جلوه می‌کند، حال آنکه دیگران او را نمی‌پسندند.

♦ برای مطالعه بیشتر

برخی موارد جزئی نیز در معیارهای انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله:

یک. ازدواج فامیلی

از ازدواج فامیلی نباید نگران بود؛ چه بسا در این نوع ازدواج‌ها، تناسب بیشتری وجود داشته باشد و حمایت‌های فامیلی نیز بیشتر صورت گیرد. افزون بر این، شناخت از فرد مقابل بیشتر و دقیق‌تر، و امکان فریب بسیار کمتر است. علاوه بر این، از آنجاکه معمولاً آداب و رسوم، و اخلاق و اعتقادات فامیل شباهت بیشتری به هم دارد، تفاهم با همسر و خانواده او بیشتر است. در ازدواج فامیلی باید به این نکات توجه کرد:

- از مشاوره ژنتیک غفلت نشود؛

- ازدواج بر اساس انتخاب عاقلانه انجام شود، نه فقط پیروی از آداب و رسوم.

دو. تعداد زیاد جمعیت اعضای خانواده

برخی تعداد زیاد جمعیت اعضای خانواده را معیار مطلوب ازدواج نمی‌دانند، حال آنکه در خانواده‌های پرجمعیت:

- فرزندان معمولاً روابط عاطفی بهتری دارند؛ زیرا علاوه بر محبت پدر و مادر، طعم مهر خواهران و برادران را نیز می‌چشند؛

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (سوره روم، آیه ۲۱)

- عمدتاً افراد قانع‌تر و سازگارتری هستند؛
- تعامل اجتماعی این‌گونه فرزندان بهتر است و توان مدیریت بهتری برای حل مسائل دارند.

۳. شیوه‌آشنایی با فرد مناسب برای ازدواج

شناسایی فرد موردنظر برای ازدواج به صورت‌های مختلف صورت می‌پذیرد؛ گاه مادر یا خواهر پسر در بین دختران فامیل یا محله یا دوستان، دختری را شناسایی می‌کنند و پسر را در جریان می‌گذارند. آنها به خواستگاری می‌روند و در صورتی که دختر را پسندیدند، پسر نیز با دختر ملاقات می‌کند و در صورت توافق دختر و پسر، با هم ازدواج می‌کنند. گاهی نیز فردی واسطه معرفی شده و دخترانی را که می‌شناسد به خانواده پسر معرفی می‌کند و خواستگاری صورت می‌پذیرد. گاهی نیز دختر و پسر در محیط‌های آموزشی، محیط کار یا سایر اجتماعات و گاهی نیز از طریق ارتباط در فضای مجازی با یکدیگر آشنا می‌شوند و پس از انتخاب، خانواده را در جریان قرار می‌دهند تا خواستگاری رسمی هم صورت بگیرد. در این روش انتخاب همسر، گاه پس از دوره آشنایی نسبتاً طولانی، تصمیم به ازدواج مطرح می‌شود. هریک از این روش‌ها مزایا و معایبی دارد که با توجه به آن می‌بایست بهترین روش را با توجه به وضعیت خود برای انتخاب همسر برگزید.

۱-۳. آشنایی بدون واسطه

- افرادی که از این طریق اقدام به انتخاب همسر می‌کنند به دلایلی اشاره دارند از جمله:
- ناتوانی خانواده در شناسایی فرد مناسب برای ازدواج به دلیل مشغله زیاد یا در دسترس نبودن فرد مناسب یا اعتقاد به واگذاری انتخاب به خود فرزند؛
- سخت‌گیری خانواده و مانع تراشی برای ازدواج فرزند یا تحمیل نظرات خود به او؛
- احساس رضایت از انتخابی که با اختیار خودشان صورت پذیرفته؛
- آشنایی مستقیم و بدون واسطه با فرد موردنظر و اطمینان از جاذبه‌های ظاهری و رفتاری او؛
- فرصت بیشتر برای شناخت کامل فرد موردنظر؛ زیرا در خواستگاری رسمی تعداد جلسات آشنایی محدود است و ادامه آن پس از چند جلسه، خارج از حوصله والدین است.
- در ارزیابی این نحوه انتخاب همسر باید توجه داشت در مواردی که مانع ازدواج، ناتوانی یا کوتاهی والدین یا سخت‌گیری آنها در انتخاب همسر برای فرزندشان باشد، دختر یا پسر

آسان تر موفق به انتخاب می شوند؛ ولی می بایست توجه داشت که اگر این آشنایی در قالب دوستی صورت پذیرد، معمولاً شناخت صحیح و واقع بینانه صورت نمی پذیرد؛ زیرا دختر و پسری که با علاقه زیاد با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند، ناخودآگاه بر معایب و نقایص یکدیگر چشم می بندند و عیوب هم را نمی بینند و حتی آنها را حسن تلقی می کنند. چنین نگرش معکوسی زائیده نیاز شدید عاطفی دختر و نیاز جنسی پسر است. این تصور واژگون، قدرت شناخت و اختیار انتخاب را سلب می کند و موجب کجروی در اتخاذ تدبیر می شود؛ زیرا اختیار انسان در تصمیم گیری تحت تأثیر دلبستگی اوست. در این نوع دوستی ها، تمرکز بر جاذبه هایی که سبب عشق و علاقه شده، باعث غفلت از امور مهم دیگر می شود. به بیانی دیگر، این امر موجب توجه به «ظاهر، رفتار، ابراز محبت فرد و نقاط قوت وی» می گردد و از این سو سبب «غفلت از باطن، افکار، فرهنگ و نقاط ضعف او» می شود. همچنین این دو نفر ناخودآگاه می کوشند فقط جنبه های مثبت خود را ابراز کنند و رفتارشان را به گونه ای جلوه دهند که با علایق طرف مقابل سازگار باشد. در این روابط، افراد تصویری غیرواقعی از یکدیگر خواهند داشت. به همین سبب پس از ازدواج زمانی که چهره واقعی فرد آشکار می شود، طرف مقابل دچار تعارض خواهد شد. علاوه بر آن ممکن است دختر و پسر با آسیب هایی مواجه شوند که در فصل اول برای تداوم رابطه عاطفی با جنس دیگر یا شکست این رابطه مطرح شد. افرادی هم که معتقدند انتخاب همسر از طریق دوستی سبب شکل گیری ازدواجی بر پایه عشق و محبت خواهد شد، اما امکان ایجاد این علاقه در خواستگاری های سنتی وجود ندارد، باید توجه داشت باشند که در ازدواج باید آگاهانه انتخاب نمود و عاشقانه زندگی کرد. خداوند وعده داده است قلب های زن و شوهر را به هم متمایل گرداند. تجربه نیز نشان داده که معمولاً در ازدواج های عاقلانه، پس از عقد، همسران به یکدیگر دلبستگی شدیدی پیدا می کنند.

در صورتی که دختران و پسران بدون واسطه و بدون برقراری رابطه دوستی با فردی آشنا شوند و از طریق دیدن عقاید و رفتار، او را برای ازدواج مناسب ببینند، می توانند پس از شناخت اولیه و با پرهیز از آسیب های روابط دوستانه تحت حمایت خانواده ها و با استفاده از تجربه آنها جلسات رسمی خواستگاری را شکل دهند. در این نوع انتخاب از آنجاکه عرف جامعه خواستگاری دختر از پسر را نمی پسندد (هرچند دین و قانون منعی برای این امر نمی بیند)، بهتر آن است که با توافق طرفین، پسر از دختر خواستگاری کند.

به دلیل کاهش فرزندآوری در سالیان اخیر و کوچک شدن اعضای فامیل و نیز محدود شدن روابط فامیلی و همچنین کاهش رفت و آمد با همسایگان و ارتباط خانوادگی با دوستان، و علاوه بر آن به دلیل مهاجرت از شهری به شهری جدید و ناآشنایی با افراد آن منطقه و نداشتن ارتباطات محلی، بسیاری از خانواده‌ها با فرد مناسب برای ازدواج فرزند خود مواجه نمی‌شوند؛ از این رو افراد دل‌سوز دوست‌دار خانواده، واسطه ازدواج می‌شوند و افراد مناسب را به خانواده طرفین معرفی می‌کنند.

واسطه‌گر در ازدواج، کسی است که بر اساس شناختی نسبی از طرفین و خانواده‌های آنان، دو جوان را برای ازدواج به یکدیگر معرفی می‌کند و در ادامه کار نیز یاری می‌رساند. معمولاً واسطه در ازدواج یکی از این سه گروه است: خانواده یا فامیل، دوست یا همکار و نیز مراکز یا افراد خاص. آشنایی با واسطه محاسنی دارد؛ از جمله: برخورداری از خواستگاران بیشتر، شناخت و انتخاب عقلانی‌تر، احترام به خانواده‌ها و رعایت حریم دختر و پسر. هرچند معایبی نیز می‌تواند داشته باشد، از جمله آنکه امکان دارد معرف اطلاعات ناقص به طرفین بدهد، از هر دو طرف تعریف و تمجید بیجا کند یا خواستگاران نامناسب را معرفی نماید.

روایات، واسطه‌گری در ازدواج را امری نیکو دانسته‌اند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس تلاش کند تا دختر و پسر با ایمانی با هم ازدواج کنند... خداوند برای هر قدمی که در این راه برداشته یا هر سخنی که برای این پیوند به زبان آورده، ثواب یک سال روزه و نماز شب را پاداش می‌دهد...^۱

واسطه‌گر ضمن آنکه باید عاقل و داوری بی‌طرف باشد، باید معیارهای دو طرف را به خوبی بشناسد، سنجیده و پخته عمل کند و به مسائل ازدواج آگاه باشد تا بتواند همسری شایسته را معرفی نماید.

در خصوص انتخاب همسر از طریق معرف، توجه به این نکته ضروری است: اگرچه معرف معمولاً قصد خیر دارد، اعتماد کامل به اطلاعات و گفته‌های وی عاقلانه نیست؛ زیرا وی از نگاه خود و بر اساس نظام فکری و ارزشی‌اش، دو خانواده را مناسب هم یافته است. بنابراین چنانچه وی از فکر قوی و منسجمی برخوردار نباشد و موقعیت دقیق هر دو طرف را به درستی در نظر نگیرد، نمی‌توان بر پایه گفته‌های او تصمیم نهایی را گرفت.

۱. شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۸۸.

یکی از شیوه‌های آشنایی دو طرف و خانواده‌هایشان، برگزاری مجلس خواستگاری به شیوه سنتی است؛ بدین معنا که خانواده پسر با تعیین وقت قبلی به دیدار خانواده دختر می‌روند و دختر و پسر در آن مجلس فرصتی می‌یابند تا با عقاید و دیدگاه‌های یکدیگر آشنا شوند؛ ضمن آنکه خانواده‌های آنان نیز مجالی برای شناخت و ارزیابی یکدیگر می‌یابند. به سبب مشکلات برگزاری چنین جلسه‌ای، دست‌کم در مراحل ابتدایی آشنایی ممکن است برخی ترجیح دهند پیش از انجام این جلسه با یکدیگر به توافق برسند و سپس خانواده‌ها را مطلع کنند. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

۱. مشکلات خانواده دختر: گاهی رفت‌وآمد و خواستگاری‌های متعدد و بدون نتیجه، برای دختر و خانواده‌اش بازتاب منفی دارد؛ به همین دلیل خانواده‌ها از پذیرش خواستگاران که آنها را نمی‌شناسند، سرباز می‌زنند.

۲. سکونت در دو شهر متفاوت: چه‌بسا یکی از خانواده‌ها در شهر دیگری زندگی کند و طرفین ترجیح دهند پس از آشنایی اولیه، در صورتی که به حداقلی از تفاهم رسیدند، سختی سفر را برای مراحل بعد از خواستگاری به خانواده خود تحمیل کنند.

در این‌گونه موارد بهترین راه، انجام صحبت‌ها و آشنایی‌های اولیه در مراکز قابل اعتماد (مانند مرکز مشاوره در دانشگاه) است. چنانچه دسترسی به این مراکز وجود نداشت، بهتر است این آشنایی در مکان عمومی و رسمی و با اطلاع والدین صورت گیرد. این آشنایی صرفاً شناختی ابتدایی است و پس از انجام گفت‌وگوهای اولیه، بهتر آن است که هرچه سریع‌تر خانواده‌ها جلسه رسمی خواستگاری را برگزار کنند. جلسه خواستگاری به سبب شرایطی که دارد، به دو طرف امکان می‌دهد بهتر یکدیگر را بشناسند، این جلسه به چند دلیل درخور اهمیت است:

۱. با حضور در منزل دختر، روح کلی خانواده، منش، سلیقه و سطح زندگی آنان با توجه به فضای داخل منزل و نحوه پذیرایی آنان مشخص می‌شود؛

۲. والدین فرصت دارند با یکدیگر بیشتر گفت‌وگو کنند و همدیگر را بهتر بشناسند؛ چه‌بسا سؤالاتی که دو طرف نتوانند از هم بپرسند، اما والدین به راحتی آن مسائل را با یکدیگر در میان بگذارند؛

۳. نوع رفتار هریک از دو طرف با خانواده خود می‌تواند گویای تربیت و میزان احترام وی به دیگران باشد؛

۴. پس از چند جلسه گفت‌وگو، خانواده دختر می‌تواند پیشنهاد بازدید از خانواده داماد را مطرح کند تا دختر با روحیات و منش طرف مقابل و خانواده او بیشتر آشنا شود؛
۵. به دلیل حضور بزرگ‌ترها در جلسه، مجلس بیشتر شناخت محور بوده و نقش احساسات کمتر است؛

۶. به سبب همراهی والدین، اضطراب دو طرف کاهش می‌یابد.
روش‌های سنتی خواستگاری هرچند دارای محاسنی است، معایبی نیز دارد؛ از جمله آنکه خانواده‌ها گاه به شدت درگیر تجملات می‌شوند، تا آنجا که بیش از آنکه به اعتقادات، ایمان و اخلاق خانواده دختر و پسر توجه کنند، سطح زندگی آنها، نوع منزل مسکونی، گران‌قیمت بودن یا نبودن لباس‌ها و وسایل، و تنوع میوه و اسباب پذیرایی را مورد نظر قرار می‌دهند. اگر خانواده دختر به جای توجه به تعداد میوه‌ها، به چیدمان زیبای آنها توجه کنند یا به جای تلاش برای تعویض منزل یا اسباب و وسایل آن، در نوع چیدمان منزل سلیقه به خرج دهند و همچنین اگر خانواده پسر به جای توجه به ظواهر، به اخلاق و ایمان خانواده دختر و نیز شیوه رفتار، از جمله سلیقه آنها در تزیین منزل بنگرند، برگزاری جلسه خواستگاری نیز از تکلف کمتری برخوردار می‌شود و جوانان و خانواده‌های آنان با رغبت بیشتری آن را برگزار می‌کنند.

روش شناخت

مهم‌ترین روش‌ها برای شناخت همسر آینده عبارت است از:

یک. گفت‌وگو با طرح سؤالات دقیق و جزئی؛

دو. دقت در گفتار و رفتار؛

سه. تحقیق از دوستان صمیمی، بستگان، همکاران و معرفان؛

چهار. مشورت با افراد آگاه، دل‌سوز و مطمئن؛

برای گفت‌وگو و تحقیق باید این امور بررسی شود:

- ویژگی‌های جسمانی (سلامت یا بیماری مهم جسمی یا روانی، ویژگی‌های ظاهری چون قد و اندام و...)

- ویژگی‌های اعتقادی (مبانی فکری، باورها و بینش‌های مذهبی و...)

- ویژگی‌های اخلاقی (میزان نرم‌خویی یا تندخویی، نوع واکنش هنگام عصبانیت، میزان

مسئولیت‌پذیری در مقابل دیگران، گوشه‌گیر یا اجتماعی بودن، میزان نظم و انضباط، اهل مشورت یا خودرأی بودن، میزان وفاداری به دوستان، میزان تواضع یا غرور، نوع رفتار با جنس مخالف در محیط تحصیل یا محیط کار، برجسته‌ترین ویژگی مثبت و برجسته‌ترین ویژگی منفی و...؛

- سطح درک و میزان هوش؛
- مشخصات خانوادگی (سطح فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده، جایگاه فرد در خانواده و نگرش خانواده به این ازدواج)؛
- مسائل اقتصادی (شغل، میزان درآمد، برنامه‌ریزی برای هزینه‌کرد درآمد، مسکن، توقعات مالی)؛

- حساسیت‌ها و علایق خاص؛

- برنامه آینده زندگی؛

باید معیارهای اصلی را پیش از شروع جلسات گفت‌وگو اولویت‌بندی کرد تا پس از هر جلسه بتوان به ارزیابی و جمع‌بندی رسید. همچنین نباید با مشاهده یک ملاک در شخص، قضاوت سطحی و شتاب‌زده داشت و پیش از ارزیابی تمام معیارها نظر خود را اعلام کرد. نکته مهم آنکه هیچ‌کس تمام امتیازات را نخواهد داشت، بلکه از جمع‌بندی معیارها باید معدل خوبی کسب شود و حد این معدل خوب نیز به شرایط دختر و پسر بستگی دارد. ممکن است فردی در برخی جنبه‌ها بالاتر از همسرش باشد؛ درحالی‌که همسر وی در جنبه‌های دیگر از او پیش‌تر باشد.

♦ برای مطالعه بیشتر

در گفت‌وگوی مناسب جلسه خواستگاری، فرد اطلاعات دقیق از خود ارائه می‌نماید و از طرف مقابل نیز همین اطلاعات را کسب می‌کند؛ اطلاعاتی درباره اعتقادات و میزان تقید به آنها، روحیات، محاسن و معایب خویش، و علاوه بر آن برنامه آینده زندگی خود را در مواردی که همسر در آن سهیم است (مانند: تحصیل، اشتغال، مسکن و روش زندگی) توضیح می‌دهد. لازم نیست درباره مسائلی که در گذشته بوده و در زندگی آینده اثری ندارد مطلبی بیان شود؛ مثلاً اگر در گذشته تعلق عاطفی به فردی داشته بیان آن لازم نیست؛ مگر آنکه سابقه آن مستمر و فعال و باقی باشد؛ مثلاً طرف مقابل باج‌خواهی یا تهدید می‌کند یا مسائل مالی بین دو طرف ادامه دارد؛ دراین صورت طرح موضوع

۱. نک: آیت‌اللهی، مهارت‌های زندگی خانوادگی در آئینه آیات و روایات.

با فرد مورد نظر سبب می شود که اضطراب فاش سازی گذشته از بین برود و احتمال سوءاستفاده و تهدید رابطه قبلی هم منتفی شود.

الف. اعتقادات: سؤالاتی مانند: وقتی همه راه ها به سوی شما بسته می شود چه می کنید؟ در کدام یک از جلسات مذهبی شهر شرکت می کنید و تا چه حد؟ آیا تابه حال خمس داده اید؟ چرا؟ آیا خود انسان می تواند احکام و مسائل شرعی را تشخیص دهد؟ مرجع تقلید شما کیست؟ به چه موسیقی هایی علاقه دارید؟ کتاب های چه نویسندگی را بیشتر دوست دارید و می خوانید؟ بزرگ ترین آرزوی زندگی تان چیست؟ مطالعات شما بیشتر در چه زمینه هایی است؟ کدام گروه سیاسی را بیشتر دوست دارید؟ میزان آگاهی خودتان را از مسائل دینی چگونه ارزیابی می کنید؟ رعایت حجاب را تا چه حد لازم می دانید؟

ب. خصوصیات اخلاقی: سؤالاتی مانند: ویژگی های اخلاقی بارز شما چیست؟ دوستان، شما را به کدام خصوصیت می شناسند؟ از معاشرت با چه کسانی آزرده می شوید؟ واکنش شما در برابر فردی که از وی دل خور می شوید چیست؟ ناراحتی خود را چگونه نشان می دهید؟ با کسی که رفتار بدی با شما می کند چه می کنید؟ آیا کسی در زندگی تان هست که او را نبخشیده باشید؟ (سنجش میزان کینه ورزی) در برابر پرخاشگری دیگران چه می کنید؟ از چه چیزهایی خشمگین می شوید؟ آیا دیگران شما را فرد عصبانی قلمداد می کنند؟ چرا؟ (سنجش میزان عصبانیت) اگر بخواهید به انسان های اطراف خود اعم از دوستان، فامیل و همکاران، از لحاظ خوب بودن رتبه ۱ تا ۱۰۰ بدهید، به خودتان در بین آنها چه رتبه ای می دهید؟ چرا؟ (سنجش میزان فروتنی) برای درآمد بیشتر، چه راه هایی در نظر دارید؟ چه درآمدی را کافی می دانید؟ (سنجش توانایی مالی و تامین هزینه های زندگی) شما مایلید همسر تان چه نکاتی را در خرید لوازم زندگی رعایت کند؟ شما سالی چند دست لباس می خرید؟ (سنجش بخیل بودن یا اسراف گرا بودن و میزان انضباط مالی) با اقوام خود تا چه حد رفت و آمد دارید؟ فکر می کنید پس از ازدواج باید بیشتر شود یا کمتر؟ (سنجش میزان صله رحم) احترام به پدر و مادر را در چه چیزهایی می بینید؟ اگر در مسئله ای با پدر و مادر تان اختلاف داشتید چه می کنید؟ (سنجش میزان مدارا) با افرادی که با شما همفکر نیستند و مجبورید با آنها باشید چگونه رفتار می کنید؟ چقدر باید به مردم بها داد؟ چقدر کار مردم را راه می اندازید؟ (سنجش میزان مردم داری) در تصمیم گیری ها چقدر از نظرات دیگران استفاده می کنید؟ (سنجش میزان غرور) اوقات فراغت خود را به چه کارهایی اختصاص می دهید؟ (سنجش میزان نشاط) اگر کسی اشتباهات و عیب های تان را به شما بگوید چگونه برخورد می کنید؟ (سنجش میزان انتقاد پذیری) وقتی تصمیم آخر را می گیرید چه عواملی در منصرف شدن شما می تواند دخیل باشند؟ (سنجش میزان قاطع بودن) چقدر روی حرف خودتان تأکید دارید؟ نظر دیگران در این زمینه چیست؟ (سنجش میزان سخت گیری) چقدر به

آینده امید دارید؟ چرا؟ (سنجش میزان خوش بینی) اگر از کسی دل خور باشید، چگونه ابراز، و درباره آن با چه کسی صحبت می کنید؟ چه چیزهایی در زندگی، شما را ناراحت می کند؟ آیا احساس می کنید چیزهای زیادی شما را ناراحت می کنند؟ (سنجش میزان زودرنج بودن)

ج. خصوصیات فردی: سؤالاتی مانند: سن، محل تحصیل، رشته تحصیلی شما؟ آیا بیماری خاصی داشته یا دارید؟ ساعات برنامه روزانه شما چگونه است؟ چقدر مخاطب قرار می گیرید و چقدر مخاطب قرار می دهید؟ معمولاً چند درصد تصمیم هایتان منجر به عمل می شود؟ کمک دیگران در تصمیم گیری شما به چه صورت است؟ وسایل ارتباط جمعی (تماشای تلویزیون، ماهواره، اینترنت، روزنامه، مجله، رادیو، گوشی تلفن همراه و استفاده از فضای مجازی) چقدر وقت شما را می گیرد؟ در چه مسائلی سخت گیر هستید؟ آیا تعصب خاصی دارید؟ مهم ترین خصوصیتی که دوست دارید همسر شما داشته باشد، چیست؟ مهم ترین خصوصیتی که می خواهید همسر شما نداشته باشد، چیست؟

این موارد نمونه هایی از سؤالاتی بود که می توانید بپرسید، هرچند هر فردی به تناسب نیاز و موقعیت، می تواند سؤالات مختلفی مطرح کند؛ از جمله اینکه دختران در صورت نیاز، موافقت یا عدم موافقت با تحصیل یا اشتغال زن را جویا شوند.

مناسب است علاوه بر توجه به خصوصیات فردی یا خانوادگی، درباره حساسیت ها و علایق خاص فرد نیز سؤال شود؛ زیرا اگر دختر یا پسر به امری حساسیت ویژه ای داشته باشد و طرف مقابل، برای آن مسئله اهمیتی قائل نباشد، در آینده دچار مشکل می شوند. مثلاً دختر نسبت به نظم حساسیت و سواس گونه داشته باشد و پسر فردی نامنظم باشد یا پسر فردی بسیار سیاسی و طرف دار سرسخت جریانی خاص و دختر نیز با حساسیت سیاسی زیاد طرف دار جریان سیاسی مخالف باشد. البته باید توجه داشت که در صورت نبود حساسیت شدید به برخی علاقه ها و سلیقه ها، این موارد با گذشت زمان و تحت تأثیر روابط مشترک با همسر تغییر خواهد کرد.

در صورتی که فردی جز شما درباره فرد مورد نظر تحقیق می کند به چند نکته توجه شود: یک. از همسایه ها، دوستان، معلمان و اساتیدی که با او ارتباط زیاد دارند، مدیریت مدرسه، هم اتاقی (در صورتی که ساکن خوابگاه باشد)، همکاران و فامیل می توان تحقیق کرد؛ مشروط بر آنکه آن شخص دیگر پختگی لازم را داشته باشد، از معیارهای شما مطلع باشد و وقت کافی برای انجام این کار داشته باشد.

در تحقیق درباره خصوصیات اخلاقی و سوابق فرد مورد نظر و خانواده او، و امکانات و شرایط او مانند شغل یا مسکن اطلاعاتی کسب می شود.

اگر پس از گفت وگوها هنوز ابهاماتی وجود دارد می‌توان از فرد محقق تقاضا کرد در آن مسائل هم تحقیق کند.

دو. سؤالاتی که پاسخ آن فقط بله یا خیر است چندان مفید نیستند. ممکن است فردی از نظر شما خوب، ولی از نظر او بد باشد؛ زیرا معیارهای شما با او متفاوت است یا ممکن است فردی که از او تحقیق می‌شود با فرد مورد نظر کدورتی داشته باشد یا نسبتی با او داشته باشد، در نتیجه خلاف واقع بگوید. بنابراین سؤالات تشریحی مطرح کنید. سؤال‌ها جزئی، شفاف و روشن باشد. صمیمانه مطرح شود و حالت بازجویی نداشته باشد تا موجب کدورت در آینده نشود.

پس از گفت‌وگو و تحقیق اگر تردید دارید می‌توانید با فرد صاحب‌نظر و امین مشورت کنید. با این کار، هم از دانش و تجربه دیگران برای تصمیم‌گیری صحیح استفاده می‌کنید و هم از مشکلات ورود به زندگی مشترک آگاه می‌شوید تا در زمان بروز مشکل با منطق و صبر آن را حل کنید.

برای انتخابی عقلانی، اطلاعات لازم را کسب و بررسی، و پیامدهای انتخاب را ارزیابی کنید. در انتخاب خود قاطعیت داشته باشید و تعهدات انتخاب را بپذیرید. به یاد داشته باشید مناسب‌ترین فرد برای ازدواج، آن کسی است که بتوانید او را چون دوست صمیمی برای خود بپذیرید. باید بتوانید او را همان‌گونه که هست، بدون تغییر قبول کنید. از اینکه شبیه او شوید و همچنین از اینکه او پدر یا مادر فرزند شما باشد، باید احساس رضایت کنید. پس از انتخاب و تصمیم ازدواج بهتر آن است که دختر و پسر با حمایت خانواده‌ها هرچه زودتر مراسم عقد را برگزار کنند.

عقد ازدواج

پیوند دو نفر تنها با خواندن خطبه عقد مشروعیت می‌یابد، بی‌آنکه برای آن تشریفات خاص دیگری در اسلام در نظر گرفته شده باشد. با این همه، مردم در سراسر دنیا، بسته به دین و آداب و رسوم محلی و منطقه‌ای خود، قرائت خطبه را به سبک‌های گوناگون برگزار می‌کنند. پیامبر اسلام ﷺ نیز در این باره فرمود: «ازدواج را سبک‌دار و علنی کنید و برای آن مراسم برگزار کنید»^۱.

۱. «أَشْهَدُ بِالْإِسْلَامِ وَأُغْلِثُوه». (پاینده، نهج الفصاحة، ص ۱۱۵، ح ۱۱۳)

شرایط عقد دائم بدین شرح است:

۱. در عقد رضایت پدر دختر لازم است. دختری که پیشتر ازدواج نکرده در صورتی می‌تواند بدون اذن پدر ازدواج کند که پدر از ازدواج با کفو (همتا) منع نماید و دختر نیز نیاز به ازدواج داشته باشد و بترسد که اگر از این ازدواج صرف‌نظر کند، شوهر خوبی برای او یافت نشود. کفویت دو طرف با یکدیگر را مرجع قضایی مشخص می‌کند.

۲. در عقد ازدواج باید صیغه عقد خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست؛ صیغه عقد را یا خود زن و مرد می‌خوانند، یا دیگری را وکیل می‌کنند که از طرف آنها بخواند. بدیهی است زن و مرد تا یقین نکنند وکیل صیغه عقد را خوانده، با یکدیگر نامحرم‌اند. بنابراین حتی اگر مراسم نامزدی یا جشن عقد برگزار شود تا زمانی که خطبه عقد خوانده نشده دختر و پسر با هم نامحرم هستند.

۳. بنابر احتیاط، باید صیغه به عربی صحیح خوانده شود.^۲

۴. اگر در خواندن عقد نکاح یک حرف یا بیشتر اشتباه شود، چنان‌که معنای آن عوض شود، عقد باطل است.

۵. مستحب است هنگام عقد نکاح، کسانی بر آن شاهد باشند و عقد به صورت علنی و آشکارا باشد.

۶. برخی دخترها و پسرها پیش از عقد دائم، صیغه محرمیت جاری می‌کنند و مدت زمانی با یکدیگر عقد موقت می‌نمایند تا شناخت بیشتری حاصل کنند. معمولاً در این عقد موقت، شرط می‌کنند که رابطه زناشویی واقع نشود. این افراد باید توجه داشته باشند که هنگام خواندن عقد دائم، مدت زمان عقد موقت سپری شده باشد، در غیر این صورت پسر باید مدت باقی‌مانده را ببخشد، سپس صیغه عقد دائم جاری شود.

۱. در رساله عملیه مراجع عظام تقلید به این نکته تصریح شده است؛ نک: رساله توضیح المسائل، آیت‌الله سیستانی، مسئله ۲۳۲۳؛ آیت‌الله نوری همدانی، مسئله ۲۳۵۹؛ آیت‌الله مکارم شیرازی، مسئله ۲۰۲۵؛ آیت‌الله میرزا جواد تبریزی، مسئله ۲۳۷۲؛ آیت‌الله بهجت، مسئله ۴۶۲۳؛ آیت‌الله شبیری زنجانی، مسئله ۲۳۷۲؛ آیت‌الله فاضل لنکرانی، مسئله ۲۳۸۳؛ آیت‌الله صافی گلپایگانی، مسئله ۲۲۷۲؛ آیت‌الله گلپایگانی، مسئله ۳۷۸؛ آیت‌الله وحید خراسانی، مسئله ۲۴۲۸. برای نمونه امام خمینی رحمه‌الله در ج ۲، تحریر الوسیله، کتاب النکاح، «فصل فی عقد النکاح و احکامه»، ص ۲۳۶ می‌فرماید: «ازدواج بر دو قسم است: دائم و موقت. و هر دو نیازمند عقد هستند که شامل لفظ ایجاب و قبول می‌باشد و این الفاظ باید بر انشاء معنای مقصود و رضایت به آن دلالت داشته باشد. دلالتی که نزد مردم معتبر باشد؛ بنابراین رضایت قلبی زن و مرد کفایت نمی‌کند و معاطاتی که در اغلب معاملات جاری است (رضایت خریدار و فروشنده، حتی اگر لفظ به کار نبرند) و نیز نوشتن کافی نمی‌باشد.

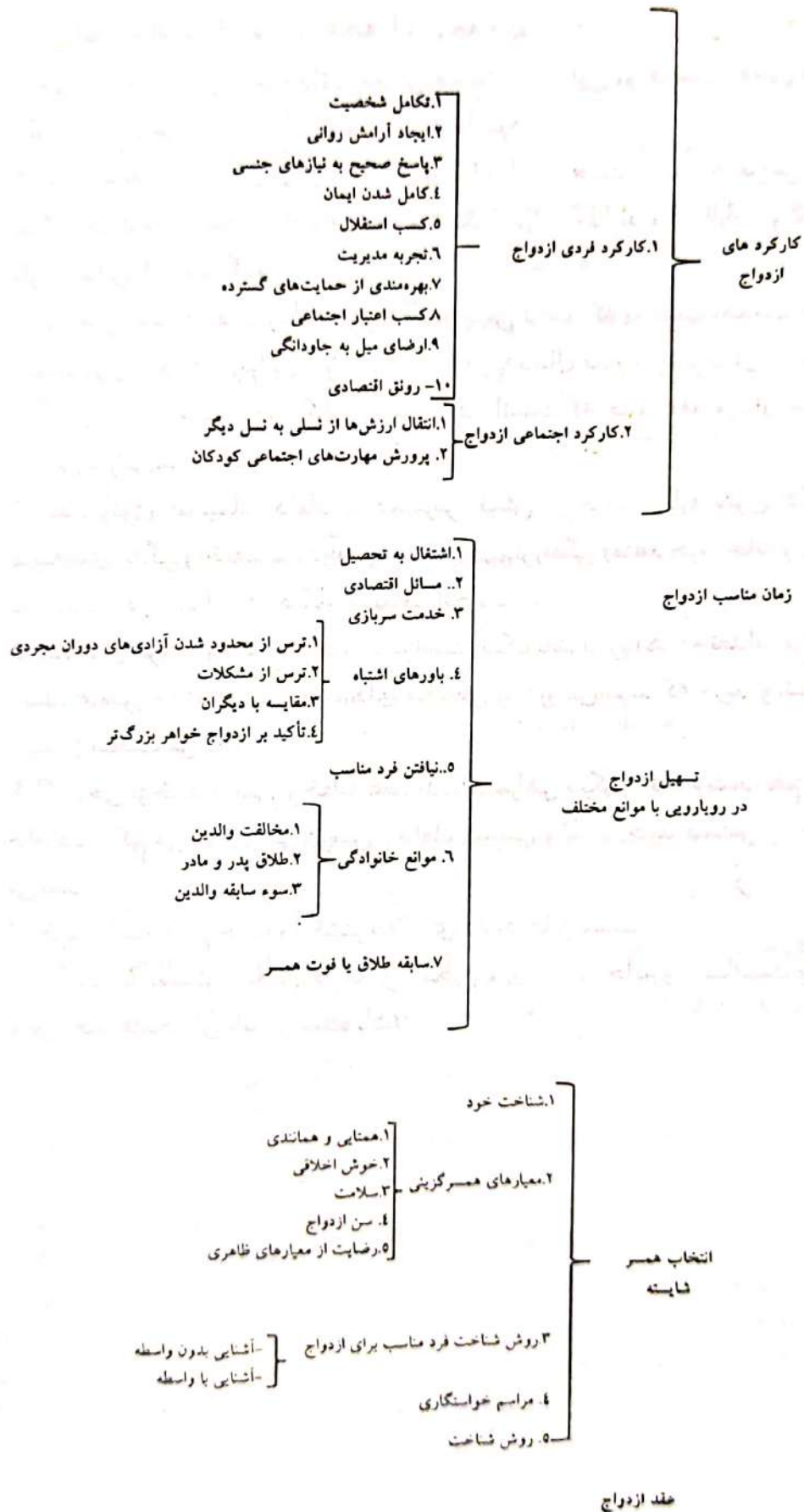
۲. هرچند برخی گفته‌اند که می‌توان صیغه را به زبان دیگر خواند ولی باید برگردان لغات عربی ایجاب و قبول باشد.

♦ برای مطالعه بیشتر

در ارتباط با مراسم عقد به چند نکته باید توجه کرد:

۱. خرید عقد شروعی است برای پذیرش مسئولیت؛ از این رو، فرصت خوبی است که داماد با لوازم مورد نیاز و سلاقی همسرش آشنا شود.
۲. خرید عقد در صورتی می‌تواند هدیه‌ای برای ابراز محبت باشد که عروس و داماد هنگام خرید به سلیقه و آداب و رسوم یکدیگر احترام بگذارند و انتظارات و توانمندی طرف مقابل را در نظر گیرند.
۳. در خرید باید اعتدال رعایت شود؛ البته چنین نباشد که به سبب اهمیت دادن به قیمت ارزان، کیفیت و زیبایی از یاد برود یا آن قدر به دنبال مد و مارک و مکان خرید باشند که گریزی از پرداخت قیمت گران نباشد. باید دانست که خرید عقد میدان مسابقه و نمایش دارایی‌ها نیست.
۴. گفت‌وگوی صمیمانه داماد با همسرش پیش از خرید درباره میزان دارایی‌ها، هزینه‌های زندگی و اختصاص درآمد به مسائل مهم‌تر زندگی (مانند خرید خانه و اتومبیل) به مدیریت درست آنها در هنگام خرید می‌انجامد.
۵. همراهان عروس و داماد در خرید بهتر است اندک باشند؛ زیرا هرچه تعداد افراد بیشتر باشد، عروس و داماد با نقطه نظرهای مختلفی روبه‌رو می‌شوند که خرید و انتخاب را برایشان سخت می‌کند.
۶. اگر برخی از خریدها پس از خطبه عقد بدون همراهی دیگران انجام شود، هم زحمت خانواده‌ها کم می‌شود و هم عروس و داماد شیرینی و لذت خرید مستقل را احساس می‌کنند.
۷. خرید و استفاده از حلقه و انگشتر طلا برای داماد جایز نیست.
۸. رعایت حد پوشش اسلامی در مقابل نامحرم برای عروس خانم واجب است و آرایش او نیز از دید نامحرم باید پوشیده باشد.

نمودار مطالب فصل



♦ پرسش‌های فصل

۱. ازدواج شخص متأهل چهل ساله دارای چه پیامدهای مثبتی برای اوست که فرد مجرد چهل ساله از آن بهره‌مند نیست؟
۲. امروزه ازدواج جوانان با موانع مختلفی روبه‌روست که به برخی از آنها در این فصل اشاره شد. برای غلبه بر این موانع آیا راه‌کار دیگری می‌شناسید؟ توضیح دهید.
۳. کدام بخش از قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» اهمیت بیشتری دارد؟
۴. در عرف منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، چه اقداماتی برای تسهیل ازدواج جوانان صورت می‌گیرد؟
۵. مطابق آنچه در بخش «شناخت خود» بیان شد، در برگه‌ای ویژگی‌های خود را یادداشت کنید. سپس در برگه‌ای دیگر مطابق با آنچه در بخش «شناخت فرد مناسب برای ازدواج» بیان شد، ویژگی‌های ضروری همسر آینده خود را در موضوعات ذکرشده، روبه‌روی آن بنویسید. همچنین معیارهای آرمانی که می‌توان از آنها گذشت را نیز یادداشت نمایید.
۶. مصادیقی از اسراف متظاهران در مراسم ازدواج اطرافیان خود نام ببرید.

♦ منابع برای مطالعه بیشتر

۱. اسلامی، عبدالاحد؛ دانستنی‌های پیش از خواستگاری؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲. حاج علی اکبری، محمدجواد؛ مطلع عشق؛ تهران: فرهنگ اسلامی.
۳. احمدی، محمدرضا؛ خواستگاری (پرسش و پاسخ‌های دانشجویی)؛ قم: دفتر نشر معارف.
۴. دهنوی، حسین؛ گلبرگ زندگی، قم: خادم‌الرضا (ع).
۵. حبشی، حمید؛ کتاب ازدواج، کتاب اول (تأسیس)؛ قم: دفتر نشر معارف.
۶. عباسی ولدی، محسن؛ نیمه دیگر، از مآشیدن تا نشدن، کتاب دوم (موانع ازدواج)؛ قم: دفتر نشر معارف.
۷. علاسوند، فریبا؛ خانه‌های اعیانی؛ اصفهان: مهرستان.
۸. افروز، غلامعلی؛ مبانی روان‌شناسی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴ ش.
۹. جمعی از اساتید دانشگاه شهید بهشتی؛ انتخاب هوشمندانه، ازدواج پایدار؛ تهران: نسیم جانان، ۱۴۰۰ ش.

فصل سوم:
تحکیم خانواده

اهداف درس:

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱. عوامل اعتقادی مؤثر در استحکام خانواده را بشناسند؛

۲. تعدادی از مهارت‌های رفتاری مؤثر در استحکام خانواده را فرا گرفته و در زندگی

خانوادگی به کار گیرند.

ازدواج دختر و پسر، سرآغاز دل‌دادگی و مهرورزی بین آنهاست و معمولاً شیرین‌ترین روزهای زندگی، پس از عقد آغاز می‌شود. این رابطه نیازمند رسیدگی و مراقبت است تا به درازای عمر، شیرینی و گرمی خود را حفظ کند. برخی گمان می‌کنند اگر انتخاب همسر با دقت و وسواس زیاد صورت پذیرد یا زندگی مشترک با عشق عمیق آغاز گردد، خانواده‌ای سعادتمند خواهند داشت؛ حال آنکه تفاوت‌های فردی و فرازوفروید ایام، زندگی را با چالش‌ها و مسائل مختلف روبه‌رو خواهد کرد و اگر همسران از دانش لازم برای مدیریت روابط بین خود و نیز مدیریت مسائل زندگی برخوردار نباشند در گذر زمان روابط عاطفی‌شان سست خواهد شد.

عوامل تحکیم خانواده و مهارت‌های رفتاری آن

۱. عوامل اعتقادی

«امروزه شناخت درمانی از مباحث مهم روان‌شناسی است؛ به‌گونه‌ای که قوی‌ترین درمان را درمان شناختی می‌دانند. شناخت درمانی معتقد است که به جای تغییرات مستقیم بر روی رفتار فرد، باید تغییرات مثبتی در بینش و نگاه او ایجاد کرد. غالباً یک روان‌شناس رفتاردرمان، برای درمان یک فرد افسرده چنین توصیه‌هایی دارد: «خبرهای ناراحت‌کننده به او ندهید، او را به مجالس شادی ببرید، وی را تشویق کنید که فیلم‌های شاد ببیند و کتاب‌های شاد بخواند و...». در حقیقت روان‌شناس رفتاردرمان سعی دارد که با مدد از رفتارهای مثبت، رفتارهای منفی را به عقب براند؛ اما برخی روان‌شناسان چنین روشی را صحیح، کارآمد و پایدار نمی‌دانند. از نظر آنان بهترین روش، ایجاد تغییر در شناخت و بینش فرد است. مطابق با نظر این گروه برای درمان افسردگی باید بینش و تفکری که منجر به یأس و افسردگی در فرد می‌شود، تغییر داد تا به تبع آن تظاهرات افسردگی نیز از بین برود. اینها تأییدی بر اهمیت داشتن باورها و بینش‌های صحیح است. با ایجاد شناخت، بینش و باورهای درست، قادر

خواهیم بود که در یک سیر طبیعی، بدون هیچ تغییر مستقیمی در رفتار اعضای خانواده، آنها را به سوی موفقیت و تعالی هدایت کنیم؛ زیرا به خودی خود رفتار صحیح به دنبال نگرش صحیح تولید می‌شود. منتها این نگرش و شناخت را باید قبل از مواجهه با شرایط سخت در وجود خود پایدار کنیم. به این منظور باید عقاید و باورهای درست را همواره پیش چشم داشته باشیم، بر آنها تفکر و تعمق کنیم و حتی با وجود علم به آنها، مکرراً آنها را از زبان افراد صاحب‌دل بشنویم تا در عمق جانمان نفوذ کند.^۱ در این بخش به برخی باورها و نگرش‌های مؤثر در استحکام خانواده بر مبنای آموزه‌های اسلامی اشاره می‌شود.

۱-۱. اعتقاد به تقدس پیوند زناشویی

«یکی از عواملی که در سوق‌یابی به ازدواج، دوری گزیدن از جایگزین‌های احتمالی، ایجاد آمادگی‌های فردی و اجتماعی در جهت مقابله با آسیب‌های احتمالی پیوند زناشویی و در نتیجه حفظ و تثبیت خانواده نقشی تعیین‌کننده دارد، مقدس دانستن ازدواج است. بی‌شک حرمت نهادن به یک پدیده، به‌ویژه در صورتی که چنین نگرشی در ذهنیت عموم غلبه داشته باشد، به‌طور طبیعی در تقویت موقعیت آن و از دیگر سو در تضعیف اراده‌های ناهمسو تأثیری شگرف دارد.

به باور صاحب‌نظران، یکی از عوامل مهم سقوط جایگاه خانواده در غرب، فرایند دنیوی شدن یا تقدس‌زدایی^۲ بود که افزون بر دیگر حوزه‌های حیات اجتماعی، نهاد خانواده را نیز به شدت متأثر ساخت. در نتیجه این فرایند، ازدواج که پیش‌تر اقدامی مقدس و دینی تلقی می‌شد، قداست خود را از دست داد و به یک قرارداد مدنی صرف بدل گردید.^۳

اسلام درصدد است نگرش مسلمانان به ازدواج و خانواده مقدس باشد؛^۴ از این رو در روایات آمده است: «ازدواج سبب کامل شدن دین فرد می‌شود»؛^۵ «کسی که ازدواج می‌کند، خدا را پاک ملاقات می‌کند»؛^۶ «هنگام ازدواج درهای آسمان به رحمت گشوده می‌شود»؛^۷

۱. بانکی پورفرد، سز دلبران، ص ۱۱-۱۲.

2. seculariation.

۳. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۲.

4. Ada, 15, 2004, p. 1082.

۵. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰.

۶. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۸؛ ۱۴۳، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۲۰.

۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۱.

«نگاه پرمحبت زن و شوهر به یکدیگر سبب جلب رحمت خدا خواهد شد»؛^۱ «زیاد شدن محبت مرد به زنش موجب ازدیاد ایمان می‌گردد»؛^۲ «هم‌نشینی با همسر ثوابی بیش از ثواب اعتکاف در مسجدالنبی ﷺ دارد»؛^۳ «شوهرداری شایسته زن و تلاش مرد برای تأمین مشروع نیاز اقتصادی خانواده، ثواب جهاد در راه خدا را دارد»؛^۴ «کسی که با همسرش ارتباط جنسی داشته باشد، اجر می‌برد»؛^۵ «خداوند از طلاق نفرت دارد»؛^۶ «گذشت از خطای همسر دارای اجر اخروی است».^۷

مطابق چنین اعتقاداتی زن و شوهری که به تقدس ازدواج و خانواده باور قلبی داشته باشند، نقش همسری خویش را به خوبی ایفا می‌کنند و در مواجهه با مشکلات زندگی مشترک، با تمام توان برای اصلاح زندگی می‌کوشند.

۱-۲. دین‌داری

از جمله عوامل مؤثر در تحکیم خانواده، اعتقادات دینی و رفتارهای منطبق بر شاخص‌های دینی است. پژوهش‌های بسیاری، تأثیر دین‌داری را بر سلامت روابط اعضای خانواده و استحکام آن اثبات کرده‌اند.

♦ برای مطالعه بیشتر

گروهی از استادان دانشگاه ایالتی کانزاس در پی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که تعهد به خانواده، اغلب با عامل تعهد دینی التزام دارد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰م پروفسور نیک استینت^۸ از دانشگاه آلاباما و پروفسور جان دی فرین^۹ از دانشگاه نبراسکا برای کشف «رابطه بین دین و پایداری خانواده» تحقیقاتی انجام دادند و دریافتند که ۸۴ درصد از افراد مورد مطالعه، دین را عامل مهمی برای تقویت و استحکام خانواده می‌شمردند.

۱. پاینده، نهج الفصاحه، حدیث ۶۲۱.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴.

۳. ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ص ۳۶۲.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۴؛ پاینده، نهج الفصاحه، ص ۷۴۶.

۵. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۱۰.

۶. پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۰۲.

۷. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۱۶.

8. Nick Stinct.

9. John De Frain.

پروفسور آلن برگین^۱، استاد روان‌شناسی دانشگاه بریگام یانگ - که موفق به دریافت جایزه از انجمن روان‌شناسی آمریکا شد - معتقد است: «برخی از تأثیرات دین، اثری معادل انرژی هسته‌ای بر روان انسان‌ها دارند. شواهد قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد مشارکت دینی باعث کاهش مسائلی مانند بی‌بندوباری جنسی، اعمال انحرافی و بزه‌کارانه، حاملگی در سنین پایین، تجاوز به عنف، طلاق، نارضایتی از ازدواج، خودکشی و اعتیاد به مواد مخدر و الکل می‌شود و از سویی عزت نفس، انسجام خانوادگی و سلامت عمومی را نیز افزایش می‌دهد». در حال حاضر، اندیشمندان اجتماعی در حال تئوریزه کردن قدرت مداوم دین در قبال نیروهایی هستند که باعث ازهم‌گسیختگی خانواده می‌شوند...^۲

درباره چگونگی تأثیر دین‌داری بر استحکام خانواده می‌توان به این نکات اشاره کرد:

یک. ایجاد وفاق در تعیین بایسته‌های زندگی خانوادگی

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد اختلاف و کشمکش‌های خانوادگی، اعتقادهای متفاوت هریک از اعضا درباره بایدها و نبایدهای زندگی است؛ حال آنکه در زندگی همسران با ایمان، معیارهای واحد - که همان رهنمودهای الهی است - تعیین‌کننده نوع رفتار آنهاست. هر دو در رفتارهای جنسی، روابط عاطفی، نوع خدمت‌گزاری به دیگر اعضا و بهره‌مندی از خدمات خانواده، تعامل آنها با افراد و اجتماعات دیگر و نوع مواجهه با مشکلات خانواده به سرعت به توافق می‌رسند و با دل سپردن به رهنمودهای اسلامی، رفتار خویش را سامان می‌بخشند.

دو. تأثیر رعایت حلال و حرام الهی

- در موارد فراوانی، پرهیز از محرمات الهی به استحکام خانواده می‌انجامد:
- غیبت حرام است؛ از این رو اعضای خانواده حرمت همدیگر را در نبود هم پاس می‌دارند؛
- تهمت حرام است؛ بنابراین افراد خانواده به واسطه تهمت همسر، در معرض از بین رفتن احترام خود و نفرت از یکدیگر قرار نمی‌گیرند؛
- سخن‌چینی حرام است؛ در نتیجه اختلافات خانوادگی تشدید نمی‌شود؛
- نسبت ناروای بی‌عفتی به زنان پاک‌دامن حرام است؛ لذا روابط عاطفی همسران خصمانه نمی‌شود؛

1. Allan Bergin.

۲. نک: بلالی، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، ص ۲۶۶-۲۶۴.

- شراب خواری حرام است؛ از این رو، همسر و فرزندان از برخی خشونت‌ها و بدرفتاری‌ها که معمولاً در حال مستی روی می‌دهد در امان می‌مانند؛

- دروغ‌گویی حرام است؛ بنابراین اعضای خانواده به یکدیگر اعتماد دارند.

نمونه‌های فراوان دیگری نیز می‌توان بیان کرد که همگی نشان‌دهنده تأثیر رعایت مرزهای واجب الهی در استحکام روابط اعضای خانواده است.

سه. اعتقاد به نظارت الهی در روابط با خانواده

تأثیر اعتقاد به نظارت الهی در استحکام خانواده را در ابعاد مختلف می‌توان مشاهده کرد؛ از جمله:

الف. پرهیز از ظلم به همسر؛ توجه به نظارت دقیق خداوند بر تمام رفتارها و حتی بر آنچه در ذهن می‌گذرد، آدمی را از افکار و رفتار ناشایست باز می‌دارد. امام حسن علیه السلام به مردی که در امر ازدواج دخترش با آن حضرت مشورت کرده بود، فرمود:

دخترت را به پسر باتقوا شوهر بده؛ زیرا اگر همسرش را دوست داشته باشد او را تکریم می‌کند و اگر از او متنفر شود، به او ظلم نمی‌کند.^۱

در روایات نیز معمولاً مردان و زنانی که در حق همسر خویش جفا می‌کنند، به شدت از عذاب الهی ترسانده شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

زن یا مردی که همسرش را آزار دهد و به او ظلم کند، اولین فرد واردشونده در جهنم است.^۲

ب. بالابردن آستانه تحمل فرد در رویارویی با مشکلات خانوادگی؛ آیات و روایات بسیاری به زنان و مردانی که در مواجهه با مشکلات خانوادگی صبر سازنده پیشه می‌کنند و مدیرانه منافع خانواده را تأمین می‌نمایند، وعده رحمت الهی داده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند به مردی که بر بداخلاقی همسرش صبر کند، ثواب حضرت داوود علیه السلام و به زنی که بر بداخلاقی شوهرش صبر کند، ثواب آسیه را عطا می‌کند.^۳

۱. «وَرَجَّهَ مِنْ رَجُلٍ نَفِي فَإِنَّهُ إِذَا أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمَهَا». (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴)
۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۳؛ ج ۲۱، ص ۳۴۵. همچنین در روایات آمده است: «بدرفتاری و نیز کناره‌گیری مرد از خانواده سبب عذاب قبر خواهد شد» (همان، ج ۲۰، ص ۱۶۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره زنان شوهرآزار نیز فرمود: «زنی که با شوهر خود مدارا نداشته باشد و کاری فوق طاقت وی را بر او تحمیل کند، در قیامت خدا را در حالی ملاقات می‌کند که از او خشمگین است» (همان، ص ۲۱۲).

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷.

آن که به خدا اعتقاد دارد، ناملایمات زندگی خانوادگی را با اعتقاد به تقدیر الهی، رحمت پنهان خداوند می‌شمرد و معتقد به وجود حکمت برای همه امور زندگی، چه سختی‌ها و چه راحتی‌ها، است. او اعمال خویش را برای رضایت الهی انجام می‌دهد؛ از این رو اگر با جفا یا ناسپاسی همسر یا ناکامی در زندگی خانوادگی مواجه شود، طاقت از کف نمی‌دهد و در برخورد با مشکلات زندگی به سرعت به فکر طلاق نمی‌افتد؛ بلکه معتقد است خداوند مشکلات را می‌بیند و او را یاری خواهد داد.

این اعتقاد توانایی فرد را در حل مسائل زندگی خانوادگی دوچندان خواهد کرد؛ زیرا او قدرت لایزال الهی را پشتیبان خود می‌داند. فرد باایمان حتی اگر مشکلات خانوادگی را محصول تصمیم نادرست یا رفتار خطای خود ببیند، باز هم به خداوند امیدوار است؛ زیرا در وعده الهی تردید ندارد: «ای بندگان من [که با گناه] بر خود زیاده‌روی کردید از رحمت خداوند ناامید نشوید»^۱ و «جز گروه کافران کسی از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».^۲

چهار. تأثیر شرکت در مراسم دینی

از دیگر آثار دین‌داری بر تحکیم خانواده می‌توان به اثر شرکت در آیین‌ها و مراسم‌های دینی بر تقویت روابط عاطفی مثبت در بین شرکت‌کنندگان در این مراسم اشاره کرد. از آنجاکه شرکت‌کنندگان در این مراسم‌ها، معمولاً حضور خانوادگی دارند، وحدت و علاقه‌مندی و یکدلی حاصل از این حضور برکات خود را در روابط اعضای خانواده به خوبی نشان می‌دهد. مواردی از قبیل: تجربه حضور خانوادگی در مراسم اعیاد و سوگواری‌های مذهبی، چه هنگام برنامه‌های دسته‌جمعی ادعیه یا مداحی‌ها یا مراثی و چه هنگام بهره‌مندی از اطعام دسته‌جمعی در این مراسم‌ها؛ تجربه حضور خانوادگی در زیارتگاه‌های مقدس مذهبی یا مساجد برای انجام زیارت یا نمازهای جماعت و جمعه و اعتکاف و مراسم احیای شب‌های قدر یا خواندن دسته‌جمعی قرآن در ماه مبارک رمضان؛ حضور خانواده‌ها در مراسم راه‌پیمایی اربعین، مراسم شیرخواره‌های حسینی و....

شرکت خانواده‌ها در این مراسم‌ها علاوه بر تقویت معنویت، معمولاً سبب یکپارچگی بیشتر اعضای خانواده و تقویت صمیمیت بین آنها می‌شود. افزون بر آن، شرکت در این

۱. «یا عِبَادِیَ الذِّینَ أَسْرَفُوا عَلٰی أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ». (سوره زمر، آیه ۵۳)

۲. «لَا یَبْتَاسُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْکَافِرُونَ». (سوره یوسف، آیه ۸۷)

مراسم‌های جمعی معمولاً سبب تقویت خوش‌بینی و اعتماد به سایرین شده و بر رضایت فرد از زندگی فردی و خانوادگی می‌افزاید.

نکته مهم در زمینه تأثیر دین‌داری بر استحکام خانواده آن است که مقصود از دین‌داری، داشتن اعتقادات اسلامی و بروز رفتارهای منطبق بر آن است، نه آن نحوه از دین‌داری که با گزینش بخشی از دین و رها کردن بخشی دیگر، به نام دین عمل می‌شود؛ زیرا گاه افراد هم‌زمان با عمل به برخی رفتارهای دینی (نظیر اصرار بر نمازهای مستحبی یا رعایت ظواهر مذهبی یا شرکت در مراسم دسته‌جمعی دعا یا پافشاری بر اذکار پرشمار)، بخشی از دین را، همچون خوش‌رفتاری با همسر و فرزندان، پرهیز از نگاه آلوده به نامحرم یا رعایت حجاب، رها می‌سازند و مطابق میل خویش، گزینشی عمل می‌کنند. چنین افرادی متدین واقعی نیستند و نباید انتظار داشت که ظهور و بروز آثار دین‌داری موجب استحکام روابط خانوادگی ایشان شود.

مهارت‌های رفتاری مرتبط با دین‌داری همسران

پس از ازدواج، برای رشد معنوی و رسیدن به کمال الهی، یکدیگر را یاری دهید و بال پرواز هم باشید؛ برای نمونه:

۱. زمینه گناه را در خانه خود فراهم نکنید. استفاده از رسانه‌های دیداری شنیداری آلوده به حرام یا رفت‌وآمد با افراد اهل گناه هرچند اعضای خانواده را سرگرم می‌کند، صفای معنوی خانه را مسموم خواهد کرد. با ارتقای سواد رسانه‌ای خویش فقط از برنامه‌هایی استفاده کنید که به سلامت جسم و روان و ارتقای دانش و معنویت شما کمک می‌کند و با خانواده‌های با ایمان و درست‌کار رفت‌وآمد داشته باشید و ارتباط خود را با آنها قوی کنید.

۲. از خوردن لقمه حرام پرهیزید.

۳. بر انجام واجبات و ترک محرمات مداومت داشته باشید و در صورتی که از همسران ترک واجب یا انجام حرامی را دیدید صمیمانه و با مهر و محبت از او تقاضا کنید برای حفظ پاکی و صفای زندگی مشترکتان رفتار خود را خدایپسندانه کند.

۴. همراه با خانواده، در برنامه‌های مذهبی همچون نماز جماعت، مراسم اعیاد و سوگواری یا نماز جمعه شرکت کنید. اصولاً برای زندگی خانوادگی برنامه معنوی منظم داشته باشید.

افکار مثبت به احساس درست و سپس به رفتار شایسته می‌انجامد. فرد خوش‌گمان آرامش دارد و در آسایش زندگی می‌کند. امام علی علیه السلام فرمود: «خوش‌گمانی مایه آسایش دل و سلامت دین است»^۱.

خانواده مهم‌ترین جایگاه آسایش و آرامش است و از همین رو نباید از تأثیر حسن ظن به همسر غفلت کرد. حسن ظن به معنای فریب خویشتن یا ساده‌دلی و حماقت نیست؛ بلکه بدان معناست که به گفتار و رفتار همسر و خانواده همسر و مسائل زندگی مشترک بدگمان نباشیم و اگر امر نامطلوبی دیده شد، بر اساس حدس و گمان تصمیم نگیریم؛ زیرا ممکن است پندار ما از رفتار همسر برداشتی نادرست باشد یا اینکه انگیزه و قصد او را درک نکرده باشیم. خوش‌گمانی به همسر سبب ارتباطی صمیمی می‌شود و محبت هر دو را به هم عمیق‌تر می‌کند؛ در غیر این صورت، همسر همواره نگران آن است که مبادا از کلام یا رفتار او برداشت نادرستی شود. در متون دینی بر خوش‌بینی به دیگران و تعبیر رفتار آنها به بهترین شکل تأکید شده است؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

کار برادر دینی‌ات را به بهترین وجه تعبیر کن، تا زمانی که دلیل قطعی برخلاف آن برای تو حاصل شود.^۲

حضرت علی علیه السلام فرموده است: «خوش‌بین بودن از نیکوترین خصلت‌ها و بهترین نصیب‌ها است»^۳.

از این رو همسران با ایمان، سعی می‌کنند تا خوبی‌های یکدیگر را به خوبی ببینند. از آنجاکه گاه در رفتار همسر امور ناخوشایندی دیده می‌شود، برای تقویت حسن ظن به او می‌باید صفات مثبتش را به خوبی دید و از برداشت نادرست از رفتارش پرهیز کرد و رفتار منفی او را بزرگ‌نمایی نکرد. در این راستا، هم‌نشینی با افرادی که حسن ظن دارند، در گسترش مثبت‌اندیشی انسان تأثیر بسیار دارد.

♦ برای مطالعه بیشتر

مقام معظم رهبری: «این مرحله از زندگی را که وارد زندگی مزدوج می‌شوید و تشکیل خانواده

۱. «حَسَنُ الظَّنِّ رَاحَةُ الْقَلْبِ وَ سَلَامَةُ الدِّينِ». (آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۲)

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۶۲.

۳. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۴۸۲۴.

می دهید، یکی از نعمت های بزرگ الهی به حساب بیاورید و آن را شکر بگذارید. همه آنچه ما داریم از خداست: «مَا يَتَىٰ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ»^۱ اما توجه به این نعمت خیلی اهمیت دارد. خیلی از نعم را انسان توجه ندارد. بعضی ها ازدواج می کنند همه نوع خوبی هم گیرشان می آید، زندگی شیرین و خوبی را هم می گذرانند، ولی نمی فهمند که این چه نعمت بزرگی است، چه حادثه تعیین کننده و مهمی در زندگی است. وقتی نفهمیدند، شکر آن را هم به جا نمی آورند و از رحمت الهی که با شکر متوجه انسان می شود، محروم می مانند. لذا باید انسان توجه کند به اینکه این چه نعمت بزرگی است و شکر این نعمت چگونه است؟ توفقی که از ما در مقابل این نعمت دارند این است که با این نعمت خوب رفتار کنیم»^۲.

مهارت های رفتاری همسران

۱. برگه ای بردارید و خوبی هایی را که همسرتان دارد، یکی یکی در آن بنویسید. سپس برای هر خوبی مصادیق آن را بنویسید: انواع محبت هایی که به شما کرده، انواع تلاشی که برای بهبود زندگی خانوادگی انجام داده، انواع خلاقیت های او و... از او برای این همه خوبی سپاسگزار باشید و خداوند را نیز برای آنکه همسر خوبی به شما عطا کرده، شکر کنید.

۲. سعی کنید جنبه مثبت کارهای همسر خود را ببینید؛ مثلاً در همسر پر حرف خود خونگرمی او را ببینید و به او بگویید: «تو چه آدم اجتماعی و خونگرمی هستی، در هر جمعی که حضور پیدا می کنی آن جمع شورونشاط پیدا می کند» و در همسر کم حرف خود دقت نظر او را ببینید و به او بگویید: «تو چه آدم دقیق و عمیقی هستی و تا چیزی را لازم و مفید ندانی به زبان نمی آوری».

۳. همسر خود را با دیگران مقایسه نکنید. اگر دیگران خوبی هایی دارند، همسر شما نیز خوبی های خاص خود را دارد؛ همچنین دیگران علاوه بر آن خوبی ها، نقاط ضعف و کاستی هایی نیز دارند.

۲. عوامل رفتاری

چه بسا زن و شوهری که در آغاز ازدواج، عاشقانه همدیگر را دوست داشته و این محبت را به یکدیگر ابراز کنند، ولی به دلیل رفتارهای ناپسند اندک اندک این علاقه آتشین به سردی بگراید و پس از چند سال زندگی مشترک تحمل ناپذیر شود.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۶۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، هنگام خطبه عقد، به تاریخ ۱۳۸۱/۰۳/۲۹.

از این رو چگونگی رفتار با همسر، یکی از مهارت‌های مهمی است که زوج‌های جوان باید آن را فراگیرند. در این بخش به چند مهارت مهم خواهیم پرداخت.

۱-۲. اظهار محبت به همسر

«قرآن کریم از رابطه میان زوجین با کلمه «مودت» و «رحمت» تعبیر می‌کند.^۱ این نکته بسیار دقیق، به جنبه انسانی زندگی زناشویی اشاره دارد؛ بدین بیان که شهوت تنها عامل پیوند زناشویی نیست، بلکه صفا و صمیمیت و اتحاد دو روح است که زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد.^۲ «بی‌تردید زندگی مشترک از مهم‌ترین عرصه‌های تجلی عشق و شیفتگی در روابط انسانی است که در شکل‌گیری این پیوند و استمرار آن نقشی اساسی دارد.»^۳ امام صادق (ع) در روایتی بر اهمیت احساس عاطفی اشاره می‌کند: «هرگاه عشق و علاقه مردی به همسرش زیاد شود، بر ایمان او افزوده می‌شود.»^۴

امام رضا (ع) نیز می‌فرماید: «بدان که زنان چند گروه‌اند [که] یک گروه از آنان گنج و غنیمت به شمار می‌آید؛ این گروه، زنانی هستند که شوهران خود را دوست دارند و به همسر خود عشق می‌ورزند.»^۵

شاعر ارزشمند، مهدی الهی قمشه‌ای زبان حال این افراد را چنین بیان می‌کند:

بیا تا شمع هم، پروانه هم، یار هم باشیم	در این گلشن، بهار هم، گل هم، خار هم باشیم
پریشان خاطران برگرد هم از جان و دل گردیم	ز شهر آوارگان دردشت غم، غمخوار هم باشیم
به صحرای صفا، در پرده با هم راز هم گوئیم	به گلزار وفا هم ناله و همراز هم باشیم
شبان تیره را روشن کنیم از مهر یکدیگر	در این تاریک محفل شمع گل رخسار هم باشیم

رابطه عاطفی همسران، ارتباطی دوسویه است که در نگاه، کلام و رفتارشان بروز می‌کند. در این باره نکته مهم آن است که این احساس باید بارها و بارها در گفتار و رفتار اظهار شود؛ چنان‌که امام صادق (ع) فرمود: «باید میان همسران پیام‌رسان باشد». سؤال شد: مقصود شما از پیام‌رسان چیست؟ آن حضرت فرمود: «بوسه و سخن».^۶

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (سوره روم، آیه ۲۱)

۲. شهید مطهری، جاذبه و دافعه علی (ع)، ص ۵۳.

۳. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۸۹.

۴. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴.

۶. «وَلْيَكُنْ بَيْنَهُمَا رَسُولٌ. قِيلَ: وَمَا الرَّسُولُ؟ قَالَ: الْقُبْلَةُ وَالْكَلَامُ...». (جزائری، التحفة السنية، ص ۲۷۷)

آن حضرت خطاب به زنان نیز فرمود: «زن در روابط میان خود و شوهر هم‌دلش، از سه خصلت بی‌نیاز نیست که یکی از آن سه، اظهار عشق به شوهر با دل‌ربایی است»^۱. و نیز پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «سخن مرد به همسرش که «دوستت دارم»، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود»^۲. بدین‌گونه آن حضرت مردان مسلمان را به تکرار عبارات محبت‌آمیز به همسر راهنمایی فرموده است.

مهارت‌های رفتاری همسران

شنیدن عبارات محبت‌آمیز از نیازهای جدی زوجین است؛ از این رو پس از ازدواج: یک. محبت و علاقه خود را به همسران به بهانه‌های گوناگون ابراز کنید و از هر فرصتی برای تبادل ارتباطات عاطفی خود با یکدیگر بهره بگیرید. وقتی کنار هم نیستید برای هم پیامک بفرستید و برای ارسال پیامک به دنبال دلیل نباشید. ابراز محبت و عشق به همسر یا تشکر از زحماتی که برای شما انجام داده یا عذرخواهی از اشتباهی که مرتکب شده‌اید یا تذکر یک نکته، می‌تواند بهانه خوبی برای نوشتن مطالب پرمحبت باشد. دو. لحظاتی که احساس می‌کنید خیلی همسران را دوست دارید، آن را به او بگویید و احساس خود را در دفتر خاطرات بنویسید تا اگر زمانی میان شما ناراحتی و کدورتی پیش آمد، با خواندن آن نوشته آرام شوید.

سه. هر چند وقت یک بار، کاری ویژه برای همسر خود انجام دهید. برای نمونه، غذای مورد علاقه همسر خود را تهیه کنید یا خوراکی مورد علاقه وی را خریداری کنید. چهار. ادبیات محبت‌آمیز در افراد متفاوت است. برای نمونه، مردان با سخنان محبت‌آمیز، نوازش یا با خرید هدیه برای زن و نیز خرید خانه به او محبت می‌کنند و زنان نیز با کلام پرمحبت یا خانه‌داری باسلیقه، محبت خود را به شوهر ابراز می‌نمایند. محبت همسران را با هر ادبیاتی که دارد، بپذیرید و به همسران با ادبیاتی که با روحیات او سازگار است، محبت کنید تا آن را بهتر دریابد.

پنج. برخی از افراد، توانایی لازم برای ابراز محبت قلبی خود را ندارند و گاه این محبت را در قالب عبارات‌های نامناسب ابراز می‌کنند. مثلاً مردان در سخت‌گیری‌های خود برای

۱. «لَا غِنَى بِالزَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ زَوْجِهَا الْمُوَافِقَ لَهَا عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ وَهِيَ... إظهارُ الْعِشْقِ لَهُ بِالْخَلَاةِ...» (مجلسی، بحار

الانوار، ج ۵، ص ۲۳۷)

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا.» (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۳)

حضور همسرشان در خانه، درواقع محبت خود را به او ابراز می‌کنند و اینکه طاقت دوری او را ندارند. در این مواقع بکوشید صحبت‌های همسران را ترجمه کنید. در ضمن خودتان نیز با همسران بدون نیاز به ترجمه سخن بگویید؛ مثلاً به جای آنکه بگویید: «دوست ندارم دیر به خانه بیایی»، بگویید: «وقتی زود به خانه می‌آیی، خوشحال می‌شوم». شش. همسر شما هنگام بیماری، هنگام درد و زمان شکست، بیش از هر زمان دیگری نیازمند یاری و محبت شماست. بگذارید هنگام سختی‌ها شما را در کنار خود احساس کند و آرام گیرد. هفت. اگر خواهان دریافت محبت از همسر خود هستید رفتار خود را محبت‌برانگیز کنید. محبت همسران به شما وابسته به عمل شماست؛ کارهایی مانند: وفاداری به همسر، همکاری با او، توجه به احساسات همسر و همدلی با او، کاهش سطح توقعات از او و نیز پرهیز از عواملی که او را به شما دل‌سرد می‌کند، مانند: تندخویی یا قهر.

ح ۲-۲. خوش‌گفتاری

کلام مهم‌ترین وسیله ارتباطی بین دو فرد است؛ ازاین‌رو، همسران که نزدیک‌ترین افراد به یکدیگر هستند و بیشترین اوقات عمر را با یکدیگر سپری می‌کنند، باید مهارت خوب سخن گفتن و خوب شنیدن را فراگیرند. امام سجاد (ع) می‌فرماید:

حق همسر بر تو آن است که همواره به یاد داشته باشی که خداوند همسرت را سبب آرامش، راحتی و آسایش تو قرار داد، او را مونس و یاورت نمود و به وسیله او از بسیاری ناملایمات محافظت شدی. پس واجب است هریک از شما همسران، خداوند را برای همسر محبوبش شکر گوید و توجه داشته باشد که او نعمتی الهی است و واجب است که با این نعمت خداوندی خوش‌گفتار باشد.^۱

امام علی (ع) نیز به فرزند خویش وصیت فرمود: «پسرم، با همسر خود خوش‌سخن باش تا زندگی‌ات صفا یابد».^۲

و نیز فرمود: «خطاب‌هایتان را زیبا کنید تا پاسخ زیبا بشنوید».^۳ سخن گفتن دوستانه و صمیمی، رعایت ادب در کلام و تشکر از زحمات شریک زندگی، از مصادیق بارز خوش‌سخنی است.

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۶۰.

۲. «أخسین الصَّخْبَةَ لَهَا لِيَضْفُو غَيْشُكَ». (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۹)

۳. آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۳۵.

مهارت‌های رفتاری همسران

مهارت‌های ارتباط گفتاری مؤثر و نیکو را فرا گرفته و تمرین کنید تا عادت شما گردد:

۱-۲-۲ شیوه سخن گفتن با همسر

یک. منظور خود را به درستی به همسران منتقل کنید؛ زیرا او بر اساس برداشتی که از حرف شما می‌کند به شما پاسخ خواهد داد. بنابراین گنگ و مبهم سخن نگویند و با کنایه حرف نزنید.

دو. به جای اینکه بگویید «چه نمی‌خواهید»، مهربانانه بگویید «چه می‌خواهید». اگر شما به همسران بگویید «چه نمی‌خواهید»، چه بسا او درنیابد که در عوض چه باید بکند؛ ولی وقتی تقاضای مثبت خود را ابراز نمایید، همسران به روشنی نیاز شما را درمی‌یابد. البته انتظار نداشته باشید تقاضای شما کاملاً برآورده شود. برای این منظور، نظر همسران را نیز جویا شوید.

سه. از طرف همسر خود صحبت نکنید و از به‌کار بردن عباراتی همچون «تو فکر می‌کنی من...» یا «تو می‌خواهی من...» اجتناب کنید و در عوض از او درباره افکار و احساساتش سؤال کنید. برای مثال بگویید: «تو در مورد... چه فکر می‌کنی؟» یا «تو درباره... چه می‌خواهی؟» چهار. در سخنان خود از توهین، تحقیر و اتهام پرهیزید؛ زیرا اگر سخنان درست هم باشد، مؤثر واقع نخواهد شد. درواقع همسر شما فقط به قسمت توهین‌آمیز کلام شما توجه خواهد کرد و بقیه گفته شما را نادیده می‌گیرد.

پنج. اگر پیش‌تر نظر خود را درباره موضوعی به همسران گفته‌اید، در صورت لزوم آن را تکرار کنید و از به‌کار بردن جملاتی مانند «تو که می‌دانی» یا «صد بار به تو گفته‌ام» اجتناب کنید؛ زیرا این نوع جملات در همسر موضع دفاعی ایجاد می‌کند.

شش. تقاضای خود را از همسران آمرانه و دستوری به زبان نیاورید و آن را چندین بار تکرار نکنید. اگر آن را یک‌بار مطرح کردید و همسران پاسخ مثبت نداد، حتماً مانعی وجود دارد؛ مثل اعتقاد نداشتن به آن کار یا خستگی یا مشغول بودن به کاری دیگر. سعی کنید آن موانع را برطرف کنید. اگر هم در نهایت همسران تقاضای شما را نپذیرفت، راه دیگری برای برطرف کردن نیاز خود از طریق سالم و مفید پیدا کنید که به روابط شما با همسران نیز آسیبی وارد نیاورد.

هفت. وقتی خشمگین یا رنجیده خاطر هستید، از به کار بردن عبارات تند بپرهیزید؛ زیرا به احتمال بسیار، پاسخ وی نیز تند خواهد بود. اگر با زبانی آرام تر احساس خود را بیان کنید، هم به گفته شما توجه خواهد شد و هم امکان حل مشکل بیشتر می شود. هنگام بیان احساس خود در مواقع ناراحتی یا عصبانیت، از به کار بردن جملاتی که با «تو» شروع می شود، اجتناب کنید. بیان عباراتی مانند «تو من را عصبانی کردی» یا «تو به من بی احترامی کردی» سبب می شود که همسران از شما دور گردد، در عوض بکوشید احساس خود را در قالب «من...» بیان کنید تا همسران از نظر ذهنی و روانی به شما نزدیک شود. پس از آن، افکار خود را درباره رفتار همسران با عباراتی چون «من فکر می کنم» یا «من به نظر می رسد» ابراز کنید تا بدون وارد کردن اتهام، نظر شما را شنیده و احساسات را درک کند.^۱

❖ ۲-۲-۲. شیوه تعامل با سخن همسر

یک. هنگامی که همسران با شما صحبت می کند، کارها و امور دیگر را رها کنید و فقط به وی گوش دهید. گوش کردن با شنیدن متفاوت است. شنیدن، به معنای دریافت امواج صوتی است، ولی گوش کردن با قصد و نیت شنیدن و فهمیدن است. خوب گوش کردن نه تنها نشانه ابراز علاقه و صمیمیت است؛ بلکه به شما کمک می کند که به برداشتی کامل و دقیق از منظور همسران دست یابید و از طرفی او را تشویق می کنید که او هم شنونده خوبی برای سخنان شما باشد.

دو. هنگام حرف زدن همسر با تکان دادن سر یا پرسیدن سؤالاتی درباره مضمون صحبت او و طرح پرسش های باز پاسخ،^۲ نشان دهید که به سخنان او گوش می دهید. با همسر خود همدلی نمایید و آن را ابراز کنید. همدلی به معنای موافقت با نظر و عقاید همسر نیست، بلکه بدین معناست که خود را به جای وی بگذارید و به او بگویید چطور احساس وی برای شما درک شدنی است. برای همدلی در قدم اول باید خود را به جای همسران بگذارید تا احساسات، نیازها، مشکلات، دغدغه ها و... را از زاویه دید او بنگرید. در قدم بعدی با او به گونه ای رفتار کنید که دوست دارید اگر جای او بودید، با شما رفتار می شد. برای همدلی با همسر، به سخنان او به صورت مفید و فعال گوش کنید؛ یعنی:

۱. عاطف وحید و لواسانی، مهارت های ارتباطی همسران، ص ۷۲-۲۶.

۲. سؤالاتی که با چگونه، چرا و چه آغاز می شوند و جواب تفصیلی دارند.

- به او فرصت سخن گفتن و ابراز احساسات بدهید و تا وقتی سخن می‌گوید، سکوت کنید و سخنی نگویید!

- با زبان بدن، به او نشان دهید که به سخنان او علاقمند هستید و با تکیه کلام‌های کوتاه، مانند جالب بود یا...، با او همراهی کنید یا در پایان هر قسمت از صحبت‌هایش خلاصه‌ای از سخنانش را در یک یا چند جمله کوتاه ارائه دهید.

سه. هنگام صحبت همسر، از ابراز هرگونه خستگی و بی‌حوصلگی و شتاب‌زدگی خودداری کنید و خود را صبور و علاقه‌مند و مشتاق به ارتباط کلامی با وی نشان دهید.

چهار. وقتی همسر شما سخن می‌گوید، زود قضاوت نکنید؛ بگذارید سخن او تمام شود و سپس نتیجه‌گیری کنید. گاهی شما آغاز کلام او را بد متوجه می‌شوید و این امر موجب می‌شود با پیش‌فرضی ذهنی به ادامه سخنان او گوش کنید و نتوانید به خوبی با یکدیگر سخن بگویید.

۲-۲-۳. رعایت زمینه‌های لازم برای گفتار مؤثر

یک. بیان مشکلات، سختی‌ها و انتقادات را به زمانی موکول کنید که خسته یا گرسنه نیستید و شرایط شما برای بیان مطالب مناسب است، می‌توانید با هم قرار بگذارید که مثلاً: قبل از ناهار یا شام انتقاد یا شکایت نکنیم؛

- در بستر از بیان مطالب شکوه‌آلود یا انتقادآمیز پرهیز کنیم؛

- نزد فرزندان از یکدیگر انتقاد نکنیم.

دو. اگر عصبانی، نگران، خسته یا غمگین هستید، ممکن است حرف‌ها و کارهای همسر خود را به صورت منفی دریافت کنید و بر اساس این برداشت اشتباه، واکنش منفی بروز دهید.

در این شرایط باید وضعیت خود را به همسرتان ابراز کنید. در نتیجه، احتمال درک احساسات از سوی همسر افزایش می‌یابد. می‌توانید از ادامه صحبت صرف‌نظر کنید و آن را به زمان مناسب دیگری واگذارید.

سه. از روش‌های ارتباطی ستیزه‌جویانه و اجتنابی پرهیزید.

- در روش ارتباطی ستیزه‌جویانه، فرد به دنبال اثبات خود و برنده شدن به هر قیمتی است.

- در روش ارتباطی اجتنابی، فرد از اختلاف به هر قیمتی اجتناب می‌کند؛ زیرا اختلاف

معادل جنگ و دعوا فرض می‌شود؛ بنابراین در مورد نگرانی‌ها و موضوعات مهم صحبت نمی‌شود و مشکلات پنهان می‌ماند.

چهار. اوقاتی را مخصوص خلوت با یکدیگر و سخن گفتن با هم اختصاص دهید. در آغاز ازدواج، همسران زمان زیادی را با یکدیگر می‌گذرانند و از مجالست با هم لذت می‌برند؛ اما اندک‌اندک با بیشتر شدن آشنایی، نیاز کمتری به هم صحبتی با یکدیگر دارند، ضمن آنکه شغل و تحصیلات و ارتباطات اجتماعی نیز بخش عمده وقت آنها را به خود اختصاص می‌دهد. برخی همسران در زمان حضور در منزل به دیدن تلویزیون، استفاده از اینترنت، تلفن همراه و مطالعه روزنامه یا مجله می‌پردازند و زمان اندکی را به هم صحبتی و هم نشینی با هم می‌گذرانند، این امر سبب می‌شود بهره‌های عاطفی همسران کاهش یابد، مسائل زندگی مطرح نشود، برای آن چاره‌جویی نگردد و برای آینده نیز برنامه‌ریزی مشترک نشود. همه این امور در درازمدت، بین همسران شکاف ایجاد می‌کند و زندگی را با مشکلات جدی روبه‌رو می‌سازد؛ از این رو لازم است همسران اوقاتی را به هم نشینی و خلوت با یکدیگر اختصاص دهند. اهمیت این خلوت‌ها تا بدان پایه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند، نشستن مرد را در کنار همسرش، از اعتکاف در مسجد النبی صلی الله علیه و آله بیشتر دوست دارد»^۱. برای آنکه از هم نشینی و هم صحبتی با همسر به خوبی بهره‌مند شوید این امور را در نظر بگیرید:

الف. همین امروز با همسر خود صحبت کنید و زمان خاصی را تعیین کنید تا هر هفته در یک زمان خاص، با او خلوت دو نفره و دوستانه داشته باشید تا در مورد خودتان و زندگی‌تان با یکدیگر صحبت کنید. این دیدارها می‌تواند گردشی یکی دو ساعته در پارک و... باشد. در این ملاقات‌ها روابط عاطفی و احساسی خود را با خلاقیت زنده نگه دارید و از بیان شکایت و گله‌هایی که از یکدیگر دارید، بپرهیزید.

ب. سعی کنید وعده‌های غذایی را با هم بخورید. اگر گاه به دلیل شغلی نمی‌توانید ناهار را با هم باشید، هرگز از شام مشترک غفلت نکنید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «زمانی که اعضای خانواده با هم سر سفره غذا می‌نشینند و غذا خوردن را با «بسم الله» شروع می‌کنند و با حمد الهی به پایان می‌رسانند، خداوند آنان را می‌آمرزد»^۲.

ج. تلاش کنید برنامه‌های مشترک داشته باشید. برای مثال، با هم تلویزیون تماشا کنید

۱. ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ص ۳۶۲.

۲. کلینی، کافی، ج ۱۲، ص ۳۷۶.

یا با هم از فضای مجازی استفاده کنید و در مورد آنچه دیده‌اید، با یکدیگر گفت‌وگو کنید.
د. رویدادهای خاص را برای گردهم آمدن اعضای خانواده مشخص کنید، به این وسیله
سبب شکل‌گیری احساس هویت و تعلق خاطر میان اعضای خانواده می‌شوید.

۳-۲. ارضای صحیح نیاز جنسی

از جمله اهداف مهم ازدواج، ارضای نیاز جنسی است؛ بنابراین همسران باید در مقابل نیاز
جنسی یکدیگر احساس مسئولیت کنند و از همسر خویش لذت بخش‌ترین بهره‌جنسی را ببرند.
«ارضای صحیح نیازهای جنسی علاوه بر آنکه زندگی را شیرین و لذت بخش می‌سازد،
به سلامت جسم نیز کمک می‌کند و در رشد بهنجار شخصیت و آرامش روان انسان نیز
نقشی اساسی دارد.

از این سو، بی‌توجهی به نیاز جنسی همسر به روابط زن و شوهر آسیب می‌رساند و آنها را
دچار عصبانیت و دل‌سردی نسبت به یکدیگر می‌کند و به تدریج موجب بروز رفتارهای
پرخاشگرانه و در نهایت سبب افسردگی می‌شود.^۱

از دیگر آثار مهم ارضای نیازهای جنسی، حفظ ایمان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر
فرمود: «فردی که با همسرش ارتباط زناشویی برقرار می‌کند، خداوند به او اجر و ثواب
می‌دهد». این سخن مایه تعجب ابوذر شد. آن حضرت توضیح داد: «همان‌گونه که وقتی
حرامی را مرتکب شوی کیفر داده می‌شوی، وقتی حلالی را نیز به جای آوری، اجر داده
خواهی شد؛ زیرا به سبب انجام این حلال از حرام الهی در امان خواهی ماند».^۲
روابط زناشویی مناسب، سبب احساس لذت مشترک، ایجاد و تعمیق شورونشاط در
زندگی، تقویت صمیمیت بین همسران، و کاهش تنش در برخورد با فشارهای زندگی
می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

بنده مؤمن هنگامی که دست همسرش را بگیرد، خداوند برایش ده حسنه
می‌نویسد و ده سیئه را محو می‌کند. و اگر او را ببوسد، خداوند برایش صد حسنه
می‌نویسد و صد سیئه را محو می‌کند. و اگر با او رابطه زناشویی برقرار کند، خداوند
برایش هزار حسنه می‌نویسد و هزار سیئه را محو می‌نماید.^۳

۱. نک: سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۳۶.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۰۹.

۳. نووری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰.

نیاز جنسی همسران به یکدیگر منحصر در رابطه زناشویی نیست و شامل همه بهره‌های دیداری، شنیداری و رفتاری می‌گردد؛ هرچند معمولاً این بهره‌ها به هم‌بستری و ارتباط زناشویی منتهی خواهد شد. روایات اسلامی به ضرورت توجه هریک از همسران به پاسخ‌دهی مناسب به همه این نیازها اشاره دارد؛ از جمله آراستگی ظاهری در مقابل هم. امام صادق علیه السلام فرمود:

در ارتباط بین زن و شوهر، مرد نیازمند سه چیز است که یکی از آنها به دست آوردن قلب زن با آراستن ظاهر خود در مقابل دیدگان اوست، و زن نیز در روابط خود با همسرش بی‌نیاز از سه ویژگی نیست که یکی از آنها ظاهری جذاب در برابر دیدگان شوهر است.^۱

سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نیز گواه بر توجه آنان به نیاز همسر خویش است. در احوال پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «او لباس خوش‌رنگی داشت که آن را در خانه برای خانواده خویش به تن می‌کرد».^۲

درباره امام باقر علیه السلام نیز نقل شده که آن حضرت موهای سفید خود را رنگ می‌کرد و درباره علت آن می‌فرمود: «من مزدی هستم که همسرم را دوست دارم و خودم را برای همسرم آراسته می‌کنم».^۳

نیز زمانی که مهمان ایشان آن حضرت را با لباسی خوش‌رنگ و چهره‌ای آراسته دید و تعجب کرد، فرمود: «بر من لازم است همان‌گونه که همسرم خود را برای من آرایش می‌کند، من نیز برای او آراسته باشم».^۴

روایات اسلامی افزون بر توصیه به مردان برای آراستگی ظاهری در خانه، به آنان در زمینه نیاز زنان به هم‌بستری با شوهر نیز هشدار می‌دهد؛ از این رو بیان شده: «برای جوانمردان هلاکت و نابودی است که مرد در شهری که خانواده‌اش در آن سکونت دارد باشد، ولی شب را در منزل خود سپری نکند».^۵

در ارضای نیازهای جنسی، زن و شوهر باید به چند نکته توجه کنند:

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۸۲.

۴. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳۴۸.

۵. همان، ج ۳، ص ۵۵۵.

یکی. توجه به تفاوت جنسی زن و مرد؛ نکته مهم در زمینه نیاز جنسی همسران این است که غریزه جنسی مردان و زنان با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری دارد؛ مردان در برابر محرک‌های جنسی سریع‌تر تحریک می‌شوند، در مقابل نیاز جنسی خود مقاومت کمتری دارند و هنگام ارضا نشدن جنسی آسیب‌پذیرترند. به دلیل این تفاوت‌ها، تمکین جنسی برای زن واجب است و هرگاه شوهر از همسر خود طلب رابطه جنسی کند، بر زن واجب است که نیاز شوهر خود را برآورده سازد، مگر آنکه عذر شرعی یا عقلی داشته باشد. امام صادق علیه السلام فرمود:

زنی برای حاجتی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: شاید تو از «مُسَوِّفَات» هستی؟ زن گفت: ای پیامبر خدا، «مُسَوِّفَات» چیست؟ آن حضرت فرمود: زنی که همسرش او را برای نیاز جنسی دعوت می‌کند، ولی او دائماً آن را عقب می‌اندازد، تا اینکه همسرش را خرت فرا می‌گیرد و می‌خواهد. پس فرشتگان مدام او را لعنت می‌کنند تا شوهرش از خواب بیدار شود.

تمکین زن سبب رضایت‌مندی شوهر می‌شود و زن را محبوب وی قرار می‌دهد؛ از این رو، زنان باید به تقاضای جنسی همسر خود حساس باشند و نیاز او را در این زمینه با نگاه‌های جذاب، کلام پُر احساس و رفتار مطلوب خویش برآورده سازند و با کوتاهی در این امر، زمینه حضور زن دیگری را در ذهن شوهر خود فراهم نکنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین زنان شما کسی است که در خلوت با شوهر، لباس حیا از تن برمی‌کند».^۱

البته مردان و زنان هر دو باید پیام‌های جنسی همسر خود را، حتی اگر مستقیم نباشد، دریابند و با پاسخ مطلوب به این پیام‌ها، زندگی زناشویی خود را جذاب و دل‌نشین سازند. تفاوت دیگر همسران آن است که مردان در روابط جنسی با همسر خود معمولاً به سرعت به اوج لذت جنسی می‌رسند؛ حال آنکه رسیدن به این مرحله در زنان نیازمند زمان بیشتری است. از این رو، بسیاری از زنان از رابطه زناشویی لذت کامل نمی‌برند. اطلاعات اندک مردان و زنان و نیز حیای زنانه گاه سبب می‌شود این نارضایتی زنان تا سال‌ها ادامه یابد و به مرور زمان به سردمزاجی آنها بینجامد. معمولاً مردان نیز اگر شاهد هیجانات جنسی همسر خود نباشند، از این رابطه احساس رضایت کافی نخواهند داشت. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «هنگامی که یکی

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۲.

۲. «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَّتْ لَهُ دِرْعُ الْحَيَاءِ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷)

از شما خواست با همسرش آمیزش جنسی کند، نباید شتاب کند؛ زیرا زنان نیازهایی دارند»^۱. بنابراین، هریک از زوجین باید اطلاعات لازم در زمینه چگونگی رضایت جنسی از یکدیگر را کسب کنند و به آن عمل نمایند.

دو. خویشن‌داری جنسی از غیرهمسر: از آنجاکه غریزه جنسی عامل بسیار مهم در پیوند عاطفی همسران و استحکام خانواده است، اسلام دستور داده تا زنان و مردان ارضای این نیاز را در همه مراتب آن به همسر خود معطوف نمایند. در همین راستا، اسلام نگاه و کلام هوس‌آلود با غیرهمسر و نیز عشوه زنانه در کلام و رفتار برای غیرشوهر را حرام شمرده و حتی توصیه کرده است که افراد مراقب ذهن خویش باشند تا در نیاز جنسی خویش به غیرهمسر خود نیندیشند. حضرت علی علیه السلام فرمود:

هرگاه از زنی خوشتان آمد، نزد همسر خود بروید [و با او رابطه زناشویی برقرار کنید]؛ زیرا همسر شما هم مانند اوست. برای شیطان در قلب خود راهی قرار ندهید تا اینکه آن زن از خاطر شما برود.^۲

زن و مرد عفیف در مقابل همه وسوسه‌های جنسی خارج از چارچوب زناشویی، خویشن‌داری می‌کنند. بدین‌گونه، آنان نسبت به همسر خود احساس نیاز بیشتری خواهند داشت و این امر پیوند خانواده را مستحکم‌تر خواهد ساخت.

سه. نکاتی درباره روابط جنسی زن و شوهر:

الف. پس از هر بار رابطه جنسی کامل، واجب است زن و شوهر «غسل جنابت» نمایند.^۳
ب. رابطه زناشویی، در دوران خون‌ریزی ماهیانه زنان، در حال روزه و در احرام حج حرام است و علاوه بر گناه، سبب وجوب «کفاره» نیز می‌شود. رابطه زناشویی در ایام خون‌ریزی ماهیانه زنان، برای آنها عوارض منفی جسمانی و روانی در پی خواهد داشت. از جمله آنکه در اندام‌های زناشویی خانم‌ها و آقایان همیشه تعدادی میکروب وجود دارد و در ایام خون‌ریزی ماهیانه بانوان، دهانه رحم باز است؛ بنابراین احتمال دارد با انجام رابطه زناشویی، این میکروب‌ها به رحم، لوله‌های رحمی و تخمدان‌ها منتقل شوند و باعث عفونت و چسبندگی آنها گردند.

۱. «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمَا أَنْ يَأْتِيَ زَوْجَتَهُ فَلَا يُعَجِّلْهَا فَإِنَّ لِلنِّسَاءِ حَوَائِجَ». (همان، ص ۲۸۷)

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۳۷.

۳. در صورتی که به آب دسترسی نباشد، تیمم بدل از غسل واجب است.

ج. مصرف داروهای محرک جنسی بدون مشورت با پزشک معمولاً تا زمان کوتاهی سبب افزایش میل و فعالیت جنسی می‌شود، ولی در درازمدت توانایی جنسی را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند.

د. برخی از افراد به دلایل گوناگون دچار ناتوانی‌های جنسی یا سردمزاجی هستند و قادر به ارضای مطلوب نیازهای جنسی همسر خود نیستند. این وضعیت در درازمدت آسیب‌زا است. هریک از زوجین باید با شناخت، شجاعت و صداقت به این مشکل توجه کنند و از طریق مشورت با افراد متخصص مانند روان‌پزشک، روان‌شناس، متخصص غدد، متخصص زنان، متخصص کلیه و مجاری ادرار و مشاور خانواده، به درمان آن بپردازند. امروزه به دلیل پیشرفت علوم، بیشتر این اختلال‌ها که علت جسمی یا روانی دارند، درمان‌پذیر است.

ه. امروزه به دلیل گستردگی اطلاعات جنسی، تخیل و توقعات جنسی افراد زیاد شده است. به همین دلیل زن و شوهر از رابطه سالم و طبیعی به میزان کافی لذت نمی‌برند؛ از این رو باید بکوشند تا از دیدن فیلم‌ها، خواندن کتاب‌ها و مرور پایگاه‌های اینترنتی و استفاده از فضای مجازی که آنان را در معرض تحریکات جنسی قرار می‌دهد، بپرهیزند. با این کار، هم از حرام الهی دوری می‌جویند و هم روابط زناشویی آنها لذت‌بخش خواهد بود. آنها باید توجه کنند که بسیاری از رفتارهای جنسی مهیج که در فیلم‌ها نشان داده می‌شود، مختص افرادی است که به دلیل فساد اخلاقی، تجربه انواع رفتارهای جنسی را با افراد مختلف دارند و همسر عقیف و نجیب آنها با این رفتارها بیگانه است.

و. زن و شوهر هنگام شادی با یکدیگر عهد ببندند که در هیچ شرایطی نباید بسترشان از هم جدا شود، مگر آنکه یکی از آنها در سفر باشد و عهد ببندند که هرکسی از این قرار تخلف کرد، باید جریمه‌ای سنگین بپردازد. بستر مهم‌ترین عاملی است که آتش کدورت‌ها را هر قدر هم زیاد باشد، خاموش خواهد کرد.

ز. همسران برای حفظ وقار خود و خانواده خود و همچنین به منظور رعایت حال مجردها، در رفتار خود با همسرشان بین خلوت و جمع، تفاوت قائل شوند.

۳-۲. مدیریت اقتصادی خانواده

نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و آنچه سلامت و امنیت جسمانی و روانی فرد را تأمین می‌کند، از نیازهای اساسی انسان است؛ از این رو پس از تشکیل خانواده، اعضای آن نیازمند

برنامه‌ریزی صحیح برای تأمین این نیازها هستند. نظام حقوقی اسلام و قوانین کشور، مسئولیت تأمین مخارج زندگی را بر دوش شوهر نهاده است؛ بنابراین مردان باید جهت کسب درآمد و نیز مدیریت صحیح اقتصاد خانواده بکوشند. این قدرت تأمین‌کنندگی در مردان عزت و شکوه نیز ایجاد خواهد کرد.

زنان نیز در خانواده‌هایی که مجبور به اشتغال نیستند و شوهرانشان درآمد خانواده را تأمین می‌کنند روحیات شادتری دارند؛ از این رو، زنان نیز باید تلاش اقتصادی همسر خود را پاس بدارند و با شغل او سازگاری داشته باشند؛ زیرا به دست آوردن شغل مناسب و حفظ آن دشوار است. حمایت زن از شوهر در امر اشتغال در تقویت توانایی‌های او تأثیر بسزایی خواهد داشت؛ در غیر این صورت، انگیزه مرد کاهش می‌یابد و چه بسا به دلیل علاقه به همسر خود، به مشاغل ناهمخوان با تخصص خود یا شغل‌های نامشروع روی می‌آورد که در هر صورت اقتصاد خانواده آسیب می‌بیند.

افزون بر این، زنان با مدیریت مصرف در خانواده و نیز آموزش شیوه صحیح مصرف به فرزندان، سهم مهمی در ایجاد آسایش خانواده دارند. متأسفانه امروزه مصرف خانواده‌های ایرانی در برخی موارد بی‌رویه است. هم‌اکنون در ایران سرانه مصرف سالانه نوشابه چهار برابر، نمک دو برابر، شکر شش برابر و بنزین چهار برابر متوسط جهانی است و در مصرف لوازم آرایش نیز دومین کشور غرب آسیا و هفتمین کشور دنیا است.^۱

۲-۴-۱. کسب درآمد

الف. اشتغال مردان

از آنجاکه تأمین درآمد خانواده بر عهده مردان است، پسران جوان باید از آغاز جوانی با مهارت‌های لازم برای کسب درآمد آشنا شوند؛ از جمله:

یک. از آغاز زندگی مشترک به دنبال مشاغل سطح بالا نباشید. هر شغل حلالی که کمکی برای تأمین معاش شما و خانواده‌تان باشد - هرچند با دستمزد پایین - می‌تواند مقدمه خوبی برای شغل‌های بهتر در آینده باشد. شغل‌های پاره‌وقت و نیمه‌وقت و اشتغال در کنار پدر یا یکی از بستگان یا دوستان می‌تواند آغاز خوبی باشد تا دیگران با دیدن همت و توانمندی شما، فرصت‌های شغلی بهتری را به شما پیشنهاد دهند.

۱. نک: سیاح، اقتصاد مقاومتی در عرصه خانواده، ص ۱۱۳.

دو. باید شغل شما شرافتمندانه و مال حاصل از آن حلال باشد؛ بنابراین باید از این امور دوری کنید؛ رشوه گرفتن یا رشوه دادن، غل و غش در معامله، معاملات حرام همچون قمار، ربا و غصب؛ زیرا مال حرام، برکت را در زندگی از بین خواهد برد و تأثیر نامطلوبی بر فرزندان خواهد گذاشت. امام صادق علیه السلام فرمود: «اثر درآمد حرام، در نسل آشکار می‌شود».^۱

سه. با شناخت خود و استعدادها و توانمندی‌های خویش بکوشید تا حد امکان شغل مناسب با توانایی‌های خویش انتخاب کنید. امروزه روش‌های مختلفی برای آگاهی از استعدادهای شغلی وجود دارد.

چهار. توجه به خلا‌ها و نیازهای روز جامعه، برای انتخاب شغل مناسب حائز اهمیت است. بسیاری از کسب‌وکارها از ایده‌هایی شروع شده‌اند که نیاز روزمره مردم است. پس از افزایش دانش و مهارت در مورد آن شغل، به دلیل استقبال مردم، فرد به درآمد مناسب خواهد رسید.

پنج. برای استفاده از فرصت‌های شغلی جدید از امکانات فضای مجازی هم باید استفاده کرد. امروزه بسیاری از مشاغل به صورت دورکاری و به صورت خویش‌فرما از طریق سایت‌های مرتبط انجام می‌پذیرد؛ فرد مهارت خود را عرضه می‌نماید و پروژه‌های کاری را دریافت می‌کند.

شش. می‌توانید تا زمان به دست آوردن فرصت شغلی موردنظر، به مشاغل خانگی بپردازید؛ هرچند اشتغال خود را باید به گونه‌ای مدیریت کنید که موجب سلب آرامش اعضای خانواده نشود. کسب‌وکار خانگی^۲ به شغلی گفته می‌شود که با همکاری اعضای خانواده در فضای مسکونی و در قالب طرح کسب‌وکار مجاز بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی شکل می‌گیرد. نیازی به اجاره یا خرید و استخدام محل کسب و منشی ندارید و ارزش افزوده کالاها و خدمات تولید شده نصیب خودتان می‌شود. هزینه رفت‌وآمد و مشکلات ناشی از ترافیک را ندارید. از نیروی کار سایر اعضای خانواده (در صورت تمایل آنها) هم می‌توانید استفاده کنید. مشاغل خانگی باعث توسعه فرهنگ کار در بین فرزندان هم می‌شود. در مشاغل خانگی از فضای مجازی برای بازاریابی و دسترسی راحت به خریداران می‌توانید استفاده کنید. دولت نیز تسهیلاتی را به حمایت از

۱. «کُتُبُ الْحَرَامِ بَيِّنٌ فِي الدَّرَجَةِ». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۷)

2. home business.

متقاضیان مشاغل خانگی اختصاص داده است؛ برای مثال در برخی شهرها، شهرداری‌ها بازارچه‌های موقت، مانند جمعه‌بازارها را در پارک‌ها به فروشندگان محصولات خانگی اختصاص می‌دهند. این مشاغل می‌تواند شامل این موارد باشد: خیاطی، تولید گیاهان آپارتمانی، پخت شیرینی، خشک نمودن سبزی، پخت غذای خانگی، تولید مرباجات یا ترشی‌جات، تولید صنایع دستی، بافت فرش و گلیم یا....

هفت. رشته تخصصی فعالیت اقتصادی خود را مشخص کنید و در همان محدوده به کسب تجربه و تلاش بیشتر بپردازید. بی‌ثباتی شغلی معمولاً مانع پیشرفت اقتصادی می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ارزش کارها به این است که به پایان برسد و نیمه‌کاره رها نشود»^۱. هشت. سعی کنید نگرانی‌ها و افکار منفی مربوط به محیط کار را به خانه منتقل نکنید. خانه محل آرامش اعضای خانواده است. اگر روز کاری پرتنش را پشت سر گذاشته‌اید، پیش از ورود به منزل، کمی پیاده‌روی کنید و در ضمن آن، نفس‌های عمیق بکشید. یک نوشیدنی ساده خنک بنوشید و پس از آرامش با لبخند وارد خانه شوید.

نه. اشتغال بیش از حد شما نباید به مسئولیت‌های همسری و پدری شما و نیز به ارتباطات صمیمانه زناشویی آسیب برساند. همچنین در محیط کار مراقب روابط با نامحرم باشید تا موجب بروز غیرت‌ورزی همسران نشود.

ده. زنان توجه داشته باشند که مردان نیاز دارند همسرشان در امور مربوط به اقتصاد خانواده با آنان همراهی کند؛ به‌ویژه امروزه که ازدواج‌های همسالان بیشتر اتفاق می‌افتد. زنان هنگام شروع فعالیت یا شغل جدید همسر، مشوق او باشند.

ب. اشتغال زنان

۱. مهارت‌های رفتاری همسر در اشتغال زن:

مردان نباید همسر خود را مجبور به کار کنند؛ زیرا تأمین مخارج زندگی وظیفه زن نیست؛ اما اگر او داوطلبانه مشغول به کاری می‌شود:

یک. از اینکه در تأمین مخارج زندگی کمک می‌کند، از او تشکر کنید.

دو. به او کمک کنید تا در محیط مناسبی اشتغال یابد؛ محیطی که روابط مردان و زنان، مناسب شأن انسانی آنها و در چهارچوب حدود الهی باشد و شرایط کار در آنها فرسودگی ایجاد نکند.

۱. «الْأُمُورُ بِتَمَامِهَا وَالْأَعْمَالُ بِخَوَائِبِهَا». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۵)

سه. اشتغال بیرون از خانه، همسر شما را خسته می‌کند، همان‌گونه که شما هم خسته می‌شوید؛ بنابراین در امور منزل به او کمک کنید.

چهار. از آنجاکه همسر شما برای تأمین نیازمندی‌های زندگی به شما کمک می‌کند، شما نیز زمانی که خانه یا ماشین یا زمینی می‌خرید، سعی کنید بخشی از آن را به نام همسر خود کنید و او را مالک چیزی بسازید تا اگر روزی دست تقدیر، عمر شما را کوتاه‌تر از او ساخت، او محتاج دیگران نشود و تا آخر عمر با غرور به همسر دل‌سوز خود افتخار کند.

۲. مهارت‌های رفتاری زنان شاغل:

زنان شاغل به این امور توجه داشته باشند:

یک. برخی از زنان با نگرانی از درآمد کم شوهر، به اشتغال بیش‌ازحد روی می‌آورند؛ در نتیجه هم خود را فرسوده می‌کنند و هم شوهر و فرزندان را از نعمت همسر و مادری بانشاط محروم می‌نمایند. کار و تأمین معاش زندگی، وظیفه مردان است و آنها از آغاز زندگی، آمادگی پذیرش مسئولیت‌های خانه را دارند. زن‌ها باید نقش بی‌بدیل خود را در ایجاد آرامش، نشاط، شادی و گسترش محبت در خانه حفظ کنند و بیش از توان خود مسئولیت نپذیرند.

دو. ارزش معنوی خانه‌داری و ایفای نقش همسری و مادری را به یاد داشته باشید. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

هر زنی که در خانه همسر خود کاری کند و جابه‌جایی انجام دهد و هدف او اصلاح امور خانواده باشد، خداوند نظر [رحمت] بر او می‌افکند و هرکه خدا به او نظر [رحمت] افکند، هرگز عذاب نخواهد شد.^۱

و نیز آن حضرت فرمود: «بهشت زیر پای مادران است».^۲

سه. برای زمان اشتغال خود برنامه‌ریزی نمایید. سعی کنید زمان ورود همسر به خانه در منزل باشید. استقبال گرم از شوهر در لحظه ورود او به خانه، در استواری روابط صمیمی همسران بسیار مؤثر است. وقتی فرزند کوچک است، سعی کنید تا حد امکان به اشتغال بیرون از خانه نپردازید. سال‌های ابتدایی عمر کودک بسیار حساس است و در این ایام

۱. «أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئاً إِلَى مَوْضِعٍ ثُرِيْدٍ بِهِ صَلَاحاً نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ» (شیخ طوسی، الامالی، ص ۶۱۸، ح ۲۵۱)

۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰، ح ۳۶۲.

هیچ چیز جای آغوش گرم و تربیت مادرانه را نخواهد گرفت. بهترین فرصت‌های شغلی و بیشترین درآمدها با داشتن فرزندی صالح و سالم مقایسه‌پذیر نیست. چهار. برای جمع میان مسئولیت‌های خانوادگی و اشتغال، از شغل‌های پاره‌وقت، نیمه‌وقت، دورکاری یا شغل‌های خانگی استقبال کنید.

پنج. از مهارت‌های جمع بین مسئولیت‌های خانوادگی و اشتغال استفاده کنید؛ از جمله: الف. اولویت فعالیت‌های خود را مشخص کنید؛ این طور که فهرستی از فعالیت‌ها اعم از ضروری و غیرضروری و کوچک و بزرگ ثبت کنید، سپس در کنار هریک، یکی از این دو گزینه را بنویسید: «حتماً باید انجام شود» و «انجام آن ضروری نیست». فهرست را دوباره مطالعه کنید و کنار هرکدام یکی از این دو گزینه را بنویسید: «فوراً باید انجام شود» یا «زمان کافی برای انجام آن وجود دارد». سپس فهرست را بازنویسی کنید: ابتدا فعالیت‌هایی که کنار آن گزینه‌های «حتماً» و «فوراً» ثبت شده و سپس مواردی که گزینه «حتماً» و «زمان کافی» در کنار آن ثبت شده است.

برنامه فعالیت خود را بنا بر فهرست دوم تنظیم کنید؛ یعنی نخست کارهایی را انجام دهید که زمان آنها کم و انجامشان حتمی و ضروری است، سپس کارهایی که حتماً باید انجام شوند، اما زمان بیشتری دارند، و پس از آن کارهایی که زمان کمی دارند، اما انجام آنها حتمی نیست، و در مرحله چهارم کارهایی که زمان بیشتری دارند و انجام آنها حتمی نیست. ب. افرادی که مسئولیت‌های چندگانه دارند، به شدت نیازمند مدیریت زمان هستند. همه عوامل اتلاف زمان در خانه و محل کار را فهرست کنید و از کارهایی که موجب اتلاف زمان می‌شوند بپرهیزید. مانند:

عوامل اتلاف زمان در خانه: استفاده غیرضروری از فضای مجازی، تلفن‌های غیرضروری و طولانی مدت به دوستان و بستگان، صرف وقت بیش از حد برای خرید لباس یا سایر لوازم، حساسیت بیش از حد برای تمیزی منزل یا....

عوامل اتلاف زمان در محیط کار: صحبت‌های غیرکاری با همکاران، جلسه‌های غیرضروری، تلف شدن وقت در زمان اختلال در رایانه، استفاده غیرضروری از رایانه و.... ج. سطح انتظار خویش را از اشتغال تعدیل کنید. فردی که مسئولیتی چندگانه دارد نمی‌تواند همچون آن که فقط یک مسئولیت دارد، کامل و بدون عیب و نقص عمل کند. انتظار بیش از حد از موفقیت‌های شغلی به زندگی خانوادگی شما آسیب می‌زند و رضایت از

فعالیت‌ها را نیز کاهش می‌دهد. آهسته ولی پیوسته تلاش کنید تا در نهایت به مقصد برسید. کمیت اشتغال خود را کاهش دهید و در عوض، کار خویش را با کیفیت خوب انجام دهید. د. برای تقویت توانایی جسمی و روانی خود بکوشید. برای انجام مسئولیت‌های چندگانه باید از نظر جسمی و روانی وضعیت خوبی داشته باشید. تغذیه مفید، میزان خواب مناسب و مقداری ورزش در روز ظرفیت شما را افزایش می‌دهد.

ه. با استفاده از نیروی خلاقیت و استفاده از تجربه دیگران و جست‌وجو در کتاب‌ها، سایت‌ها و نشریه‌های مربوط به مسئولیت‌هایتان، روش‌های جدید برای انجام بهتر مسئولیت‌های خانوادگی و شغلی خود را پیدا کنید.

و. از تنوع بیشتر در پذیرش مسئولیت‌ها اجتناب کنید. تنوع گسترده موجب ابهام و استرس می‌شود.

شش. وظایف شغلی خود را در ساعات حضور در کنار همسر و فرزندان انجام ندهید و از این لحظات برای ایجاد روابطی گرم و صمیمانه حداکثر استفاده را بکنید و کیفیت حضورتان را در خانه افزایش دهید.

هفت. در مواقعی که کار منزل زیاد است، صمیمانه از همسران کمک بخواهید. البته توقع نداشته باشید که او مانند زن خانه‌داری کند؛ زیرا این کار با روحیات زنانه سازگارتر است. بگذارید در هر کاری که مایل است، به شما کمک کند و سپس از او برای کمک‌هایش تشکر کنید.

هشت. در زندگی با همسر سخنی از پول من و پول تو به میان نیاورید. زنان با اشتغال خود، روابط خود و همسرشان را صمیمی‌تر می‌کنند؛ از این رو با ایجاد مرز میان خود و همسران به این صمیمیت آسیب نرسانید.

۲-۲-۲. مدیریت مصرف

ثروت خانواده از دو راه تأمین می‌شود: «زیاد کردن درآمد» و «کم کردن مخارج»؛ بنابراین به همان میزان که برای ازدیاد درآمد مشروع تلاش می‌کنید، برای مصرف بهینه نیز باید برنامه‌ریزی نمایید. به بیان دیگر، برای ثروتمند شدن، به جای آنکه بکوشید بیشترین امکانات را در زندگی خود فراهم کنید، بکوشید از امکانات موجود بیشترین بهره را ببرید. بنابراین همسران جوان برای مدیریت بهینه مصرف به این نکات توجه کنند:

یک. موارد مصرف خانواده را مشخص کنید. مخارج خانواده معمولاً عبارت است از: غذا، پوشاک، خرید یا اجاره مسکن و تعمیرات، هزینه منابع انرژی مانند آب، برق و گاز، مخارج مربوط به رفت و آمد، تلفن، بهداشت و درمان، خرید و تعمیر لوازم منزل، خرید لوازم مربوط به شغل، هزینه تحصیل، اقساط وام، هزینه آرایش و عطر، تفریح و مسافرت، میهمانی و حقوق واجب الهی: خمس و زکات فطره.

این موارد را متناسب با درآمد و هزینه‌های خانواده و با توجه به اولویت‌ها بودجه‌بندی کنید. از این رو:

الف. تمام درآمدها و هزینه‌ها را با جزئیات مشخص سازید و از کلی‌گویی پرهیز کنید.
ب. درآمدها و هزینه‌ها را به صورت روزانه، هفتگی، ماهیانه یا سالانه یادداشت کنید تا میزان درآمد و هزینه مشخص شود؛ با این کار امکان تحلیل و بررسی خردمندانه آنها و امکان پیش‌بینی درست و برنامه‌ریزی بهتر هزینه‌های خانواده در آینده فراهم می‌شود.
ج. هر پولی را در زمینه مخصوص به آن هزینه کنید؛ مثلاً اجاره خانه را صرف امر دیگری نکنید.

د. هزینه هرچیز را به همان میزان که مشخص کرده‌اید مصرف کنید؛ مثلاً اگر برای مسافرت مبلغ خاصی پیش‌بینی شده بیشتر از آن هزینه نکنید.

دو. راه‌های ساده‌ای را برای کاستن از مخارج پیدا کنید. مانند:

الف. «در جدولی دقیق، میزان درآمد و همه جزئیات مخارج خود را بنویسید در پایان ماه ببینید کدام مخارج به‌راستی ضروری نبوده است. بسیاری از مخارج که ضروری به نظر می‌رسند، درواقع لازم نیستند. موارد غیرلازم را از بودجه حذف کنید.

ب. تعمیر و سرویس برخی از وسایل منزل مانند کولر را بیاورید تا در هزینه تعمیر وسایل صرفه جویی کنید.

ج. از وسایل خانه به‌طور صحیح استفاده کنید تا خراب نشود و به‌موقع تعمیرشان کنید.^۱
د. سکونت موقت در منزل والدین، در آغاز زندگی مشترک بخشی از بار مالی را از دوش زوجین برمی‌دارد. در صورت همکاری والدین از این امکانات استفاده نمایید و روابط بین خویش، همسر و خانواده خود را نیز مدیریت کنید. در زمینه تهیه مسکن باید یادآوری کرد که بیشتر پسران جوان در آغاز زندگی مشترک منزلی را اجاره می‌کنند. این امر سبب استقلال

۱. نک: نوری، پشت میز رضایت بنشینید، ص ۲۴.

زوج جوان شده و به مدیریت شایسته روابط با خانواده دختر و پسر کمک می‌کند؛ هرچند سبب فشار اقتصادی بر شوهر شده و بخشی از درآمد او به این امر اختصاص می‌یابد، بدون آنکه در نهایت صاحب مسکن مستقلى شوند. علاوه بر آن، تغییر دائمی منزل پس از پایان یافتن مدت اجاره، سبب اذیت آنها نیز خواهد شد. به هرروی لازم است پسران از آغاز زندگی مشترک به فکر خرید مسکن مستقل، اگرچه بسیار کوچک و در مناطق ارزان قیمت باشند. در این رابطه می‌توان از حمایت‌های دولتی (وام مسکن، پیش‌فروش تعاونی‌ها و...) یا حمایت خانواده (کمک مالی پدرشوهر یا پدرزن به صورت بلاعوض یا قرض) استفاده کرد. با تهیه خانه‌ای کوچک و ارزان، صاحب‌خانه شده و به مرور زمان با پس‌انداز می‌توانید خانه‌تان را وسعت دهید.

هـ. بخشی از درآمد را به استفاده بهینه از اوقات فراغت اختصاص دهید؛ مانند میهمانی ساده و کم‌خرج یا مسافرت و تفریح با هزینه اندک. توجه داشته باشید: کار بدون تفریح، انسان را خسته می‌کند و تفریح بدون کار، آدم را تنبل می‌سازد. می‌توانید از فضاهای رایگان استفاده کنید. پارک‌های داخل شهر، سبزه‌زارها یا چند درخت سبز کنار جوی آب در خارج شهر می‌تواند محل مناسبی برای پهن کردن زیرانداز و گپی صمیمانه و تناول خوراکی دل‌چسب با همسر باشد. می‌توانید غذا را در منزل تهیه کنید تا سالم، قابل اطمینان و کم‌هزینه باشد. می‌توانید با استفاده از وسایل نقلیه عمومی، سفر کم‌هزینه‌ای داشته باشید. می‌توانید راه‌های دیگری را نیز برای کاستن مخارج بیابید و از این راه بین درآمد و هزینه‌ها فاصله کمتری ایجاد کنید.

سه. تا آنجا که ممکن است، بخشی از درآمد خود را، هرچند کم، پس‌انداز کنید. اندک اندک این پس‌اندازها می‌تواند سرمایه کار بهتر یا کمکی برای فراهم کردن امکانات اصلی زندگی شود. چه بسا پس از چندین سال پس‌انداز و استفاده از وام‌های گوناگون بتوانید صاحب‌خانه شوید یا مغازه‌ای بخرید یا در کارهای تولیدی سرمایه‌گذاری کنید. چهار. مردان همسر خویش را از میزان درآمد خود مطلع، و درباره مصرف آن با یکدیگر همفکری کنند و برای مصارف هر ماه با هم برنامه‌ریزی داشته باشند. بدین‌سان، زن با شوهر همدلی می‌کند و توقعات خود و مصرف خانواده را با درآمد او تنظیم خواهد کرد. پنج. برای مصرف خانواده، کالای ایرانی که کیفیتی پذیرفتنی دارد خریداری کنید و بدین وسیله از اشتغال جوانانی همانند خودتان حمایت کنید.

در طول تاریخ و در جوامع مختلف، همواره زنان با مردان تفاوت‌هایی داشته‌اند؛ هرچند تربیت و آموزش‌های رسمی و غیررسمی در تنوع و شدت این تفاوت‌ها اثرگذار بوده است. ابعاد این تفاوت‌ها عبارت است از: «جسمی و فیزیولوژیکی»، «عاطفی و روانی»، «رفتار و عملکرد» و نیز «خواسته‌ها و انتظارات». اسلام نیز بر وجود این تفاوت‌ها و تنظیم رفتارها بر اساس آن صحه نهاده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مردم تا زمانی که متفاوت باشند، در جهت خیر و خوبی سیر می‌کنند. پس هنگامی که مساوی گردند، نابود می‌شوند»^۱.

الف. تفاوت‌های جسمانی و روانی

یکی از مهارت‌هایی که زوج‌های جوان باید بیاموزند، شناخت تفاوت‌های جسمانی و روانی زنان با مردان و تنظیم رفتارها و انتظارات خود بر اساس آن است. از این رو باید دانست: یک. «زن‌ها ظریف‌تر از مردان هستند و مردان عضلات قوی‌تر و قدرت بدنی بیشتری دارند. در ضمن خون مردان دارای اکسیژن بیشتری است و قلب آنها نیز به‌هنگام فعالیت بدنی، مجال بیشتری برای فعالیت دارد»^۲. «میزان عضله‌ها در جنس مرد حدود ۴۵ درصد از وزن او و در زن حدود ۳۶ درصد وزن او را شامل می‌شود. استخوان‌های مردان نیز ضخیم‌تر از زنان است؛ به‌طور نمونه کتف‌های مردان عریض‌تر از زنان و قفسه سینه آنان نیز طویل‌تر و پای آنها هم اندکی بلندتر از زنان است. تارهای صوتی مردان ضخیم‌تر از زنان است که به‌همراه عبور هوای بیشتر و ریه‌های پرحجم‌تر مردان موجب بروز صدای محکم و مقتدر و درشت همراه با طنین بَم در مردان می‌شود؛ حال آنکه زنان دارای صدایی ظریف و نازک‌تر می‌باشند. از نظر روانی نیز مردان نسبت به زنان معمولاً سختی و محکمی و جرئت و جسارت بیشتری دارند. لازمه این تفاوت‌های جسمانی و روانی مردان با زنان، جرئت و جسارت و اقتدار مردان در ارتباط با همسر و فرزندان است. براین اساس، پسرانی که با دختران دوست می‌شوند، ولی از ازدواج با او سر باز می‌زنند، فاقد جرئت و جسارت مردانه می‌باشند یا مردانی که در زندگی

۱. «النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاقَرُوا فَإِذَا اشْتَرَوْا هَلَكُوا». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۲)

۲. لطف‌آبادی و دیگران، روان‌شناسی رشد (۲)، ص ۶۴.

مشترک همچون کودکان داد و فریاد کرده و تندی می‌کنند، فاقد اقتدار مردانه هستند. مرد مقتدر در مواجهه با زحمت‌ها و مشقت‌های زندگی، محکم و بدون ترس، توانمند و استوار در صدد اعتماد بخشی به اعضای خانواده خویش است. او در تلاطم‌های شدید زندگی، کشتی خانواده را با تدبیر و آرامش به ساحل سلامت می‌رساند و فضای امن و آرامش بخش را برای همسر و فرزندان فراهم می‌کند.^۱

تفاوت جنسیتی که در این بخش به آن اشاره شد از آغاز کودکی قابل مشاهده است: پسران از کودکی به دنبال بازی‌های هیجان‌انگیز و تهاجمی هستند. آنها به سادگی به یکدیگر هجوم می‌آورند و سپس می‌خندند و به روابط دوستانه با هم ادامه می‌دهند. آنها این نوع تعامل را بخشی از روابط دوستانه خود تلقی می‌کنند؛ در حالی که «دختران در به‌کارگیری عواطف، همدردی و صمیمیت بر پسران برتری دارند».^۲

با توجه به این تفاوت جنسیتی روانی که زنان لطیف‌تر از مردان و مردان خشن‌تر از زنان هستند، زنان باید رفتار جدی مرد را خشونت بی‌رحمانه نشمارند و از شوهر خود انتظار ابراز محبت زنانه نداشته باشند و در رفتارهای گوناگون شوهر خود نیز به ابراز محبت‌های او توجه کنند. مردان هنگام خرید برای خانه، تعمیر لوازم منزل و هر خدمتی که به خانواده می‌کنند، پیام‌های محبت‌آمیزی دارند. به مردان نیز توصیه می‌شود به همسر خود سخت‌گیری نکنند. همچنین از تأثیر کلماتی غفلت نورزند که بار عاطفی دارد، در گفتار و رفتار تکیه‌گاهی مناسب برای همسر خود باشند و در مشکلات به او توجه کنند و او را تسلی دهند. امور خانواده را به درستی مدیریت کنند و بدانند زنان به مردان مقتدر، مسئولیت‌پذیر و متعهد نیاز دارند. از تندخویی بپرهیزند و از همسر خود حمایت و حفاظت کنند؛ زیرا زنان به دلیل ظرافت جسمانی و عواطف لطیف، آسیب‌پذیرترند. به تعبیری می‌توان گفت: زن مظهر رحمت خداست و مرد مظهر قدرت خدا؛ زن جلوه جمال الهی است و مرد جلوه جلال الهی. حفظ این دو جلوه در خانواده، آن را متکامل می‌سازد. فرزندان نیز برای رشد و تعالی نیاز به خوف ورجا، هر دو، دارند؛ اگر مادر در خانه محبوب باشد، فرزند خطای مخفیانه نمی‌کند و اگر پدر محترم باشد، خطای آشکار از فرزند سر نمی‌زند.

۱. نک: حبشی، کتاب زندگی، اهمیت و شناخت، ج ۱، ص ۲۵۷-۱۶۱.

۲. لطف‌آبادی و دیگران، روان‌شناسی رشد (۱)، ص ۳۴۲.

♦ مقام معظم رهبری:

زن، یک موجودی است رقیق، مظهر زیبایی، لطافت و رقت، و مرد به این چشم به او می‌نگرد؛ محبت او را در این قالب ترسیم و مجسم می‌کند. مرد در چشم زن، مظهر اعتماد و نقطه تکیه‌گاه است و محبت خودش را به او در این قالب ترسیم می‌کند. این دو تا، دو نقش جداگانه است از یکدیگر، و هر دو نقش لازم است. زن وقتی به مرد نگاه می‌کند، با همان چشم محبت و عشق، او را در نقش یک تکیه‌گاه می‌بیند که می‌تواند از نیروهای جسمی و فکری او برای پیشبرد کار زندگی استفاده کند؛ مثل یک موتور. مرد وقتی به آن نگاه می‌کند، به چشم مظهر انس و آرامش می‌نگرد که می‌تواند به انسان آرامش بدهد. اگر مرد نقطه اتکا در زمینه مسائل ظاهر زندگی است، زن هم به نوبه خود نقطه انکاس برای مسائل روحی و معنوی زندگی؛ دریایی است از انس و محبت [که] می‌تواند مرد را در این فضای سرشار از محبت، از همه غصه‌ها و غم‌های خودش خارج کند. اینها توانایی‌های مرد و زن است؛ توانایی‌های روحی آنهاست.^۱

دو. غالباً مردان هدف‌مدار و زنان رابطه‌مدارند. بر همین اساس مردان بیشتر به موفقیت‌های اجتماعی و زنان بیشتر به هدف‌هایی با موفقیت احساسی (مانند عشق) علاقه دارند. بنابراین مردان باید به همسر خود اظهار علاقه کنند و به احساسات او اهمیت دهند. وقتی همسرشان با احساس سخن می‌گوید، به خوبی گوش دهند و هنگامی که ناراحت است، با او همدردی کنند و از نگاه و کلام و رفتاری که نشان‌دهنده ارتباط صمیمی و عاشقانه است، غفلت نورزند. زنان نیز تصمیم‌گیری در امور مهم خانواده را به شوهر خود بسپارند؛ اما از همکاری و بیان نظر مشورتی دریغ نورزند. در مقابل همسر خود متواضع باشند و او را با دیگران نسنجند و در سخن گفتن با او از کلمات تأییدکننده بهره گیرند. بی‌گمان توانایی مردان به پشتیبانی همسرشان بستگی دارد. اگر شوهرشان نمی‌تواند مشکلی را حل کند، او را مأیوس نکنند.

سه. «خیال‌پردازی زنان قوی‌تر است»^۲ و مردان معمولاً جدی‌تر و استدلالی‌ترند. بر این بنیاد، مردان باید از بیان سخنانی پرهیزند که همسرشان را مضطرب می‌سازد، و به همسر خود امنیت خاطر دهند. همچنین برخی سخنان اغراق‌آمیز همسر خود را جدی نگیرند و هدف اصلی از ابراز آن سخن را دریابند. برای مثال، وقتی زن به شوهر خود می‌گوید: «تو هیچ‌وقت به من توجه نمی‌کنی»، در حقیقت می‌گوید: «لطفاً اکنون به من توجه کن». زنان نیز در به‌کار

۱. حاج‌علی‌اکبری، مطلع عشق، خطبه عقد به تاریخ ۶ شهریور ۱۳۸۱.

۲. نک: پیره، روان‌شناسی اخلاقی زن و مرد، ص ۱۵۶.

بردن کلمات و جملات دقت بیشتری کنند؛ زیرا شوهر آنها سخنانشان را جدی خواهد گرفت. چهار. قدرت تکلم در زنان قوی تر از مردان است. معمولاً زن ها شکایت می کنند: «شوهرم کم صحبت می کند» و مردان نیز شکایت می کنند: «همسر من همواره حرف می زند». با توجه به این تفاوت جنسیتی، زنان این انتظار خود را تعدیل کنند و نیاز به سخن گفتن بیشتر را در روابط خود با فرزندان یا سایر زنان (بستگان و دوستان) تأمین نمایند. مردان نیز فرصت بیشتری را به سخن گفتن با همسر و توجه به کلام او اختصاص دهند.

از این نکته نیز غافل نباشند که مردان از شیرین سخنی همسرشان لذت می برند و بدان نیاز دارند. معمولاً زنان خوش زبان نزد شوهر خود از زنان خوش سیما محبوب ترند.

تفاوت دیگر آنکه، مردان بسیاری از اوقات در سکوت می اندیشند و سپس نتیجه پایانی را بر زبان می آورند. آنان دوست ندارند تردیدشان را نشان دهند. همچنین تحلیلی و استدلالی سخن می گویند، بی آنکه متوجه احساسات خود باشند. از سویی، برای صحبت کردن درباره احساس های خود، به ویژه احساس های منفی مانند عصبانیت و سرخوردگی، تمایل کمتری دارند. آنها معمولاً بیان این نوع احساس ها را ضعف می دانند. این در حالی است که زنان پس از تجربه احساس منفی دوست دارند درباره آن صحبت کنند تا از این طریق آرامش یابند. در ضمن زنان برای افزایش صمیمیت و نزدیکی علاقه دارند درباره هر کاری که انجام می دهند یا درباره اتفاق هایی که در طول روز افتاده با همسرشان صحبت کنند؛ ولی مردان گفت و گو درباره جزئیات را خسته کننده و بی فایده می دانند. همچنین مردان تمایل دارند هنگام بروز مشکل به جای صحبت کردن درباره آن، به دنبال راه حل برای رفع آن باشند؛ ولی زنان دوست دارند ابتدا درباره مشکل و احساس خود به آن سخن بگویند و سپس به راه حل بپردازند.

ب. تفاوت در نقش ها

به دلیل تفاوت های جسمانی و روانی که زنان و مردان با یکدیگر دارند، نقش های متفاوتی برای آنها تعریف شده است. آیه زیر اشاره به همین تفاوت نقش ها دارد:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»

مطابق با آیات قرآن، تأمین معاش خانواده و پذیرش مسئولیت مدیریت کلان امور خانواده بر عهده مردان گذاشته شده است. مدیریت مطلوب هر مجموعه ای هرچند کوچک، سختی ها و دشواری های خاص خود را دارد. بر این اساس:

- مردان با همتی بلند سرپرستی خانواده را بر عهده گیرند و بکوشند تا با توجه به مصلحت همسر و فرزندان، مدیریت خوب خود را اثبات کنند.

- زنان برای ریاست مردان در خانواده احترام قائل شوند و اجازه دهند تا شوهرشان از قدرت خود برای حمایت از خانواده بهره گیرد. اگر زن در خانه مدیریت شوهر را نپذیرد، اعتماد به نفس مرد آسیب می بیند و بدین سان انگیزه اش برای پذیرش مسئولیت های سنگین خانوادگی تضعیف می شود. و نیز با نبود مدیریت واحد و متناسب با مسئولیت ها، بی نظمی در خانه حاکم می شود و در نهایت فرزندان از پدر و مادر خود فرمان نمی پذیرند و در نتیجه درست تربیت نخواهند شد.

- تفکیک نقش ها در خانواده، به معنای کم ارزش دیدن نقش زن یا شوهر نیست. بسیار روشن است که عواطف و احساسات عمیق، اصلی ترین عامل پیوند در خانواده به شمار می آید. زن همواره عامل اصلی مهرورزی و مهرگستری بوده است. از این رو به دلیل نفوذ معنوی خاص زن، مدیریت معنوی خانواده بیشتر با زنان است و البته این امر تدبیر زنانه خویش را می طلبد.

۲-۵-۲. تفاوت های فردی

زن ها و شوهرها علاوه بر تفاوت های جنسیتی دارای تفاوت های فردی و شخصیتی نیز هستند. در ازدواج موفق، زن و شوهر باید بکوشند تا تفاوت های فردی خود و همسرشان را نیز شناسایی کنند و متناسب با این تفاوت ها با همسر خویش رفتار کنند. بنابراین اگر زن و شوهرها با هم متفاوت هستند، سعی نکنند به زور همدیگر را تغییر دهند. از تفاوت ها ناراحت نباشند. تفاوت رحمت خداست. تفاوت ها را زیبایی های گوناگون ببینند. اگر به تفاوت ها احساس خوبی نداشته باشند، احساس منفی فرد در گفتار و رفتار با همسرش بروز خواهد کرد و سبب سردی روابط آنها خواهد شد.

۲-۶. احترام به همسر و خانواده او

۲-۶-۱. احترام به همسر

همه افراد در روابط با دیگران نیازمند احترام اند؛ ولی زن و شوهر به پاس روابط عاطفی عمیق خود و نیز به دلیل زحمات بسیاری که برای یکدیگر می کشند، از همسرشان انتظار احترام بیشتری دارند.

روایات اسلامی نیز بر رعایت این اصل اخلاقی تأکید می‌کند؛ چنان‌که حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر باشد و همسر خویش را بیشتر تکریم کند»^۱.
اقبال لاهوری به زیبایی گوید:

جهان عشق نه میری نه سروری داند
همین بس است که آیین چاکری داند^۲
برخی عادت دارند حرمت هرکس را که به آنها نزدیک‌تر است بیشتر می‌شکنند و به همسرشان کمتر احترام می‌گذارند تا به دوستان، آشنایان یا غریبه‌ها. همان‌طور که می‌دانید: احترام است که احترام می‌آورد.

مهارت‌های رفتاری همسران

پس از ازدواج برای احترام به همسر باید:

یک. به رابطه صمیمی میان خود و همسران بسنده نکنید و به او احترام نیز بگذارید. احترام گذاردن به همسر موجب کوچک شدن شما نمی‌شود؛ بلکه حق‌شناسی و صفا و مودت شما را اثبات خواهد کرد. افزون بر این، احترام به همسران سبب می‌شود که او در انجام مسئولیت‌هایش توانمندتر گردد. در ضمن او نیز احترام شما را حفظ خواهد کرد و بدین‌سان عزت نفس هر دو شما بیشتر خواهد شد.

دو. به یاد داشته باشید شما هستید که می‌توانید همسر خود را نزد دیگران پُراج یا بی‌مقدار کنید. بی‌شک هرچه بر ارزش او بیفزایید، بر ارزش خود افزوده‌اید.

سه. هنگام ورود به منزل به استقبال او بروید و هنگام خروج از خانه او را بدرقه کنید. رسول خدا صلی الله علیه و آله ویژگی زن خوب را استقبال از همسر هنگام ورود به خانه معرفی می‌فرماید.^۳ زنان توجه داشته باشند: با آراستگی و به گرمی به استقبال همسرشان بروند، شادمانی خود را از ورودش ابراز کنند و با یک لیوان نوشیدنی مناسب با فصل، لذت او را از دیدن خود دوچندان نمایند.

علاوه بر آن، هنگام ورود مرد به خانه آنچه خریده است را به دقت نگاه کنند و از او تشکر

۱. «خِيارُكُمْ أَلْيَنُكُمْ مَنَاجِبَةً وَأَكْرَمُهُمْ لِنِسَائِهِمْ». (بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف، ج ۱۱، ص ۹۰۹)

۲. لاهوری، اشعار فارسی غزلیات، ص ۳۴.

۳. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۴.

نمایند؛ مردان نیز پس از ورود به منزل به زحماتی که همسرشان در طول روز کشیده توجه، و از او تشکر کنند.

چهار. هرگاه همسران برای شما کاری انجام داد، از او تشکر کنید حتی اگر آن کار کوچک باشد یا وظیفه او باشد. با تشکر از همسران احساس نشاط و رضایت خواهید داشت، محبت همسران به شما زیاد خواهد شد، انگیزه همسران برای خدمت بیشتر به خانواده تقویت می شود و همگان، شما را فردی حق شناس و باادب خواهند شناخت. پنج. در حضور میهمان او را کمک، و هنگام پذیرایی، به او نیز تعارف کنید. شش. در غیاب همسران از او تعریف کنید و در جمع از او تمجید نمایید. هفت. کارهای شخصی تان را خودتان انجام دهید و به او دستور ندهید. هشت. در امور زندگی با او مشورت کنید. نه. به بستگان او محبت کنید و به آنها احترام بگذارید.

۲-۶-۲. احترام به خانواده همسر

در اسلام درباره ضرورت ارتباط مؤثر با خانواده خود و خانواده همسر توصیه هایی شده است. خداوند در قرآن بارها بر نیکی کردن و احترام به پدر و مادر سفارش کرده^۱ و احسان به والدین را پس از امر به پرستش خود امری ضروری شمرده است.^۲ در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز بر نیکی به پدر و مادر تأکید بسیار شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

سه چیز است که خداوند بر هیچ یک از مردم در آن سه چیز آسان نگرفته است:

یکی از آنها نیکی کردن به پدر و مادر است؛ نیکوکار باشند یا خطا کار.^۳

در روایتی نیز آمده است که رعایت احترام و نیکی به والدین همسر نیز لازم است؛ زیرا پدر و مادر همسر، جایگاهی شبیه پدر و مادر خود انسان دارند.^۴

بنابراین باورهای دینی و ملی مستلزم آن است که دختر و پسر پس از ازدواج روابطی گرم و صمیمی با خانواده خود و خانواده همسرشان داشته باشند. علاوه بر آن، زوج جوانی که

۱. سوره عنکبوت، آیه ۸؛ سوره لقمان، آیه ۱۵-۱۴؛ سوره اسراء، آیه ۲۴-۲۳.

۲. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِلَٰهًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (پروردگار تو مقرر کرد جز او را مپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید). (سوره اسراء، آیه ۲۴-۲۳)

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۹۲.

۴. «الْأَبَاءُ ثَلَاثَةٌ: أَبٌ وَلَدَكَ وَأَبٌ زَوْجَكَ وَأَبٌ عَلَمَكَ». (امینی، الغدير، ج ۱، ص ۳۶۹)

زندگی‌شان را آغاز کرده‌اند، به دلیل تجربه اندک در مدیریت زندگی نیازمند حمایت‌های فکری و عاطفی و مالی خانواده خویش‌اند. آنها از سویی باید از حمایت فکری و عاطفی والدین خویش بهره‌مند گردند و از دیگر سو نیازمند استقلال در زندگی خود هستند تا بتوانند بدون دخالت اطرافیان زندگی خود را مدیریت کنند. از این رو پس از ازدواج، تنظیم روابط با خانواده خود و همسر نیازمند کسب مهارت‌های ویژه است. رفتار خوب با خانواده همسر سبب می‌شود که آنها نیز با عروس یا داماد رابطه خوب و عاطفی برقرار نمایند و فضای روانی مثبتی به نفع او در خانواده ایجاد شود؛ امری که در نهایت موجب مثبت‌تر شدن نظر همسر می‌شود.

مهارت‌های رفتاری همسران

یک. برای پیشگیری از ایجاد اختلاف بین خانواده خود و همسران، از آغاز زندگی مشترک به همسر خود کمک کنید تا عادات و آداب و رسوم خانواده شما را بهتر بشناسد. البته از او انتظار نداشته باشید که دقیقاً متناسب با آن رفتار کند.

دو. هنگام نیاز خانواده خود و همسران به کمک آنها بشتابید تا اگر زمانی آنها منتظر حضور شما بودند و شما این حضور را مصلحت ندانستید، دل‌گیر نشوند و رفتار شما را تکبر یا بدخلقی به‌شمار نیاورند. کمک شما به خانواده همسران در مشکلات، نشانه صمیمیت شماست و نزد خداوند نیز اجر خواهد داشت؛ ضمن آنکه آنها نیز هنگام مشکلات به کمک شما خواهند شتافت. به علاوه، همسر شما نیز می‌آموزد که در سختی‌ها به خانواده شما رسیدگی کند.

سه. اسرار زندگی خود و همسران را تا حد امکان نزد خانواده خود یا همسر بازگو نکنید. آنها شما را دوست دارند و ممکن است نگرانی‌های آنان سبب دخالت نامناسب در زندگی شما شود.

چهار. دختران باروش مناسب مدیریت داخل خانه، همچون آشپزی خوب، نظافت و نظم منزل و مهمان‌داری شایسته، آشنا باشند و پسران نیز در کسب و کار و شیوه صحیح تأمین مخارج زندگی اطلاعات کافی به‌دست آورند و به‌درستی رفتار کنند تا زمینه دخالت‌های والدین در زندگی آنان کم شود.

پنج. اگر از خانواده همسر خود انتقادی دارید، فقط درباره آنچه به روابط شما و همسران

و زندگی خانوادگی شما مربوط می‌شود، واکنش نشان دهید؛ انتقاد به آنها را از طریق همسران ابراز کنید و مستقیم به آنان سخنی نگویید. همچنین هنگام بازگویی این انتقادات به همسران، احترام آنها را رعایت کنید.

شش. اگر همسر شما از رفتار خانواده شما با خودش گله‌مند است، با او همدلی کنید و نذارید حمایت‌های شما از خانواده‌تان، میان شما و همسران شکاف ایجاد کند. هفت. اگر بستگان همسران مرتکب رفتار زشتی شدند، همسر خود را سرزنش نکنید. هرکسی مسئول اعمال خویش است، نه مسئول اعمال دیگران. در ضمن پشت سر خانواده همسران بدگویی نکنید که غیبت و حرام است.

هشت. برای پیشگیری از دخالت‌های ناروای خانواده همسر در زندگی خصوصی خود، به همسر خویش در جمع خانواده ابراز علاقه کنید و به او احترام بگذارید. این امر، خانواده همسر را متوجه روابط مستحکم شما می‌کند و آنها را از دخالت در زندگی شما باز می‌دارد. نه. زمانی که پدر یا مادر درباره زندگی خصوصی شما توصیه‌ای دارند، به آنها بگویید در آن زمینه با همسران مشورت می‌کنید و سپس در صورت صلاح دید، اقدام خواهید کرد. در نتیجه آنها متوجه خواهند شد که با زوجی روبه‌رویند که دارای حریم‌های مستحکم است.

۷-۲. سازگاری با همسر

امروزه نهاد خانواده در جهان دچار تحولات جدی شده و شاخصه مهم آن فردگرایی درون خانواده است. زن و شوهر هریک در پی منافع خویش هستند و البته برای آنکه زیست مشترک داشته باشند، به همسر خود نیز انعطاف نشان می‌دهند؛ ولی از آنجاکه اصالت با لذات فردی است تعارضات به وجود آمده به سرعت زندگی را به بن‌بست می‌کشاند و خانواده استحکام لازم را ندارد.

«اسلام خانواده را مقدس دانسته و ازدواج را «میثاق غلیظ»^۱ (پیمان مستحکم) می‌نامد و در مواجهه با مشکلات زندگی و یا اشکالات رفتاری همسر توصیه به سازگاری و مدارا می‌کند تا در آرامش حاصل از آن، بتوان مسائل زندگی را حل کرد و رفتار اشتباه همسر را نیز اصلاح کرد. و اگر باز هم مشکلات ادامه یافت، سازش، زندگی را تحمل‌پذیر خواهد ساخت. واقعیت آن است که زندگی مشترک با فردی که در محیطی متفاوت رشد یافته، شیرینی‌ها

۱. «أَحَدُنْ مِنْكُمْ مِثْقَا غَلِیْظًا». (سوره نسا، آیه ۲۱)

و دشواری‌های خاص خود را دارد. آشنایی اندک‌اندک با تفاوت‌ها از جانی جاذبه‌های جدیدی ایجاد می‌کند و از جانی دیگر موجب تراحمات و تعارضاتی در روابط همسران خواهد شد. همسرانی که از هوش عاطفی بالا بهره‌مند هستند، با تدبیر، با به‌کارگیری مهارت‌های حل مسئله و با صبر فعال این تعارض‌ها را در گرمای عشق همسری ذوب می‌کنند و از هدف ازدواج که سکینه و آرامش است^۱ غفلت نمی‌کنند. لازمه تداوم این آرامش در ازدواج، سازگاری با همسر است. از نظر قرآن کریم معاشرت پسندیده با همسر حتی در جایی که وی مورد علاقه فرد نباشد سفارش شده و سبب برخورداری از خیر کثیر به‌شمار آمده است: با همسر خود (زن) به نیکویی رفتار کنید و اگر شما را از زنان خوش نیامد، چه بسا چیزها که شما را از آن خوش نمی‌آید، درحالی‌که خدا خیر کثیری در آن نهاده است.^۲

این سازگاری که از طریق مقابله با نفس و خواهش‌های نفسانی به‌دست می‌آید، خود حقیقی انسان را شکوفا می‌سازد که این «خیر کثیر» است.^۳

امام سجاد (ع) در رساله حقوق، در لزوم سازگاری همسران فرموده است:

هریک از شما همسران باید خدا را شکر کند که به او همسری هم صحبت و یار عطا کرده و همسرش را نعمتی از جانب خداوند بداند که لازمه آن مصاحبت نیکو با این نعمت الهی، احترام به او و رفاقت و دوستی و مدارا با اوست.^۴

در اهمیت سازگاری همسران با یکدیگر پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «اگر خداوند برای خانواده‌ای خیر را اراده کند، آنها را به رفق و مدارا و وقار و متانت راهنمایی می‌کند».^۵ امام صادق (ع) نیز در بیان نیازمندی‌های شوهران در روابط با همسر خود سه چیز را ضروری می‌نامد که یکی از آنها عبارت است از: «مدارا و خوش رفتاری با زن تا همراهی، محبت و علاقه زن را جلب کند».^۶

۱. سوره روم، آیه ۲۱.

۲. «وَعَايِرُوهُمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُمْ فَتَقَسَّ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (سوره نسا، آیه ۱۹)

۳. نک: حسین زاده، همسران سازگار، ص ۱۸-۱۹

۴. «كُلُّ أَحَدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْتَدَّ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَيَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ وَوَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَيُكْرِمَهَا وَيَرْفُقَ بِهَا...» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵۴)

۵. «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَرْسَدَهُمُ لِلرِّفْقِ وَالنَّائِي...» (باینده، نهج الفصاحة، ص ۵۰۹)

۶. «قَالَ الصَّادِقُ (ع): لَا غِنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ وَهِيَ الْمُؤَافَقَةُ لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَمَحَبَّتَهَا وَهُوَ أَهْوَاؤُهَا وَحُسْنُ خُلُقِهِ مَعَهَا...» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش زنان برتر فرموده است: «بهترین زنان مسلمان چند ویژگی دارند که یکی از آنها سازگاری است و بدترین زنان، زنان لجباز هستند»^۱.

همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در پاسخ به این سؤال که اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله با خانواده اش چگونه بود؟ گفت: «نیک خوترین مردمان بود. نه دشنام می داد و نه بدزبانی می کرد و نه اهل به راه انداختن هیاهو در کوچه و بازار بود و نه بدی را با بدی جبران می کرد؛ بلکه می بخشید و گذشت می کرد»^۲.

و نیز نقل شده: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چون با همسرش تنها بود نرم خوترین مردم و بزرگواری ترین آنها بود و همواره خنده و تبسم بر لب داشت».

در احوال الگوی همسران جوان، حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام، نیز بیان شده که آن دو هرگز همسر خود را عصبانی نکردند و هرگز او را به کاری مجبور نساختند.^۳ سازگاری با همسر لوازمی دارد؛ از جمله:

یک. توجه به خوبی های همسر و نادیده گرفتن عیوب او: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچ مرد باایمانی از زن باایمان خود نفرت ندارد؛ او اگر اخلاقی از همسر خود را نپسندد اخلاق دیگری از او را خواهد پسندید.^۴

عطار نیشابوری گوید:

گرمرد راه بین شده ای عیب کس مبین از زاغ، چشم بین و ز طاووس، پرنگر
گاهی برخی از همسران ناجوانمردانه محاسن فراوان همسر خود را نادیده می گیرند و درباره معایب چندانی که او دارد بزرگ نمایی می کنند. این افراد معمولاً عیوب خود را نیز کوچک شمرده، گرفتار خود برتریینی می شوند و با شریک زندگی خود ناسازگاری می کنند. این افراد معمولاً در استفاده از تأیید، خشک و خشن بوده و از رفتارهای همسر شاکی و گله مند هستند. آنها در عین بدرفتاری با همسر، با بیانات توجیهی قصد دفاع از خویشان را دارند. در مقابل، همسران سازگار اگر در همسر خود عیبی می بینند به دنبال کشف سایر عیوب او نیستند، محاسن و خوبی های او را نیز می بینند و ضعف ها و نقص های گذشته او را فراموش می کنند و در عوض همت خود را صرف کشف عیوب خویش و اصلاح آن

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

۲. متقی، کنز العمال، ج ۷، ص ۲۲۲، ح ۱۸۷۱۷.

۳. طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۱۵۵۱.

۴. متقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۷۴، ح ۴۴۹۶.

می‌نمایند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «خوشا به حال کسی که آن قدر مشغول کشف و اصلاح عیوب خویش است که عیوب دیگران را نمی‌بیند».^۱

همسران سازگار از کلمات و عبارات محبت‌آمیز، تأییدکننده و حمایت‌کننده بیشتر استفاده می‌کنند، توانایی درک و پذیرش افکار و احساسات همسر را دارند، نرم‌خو بوده و رفتار توأم با ملاحظت و فروتنی دارند. آنها معمولاً از محبت‌های همسر خود، گرچه اندک باشد، تشکر و قدردانی می‌کنند و این امر نه فقط به زبان، بلکه در قلب آنها نیز جاری است. نرم‌خویی و نرم‌زبانی آنها معمولاً سبب می‌شود همسرشان تحت تأثیر قرار گیرند و محبتشان بیشتر جلب شود. همسران سازگار از بودن در کنار یکدیگر احساس آرامش بیشتر، و احساس خوشبختی بیشتری دارند. سازگاری با همسر زمانی که او تندخویی یا بدرفتاری می‌کند امری دشوار است، ولی با به‌کارگیری مهارت‌های ارتباط مؤثر و تمرین عفو و گذشت، می‌توان اندک‌اندک این خصلت را در خویشتن ایجاد و تقویت کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

انسان در خلال برآوردن نیازهای منزل و عیالش به سه چیز نیازمند است، حتی اگر آن چیزها با طبع او سازگار نباشد: معاشرت نیکو با همسر و....^۲

دو. عفو و گذشت: انسان به دلیل جهالت و کوتاهی، مرتکب خطا می‌شود. در توصیه‌های اسلامی آمده است که در برابر خطای خویش سخت‌گیر، اما در تعامل با دیگران سهل‌گیر و نرم‌خو باشیم؛ مگر آنکه خطا سبب وارد آمدن آسیب جدی به دیگران گردد. این امر در خانواده که کانون عطوفت و محبت است، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. «برخی وقتی در طوفان تندخویی گرفتار می‌شوند، لحظات خوب زندگی را و خوبی‌های ازهم‌دیده و باهم‌چشیده را فراموش می‌کنند»؛^۳ حال آنکه اگر مرد یا زن از اشتباه همسر خود چشم‌پوشد، هر کوتاهی سبب ایجاد نزاع و اختلاف خواهد شد. «بخشش و گذشت نه تنها به تحکیم روابط همسران کمک می‌کند، بلکه موجب حفظ سلامت جسمی و روانی خود فرد نیز می‌گردد؛ چنان‌که بر پایه برخی تحقیقات، افرادی که کینه به دل می‌گیرند، دچار ناراحتی‌های جسمی از جمله فشارخون و زخم معده و ناراحتی‌های عصبی (همچون افسردگی) می‌شوند».^۴

۱. «طوبی لمن شغل عیبه عن عیوب الناس». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۵)

۲. «قال الصادق علیه السلام: إن المرأة تحتاج في منزلها و عیالها إلى ثلاث خصال یتکلفها وإن لم یکن فی طبعها ذلك معاشره جمیله...».

(ابن شعبه، تحف العقول، ص ۳۲۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۶)

۳. سوزی، خانواده کارآمد و متعالی، ص ۴۱-۴۰.

۴. عاطف وحید و لواسانی، مهارت‌های ارتباطی همسران، ص ۱۱.

یک. اگر همسر شما اخلاق و رفتار ناپسندی دارد، بر او سخت بگیرید؛ زیرا شما نیز عیوبی دارید. با خود بگویید که «گل بی عیب خداست». امشب برگه‌ای بردارید و بنویسید در روزی که گذشت چه رفتارهای ناپسندی از شما سر زد. این کار را هر شب انجام دهید. پایان ماه همه رفتارهای ناپسند خود را بشمارید. در برگه دیگری بنویسید که اطرافیان شما (همسر، پدر، مادر، خواهر، برادر، دوستان، همکاران و فامیل) تاکنون چه انتقاداتی از شما کرده‌اند. حال می‌بینید که مجموعه اشکالاتی که شما و اطرافیانتان در رفتارهایتان یافته‌اند، اندک نیست. پس به همسر خود نیز زیاد سخت نگیرید.

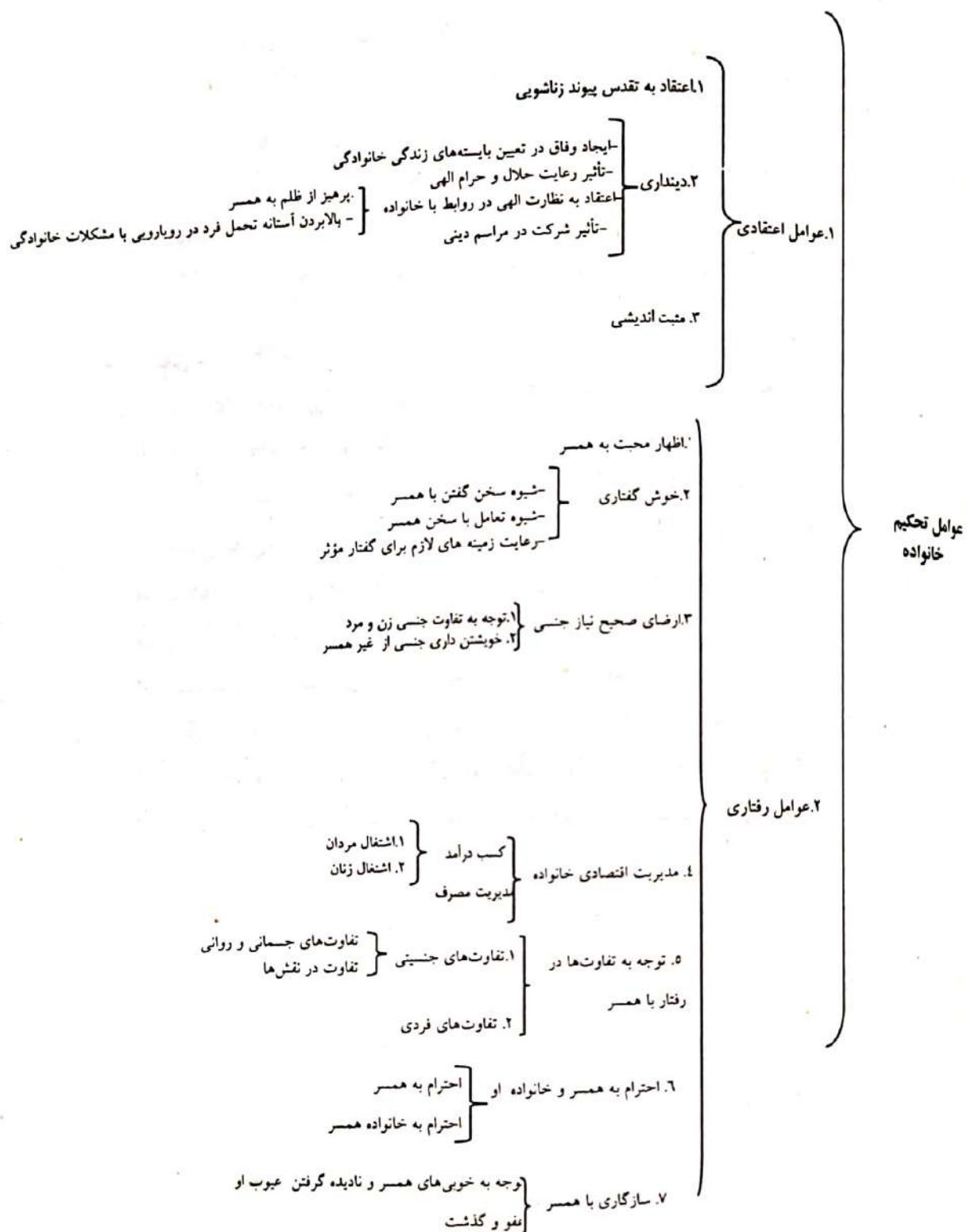
دو. در صورت دیدن خطا از همسر، باید ابتدا بررسی کرد که آیا رفتار او اشتباه بوده یا برداشت ما از این رفتار، نادرست است؟ سه. در مرحله بعد باید اندیشید که آیا رفتار نامطلوب همسر واکنشی در برابر رفتار اشتباه ماست یا نه؟

چهار. اگر خطای همسر بدون تقصیر ما انجام گرفته، با مهربانی به او گوشزد کنیم و اگر همسر عذری آورد، بپذیریم. گذشت و عذرپذیری به اصلاح رفتار او کمک خواهد کرد و انگیزه وی را برای تغییر رفتار تقویت خواهد نمود. علاوه بر آن او شما را فردی فهمیده و مهربان خواهد یافت و مهم‌تر آنکه با بخشش دیگران، خود را در معرض عفو و غفران الهی قرار خواهید داد.

پنج. مهارت‌های حل مسئله را یاد بگیرید و به کار بندید و با شیوه اصلاح رفتار خود و دیگران نیز آشنا شوید و از آن استفاده کنید.^۱ به این وسیله در صورتی که احتمال اصلاح وجود داشته باشد، زندگی بهبود یافته و شیرین‌تر خواهد شد.

۱. در کتاب اخلاق خانواده ذیل مبحث «ایمن‌سازی خانواده» به تفصیل این مهارت‌ها آموزش داده خواهد شد.

نمودار مطالب فصل



♦ پرسش‌های فصل

۱. پس از ازدواج، برای ابراز علاقه به همسران با استفاده از خلاقیت خود چه اقداماتی انجام می‌دهید؟ چند نمونه ذکر کنید.
۲. در این فصل به برخی از عوامل مؤثر در استحکام خانواده اشاره شد. چه عوامل دیگری را می‌توانید نام ببرید.
۳. به نظر شما مهم‌ترین آموزشی که زوج‌های جوان برای مدیریت اقتصادی خانواده باید فراگیرند، چیست؟
۴. سازگاری با همسر همدل و همراه در ایام دشواری و سختی زندگی چه آثاری دارد؟

♦ منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. افروز، غلامعلی؛ روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری؛ تهران: دانشگاه تهران.
۲. قدیری، محمد حسین؛ عروس‌کشون؛ اصفهان: مهرستان.
۳. بستان، حسین؛ خانواده در اسلام؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. پناهی، علی‌احمد؛ پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی؛ همسرداری؛ قم: دفتر نشر معارف.
۵. عاطف وحید، فهیمه و فتحعلی لواسانی و احمد رضا محمدپور؛ تحکیم پیوند زناشویی؛ مشهد: آهنگ قلم.
۶. _____؛ مهارت‌های ارتباطی همسران؛ مشهد: آهنگ قلم.
۷. بانکی پورفرد؛ امیرحسین؛ سَر دلبران؛ اصفهان: حدیث راه عشق.
۸. _____ و حامد مصلحی؛ تار و پود عاشقی؛ اصفهان: حدیث راه عشق.
۹. حبشی، حمید؛ کتاب زندگی، اهمیت و شناخت؛ قم: نشر معارف.

فصل چہارم:
فرزندآوری

اهداف درس:

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

- ۱ اهمیت و جایگاه فرزندآوری در اسلام را بشناسند؛
- ۲ آثار فردی و خانوادگی فرزندآوری را برشمارند؛
- ۳ برخی موانع فرهنگی اجتماعی فرزندآوری را بشناسند؛
- ۴ با علل ناباروری و راه‌های درمان آن به اختصار آشنا شوند؛
- ۵ با آسیب‌های تک‌فرزندی آشنا شوند؛
- ۶ با حمایت‌های قانونی موجود برای فرزندآوری آشنا شوند.

در فصل‌های گذشته یادآوری شد که انسان موجودی جاودانه است و علاوه بر تلاش برای زندگی مفید در حیات موقت دنیوی، باید برای سعادت زندگی جاودانه خویش نیز بکوشد. لازمه بخشی از سعادت دنیوی و اخروی انسان تعامل شایسته با جنس دیگر است که در قالب ازدواج و روابط نیکو با همسر شکل می‌گیرد. در مرحله بعد، آنچه در زندگی مشترک اهمیت بسیار دارد، فرزندآوری و تربیت نیکوی فرزندان است؛ ازاین‌رو در این فصل به موضوع فرزندآوری و مسائل پیرامونی آن پرداخته می‌شود.^۱

اهمیت فرزندآوری

۱. اهمیت و جایگاه فرزندآوری در اسلام

زن و شوهری که تصمیم می‌گیرند فرزنددار شوند، کار بزرگی در آفرینش بر عهده می‌گیرند. آنان زمینه خلقت اشرف موجودات و مسجود ملائک را فراهم می‌آورند. آنها با ایفای نقش پدری و مادری تجلی‌گاه صفت خالقیت و ربوبیت الهی می‌شوند. از نظر اسلام، داشتن فرزند و باقی‌گذاشتن نسل امری ارزشمند است. قرآن کریم عطای فرزند را نعمت و رحمتی از جانب خداوند به بندگان می‌داند:

﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ

الذَّكَورَ^۲

۱. مسئله فرزندپروری به دلیل اهمیت بسیار و فراوانی مباحث مرتبط با آن به کتاب اخلاق خانواده واگذار می‌شود تا در فرصت مناسب ابعاد مختلف موضوع مورد توجه قرار گیرد.
۲. سوره شورا، آیه ۴۹.

فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن خداست؛ هرچه را بخواهد می‌آفریند؛

به هرکس بخواهد، دختر می‌بخشد و به هرکس بخواهد، پسر می‌بخشد.

استفاده از فعل «يَهَبُ» در آیه بر این دلالت دارد که فرزند پسر و دختر، هر دو هدیه الهی به والدین هستند؛ از این رو بندگان مؤمن طلب فرزند را در دعا‌های اساسی خود قرار می‌دهند؛ چنان‌که قرآن در بیان ویژگی‌های «عبادالرحمان» (بندگان خداوند مهربان) می‌فرماید: «و کسانی که می‌گویند: [ای] پروردگار ما، از همسران ما و نسل ما روشنی چشمان به ما ببخش و ما را پیشوای باتقویان قرار ده»^۱.

همچنین قرآن کریم دعا و درخواست حضرت زکریا علیه السلام از خداوند برای داشتن فرزند و اجابت آن را چنین گزارش می‌کند:

و [یاد کن] زکریا را هنگامی که پروردگارش را ندا درداد: «پروردگارا، مرا تنها وامگذار

[و فرزندی به من عطا کن] و تو بهترین وارثانی» و [دعای] او را اجابت کردیم و به

او یحیی را بخشیدیم.^۲

تولد فرزندان در زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام نیز نعمت و پاداش عظیمی شمرده شده که فرشتگان ابراهیم علیه السلام را بدان بشارت دادند.^۳ فرزندآوری و تربیت شایسته فرزندان به تحقق جامعه آرمانی که بیشترین سعادت را محقق سازد، یاری می‌رساند. نعمت بودن فرزند و علت اصرار مؤمنان در طلب آن، زمانی درک می‌شود که کلام مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله را به یاد آوریم:

هرگاه شخص از دنیا برود، عملش قطع می‌شود و دیگر حسناتی برای او

ثبت نمی‌شود، مگر از سه چیز: صدقه جاریه [= کار خیرماندگار]، اثر علمی که از

آن استفاده شود و فرزند صالحی که برای او دعا کند.^۴

چه فرصتی برای انسان محصور بین تولد تا مرگ مغتنم‌تر از این است که بتواند راهی برای استمرار وجود خود بیابد و پرونده اعمال نیکش را باز نگه دارد و پس از مرگ نیز به آن بیفزاید؟ براین اساس در ادبیات دینی، فرزند یکی از مصادیق مهم «باقیات الصالحات» است.

۱. «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا». (سوره فرقان، آیه ۷۴)

۲. «وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ • فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى». (سوره انبیاء، آیه ۹۰-۸۹)

۳. «وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى». (سوره هود، آیه ۶۹)

۴. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۹۲.

علاوه بر آن در آموزه‌های دینی، از فرزند با تعبیری چون «نور چشم»^۱، «گلی از گل‌های بهشت»^۲، «بهترین نعمت»^۳، «مایه خیر و برکت»^۴ یاد شده که همگی حاکی از منزلت والای فرزندآوری است.

از منظر اسلام، تولد فرزند از اهداف مقدس ازدواج بوده و در این باره توصیه‌های فراوانی شده است.

از آنجاکه برخی به دلیل نگرانی از تربیت فرزندانشان از فرزندآوری هراس دارند یادآوری می‌شود:
در روایتی آمده است:

شخصی به امام موسای کاظم علیه السلام نامه نوشت که من از پنج سال پیش، از بچه‌دار شدن خودداری می‌کنم؛ زیرا همسرم داشتن بچه را ناخوش می‌دارد و می‌گوید: به دلیل اینکه امکانات خوبی نداریم، تربیت آنان برای من دشوار است. پس صلاح کار چیست و شما چه نظری دارید؟ امام علیه السلام برای او نوشت: بچه‌دار شوید و بدانید خداوند آنها را روزی می‌دهد.^۵

این روزی، هم می‌تواند جنبه مادی داشته باشد و هم جنبه معنوی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارزشمندی فرزندآوری را برای زنان که رنج بیشتری در بارداری و شیردهی می‌کشند، چنین متذکر شده است:

اجری که برای زنان از زمان بارداری تا هنگام از شیر گرفتن کودک در نظر گرفته شده، همانند مجاهد در راه خداست و اگر زن در هریک از این مراحل بمیرد، مقامی همانند مقام شهید دارد.^۶

ولادت فرزند نه تنها برای والدین او مایه خیر و برکت است، برای جامعه نیز ارزشمند است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «سپس دوباره پیروزی بر آنان را به شما بازگردانیم و شما را به وسیله اموال و پسران امداد رسانیم و افراد شما را بیشتر [از دشمن] قرار دهیم».^۷

۱. سوره قصص، آیه ۹.

۲. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۳.

۳. قطب راوندی، دعوات، ص ۲۸۵.

۴. پاینده، نهج الفصاحة، ص ۳۷۴.

۵. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۴.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۷.

۷. ﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾. (سوره اسراء، آیه ۶)

در این آیه کثرت اولاد، نویدبخش پیروزی بر دشمنان معرفی شده است؛ زیرا ازدیاد جمعیت مسلمانان ابزاری برای تأمین اقتدار سیاسی و اقتصادی آنان به شمار می‌رود.

۲. تشویق به فرزندآوری در اسلام

یک. از جمله مشوق‌های مسلمانان به فرزندآوری و رسیدگی به آنان، بیان ثواب و اجر این اقدام برای والدین است. در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام برای تلاش پدر و مادر در فرزندآوری و تربیت آنها ارزش‌گذاری فراوان شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «بهشت زیر پای مادران است»^۱.

امام صادق علیه‌السلام نیز اجر مردی را که برای تأمین مخارج خانواده، از جمله فرزندان خود، از راه حلال تلاش می‌کند، معادل اجر مجاهد در راه خدا بیان کرده است.^۲

دو. مشوق دیگر فرزندآوری در اسلام، تربیت افراد بر اساس رفتاری است که خشنودی مادران و پدران را از نقش والدینی‌شان به دنبال دارد؛ از این رو فرهنگ جامعه اسلامی به سوی نیکی به پدر و مادر و پرهیز جدی از آزرده‌خاطر کردن آنان (تحت عنوان عاق والدین) سوق داده شده که نتیجه آن احترام به والدین و کمک به آنان در دوران احتیاج و ناتوانی خواهد بود. با این فرهنگ پدران و مادران از فرزندآوری خود رضایت بیشتری خواهند داشت. آیات متعددی^۳ نیکی به والدین را وظیفه واجب فرزندان ذکر کرده و در برخی از این آیات مسلمانان پس از پرستش خداوند و پرهیز از شرک به او، به نیکی به پدر و مادر امر شده‌اند.^۴

امام صادق علیه‌السلام در روایتی فرمودند:^۵

سه چیز بر فرزند در برابر پدر و مادرش واجب است: ۱. در هر حالتی فرزند از پدر و مادرش تشکر کند؛ ۲. از آنها اطاعت کند، چه در اموری که به او امر می‌کنند و چه در اموری که او را نهی می‌کنند، مشروط بر آنکه در غیر معصیت الهی باشد؛ ۳. خیرخواهی خالص برای پدر و مادر در خفا و آشکار.

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

۲. «قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام: الْكَافُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (امام صادق علیه‌السلام فرمود: کسی که برای روزی حلال خانواده‌اش تلاش کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است). (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰۳).

۳. سوره مریم، آیه ۲۳؛ سوره احقاف، آیه ۱۵؛ سوره لقمان، آیه ۳۶؛ سوره نسا، آیه ۱۵۱؛ سوره عنکبوت، آیه ۸.

۴. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ النَّصِيرُ» (سوره لقمان، آیه ۱۴)؛ «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (سوره اسراء، آیه ۲۳).

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۶.

و فرموده‌اند:

سه چیز است که خداوند بر هیچ‌یک از مردم در آن سه چیز آسان نگرفته: نیکی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا خطاکار و...^۱

سه. از آنجاکه همواره مهم‌ترین مانع فرزندآوری مشکلات معیشتی است. در شریعت اسلام افزون بر تشویق به ازدواج و فرزندآوری، تأمین رزق و روزی همسر و فرزندان توسط خداوند نیز یادآوری شده؛^۲ چنان‌که در آیات متعددی به صراحت از رازقیت خداوند سخن رفته است. البته اعتقاد به رازقیت خداوند و توکل بر او، با عاقبت‌اندیشی و برنامه‌ریزی در زندگی منافاتی ندارد؛ زیرا خداوند برای هر پدیده‌ای سببی قرار داده است. یکی از علل و اسباب کسب روزی، تلاش و مجاهدت است که نزد خدا پاداش نیز دارد.

۳. آثار و فواید فرزندآوری

یکی از اهداف مهم ازدواج، صاحب فرزند شدن است و والدین از این راه از لذت مادری یا پدری بهره‌مند می‌شوند. امروزه برخی زوج‌ها تولد فرزند را مانع آسایش و راحتی زندگی خود می‌دانند و هزینه تولد و تربیت فرزند را سرسام‌آور محاسبه می‌کنند. بیشتر پدران و مادران نیز در فراهم کردن امکانات رفاهی فرزند خویش ناخواسته افراط می‌کنند که این امر هزینه فرزندآوری را سنگین کرده است. روشن است که با سبک زندگی مصرفی و افزایش مصرف، جای کمتری برای پذیرش فرزندان بیشتر (که مصرف دیگر اعضای خانواده را با بحران روبه‌رو می‌کنند) می‌ماند. افزون بر این، در چنین فضایی فرزندآوری بیشتر، به تحقیر خانواده‌هایی می‌انجامد که نمی‌توانند در هم‌آورد مصرف، خود را نمایش دهند؛^۳ حال آنکه همسران جوان علاوه بر تفکیک هزینه‌های اقتصادی ضروری فرزندپروری از غیرضروری، باید به فواید فراوان تولد فرزند در خانواده نیز توجه کنند. فرزندآوری برای همسران آثار مثبت فراوانی دارد که به برخی از آنها می‌پردازیم:

۱. «ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً... وَبِرَّ الْوَالِدَيْنِ بَرٌّ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ». (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶۲)
۲. در توصیه اسلام به فرزندآوری، توجه به این نکته ضروری است که پیامبر اکرم ﷺ این روایات را زمانی فرموده است که مسلمانان در تنگنای اقتصادی بوده‌اند.
۳. جمعی از نویسندگان، تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها، ص ۲۷.

یک. احساس دوست داشتن و محبوب بودن: با آغاز زندگی مشترک، بسیاری از نیازهای عاطفی همسران جوان تأمین می‌شود و در صورت بهره‌مند بودن آنان از الگوی خانواده متعادل، به مرور زمان می‌توانند به بیشتر نیازهای خود پاسخ دهند. تولد فرزند نیز زمینه پاسخ‌گویی بسیاری از نیازها از جمله نیاز به دوست داشتن و محبوب بودن را فراهم می‌کند؛ زیرا یکی از نیازهای نوزاد، جلب توجه دیگران است. در مقابل، والدین نیز نیاز دارند از کسی حمایت کنند و او را دوست بدارند. از این رو، کارکرد نیازهای یادشده به‌گونه‌ای است که والدین و فرزند مکمل یکدیگر هستند و حاصل آن رضایت‌خاطری است که نصیب آنها می‌شود. این احساس رضایت موجب انس بیشتر با کسی می‌شود که در تأمین خواسته‌های درونی سهمی دارد. در نتیجه با گسترش خانواده پس از تولد فرزندان، ظرفیت‌های انس و الفت در زندگی افزایش می‌یابد.

دو. نشاط و سلامت روانی والدین: یکی از مهم‌ترین عوامل ازدیاد شورونشاط در زندگی مشترک، تولد فرزند در خانواده است.

کودکان از زمان تولد و گاه از همان زمانی که داخل رحم مادر هستند، موجب شادی و هیجان در خانواده می‌شوند. آنها با افزایش نشاط در روابط همسران، سلامتی و بهداشت روانی آنها را نیز تأمین می‌کنند. همان‌گونه که تولد کودک موجب شادی پدر و مادر است، نگاه به چهره او و کارهای کودکانه‌اش نیز نشاط و سلامت روانی والدین را در پی می‌آورد. مایکل آرگایل^۱ بر آن است که کودکان برای خانواده سرچشمه فایده‌های بسیاری دارند. او می‌نویسد: با وجود فرزند، لذت بسیاری در خانواده وجود دارد. بیشتر والدین تحرک و شادی را به عنوان یک مزیت از کودکانشان دریافت می‌کنند. کودکان و والدین با هم می‌خندند و متاهلان دارای فرزند از متاهلان بدون فرزند شادترند.^۲

دافنه دمارنف^۳ می‌گوید:

در ارتباط میان مادر و فرزند لذت فراوانی است؛ لذت جسمانی مراقبت از بچه‌های کوچک؛ رضایت حاصل از وقت‌گذرانی با کسانی که بیش از همه دوستشان داریم؛

۱. وی (Michael Argyll) استاد دانشگاه اکسفورد و صاحب سبک در روش‌های تجربی در روان‌شناسی اجتماعی است.

۲. آرگایل، روان‌شناسی شادی، ص ۱۳۵.

۳. دارای دکترای روان‌شناسی بالینی و دانش‌آموخته دانشگاه هاروارد و برکلی در کالیفرنیا، نویسنده کتاب *غریزه مادری در مورد فرزندان، عشق و زندگی معنوی*، در سال ۲۰۰۴ میلادی در آمریکا.

لذت رسیدگی به نیازهای آنها و سرور حاصل از حضور شخص دیگری در کنار خود، وقتی داریم به کارهایمان می‌رسیم؛ همچنین خشنودی حاصل از مشاهده رشد و تغییرات فرزندانمان. البته صرف وقت با فرزندان، علاوه بر لذت و احساسات خوب با یک حس معناگرایانه، اخلاقی و حتی زیبایی‌شناسانه نیز همراه است.^۱

نتایج تحقیقات پژوهشگران دانشگاه بریگهام یانگ آمریکا بر ۲۰۰ هزار خانواده از ۸۶ کشور جهان (در بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ م) نشان می‌دهد که داشتن فرزند موجب کاهش فشارخون والدین، افزایش تمایل به یادگیری، استفاده بیشتر از قدرت تعقل، افزایش اعتماد به نفس، درک بهتر زیبایی‌ها، افزایش دقت در کارهای جزئی و افزایش شادی والدین می‌گردد.

♦ جهت مطالعه بیشتر

در پیمایش ملی در نروژ که در سال ۲۰۰۹ م، میان ۵ هزار و ۱۸۹ نفر برای بررسی رابطه میان وضعیت والد بودن و احساس خوشبختی انجام پذیرفت، این نتیجه به دست آمد: «زنانی که صاحب فرزند هستند، نسبت به زنان بدون فرزند رضایت زندگی و عزت نفس بیشتری دارند».^۲

در سه پژوهش هم که توسط نلسون و همکارانش^۳ در سال ۲۰۱۳ م در آمریکا انجام پذیرفت، پاسخ ۶۹۰۶ نفر به سه موضوع احساس خوشبختی، رضایت از زندگی و میزان فکر کردن به معنای زندگی، در چهار موج پیمایش ارزش‌های جهانی در سال ۱۹۸۲، ۱۹۹۰، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۹ م در آمریکا تحلیل شد. در هر سه موضوع، کسانی که صاحب فرزند هستند احساس خوشبختی و رضایت از زندگی بیشتری دارند و بیشتر به معنای زندگی می‌اندیشند. همچنین در میان کسانی که تعداد فرزند بیشتری دارند، رضایت از زندگی بیشتر بوده و به معنای زندگی بیشتر می‌اندیشند.^۴

در پژوهش دوم اطلاعات ۳۲۹ بزرگسال بالای هجده سال درباره تجربه احساسی آنها در طول شبانه‌روز استخراج شده است. بر اساس نتیجه به دست آمده کسانی که صاحب فرزند هستند، به طور متوسط، احساسات مثبت‌تری دارند و فعالیت‌هایشان معنادارتر است.^۵

پژوهش دیگر که میان ۱۸۶ زوج دارای فرزند در آمریکا انجام شد، نشان داد: والدین

۱. دمارنف، غریزه مادری در مورد فرزندان، عشق و زندگی معنوی، ص ۲۲-۲۱.

2. Hansen ET al.2009.

3. Nelson, Kushlev, English& Dunn, 2013.

4. Ibid:4.

5. Ibid:7.

در زمانی که به مراقبت از فرزند خود می‌پردازند، نسبت به فعالیت‌های دیگر زندگی احساس بهتری دارند. آنها احساس معنای زندگی بیشتری نیز داشتند.^۱ در پیمایش مادران در اروپا که در سال ۲۰۱۰م در سطح کشورهای اتحادیه اروپا انجام شد، ۷ هزار و ۸۸۳ مادر شرکت داشتند که از این میان ۹۳ درصد از آنها به عنوان مادر، احساس رضایت داشته و تنها ۱ درصد کاملاً ناراضی بودند. در ضمن، این پیمایش نشان داد والدین ممکن است در بزرگ کردن فرزندان خود رنج و سختی داشته باشند، اما باز هم احساس رضایت کنند؛ یعنی لزوماً خوشبختی با راحتی همراه نیست^۲ و داشتن فرزند در عین سختی، لذت نیز دارد. طبق تحقیقات دانشمندان افراد صاحب فرزند، کمتر از افراد مجرد و نیز افراد متأهل بدون فرزند، خودکشی می‌کنند. برای نمونه آمارهای خودکشی افراد ۲۰ تا ۷۰ ساله در فرانسه از سال ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۱م حاکی از آن است که به طور متوسط در برابر هر ۱۰۰ مورد خودکشی مردان متأهل، ۲۸۰ مرد مجرد و ۲۱۸ مرد همسرفوت کرده، خودکشی کرده‌اند. همچنین در برابر هر ۱۰۰ مورد خودکشی زنان متأهل، ۱۶۷ زن مجرد و ۱۷۸ بیوه خودکشی کرده‌اند.^۳

پیمایش خانوارهای بریتانیایی از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵م که شامل ۸۹ هزار مشاهده بود نیز نشان داد کسانی که ازدواج کرده و با هم زندگی می‌کنند، داشتن فرزند به طور کلی بر رضایت از زندگی‌شان تأثیر مثبتی داشته و با افزایش تعداد فرزندان، این تأثیر نیز افزایش یافته است.^۴

از نظر اقتصادی نیز برخی افراد امید دارند که فرزندان در آینده عایدی مالی برای والدین خود داشته باشند و به لحاظ اقتصادی به آنها کمک کنند. در این صورت نیز با آمدن فرزند رضایت این افراد از زندگی بیشتر می‌شود.^۵

سه. امید به آینده: با ورود اولین فرزند به کانون خانواده، دایره امیدها و آرمان‌های والدین افزایش می‌یابد. همچنان‌که فرزند در مقابل چشمان والدین می‌بالد و شکوفا می‌شود، بذره‌های امید نیز در دل پدر و مادر جوانه می‌زند و آرزوهای نوین، منشأ حرکت و تلاش آنها برای تداوم حیات می‌گردد؛ زیرا فرزندان‌ی که صحیح تربیت می‌شوند، غیر از اینکه خود آنان مسیر سعادت را در زندگی طی می‌کنند و باعث افتخار پدر و مادر می‌گردند، در زندگی آینده والدین نیز نقش مؤثری دارند و از آنان حمایت می‌کنند. چنین فرزندان‌ی در سال‌های پیری

1. Dunn, &, Kushlev, *English*, P.8.

2. Bergeyck, *Liede Kerke*, P.46.

3. halbwechs, *The causes of suicide*, p.130.

4. Angeles, *Children and life satisfaction*, P. 530.

5. Pedersen&Schmidt, 2014, p.20.

پدر و مادر، از آنان دستگیری می‌کنند و آنها را تنها نمی‌گذارند؛ حال آنکه افراد بی‌فرزند معمولاً در دوران کهولت از احساس تنهایی رنج می‌برند.

امام سجاده علیه السلام در دعا برای طلب فرزند، به مواردی از فواید فرزندآوری چنین اشاره فرموده است:

بار خدایا، بازوی مرا به وسیله ایشان استوار گردان و کمر مرا به آنان راست نما [= در سختی و گرفتاری آنان را کمک‌کار من گردان] و عدد و شماره مرا به آنان افزون کن و مجلس مرا به ایشان بیارای و یاد مرا به آنها زنده بدار و به وسیله اینان برای رسیدن به حاجت و خواسته‌ام یاری‌ام فرما.^۱

چهار. تداوم زندگی: فرزندآوری حلقه‌ای از زنجیره طولانی تداوم حیات به شمار می‌آید و این خود انگیزه‌ای برای داشتن فرزند است؛ فرزندی که نامی از والدین را بر خود دارد و یادآور میراث خانواده است. فرزندآوری در حقیقت نمودار تمایل والدین به جاودانگی است و فردی که صاحب فرزند است، معمولاً استمرار زندگی فرزندش را تداوم حیات دنیوی خویش احساس می‌کند. پنج. **رشد شخصیت:** وجود تجربه فرزندپروری، مجموعه کاملی از ارزش‌ها را به ساختار شخصیت والدین می‌افزاید. هن، میلیسپ و هارتکا^۲ از مطالعات خود درباره شخصیت به این نتیجه رسیدند که سازمان روانی انسان با پذیرفتن نقش پدر و مادری به کمال می‌رسد. آنها می‌گویند:

معمولاً این‌گونه تصور می‌شود که تغییرات عمده سازمان شخصیت در طول نوجوانی روی می‌دهد؛ اما یافته‌ها نشان می‌دهد که تغییرات بسیار شخصیتی، نه در طول نوجوانی، بلکه در انتهای آن رخ می‌دهد؛ یعنی زمانی که بیشتر مردم در نهایت دچار تغییرات نقش می‌شوند و به اشتغال و ایفای نقش والدینی مشغول می‌گردند.^۳

مطابق نظریه رشد اریکسون، در میان سالی میل به تربیت و پرورش دیگران در انسان به وجود می‌آید و این موضوع در نیازهای انسانی ریشه دارد که می‌باید تأمین گردد. اریکسون معتقد است: «داشتن فرزند علامتی شاخص برای موفقیت شخصی است که

۱. فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجاده، دعای ۲۵.

2. Haan, N, Millsap, R, & Hartka, E.

3. Costa & McCare, "Personality in Adulthood", *Journal of Personality and Social Psychology*, P. 10.

موجب احساس افتخار، عزت و رضایت‌مندی است.^۱ تحقیقات نشان می‌دهد که تولد فرزند سبب تقویت حرمت خود در والدین می‌شود. زوج‌های جوان با تولد فرزند، احساس مفید بودن و مولد بودن می‌کنند.^۲ افزون بر این، تربیت هر فرزند سبب رشد صفات اخلاقی ارزشمندی می‌شود؛ صفاتی مانند گذشت و فداکاری، دوری از خودخواهی، توجه به نیازهای دیگران، صبر و سعه صدر.

۳-۲. آثار و فواید جسمانی

والدین به دلیل عشق به فرزندان و احساس مسئولیت در برابر سلامت و رشد آنان، بیشتر مراقب سلامت خود هستند تا بتوانند به فرزندشان رسیدگی کنند و مبادا بیماری یا مرگشان، سبب تنهایی و آسیب به فرزندانشان شود؛ از این رو فرزندآوری سبب تقویت انگیزه مراقبت از خویش برای رسیدگی به فرزندان می‌شود. علاوه بر آن، فرزندآوری برای زنان فواید بیشتری دارد. برخی از فواید بارداری، زایمان و شیردهی برای زنان از نظر پزشکی به اختصار عبارت است از:

- در دوران بارداری خون مادر که فردی بالغ است با خون جوان‌ترین ارگانیسم، یعنی جنین، با هم مخلوط می‌شود و این اختلاط منجر به جوان‌سازی سلول‌های حیاتی مادر در همه عضلات و سیستم عصبی مرکزی می‌شود.
- دانشمندان بر اساس برخی آزمایش‌ها و تحقیقات اعلام کرده‌اند: «مادرانی که تازه صاحب فرزند شده‌اند، حافظه بصری قوی‌تری دارند و در مقایسه با زنانی که فرزند ندارند، بهتر می‌توانند اطلاعات اطراف خود را به خاطر بسپارند. همچنین تحقیقات حاکی از آن است که داشتن فرزند موجب بهبود حافظه مادران می‌شود».^۳
- «حاملگی موجب پیشگیری از سرطان سینه می‌شود. هرچه سن اولین بارداری پایین‌تر باشد، این اثر محافظتی بیشتر است. به طور خاص زنانی که فرزند اول خود را قبل از بیست‌سالگی به دنیا آورده‌اند، در مقایسه با زنان بدون فرزند ۵۰ درصد کمتر به سرطان سینه مبتلا می‌شوند».^۴

1. Hansen, 2012, PP. 10-11.

۲. جمعی از نویسندگان، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، ج ۱، ص ۳۴۳. همان.

4. Breast Cancer Res. 2005;Pregnancy and the risk of breast cancer. Britt K1, Ashworth

- «بارداری سبب جلوگیری از ایجاد فیبروم در رحم می‌گردد [فیبروم‌ها شایع‌ترین علت هیستریکتومی یا درآوردن رحم هستند]. هرچه سن اولین بارداری کمتر باشد، ریسک ابتلا به فیبروم کاهش می‌یابد و هرچه تعداد بارداری بیشتر باشد احتمال فیبروما کمتر می‌شود»^۱.
- «شیردهی باعث کاهش سرطان سینه، رحم و تخمدان می‌گردد»^۲.
- «زنانی که دست‌کم به مدت دو سال تجمیعی، شیردهی داشته‌اند، در آینده کمتر به بیماری‌های قلبی عروقی مبتلا می‌شوند»^۳.

♦ برای مطالعه بیشتر

«تحقیقات جدید نشان می‌دهد که مادر شدن، خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و بیماری‌هایی مانند سرطان را کاهش می‌دهد. همچنین داشتن فرزندان پرشمار، از خطر ابتلا به سرطان سینه در زنان می‌کاهد. حاملگی منجر به بازسازی سلول‌های آسیب‌دیده قلب می‌شود و بارداری در سنین بالا منجر به از بین رفتن بیشتر ضایعات ناشی از سکت‌های قلبی کوچک و بزرگ و جوان‌سازی سلول‌های قلبی می‌شود. امروزه استفاده از فاکتورهای مترشح‌ه از جفت در درمان بالینی سلول‌های قلبی به یک اقدام قابل قبول تبدیل شده است. علاوه بر آن حاملگی قدرت جوان‌سازی سلول‌های کلیوی را به اثبات رسانده است.

بر اساس منابع تخصصی پزشکی، هر بار بارداری فواید اثبات‌شده‌ای برای سلامت بدن مادر دارد و در مقابل بسیاری از بیماری‌ها برای او اثر محافظت‌کنندگی ایجاد می‌کند. برای مثال، حتی داشتن یک فرزند به میزان زیادی مادر را در مقابل سرطان تخمدان محافظت می‌کند و این خطر را تا ۴۰ درصد کاهش می‌دهد.^۴

همچنین بر اساس تحقیقات انجام‌شده در مرکز تحقیقات سرطان سینه آمریکا که نتایج آن

A, Smalley 16/j.molmed.2013.11.002. Epub 2013 Dec 16. How pregnancy at early age protects against breast cancer. Meier-Abt F1, Bentires-Alj M2. - Breast Cancer Research: Heike Brinkhaus, and Mohamed Bentires-Alj. & Cumulative Risk of Breast Cancer to Age 70 Years According to Risk Factor Status: American Journal of Epidemiology, Volume 152, November 2000, Pages 950-964, & - Pregnancy-induced changes in cell-fate in the mammary gland Melanie R Ginger and Jeffrey M Rosen.

1. Berek & Novak, s, 2012.
2. Speroff's L, Clinical gynecologic endocrinology and infertility, 8th. ed, c2011.
3. Arteriosclerosis, Thrombosis, and Vascular Biology Estrogen Mediates the Protective Effects of Pregnancy and Chorionic Gonadotropin Female Sex Hormones and Cardiovascular Disease in Women the Journal of Clinical Endocrinology & Metabolism, Volume 82, Issue 12, 1 December 1997, Pages 3913-3918, <https://doi.org/10.1210/jcem.82.12.4443>.
4. Berek & Novak, s, 2012.

در سال ۲۰۰۵م به چاپ رسید، میزان سرطان سینه در زنانی که هیچ‌گونه بارداری و زایمانی نداشته‌اند، نسبت به افرادی که تجربه زایمان داشته‌اند، به‌طور معناداری بیشتر بوده است.^۱ «مادر شدن باعث تغییر مغز زن از لحاظ ساختار عملکردی و بسیاری از رفتارها، برای همیشه می‌شود. بررسی‌های عصب‌شناختی نشان می‌دهند در ژنتیک زنان عواملی برای رفتارهای مادرانه نهفته است. این رفتارها با هورمون‌های بارداری شروع، با تولد نوزاد فعال و با نزدیک شدن به کودک و تماس جسمانی با وی تقویت می‌شوند. ویژگی‌های نوزاد و بروز نشانه‌های عاطفی در مادر باعث ترشح هورمون‌هایی در مغز مادر می‌شود که مواد شیمیایی مختلفی را ساخته و هورمون اکسی‌توسین مدارهای مغزی مادرانه را تقویت می‌کنند. به نظر برخی از دانشمندان، مادر شدن باعث تحریک هوشمندی زنان می‌شود و می‌تواند حافظه و توانایی‌های ذهنی و فکری زنان را افزایش دهد؛ به عبارت دیگر، مغز هر زن پس از باردار شدن به نحوی تغییر شکل پیدا می‌کند تا بتواند خود را برای چالش‌های جدید در رشد جنین، تولد، تربیت و تغذیه کودک آماده کند. بعد از تولد نوزاد، مغز مادر تغییر می‌کند؛ به‌طوری که برای محافظت از کودکش برای انجام هر کاری آماده است. سطح هوشیاری مادر برای مراقبت از فرزندش چندین برابر می‌شود؛ مراکز بینایی، صوتی و حرکتی مادر برای زیر نظر گرفتن و حفاظت از کودک بسیار حساس می‌شوند. در این زمان، مادران نسبت به زنانی که مادر نیستند حافظه فضایی بهتری پیدا می‌کنند. یکی از مراحل مادری، تغذیه نوزاد با شیر مادر است. زمانی که کودک از سینه‌های مادر تغذیه می‌کند، اکسی‌توسین، دوپامین و پرولاکتین در مغز مادر بسیار ترشح می‌شود. افزایش ترشح این هورمون‌ها باعث می‌شود که آرامش، احساس راحتی و احساس عاشقانه در مادر ایجاد شود. در این هنگام ترشح اکسی‌توسین در مغز کودک نیز افزایش پیدا می‌کند و باعث ایجاد آرامش در کودک می‌شود. علاوه بر آن، تماس چشمی و پوستی پدر و نوزاد فرایندهای بیولوژیکی در بدن پدر نیز ایجاد می‌کند که باعث آرامش وی می‌شود. این ارتباطات بین نوزاد و والدین باعث ترشح هورمون‌های دوپامین و اکسی‌توسین در آنها و در نتیجه ایجاد عشق و علاقه بین نوزاد و والدین می‌شود. درواقع چهره و صدای کودک قسمتی از مغز به نام بخش «غریزی والدین» در پدر و مادر را فعال می‌کند. زمانی که والدین کودک خود را می‌بوسند و کودک لبخند می‌زند، درواقع سیستم پاداش [NAC= و هسته اکومبنس] در مغز والدین فعال می‌شود و در این زمان والدین از پدر یا مادر شدن لذت می‌برند و حس خوشایندی در آنها ایجاد می‌شود. مغز پدرانه برای اینکه بتواند در نگهداری و بازی با کودکش موفق باشد، نه تنها به هورمون‌ها و مدارهای مغزی نیاز دارد، بلکه به لمس فیزیکی کودک نیز نیازمند است. بررسی پری‌فرونتال مغز [= بخش تفکر و تصمیم‌گیری در مغز] پدران نسبت به مردانی که

پدر نشده‌اند، نشان داده است که ارتباطات مغزی بیشتری در این منطقه به وجود آمده است. این بخش گیرنده‌هایی برای هورمون‌های پدران، شامل پرولاکتین و اکسی‌توسین و وازوپرسین دارد.^۱

ح ۳-۳. آثار و فواید خانوادگی

یک. استحکام خانواده: «والدین به لحاظ ایجاد شبکه ارتباطی جدید پس از تولد فرزند، جاذبه‌ها و دل‌مشغولی‌های تازه‌ای می‌یابند که مرکز ثقل آن «فرزند» است. مشاهده ناتوانی‌های نوزاد، حس مسئولیت و شفقت را در والدین برمی‌انگیزد؛ از این رو آنها با کمک یکدیگر، همه توان خویش را برای حمایت از او به کار می‌گیرند. بنابراین فرزند که در آموزه‌های دینی از او به «جگرگوشه والدین»^۲ یاد شده، در استحکام و تداوم حیات خانواده نقش مثبتی دارد و پدر و مادر حاضر نیستند به راحتی این جگرگوشه خود را با اختلاف یا طلاق آزرده خاطر کنند.^۳ پژوهش‌ها نشان می‌دهد که «خانواده‌های بی‌فرزند در ایران بیش از خانواده‌های دیگر در معرض گسست قرار دارند»^۴ و وجود فرزند باعث استحکام خانواده می‌شود.

دو. پویایی خانواده: یکی از عوامل پایداری زندگی، داشتن تنوع مناسب است. در مقابل، یکنواختی موجب ملال و سرخوردگی و تضعیف مناسبات بین اعضای خانواده می‌شود. تولد فرزند جدید، فرصتی برای تنوع بخشیدن به زندگی و رهایی از دل‌تنگی است. همان‌گونه که دیدن رویش گل‌ها و گیاهان، حس حرکت و بالندگی را در آدمی بیدار می‌کند، تماشای صحنه‌های دلپذیر رشد کودکان، والدین را به وجد می‌آورد و موجب پویایی و انگیزش آنان می‌شود. اضافه شدن فرزند به جمع خانواده، شتاب خاصی به آهنگ زندگی می‌بخشد. ویل دورانت در توصیف حالات پدر و مادر می‌نویسد:

این زن است که توانایی‌های تازه‌ای به دست آورده، مادری چنان شکیبا و مهربان شده که حتی در هنگام هیجان و شدت عشق نیز سابقه نداشته است... و این مرد مسئولیتی می‌پذیرد که او را پخته کرده، افق دیدش را وسیع می‌سازد و از یک حس پدری عمیق که ناگهان فرامی‌رسد، لذت می‌برد.^۵

۱. نک: صالحی و اختر، تفاوت جنسیتی در عملکردهای مغز و رفتار از دیدگاه نوروبیولوژی، ص ۹۴-۱۰۶.

۲. «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: الْوَلَدُ كَيْدُ الْمُؤْمِنِ...» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲)

۳. پناهی، همسرگزینی، چرا و چگونه؟، ص ۲۶۰.

۴. نک: ساروخانی، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ص ۷۱-۶۷.

۵. دورانت، تاریخ فلسفه، ص ۱۷۹-۱۷۸.

سه. گسترش ارتباطات خانوادگی و اجتماعی: خانواده ابتدا متشکل از زن و شوهر است و روابط آنها نیز در محدوده‌ای خاص است. با تولد اولین فرزند، باب جدیدی در روابط انسانی خانواده گشوده می‌شود. این گسترش رابطه، افزون بر تغییر کمی، سبب تغییر کیفی رابطه آنها نیز می‌شود؛ بدین ترتیب ارتباطات جدید آکنده از دل‌بستگی‌های خاص می‌شود. شاید آمدن فرزند به جمع خانواده در ابتدا باعث شود زن و شوهر در رفتن به برخی محافل دچار محدودیت شوند، اما همین تازه‌وارد باعث می‌شود که آنها دوستان خانوادگی جدیدی پیدا کنند. همچنین وجود کودک، توجه دیگران به خانواده او را نیز در پی خواهد داشت و در نتیجه از حمایت اجتماعی بیشتری بهره‌مند خواهند شد که همین امر در افزایش سلامت خانواده مؤثر است.

از سوی دیگر از نظر اسلتر (۱۹۶۴م)، فرزندان موجب تقویت پیوندهای اجتماعی می‌شوند. آنها در زمانی که کوچک‌اند، موجب دریافت کمک‌های اقوام و آشنایان می‌شوند و هنگامی که بزرگ می‌شوند در خدمت و کمک والدین به اقوام و آشنایان، به آنها کمک می‌کنند.^۱

نوماگوچی و میلیکی، آسایش روانی و روابط اجتماعی ۱۹۳۳ نفر را در دو موج پیمایش ملی خانواده‌ها و خانوارها در آمریکا که به فاصله شش تا هفت سال انجام شده‌اند، با هم مقایسه می‌کنند؛ این افراد در موج اول (۱۹۸۷-۱۹۸۸م) بدون فرزند و در موج دوم (۱۹۹۲-۱۹۹۴م) صاحب فرزند بودند.^۲ محققان به این نتیجه می‌رسند: در میان زنانی که در زمان تحقیق متأهل‌اند، داشتن فرزند موجب پیوستگی اجتماعی بیشتر و افسردگی کمتر می‌شود و نیز فرزند موجب افزایش روابط با خویشاوندان، دوستان و همسایگان است.^۳ هافمن^۴ تحقیقی بر روی خانواده‌های دارای فرزند انجام داد و چنین نتیجه گرفت: «فرزند بر فرایند اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری والدین تأثیر می‌گذارد. موارد زیر از نتایج پژوهش اوست:

- کودکان به پدر و مادر اعتبار بخشیده، آنان را از تنهایی نجات می‌دهند؛
- کودکان با حضور خود، به بزرگ‌سالان، به خصوص زنان، هویت اجتماعی می‌بخشند؛

1. Gall agher&Gerstel, 2001: 226.

2. Nomaguchi& Milkic, 2003: 356

3. Ibid: 370.

4. Lynn Hoffman.

- آنها والدین خود را از طریق فعالیت‌هایشان در مدرسه و مراکز تفریحی سالم و محیط همسایگی، با جامعه پیوند می‌دهند؛

- چون والدین بیش از افراد بی‌فرزند دارای تأیید اجتماعی هستند، کودکان علاوه بر کسب شخصیت، بر اعمال نفوذ والدین نیز می‌افزایند.^۱ بنابراین فرزندآوری جنبه‌ای کلیدی برای اجتماعی شدن بیشتر مردم در همه فرهنگ‌هاست.

فایده دیگر فرزندآوری: زمانی که پسر و دختر ازدواج می‌کنند و دارای فرزند می‌شوند، ارتباطشان با والدین خودشان تقویت می‌شود؛ زیرا تازه نقش پدری و مادری را تجربه می‌کنند و به ارزشمندی آن پی می‌برند. این امر سبب گسترش ارتباطات خانوادگی می‌شود. چهار انتقال ارزش‌های فکری، اخلاقی و معنوی^۲ و دارایی مادی زن و شوهر به نسل‌های بعد: سعدی گوید:

در طفلی آنچه دیده بشر مهر مادری تحویل می‌دهد به بزرگی به دیگری

۳-۴. آثار و فواید معنوی

در قرآن و روایات به پدران و مادران، برخورداری از اجر و ثواب عظیم الهی وعده داده شده است. این اجر به ازای رنج فرزندآوری و زحمات بارداری و زایمان و شیردهی و پرورش فرزند به مادران و تحمل رنج کسب معاش و تأمین نیازمندی‌های فرزندان و تربیت آنها به پدران عطا می‌شود؛ رنجی شیرین که عاقبتی نیک دارد. این طبق قاعده‌ای کلی است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «اطرافِ نعمت‌های ابدی بهشتی را دشواری‌ها فراگرفته است».^۲

موانع فرزندآوری

۱. موانع فرهنگی، اجتماعی

ارزشمندی ازدواج و فرزندآوری بر کسی پوشیده نیست، ولی به رغم وضوح فواید فرزندآوری، برخی از آن امتناع می‌کنند. تحقیقات انجام‌یافته در ایران نشان‌دهنده آن است که

1. Lois Wladis Haffmon, *The Value of Children to Parents in the united states- Journal of Population*, P. 91 - 131.

۲. مقام معظم رهبری ﷺ می‌فرماید: «مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند». (۱۳۸۴/۵/۵)

۳. «حَفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ...» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۷۲)

عوامل فرهنگی نقش بسیاری در کنترل باروری و کاهش فرزندآوری داشته؛ از جمله آنکه «هرچه افراد فردگراتر بوده‌اند نگرش آنها نسبت به کنترل باروری مثبت‌تر بوده و بیشتر مانع فرزندآوری شده‌اند»^۱ یا «شاخص دل‌سرد کردن از طریق خانواده و اطرافیان بیشترین تأثیر را در ایجاد نگرش منفی به فرزندآوری داشته است»^۲. «برخی شبکه‌های اجتماعی نیز با طرح چالش‌های مختلف علیه نقش مادری در صدد تحقیر نقش مادری‌اند. حتی در فضای مجازی «چرخش‌هایی علیه مادری» با دو شیوه ترویج می‌شود:

اول آنکه فرزندآوری و فرزندپروری را تجربه‌ای منفی می‌دانند که احتمال تهدید سلامت مادران را افزایش می‌دهد و به افرادی که می‌خواهند مادر شوند، هشدار سلامت می‌دهند. دوم آنکه استدلال می‌کنند بچه داشتن، غیرمسئولانه است و هر فرزند تهدیدی علیه بقای سایرین است؛ زیرا منابع طبیعی در حال اتمام است. در این روایت‌های ضد مادری و ضد فرزندآوری، از عبارت «تأسف مادرانه»^۳ استفاده و مطرح می‌شود که بسیاری از مادران از داشتن فرزند ابراز پشیمانی و تأسف می‌کنند.^۴

این گفتمان در صدد القای انصراف از والد شدن، بهنجارسازی تأسف مادرانه، بیگانگی با نقش مادری و معرفی مادری به عنوان نقشی پرزحمت و ملال‌آور است و بیان می‌کند بچه‌دار شدن بلندپروازی‌های زن را عقیم می‌کند و کیفیت زندگی‌اش را می‌کاهد. این نحوه تبلیغات فضای مجازی، جوانان را از شوق بزرگ شدن و آرزوی والد شدن و بر عهده گرفتن مسئولیت بازداشته و به سمت خودمحوری و خودخواهی سوق می‌دهد.^۵

♦ برای مطالعه بیشتر

امروزه به دلیل برخی کجروی‌های اعتقادی، بعضی تا آنجا پیش رفته‌اند که هم خانگی با حیوانات به ویژه سگ را بر فرزندآوری ترجیح می‌دهند و معتقدند حیوان خانگی فرزند بی‌دردسر و کم‌هزینه است. این افراد معمولاً در برقراری ارتباط با انسان‌ها کم‌توان بوده و ارتباطات اجتماعی‌شان ضعیف است؛ از این رو ارتباط با حیوان و به ویژه حیوان عاطفی به نام سگ را جایگزین بسیاری از ارتباطات انسانی خود نموده‌اند.^۶ این افراد علاوه بر

۱. رستگار خالد و محمدی، «جهت‌گیری ارزشی زنان و کنترل باروری»، ص ۲۹-۷.

۲. سفیری و دیگران، «بررسی جامعه‌شناختی نگرش مثبت به فرزند».

3. Regretting mother hood.

۴. فوردی، اسپایکد، «چرخش علیه مادری»: www.tarjomaan.com.

۵. محبی، واکاوی مسائل خانواده، تمایل به فرزندآوری، بازدارنده‌ها و راهبردها، ص ۶۵.

۶. نک: اکرم تقی‌پور، روان‌شناس و مشاور خانواده: www.imna.ir/news.

عجز در برقراری ارتباط با انسان‌ها، گاه برای جلب توجه، اقدام به این نحوه زندگی می‌کنند. البته تأثیر برخی شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای یا شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی که مروج سبک زندگی غربی هستند را نمی‌توان در رواج این نحوه زندگی نادیده گرفت. برخی نکات توجه‌برانگیز در این سبک زندگی عبارت‌اند از:

یک. نگهداری از حیوانات در خانه گاه باعث گسترش بیماری‌های مشترک میان انسان و حیوان می‌شود؛ از جمله: بیماری هاری، آلرژی و حساسیت شدید، بیماری سالک که بیماری پوستی طولانی‌مدت است، بیماری‌های انگلی.^۱

دو. همان‌گونه که انجام مسئولیت‌های خانوادگی هزینه دارد، نگهداری از سگ نیز هزینه‌هایی دارد: هزینه خوراک، هزینه دامپزشک برای رسیدگی منظم در کلینیک و هزینه داروها به‌ویژه قرص انگل. برخی، هزینه اصلاح موها و کوتاه کردن ناخن‌ها را نیز به آن می‌افزایند، با این تفاوت که فایده حاصل از این هزینه‌ها، فاقد ارزش معتبری است.

سه. به هم زدن محیط زیست به دلیل حمایت از فرزندآوری سگ‌ها؛ خصوصاً با توجه به اینکه تعداد فرزندان هر سگ در هر بار زایمان زیاد است و در مدت زمان کوتاهی تعداد آنها در شهرها فراوان شده و باعث مزاحمت برای شهروندان خواهد شد. در مواردی نیز سگ‌ها سبب آزار کودکان در پارک‌ها شده‌اند.

چهار. تنزل مقام انسانی فرد؛ زیرا قدر و منزلت هر فرد، در منزلت هم‌نشینان او آشکار می‌شود. سعدی شیرازی گوید:

هم‌نشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید

افرادی که هم‌نشین خود را سگ انتخاب کرده‌اند، منزلت خود را تا حد حیوان پایین آورده‌اند؛ حال آنکه شرح حال انسانی که توانایی اندیشه بیکران و خلاقیت و نوآوری و اثرگذاری فراوان دارد، این سخن مولوی است:

خود ز فلک برتریم و ز ملک افزون‌تریم زین دو چران گذریم منزل ما کبریاست

پنج. از نظر فقهی سگ نجس است و خرید و فروش سگ نگهبان و سگ شکاری که فایده عقلایی بر آن مترتب است، جایز بوده و خرید و فروش سگ با عنوان حیوان خانگی هم‌نشین با فرد، حرام است و این معامله باطل خواهد بود.

امروزه مهم‌ترین موانع فرزندآوری عبارت‌اند از: مشکلات اقتصادی و هزینه‌های زیاد تربیت فرزندان؛ نگرانی از مسئولیت‌های بچه‌داری و محدودیت‌های آن؛ نگرانی از تربیت صحیح فرزندان و نیز نگرانی از آتیه و آینده فرزندان؛ اشتغال و نگرانی‌های مربوط به آینده شغلی زنان متأهل؛ ناسازگاری فرزندآوری با محدودیت‌های کنونی آموزش عالی؛

۱. نک: رضوی، «احکام نگهداری حیوان خانگی نجس العین (کلب) در منزل از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام و علوم پزشکی».

هزینه‌های دوران بارداری، زایمان و شیرخوارگی فرزندان؛ ضعف خدمات اجتماعی مادر و کودک در محیط اجتماعی، اداری و آموزشی؛ قبح‌زدایی و شیوع انواع سقط جنین؛ شیوع ناباروری و هزینه‌های سنگین درمان ناباروری و محدودیت مراکز درمان؛ ترس از زایمان و شیوه غیراستاندارد سزارین که عامل محدودیت تعداد بارداری‌ها می‌شود؛ از همه مهم‌تر: نهادینه شدن فرهنگ «فرزند کمتر، زندگی بهتر».

پژوهش‌های انجام‌یافته در سایر کشورها نیز هرچند آثار ارزشمندی را برای فرزندآوری اثبات کرده‌اند، برخی تحقیق‌ها نیز تأثیر فرزند در رضایت والدین و تمایل به فرزندآوری را تحت شرایطی، منفی ارزیابی کرده‌اند؛ برای نمونه: شیلد و وودن با استفاده از داده‌های ۱۳۹۶۹ نفر در موج اول پیمایش «خانوار، درآمد و پویایی‌های شغلی در استرالیا در سال ۲۰۰۱م» به این نتیجه رسیدند که حضور فرزندی که به والدین وابسته است، رضایت زندگی والدین را کاهش می‌دهد و این تأثیر منفی با افزایش تعداد فرزندان بالا می‌رود؛ اما اگر فرزندان بزرگ‌تر شوند و از خانه پدری خارج شوند، آنگاه در رضایت والدینشان تأثیر مثبت دارند.^۱ آنجلیز نیز تأثیر فرزندی که در کنار پدر و مادر زندگی می‌کنند، در رضایت زندگی را با استفاده از داده‌های پیمایش خانوارهای بریتانیایی از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵م و مشتمل بر ۸۹۰۰۰ مشاهده بررسی کرده است. مطابق این تحقیق، در مورد کسانی که ازدواج کرده‌اند و با هم زندگی می‌کنند (۴۹۰۰۰ نفر از ۸۹۰۰۰ پاسخ‌گو) داشتن فرزند، به طور کلی تأثیر مثبتی در رضایت از زندگی دارد و با افزایش تعداد فرزندان این تأثیر مثبت افزایش می‌یابد؛ ولی در خصوص کسانی که از همسران خود جدا شده‌اند، هم‌خانه‌ها و کسانی که ازدواج نکرده‌اند و از روابط آزاد جنسی صاحب فرزند شده‌اند، تأثیر داشتن فرزند منفی است. مطابق این پژوهش‌ها، در نظام‌هایی که حمایت‌های مختلفی مانند مرخصی‌ها و امکانات نگهداری فراهم می‌شود، مادران برای نگهداری فرزندان فشار کمتری متحمل می‌شوند؛ لذا رضایتشان بیشتر است. همچنین در نظام‌های فرهنگی‌ای که مادر بودن اهمیت بسزایی در هویت زنانه دارد، داشتن فرزند می‌تواند به زندگی‌شان بسیار معنا ببخشد.

برخی تحقیقات دیگر نشان می‌دهد در جوامعی که تأمین مخارج زندگی مشترکاً بر عهده پدر و مادر است و والدین در سنین جوانی برای کسب درآمد و اعتبار شغلی نیازمند

1. Shields & Wooden, "Marriage, children and subjective well-being", (2003), p. 5.

2. Ibid: 530.

حضور بیشتر در محل کار هستند، مراقبت از فرزندان به آنها فشار بیشتری می‌آورد؛ به ویژه آنکه فرزندان در سنین کودکی نیازمند مراقبت و نگرانی بیشتری هستند. ولی فرزندان در سنین بزرگسالی، ضمن آنکه از منزل خارج می‌شوند، ممکن است حتی کمک خرج خانواده‌های خود شوند؛ لذا موجب رضایت اقتصادی و رضایت از زندگی آنها می‌شوند. اما برخی تحقیقات به نتیجه عکس رسیده‌اند. آنها لذت عاطفی والدین از فرزندان و در نتیجه رضایت از زندگی را در سنین کودکی بیشتر می‌دانند؛ زیرا ممکن است با بزرگ شدن فرزندان، مسائل و تنش‌های آنها با والدین بیشتر شود. نکته مهم آن است که تأثیر فرزند در نظام‌های اجتماعی مختلف، متفاوت است. در نظام‌هایی که حمایت بیشتری از والدین می‌شود، در سنین جوانی اضطراب‌ها و فشارهای ناشی از مراقبت فرزندان کاهش می‌یابد و لذا رضایت بیشتری مشاهده می‌شود. همچنین در نظام‌هایی که مراقبت و حمایت در دوران سالمندی والدین، کمتر به فرزندان وابسته باشد، رضایت حاصل از فرزندان کمتر است، و اگر این وابستگی زیاد باشد، رضایت بیشتر خواهد بود.

«حاصل پژوهش‌های انجام‌یافته آن است که تنوع یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهد، رضایت زندگی در فرزندآوری، پیوند نزدیکی با تأمین نیازهای بنیادین انسان‌ها دارد، به‌طوری که رضایت، محصول تأمین این نیازهاست؛ اما رضایت تنها در حالتی که همه نیازها تأمین شده باشند حاصل نمی‌شود، بلکه ممکن است برخی نیازها تأمین باشند و برخی تأمین نباشند، اما باز هم رضایت حاصل شود.

این موضوع «ترکیب تأمین نیازها» نامیده می‌شود. آمدن فرزند می‌تواند هم نیازآفرین باشد و هم تأمین‌کننده نیازها. رضایت و نارضایتی را باید از دو جهت در نظر گرفت:

یکی سختی‌ها و هزینه‌های نگهداری فرزند و یکی معنابخشی داشتن فرزند. والدین در عین اذعان به دردسرهای مشکلات نگهداری فرزند، او را با ارزش‌ترین چیز در دنیا برای خود می‌دانند و حضور او در زندگی‌شان بسیار معنابخش است. بنابراین فرزند در عین سختی لذت نیز دارد. در نظام‌های اجتماعی که هنوز «خانواده گسترده»^۱ الگوی غالب خویشاوندی است، امکانات نگهداری با کیفیت و کم‌هزینه فرزندان از سوی اقوام وجود دارد. این امر موجب کاهش فشار مسئولیت نگهداری بر والدین و افزایش رضایت زندگی می‌شود؛ اما در

۱. خانواده گسترده به خانواده متشکل از زن و شوهر و فرزندان، همسر یا کودکان فرزندان ازدواج کرده و گاهی برخی دیگر از بستگان اطلاق می‌شود.

«خانواده‌های هسته‌ای»^۱ این مزیت وجود ندارد. علاوه بر آن در خانواده‌هایی که تأمین مخارج زندگی بر عهده پدر است، مادران در ایام بارداری و خردسالی فرزند دغدغه اشتغال و کسب درآمد نداشته و فرصت مناسبی برای رسیدگی به فرزندان دارند؛ از این رو نسبت به فرزندآوری رضایت بیشتری دارند. از سوی دیگر، در نظام‌های فرهنگی که داشتن فرزند اهمیت دارد، نیاز به احترام با آمدن فرزند، در والدین بیشتر تأمین شده و موجب افزایش رضایت می‌شود. در حالی که در جوامعی که فرزند اهمیت کمتری دارد، موجب احترام و در نتیجه رضایت چندانی برای والدین نمی‌شود.^۲ در خانواده‌هایی نیز که فرزندان از کودکی می‌آموزند به والدین احترام بگذارند و در جوانی به والدین خود رسیدگی کنند، رضایت از فرزندآوری بیشتر است.

۳ راه کارهای رفع موانع فرهنگی اجتماعی فرزندآوری

با توجه به آنچه درباره فواید فرزندآوری و آنچه درباره موانع فرهنگی اجتماعی آن بیان شد، باید موانع را از طریق تصحیح باورهای اعتقادی برطرف کرد؛ از جمله: ایجاد نگاه مقدس به نقش مادری و پدری، توجه به فواید وجود فرزندان در خانواده، عاقبت‌اندیشی و دورنگری و توجه به آینده آمیدآفرین سالمندی همراه با حضور فرزندان جوان توانمند. برخی موانع دیگر را باید از طریق ایجاد حمایت‌های اجتماعی از فرزندآوری و ارزش‌گذاری بستگان و جامعه برای فرزنددار شدن و نیز ارتقای مهارت‌های فردی و خانوادگی در جمع بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی، از بین برد. برای رفع دغدغه تربیت فرزندان نیز باید با توکل به خداوندی که هم خالق است و هم رب و تربیت جهانیان به دست اوست، روش‌های تربیت صحیح فرزندان را آموخت و به کار برد و به آینده فرزندان امیدوار بود. کودکان با فطرت پاک به دنیا می‌آیند و تلاش پدر و مادر این پاکی را حفظ کرده، آنها را رشد خواهد داد. بنابراین زوج‌ها باید برای افزایش نسلی سالم و صالح اقدام کنند که لازمه آن بارداری‌های هوشمندانه به تناسب امکانات، همراه با اقدامات لازم برای تسهیل امر فرزندپروری است؛ اقداماتی همچون: تعدیل روحیه ایدئال‌گرایی در تأمین رفاه فرزندان، ایجاد فرهنگ قناعت و میانه‌روی در خانواده، ایجاد فرهنگ تقسیم‌کار عادلانه بین پدر و مادر برای

۱. خانواده هسته‌ای به خانواده متشکل از زن و شوهر و فرزندان اطلاق می‌شود.

۲. عالمی نیسی، «فراتحلیل تحقیقات تجربی پیرامون رضایت از زندگی و تعداد فرزندان در کشورهای مختلف»، ص ۳۷.

تربیت فرزند، برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی از حمایت صمیمانه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و سایر بستگان در فرزندپروری، ایجاد ارتباط با دوستان همفکر دارای فرزند برای تبادل اطلاعات و تجربیات و سهمیم نمودن یکدیگر در شادی فرزندپروری (از طریق میهمانی‌ها یا ارتباط در گروه‌های دوستدار کودک در فضای مجازی) و اعتماد به وعده‌های الهی و رزاقیت خداوند. حضرت علی علیه السلام در روایتی به نقل از موعظه لقمان به فرزندش فرموده است:

خداوند تبارک و تعالی بنده‌اش را در سه مرحله از خلقتش روزی می‌دهد که در آن مراحل انسان تلاشی نمی‌کند و تدبیری نمی‌اندیشد؛ بنابراین در مرحله چهارم نیز او را نیازمند رها نخواهد ساخت: نخست، وقتی او در رحم مادر در جایی محکم قرار گرفته، به او روزی می‌دهد و او در گرما و سرما اذیت نمی‌شود. سپس او را از این حالت خارج کرده، برای او روزی‌ای از شیر مادرش که برای او کافی است، عطا می‌کند و او را رشد می‌دهد بدون آنکه خودش قدرت رفع نیاز خود را داشته باشد. سپس او را از این حالت خارج کرده و روزی او را در تلاش پدر و مادرش که به او مهربانی و لطف نموده، برای او زحمت می‌کشند، قرار می‌دهد، به طوری که قلب‌های این دو، تنها در تصرف اوست، او را در حوادث گوناگون بر خود ترجیح می‌دهند، تا اینکه بزرگ و عاقل شود و به دنبال روزی رود. در این زمان وقتی دچار فشار و سختی می‌شود، به خداوند بدبین می‌گردد و حق خداوند را در مالش انکار می‌کند و در خرج کردن مال برای خود و خانواده‌اش خست می‌ورزد و علت آن این است که از کمی روزی می‌ترسد و به وعده خداوند تبارک و تعالی در مورد تأمین حال و آینده‌اش بدبین است. فرزندم، چه بد بنده‌ای است این فرد.^۱

انسان باایمان به دلیل اعتقاد به رزاقیت خداوند و ضمانت روزی بندگان از جانب او، به علت ترس از مشکلات اقتصادی مانع فرزندآوری نمی‌شود؛ زیرا به این کلام خداوند در قرآن کریم باور دارد: «ما رازق شما و فرزندان شما هستیم».^۲

بنابراین با اعتقاد به برکت الهی و با امید به رحمت او، با اراده و تلاش و تدبیر، در تحصیل این رزق و روزی کوشش می‌کند. بنابراین مؤمنان با احتساب هزینه فایده فرزندآوری، ناظر به منافع فردی و جمعی این امر و با توجه به منافع پایدار و بلندمدت فرزندان در دنیا و

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۴.

۲. «وَلَا تَقْنَطُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِنَّا كُنْهَ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خِطْلًا كَبِيرًا». (سوره اسراء، آیه ۳۱)

آخرت، برای تولد فرزندان و تربیت نیکوی آنها برنامه‌ریزی می‌کنند. از این رو به همسران جوان توصیه می‌شود:

پس از ازدواج، بارداری را زیاد به تعویق نیندازند و بدانند اگر در جوانی صاحب فرزند شوند، فرزندان سالم‌تری خواهند داشت، با صبر و حوصله بیشتر و بهتر می‌توانند آنان را تربیت کنند و به دلیل فاصله سنی کمتر با فرزندان ارتباطشان با آنها بهتر خواهد بود و لذت بیشتری از جوانی فرزندان خود می‌برند.

این مسئله را نیز فراموش نکنند که پیشگیری از بارداری پس از ازدواج، اگر طولانی مدت شود ممکن است سبب ناباروری گردد. بنابراین کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به یاد داشته باشند: «هرکس دری از خیر به رویش گشوده شود، باید آن را غنیمت شمارد؛ زیرا نمی‌داند آن در، چه وقت به رویش بسته می‌شود».^۱

۲. موانع طبیعی

از دیگر موانع فرزندآوری می‌توان به دخالت عوامل طبیعی از جمله ناباروری یا ختم بارداری (سقط جنین) اشاره کرد.

۱-۲. ناباروری

امروزه یکی از مشکلات خانواده‌های ایرانی، ناباروری بسیاری از زوج‌هاست که افزون بر آثار نامطلوب اجتماعی، بر روابط همسران نیز تأثیر منفی می‌گذارد. «بر اساس برآوردهای تقریبی، شیوع ناباروری در کشور ۱۱ تا ۱۹ درصد برآورد شده است.^۲ بر این اساس در گروه سنی ۲۰-۴۰ سال حدود ۱.۷ میلیون زوج، سابقه ناباروری اولیه و ثانویه دارند و حدود ۸۸ هزار زوج هم هر سال به این تعداد افزوده می‌شوند».^۳

یک. علل ناباروری

ناباروری به معنای ناتوانی زن یا مرد در بچه‌دار شدن است و علل آن ناشی از مشکل فیزیولوژیک در زن یا مرد و یا هر دو است.^۴ «۴۰ درصد از علل ناباروری مربوط به مردان،

۱. «مَنْ فُتِحَ لَهُ بَابٌ مِنَ الْخَيْرِ فَلْيَنْتَهِزْهُ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَتَى يُغْلَقُ عَلَيْهِ». (حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۲۲)

۲. البته در منبع دیگری این برآورد ۱۵ تا ۲۲ درصد ناباروری در بین زوجین است.

۳. نک: «دستورالعمل برنامه حمایت مالی زوج نابارور و توسعه خدمات ناباروری»، ۱۳۹۸.

۴. علل ناباروری عبارت است از:

۴. درصد مربوط به زنان، ۱۰ درصد مربوط به هر دو و ۱۰ درصد نیز نامشخص است.^۱ بسیاری از این علل با انجام آزمایش‌های ساده قابل تشخیص است. امروزه با تکنیک‌های پیشرفته و جدید، راه‌های درمانی بسیاری برای درمان ناباروری وجود دارد. خوشبختانه این دانش در سطح بالایی به شکل بومی در کشورمان توسعه یافته؛ به گونه‌ای که بیشتر روش‌های درمانی با درصد موفقیت زیادی، در مراکز درمانی اجرا می‌شوند. هم‌اکنون ایران از پیشتازان تبدیل ناباروری به باروری در خاورمیانه است و هفتاد مرکز پیشرفته تخصصی و فوق تخصصی درمان ناباروری در کشور فعال اند و به زوج‌های نابارور خدمات ارائه می‌دهند. در ادامه عوامل مؤثر بر ناباروری را بررسی می‌کنیم.

» دو. عوامل مؤثر بر ناباروری

الف. تغذیه ناسالم

«رژیم غذایی صحیح همراه با فعالیت بدنی متعادل و نیز کنترل وزن، در ایجاد تخمک‌گذاری منظم و افزایش قدرت باروری زنان مؤثر است. همچنین مصرف ویتامین‌های E و C، روی و اسید فولیک برای تولید تخمک بسیار اثرگذار است.»^۲ «مصرف ویتامین A نیز در بهبود عملکرد غدد تولیدمثل مؤثر است. افزون بر این، ویتامین‌های گروه B نیز برای تنظیم عملکرد غدد جنسی ضروری هستند. در مقابل، تغذیه ناکافی و ناسالم می‌تواند تأثیر بسیار نامطلوبی بر سیستم باروری بگذارد و حتی عاملی برای ناباروری مردان و زنان گردد.»^۳

ب. شرایط روحی و روانی

«استرس محیطی کاهش تخمک‌گذاری و همچنین افسردگی و اضطراب را در پی خواهد داشت و بر مغز زنان اثر نامطلوبی می‌گذارد که در نهایت سبب تغییر در میزان هورمون‌های اصلی بدن و در نتیجه موجب ناباروری می‌گردد.»^۴

- علل مردانه: اشکال در کمیت و کیفیت اسپرم؛
- علل زنانه: نبود تخمک‌گذاری، انسداد لوله‌های رحمی، سابقه عفونت‌های دستگاه تناسلی و نیز اشکال آناتومیک در دستگاه تناسلی؛

- علل غیرقابل توجه: شناسایی نشدن علت زنانه یا مردانه برای آن.
- ۱. نک: علامه و عابدی، «ناباروری؛ علل، پیشگیری و درمان»، ص ۵.
- ۲. نک: علی‌زاده و دیگران، «نقش تغذیه در باروری زنان و مردان»، ص ۱۰.
- ۳. نک: شیوه زندگی و ناباروری.
- ۴. نک: پیوندی و دیگران، «رابطه اضطراب و افسردگی بیماران نازا با میزان موفقیت سیکل‌های لقاح خارج رحمی TVF»، ص ۱۰.

ج. نوع لباس

«پوشیدن لباس های تنگ و چسبان در مردان سبب بالا رفتن دمای بیضه و باعث آسیب رسیدن به اسپرم ها می شود. این کار علاوه بر کاهش قدرت باروری، با تحت فشار قرار دادن بیضه ها، خون رسانی به آنها را نیز مختل می کند. همچنین پوشیدن شلوار تنگ در زنان چه بسا افزون بر عفونت های مثانه، با کاهش خون رسانی به تخمدان، در درازمدت موجب بروز کیست تخمدانی شود و عفونت های قارچی دستگاه تناسلی را به دنبال آورد»^۱.

د. فعالیت های بدنی

«زنانی که تحرک کافی دارند، در دوران بارداری با مشکلات کمتری مواجه می شوند. اضافه وزن نه تنها بر قدرت باروری زوج ها، بلکه بر سلامت نوزادی که در آینده متولد می شود نیز اثرگذار است»^۲.

ه. تکنولوژی

«آنتن های BTS تلفن همراه به دلیل آنکه تشعشعات الکترومغناطیسی ساطع می کنند، می توانند بر تولید نطفه اثرگذار باشند. به واقع افرادی که بیشتر در معرض این امواج باشند، امکان ناباروری در آنها بیشتر خواهد شد. رایانه های کیفی (لپ تاپ) نیز یکی از منابع میدان های الکترومغناطیسی به شمار می رود. بسیاری از افراد، این رایانه ها را در هنگام استفاده روی پاهای خود قرار می دهند که این شیوه به ویژه در نوجوانان و جوانان ممکن است موجب بروز برخی اختلالات شود؛ از جمله در فرآیند تولید سلول جنسی مردانه. افزون بر این، میدان های مغناطیسی ناشی از رایانه های کیفی می تواند از طریق تأثیر بر میزان تحرک اسپرم ها، قابلیت های تولید مثلی را دچار اختلال کند»^۳.

و. مواد مخدر و مشروبات الکلی

«از سال ها قبل، تأثیر مخرب مواد مخدر بر سلامت عمومی بدن به روشنی ثابت شده است. امروزه نیز اثبات شده که مصرف این مواد، بر سلامت جنسی مرد و زن و قدرت باروری آنها تأثیر مستقیمی دارد. پژوهش ها نشان می دهد که اعتیاد مادران باعث کاهش رشد جنین، زایمان زودرس، احتمال سقط جنین و مشکلات تنفسی در او، فشارخون بالا، پایین بودن وزن

۱. نک: «شش نکته درباره باروری و ناباروری».

۲. مستجابی و دیگران، «مقایسه تأثیر آموزش سنتی و آموزش مبتنی بر مدل فرآیند موازی توسعه یافته بر آگاهی از عوارض چاقی قبل بارداری در زنان»، ص ۸۳.

۳. نک: نامجو، نگاهی نو به سلامت و باروری.

نوزاد به هنگام تولد، تولد نوزاد مرده، جدا شدن زودرس جفت و سندرم مرگ ناگهانی می شود. مشروبات الکلی نیز می تواند از جنبه روانی، جسمانی، رفتاری و ارتباطی، بر زندگی جنسی افراد تأثیر بگذارد و سبب ایجاد آثار نامطلوبی در نسل گردد. الکل همچنین بر روابط جوانان در اجتماع اثر بسیار نامطلوبی دارد و موجب تحریکات بی موقع و نامنظم جنسی و شیوع بیماری های مقاربتی می شود. مصرف الکل در زنان، ضمن ایجاد بی نظمی در چرخه تولیدمثل، موجب تقلیل استعداد باروری و کاهش عملکرد تخمدان می شود و با ایجاد اختلال در سیکل قاعدگی، سبب ناباروری یا سقط جنین و رشد نامناسب جنین می گردد. مصرف الکل در مردان نیز با کاهش تعداد و حرکت اسپرم و کاهش سطح تستوسترون، ناتوانی جنسی را به دنبال می آورد.^۱

ز. برخی روش های پیشگیری از حاملگی

تمایل به دیر بچه دار شدن و استفاده از روش های پیشگیری از بارداری به مدت طولانی می تواند اصل باروری را به خطر بیندازد و منجر به ناباروری شود. طی تحقیقات صورت گرفته، هرچه بارداری و زایمان زودتر اتفاق بیفتد، احتمال نازایی ثانوی، یائسگی زودرس، کمتر است.^۲ علاوه بر آن هرچند روش های پیشگیری از حاملگی با هدف پیشگیری موقت از بارداری انجام می پذیرد، در مواردی ممکن است به ناباروری دائمی بینجامد. برای نمونه، وازکتومی عمل جراحی برای جلوگیری از باروری در مردان است. اگر فردی پس از انجام وازکتومی پشیمان شود و خواهان باز کردن مجدد مجرا شود، این امر از طریق لاپاراسکوپی و جراحی ظریف پلاستیک، آن هم با احتمال موفقیت بسیار ضعیف ممکن خواهد بود. اگر چندین سال از انجام جراحی وازکتومی گذشته باشد، احتمال موفقیت عمل و در نتیجه امکان باروری گاه به صفر می رسد. شایان ذکر است که شیوه زایمان نیز در امکان بچه دار شدن مؤثر است؛ از این رو، سزارین امکان تعدد بارداری را محدود می کند.

سه. درمان ناباروری

امروزه اگر پس از یک سال رابطه زناشویی منظم و صحیح، بارداری اتفاق نیفتد، ابتدا علت ناباروری شناسایی می شود. برای این کار ابتدا شرح حال بیمار بررسی می گردد. سپس زن و شوهر معاینه می شوند و از آنها تست های غربالگری ناباروری گرفته می شود.

پس از روشن شدن علت ناباروری، درمان آن آغاز می شود. این درمان ها عبارت اند از:

۱. نک: نامجو، نگاهی نو به سلامت و باروری.
۲. همان.

دارودرمانی، هورمون درمانی، عمل جراحی یا ترکیبی از آنها. در مواردی نیز بر تغییر روش زندگی تأکید می‌شود. برای نمونه، از آنجاکه چاقی می‌تواند در ناباروری مؤثر باشد، کاهش وزن از طریق اصلاح تغذیه، همراه با انجام فعالیت فیزیکی منظم مانند ورزش روزانه با شدت متوسط (همچون پیاده‌روی سریع) توصیه می‌شود.

نکته دیگری که در موضوع بارداری باید به آن توجه کرد آن است که «اگر زن و شوهر دیر اقدام به فرزندآوری کنند، امکان بارداری کاهش می‌یابد. زنان در سنین بالا با کاهش احتمال رها شدن تخمک‌ها و افزایش خطر سقط مواجه می‌شوند. بالا رفتن سن در مردان نیز با ایجاد اختلال در تعداد و کیفیت اسپرم‌ها و اختلال عملکرد جنسی همراه است؛ بنابراین توصیه به خانواده‌ها، تصمیم به فرزندآوری در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از آغاز زندگی مشترک است»^۱. از آنجاکه هزینه درمان ناباروری معمولاً زیاد است و برخی همسران توانایی تأمین آن را ندارند، قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، مصوب ۱۴۰۰ تدابیری برای حمایت از درمان زوجین نابارور اندیشیده که برخی مواد آن عبارت‌اند از:^۲ تحت پوشش بیمه‌ای قرار گرفتن درمان تمامی زوج‌های نابارور؛ تجهیز و راه‌اندازی یک مرکز تخصصی ناباروری سطح ۲ در دانشگاه علوم پزشکی و سطح ۳ در هر استان؛ حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان تولید اقلام و تجهیزات درمان ناباروری؛ برگزاری دوره تخصصی آموزشی با محتوای درمان ناباروری و ارجاعات مربوطه برای متخصصان زنان و مامایی؛ استقرار متخصصان طب سنتی در مراکز درمان ناباروری.

۲-۲. سقط جنین

مهم‌ترین مانع فرزندآوری که امروزه در جهان رایج شده «سقط جنین» است. «سقط در معنای عمومی به معنای از بین رفتن جنین در طول بارداری است»^۳ و به دو دسته تقسیم می‌شود: **الف. سقط ناخواسته:**^۴ سقطی که بدون دخالت مادر یا پزشک و به صورت خودبه‌خود اتفاق افتاده و مخاطرات جسمی و روحی چندانی ندارد.

ب. سقط القایی:^۵ سقطی است که با دخالت بیرونی و به صورت برنامه‌ریزی شده انجام

۱. نک: «ناباروری و سن».

۲. مواد ۴۰ تا ۴۳ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت».

۳. عباسی، حقوق پزشکی جزا، ص ۷۷؛ گودرزی و کیانی، پزشکی قانونی، ص ۵۹۳.

۴. Miscarriage.

۵. Induced abortion.

می‌شود. این سقط به دو نوع قانونی (مرتبط با سلامت مادر یا معلولیت شدید جنین) و غیرقانونی (سقط جنایی) تقسیم می‌شود.

در بیشتر پژوهش‌های بومی انجام شده در ایران مهم‌ترین دلیل سقط عمدی، قبح‌زدایی از سقط جنین و رسیدن فرزندان به تعداد دلخواه و «نگرش منفی به فرزند بیشتر» بوده است. مطالعات انجام یافته در این زمینه نشان می‌دهد «مهم‌ترین دلایل زنان برای سقط، عدم تمایل به داشتن فرزند بیشتر و فاصله کم با فرزند قبلی است»^۱. «نگرش منفی اجتماع نیز نسبت به تعدد فرزندان، در سقط جنین حاصل از بارداری ناخواسته مؤثر می‌باشد»^۲. «همچنین محدود کردن تعداد فرزندان خانواده از مهم‌ترین عوامل سقط بوده و بعد از آن دلایل اقتصادی و مشکلات زناشویی است»^۳.

مطالعاتی که در نقاط مختلف کشور انجام شده‌اند نشانگر واقعیتی مهم و تکان‌دهنده هستند: سقط جنین بیش از آنکه معلول شرایط اقتصادی جامعه باشد، ناشی از وضعیت فرهنگی جامعه است. ایجاد فرهنگ «فرزند کمتر» و نگرش منفی به تعداد فرزندان باعث شده برخی از خانواده‌های ایرانی دست به قتل فرزندان مشروع خود بزنند و خود را در تصمیم‌گیری برای حیات این فرزندان محق بدانند. بر اساس مطالعات، «اعتقادات مذهبی به مثابه مهم‌ترین عامل ممانعت از سقط عمدی ذکر شده است»^۴. بر اساس مطالعات، «زنان متمول و ساکن مناطق با سطح اقتصاد بالاتر شهری، نرخ سقط عمدی بالاتری دارند و بین طبقه اجتماعی و سقط رابطه مستقیم وجود دارد»^۵. والدین در طبقات بالای اجتماعی فرزند را بیشتر مانع پیشرفت خود می‌دانند و از طرفی برای بزرگ کردن فرزند به سطح رفاه و امکانات بیشتری اعتقاد دارند.

۱-۲-۲. سقط جنین در فقه و قانون

در نگرش اسلامی موجودیت انسان از زمان پیوند دو سلول جنسی اولیه آغاز می‌شود و

۱. نک: ویسی و زنگنه، «علل سقط غیرقانونی و انواع روش‌های آن در مراجعین به کلینیک ویژه دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه»؛ سرائی و روشن شمال، «سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان باردار نسبت به سقط عمدی»؛ جراحی و دیگران، «نگرش و آگاهی زنان قبل از ازدواج نسبت به سقط جنین القایی».

۲. نک: نوری زاده و دیگران، «تجارب زنان آذری از سقط القایی».

۳. نک: سرائی و روشن شمال، «سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان باردار نسبت به سقط عمدی».

۴. نک: عرفانی و شجاعی، «شواهد تازه از سقط جنین عمدی در شهر تهران میزان‌ها و دلایل و تغییرات».

۵. همان، ص ۷۷-۶۴.

از بین بردن آن در هر مرحله، نابودی مرحله‌ای از انسانیت به شمار می‌آید که انسان در آن، در مسیر فعلیت و بروز هویت انسانی قرار گرفته است؛ از این رو از بین بردن آن حرام است. آیه ۱۲ سوره ممتحنه به موضوع منع سقط جنین اشاره دارد؛ آنجا که خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: زمانی که زنان با ایمان برای بیعت نزد تو می‌آیند باید بر چند موضوع تعهد دهند؛ یکی آنکه از روابط آزاد جنسی پرهیزند و دیگر آنکه فرزند خود را به قتل نرسانند.^۱ شکل رایج به قتل رساندن فرزندان توسط مادران سقط جنین بوده است. در روایتی نیز از امام کاظم علیه السلام سؤال شد: «زن از بارداری می‌ترسد و دارویی می‌آشامد و آنچه را در شکم دارد بیرون می‌اندازد، حکمش چیست؟ آن حضرت فرمود: «خیر، این کار جایز نیست». دوباره سؤال شد: آنچه زن از شکم بیرون می‌اندازد نطفه است. آن حضرت فرمود: «آغاز خلقت انسان از نطفه است».^۲ حرام بودن سقط جنین در تمام مراحل تحول جنین از احکام اولیه و مسلمی است که آیات قرآن و روایات به صراحت بر آن دلالت دارد. از نظر آموزه‌های دینی پیشگیری از بارداری حرام نیست؛ اما اگر نطفه‌ای منعقد شد، سقط آن شرعاً جایز نیست و جرم محسوب می‌شود. از این رو اگر بارداری ناخواسته اتفاق افتاد، انسان مؤمن به حکمت و تدبیر الهی، به جهت حسن ظن به پروردگار و تقدیری که رقم می‌زند، از پذیرش خواست و اراده الهی دچار آشفتگی نشده و در مقابل شرایط پیش آمده مرتکب کار حرام نمی‌شود.

در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز قوانین مصوب، بر ممنوعیت سقط جنین تأکید شده است. در بند ۱ ماده ۳ «سند ملی حقوق کودک و نوجوان» (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغی ۱۴۰۰) ذکر شده: «حیات موهبتی الهی است که باید از آغاز تشکیل جنین مورد حمایت قرار گیرد. هیچ‌کس نباید به حق حیات و سلامت جنین تعرض نماید و باید برای پیشگیری و مقابله با این تعرض اقدامات لازم صورت پذیرد».

مواد ۷۱۶ تا ۷۱۹ و نیز ۸۵۴ و ۸۵۵ قانون مجازات اسلامی نیز دیه سقط جنین را در مراحل مختلف رشد تعیین کرده و مجازات عاملان سقط جنین زن باردار را هم ذکر کرده است.^۳

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئاً وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ» (ای پیامبر، چون زنان مؤمن آیند که با تو بیعت کنند [مضمون بیعت آنان این است که] دیگر هرگز شرک به خدا نیاورند و سرقت و زنا نکنند و اولاد خود را به قتل نرسانند).

۲. «قُلْتُ لِأَيِّ الْحَسَنِ عليه السلام؛ الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ فَتَشْرَبُ الدَّوَاءَ فَيَقْتُلِي مَا فِي بَطْنِهَا. فَقَالَ: لَا. فَقُلْتُ: إِنَّمَا هُوَ نُطْفَةٌ. قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَا يُخْلَقُ نُطْفَةٌ» (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۳۱۳).

۳. ماده ۶۲۳ (۸۵۴): «هرکس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد، به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که

مواد ۵۶ تا ۶۰ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» نیز مجازات پزشک یا ماما و داروفروشی که وسایل سقط جنین غیرقانونی را فراهم نمایند یا مباشرت به آن کنند یا مدیران و عوامل مؤثر در بسترهای مجازی معرفی کننده افراد و مراکز مشارکت کننده در سقط جنین غیرقانونی را معین کرده است.^۱ طبق قانون تنها در دو صورت سقط جنین پس از تأیید پزشکی قانونی جایز است: یکی آنکه ادامه حمل، جان مادر را به خطر اندازد، و دیگری سقط جنینی که بیماری بسیار شدیدی دارد و بیماری وی با قطعیت اثبات شده و این بیماری باعث حرج (سختی تحمل ناپذیر عرفی) مادر برای نگهداری فرزند می شود و درمان شدنی هم نیست. در این صورت فقط تا پیش از دمیده شدن روح در جنین سقط آن جایز است.^۲ سقط جنین پس از دمیده شدن روح در او حکم قتل انسان را دارد و مجازات آن پرداخت دیه کامل انسان است.

جنین وی سقط گردد، به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد، مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

ماده ۶۲۴ (۸۵۵): «اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می کنند، وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت».

۱. ماده ۶۱: «فعالیت مدیران و عوامل مؤثر در بسترهای مجازی معرفی کننده افراد و مراکز مشارکت کننده در سقط غیرقانونی جنین ممنوع است و حسب مورد متخلفان از این حکم، علاوه بر مجازات تعزیری درجه پنج موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، به پرداخت جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر عوائد حاصل از ارتکاب جرم محکوم می شوند».

۲. ماده ۵۶ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، مصوب ۱۴۰۰: «مادر صرفاً در مواردی که احتمال بدهد شرایط زیر محقق می شود، می تواند درخواست سقط جنین را به مراکز پزشکی تقدیم نماید. کلیه مراکز پزشکی قانونی در مراکز استان ها مکلف اند درخواست های واصله را فوراً به کمیسیون سقط قانونی ارجاع نمایند. این کمیسیون مرکب از یک قاضی ویژه، یک پزشک متخصص متعهد و یک متخصص پزشک قانونی در استخدام سازمان پزشکی قانونی، حداکثر ظرف یک هفته تشکیل می شود. رأی لازم توسط قاضی عضو کمیسیون با رعایت اصل عدم جواز سقط در موارد تردید صادر می گردد. قاضی عضو در کمیسیون مذکور با حصول اطمینان نسبت به یکی از موارد ذیل مجوز سقط قانونی را با اعتبار حداکثر پانزده روز صادر می نماید: الف. در صورتی که جان مادر به شکل جدی در خطر باشد و راه نجات مادر منحصر در سقط جنین بوده و سن جنین کمتر از چهار ماه باشد و نشانه و آمارات ولوج روح در جنین نباشد؛ ب. در مواردی که اگر جنین سقط نشود مادر و جنین هر دو فوت می کنند و راه نجات مادر منحصر در اسقاط جنین است؛ ج. چنانچه پس از اخذ اظهارات ولی جمیع شرایط زیر احراز شود: رضایت مادر، وجود حرج (مشقت شدید غیر قابل تحمل) برای مادر، وجود قطعی ناهنجاری های جنینی غیر قابل درمان، در مواردی که حرج مربوط به بیماری یا نقص در جنین است، فقدان امکان جبران و جایگزینی برای حرج مادر، فقدان نشانه و آمارات ولوج روح، کمتر از چهار ماه بودن سن جنین».

عوارضی را که پس از سقط جنین، مادر را تهدید می‌کند می‌توان به دو دسته عوارض جسمی و روانی تقسیم کرد. گفتنی است که این عوارض در سقط‌های ناخواسته یا خودبه‌خود چندان صادق نیست؛ زیرا در بیشتر سقط‌های ناخواسته جنین به دلایلی نتوانسته به خوبی در رحم جایگزین شود و به همین دلیل سقط می‌شود؛ ولی در سقط‌های القایی و عمدی، جنینی که در رحم استقرار یافته به زحمت و به وسیله دارو یا انجام کورتاژ (تراشیدن دیواره رحم) از بدن مادر خارج می‌شود که این حالت مصنوعی بوده و عوارضی را برای مادر ایجاد می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند زنانی که دچار سقط خودبه‌خودی می‌شوند، اگرچه احتمال ابتلا به مشکلات روحی و روانی را دارند، این مشکلات کوتاه‌مدت است و معمولاً از شش ماه تجاوز نمی‌کند. حال آنکه زنانی که مرتکب سقط عمدی می‌شوند، معمولاً از اختلالات روانی طولانی‌مدت (میانگین دو تا پنج سال) رنج خواهند برد.^۱ زنان با سابقه سقط عمدی بیش از جمعیت عمومی دچار انواع اختلالات اضطرابی و نیز اختلالات افسردگی می‌شوند.^۲ اکثر زنان با سابقه سقط عمدی، دچار رؤیاهای تکراری اضطراب‌زا شده و بسیاری از آنها می‌گویند گویی واقعه را دوباره زنده تجربه می‌کنند.^۳

همچنین مطالعات نشان می‌دهند که به‌طور معناداری، روابط مادرپس از سقط با همسر و دیگر اعضای خانواده‌اش دچار تغییر شده؛ و احساس ترس، ناراحتی، سردرگمی، اضطراب و خدشه‌دار شدن رابطه با والدین از برخی علائم مشاهده‌شده در دیگر کودکان این خانواده‌هاست.^۴ «از نظر عوارض پزشکی مادران بسیاری بعد از سقط دچار مشکلات و عوارض جبران‌ناپذیری مانند درد مزمن، نازایی و مشکلات ادراری تناسلی می‌شوند. خونریزی، عفونت و ناباروری‌های ثانویه از دیگر عوارض مهم مرتبط با سقط جنین می‌باشند».^۵ در مطالعه‌ای نشان داده شده که در میان زنانی که دست‌کم یک بار باردار شده‌اند، ریسک سرطان سینه در افرادی که سابقه سقط القایی داشته‌اند، پنجاه درصد بیش از سایر زنان

1. The course of mental health after miscarriage and induced abortion: (12 December 2005).
2. Emotional Distress Patterns Among Women Having First or Repeat Abortions," EW Freeman, Obstetrics and Gynecology, 1980.
3. Experiencing Abortion, Eve Kushner (New York: Harrington Park Press, 1997) 166.
4. Child developmental outcomes associated with maternal history of abortion using the NLSY data. Archives of Women's Mental Health 2001;3(4)Supp.2:104.

۵. نک: «دستورالعمل پیشگیری از سقط القایی».

بوده است. این افزایش خطر با تعداد بارداری‌ها و تعداد سقط‌های فرد مرتبط نیست، ولی با سن فرد و طول مدت بارداری ارتباط داشته است. بر اساس این مطالعه بیشترین خطر سرطان سینه متوجه افرادی بود که زیر ۱۸ سال یا بالای ۳۰ سال و با سن بارداری بالای هشت هفته مرتکب سقط‌القایی شده بودند.^۱

سایر عوارض سقط عمدی عبارت است از: چسبندگی رحم، چسبندگی جفت، پارگی رحم و اختلال قاعدگی.

تک‌فرزندی و پیامدهای آن

با کاهش نرخ باروری در کشورمان در دو دهه اخیر، تعداد فرزندان کم شده و خانواده‌ها کوچک شده‌اند و پدیده تک‌فرزندی شیوع گسترده‌ای پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که طبق آمارهای سال ۱۳۹۰ بیش از ۳۳ درصد از خانواده‌های ایرانی بدون فرزند یا فقط دارای یک فرزند هستند. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد: همسران از داشتن فرزند لذت می‌برند و از اینکه متهم به ناباروری شوند، بیم دارند؛ از این رو برای تولد یک فرزند اقدام می‌کنند، ولی به دلایلی مانع بارداری مجدد شده و به همان یک فرزند اکتفا می‌کنند. برخی از این دلایل عبارت است از:

یک. تأخیر در ازدواج و بالا رفتن سن و کاهش فرصت فرزندآوری؛

دو. فاصله‌گذاری بین ازدواج تا اقدام به بارداری و نیز فاصله‌گذاری زیاد بین بارداری اول با دوم که در مواردی منجر به گذشت از سن باروری و در نتیجه ناباروری می‌شود؛

سه. ناباروری ثانویه و هزینه سنگین درمان ناباروری؛

چهار. مشکلات اقتصادی برای رسیدگی به فرزندان؛

پنج. ترس والدین از حفاظت خود و فرزندان‌شان در مقابل فضای مخاطره‌آمیز تربیتی؛

در برخی افراد نیز برداشت فرد از میزان مهارت‌های فرزند پروری عاملی مؤثر برای تصمیم به آوردن فرزند دوم است و چون گمان می‌کنند توانایی تربیت فرزندان را ندارند، مانع تعدد فرزندان خود می‌شوند.

شش. وجود تعارضات زناشویی و ترس از طلاق و آینده فرزندان؛

1. JNCI, Cancer Inst. 1994 Nov. Risk of breast cancer among young women: relationship to induced abortion.

هفت. «تمایل به رفاه بیشتر و اهمیت بیشتر به تفریحات و علایق فردی؛ زیرا فکر می‌کند فرزندآوری سبب بهره‌مندی کمتر از این لذات فردی است»؛^۱

هشت. فردگرایی و توجه بیشتر به آرمان‌های فردی و شکوفایی استعدادها و خودتحقق‌بخشی، به‌گونه‌ای که درواقع فرزند در رقابت با تحصیل و کار قرار می‌گیرد؛ نه برای برخی افراد نیز تک‌فرزند نمادی از زندگی مدرن و امروزی است و یکی از مظاهر طبقه بالای اجتماعی تلقی می‌شود. کم بودن تعداد فرزندان در خانواده و به‌طور خاص تک‌فرزند دارای پیامدهایی است که به تجربه ثابت شده است. پیامدهایی که تحقیقات متعددی را به خود معطوف کرده است. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

۱. پیامد برای والدین

یک. در خانواده‌های پرجمعیت، پدر و مادر در تلاش مستمر برای رسیدگی به فرزندان، از زندگی پویا و پرتحرک لذت می‌برند و هنگام فعالیت خود هم‌زمان آثار و برکات تلاششان را در شورونشاط حاصل از رشد و بالندگی فرزندانشان می‌بینند؛ حال آنکه در خانواده تک‌فرزند، این پویایی و تحرک بسیار کمتر است.

دو. در خانواده‌های تک‌فرزند معطوف شدن همه توجهات والدین به یک فرزند موجب می‌شود که مشکلات جزئی وی، اشتغال ذهنی زیادی برای پدر و مادر ایجاد کند. برای نمونه، پدر یا مادر با دیدن کوچک‌ترین احتمال آسیب یا بیماری فرزند سراسیمه و آشفته می‌شود یا هر رفتار به‌ظاهر غیرمعمول و غیرعادی کودک را نشانه‌ای از بروز مشکل رفتاری یا اخلاقی او می‌داند. توجه به این جزئیات نیز گاه سبب درگیری‌های کم‌اهمیت در این خانواده‌ها می‌شود.

سه. در خانواده‌های با چند فرزند، اوقات فراغت و تفریح کودکان با شادمانی با یکدیگر سپری شده و والدین، نیازمند صرف هزینه‌های مختلف برای تأمین نیاز آنان به تفریح و سرگرمی نیستند. مادران نیز از وقت آزاد بیشتری برای رسیدگی به نیازهای خویش، از جمله مطالعه یا فعالیت‌های اجتماعی، بهره‌مند می‌شوند؛ هرچند لازمه هم‌بازی شدن فرزندان آن است که فاصله سنی بین فرزندان طولانی نشود.

۱. نک: گلپایگانی، «بررسی عوامل مؤثر تغییر نگرش خانواده‌های ایرانی در خصوص کم‌فرزندآوری با نگاه به سیاست‌های جمعیتی».

چهار. پیامد ارزشمند دیگر تعدد فرزندان، در ایام سالمندی والدین آشکار می‌شود؛ زیرا برای مراقبت از والدین سالمند به جای یک یا دو فرزند، چند فرزند این مسئولیت را بر عهده می‌گیرند. این سبب کاهش بار روانی و مالی رسیدگی به آنان می‌شود و حمایت‌ها نیز بهتر تداوم پیدا می‌کند.

۲. پیامد برای فرزند

یک. در خانواده‌های تک‌فرزند همه محبت‌ها و حمایت‌ها از یک سو و همه سخت‌گیری‌ها و کنترل‌ها از سوی دیگر، متوجه همان یک فرزند است. این محبت و حمایت افراطی یا سخت‌گیری زیاد و کنترل بیش‌ازحد پدر و مادر و اطرافیان، به سلامت روانی فرزند آسیب می‌رساند؛ از یک سو، چون همه توجهات به سوی اوست و دیگران برای او تصمیم می‌گیرند، اراده او خدشه‌دار می‌شود و قدرت و تحمل وی در رویارویی با مشکلات کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، چون معمولاً همه چیز برای او فراهم است، توقعش بالا می‌رود و در درازمدت انسانی نامهربان می‌شود که همه چیز را فقط برای خود می‌خواهد.

دو. تک‌فرزندان در مواجهه با مشکلات معمولاً دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند؛ درحالی‌که اگر چند فرزند باشند، با تکیه بر یکدیگر و همدلی، مشکلات خود را بهتر حل می‌کنند.

سه. یکی دیگر از مشکلات تک‌فرزندی این است که او نمی‌تواند در خانواده با کسی رقابت یا دعوا کند؛ بنابراین فرصتی برای کنترل و مدیریت برخی احساسات منفی پیدا نخواهد کرد و شرایطی را تجربه نمی‌کند که لازمه بلوغ روحی و روانی است.

چهار. زندگی در کنار برادر یا خواهر، روحیه جامعه‌گرایانه کودک را تقویت می‌کند و به وی مدیریت در روابط اجتماعی را می‌آموزد. همدلی و هم‌سوایی با افراد خانواده، عشق‌ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم‌سن در جامعه و مدرسه، از اصلی‌ترین ویژگی‌های فرزندان در خانواده‌های دارای چند فرزند است. در این خانواده‌ها ارتباط با خواهر و برادر نقشی مهم و اساسی در رشد و شکوفایی کودک دارد؛ برای مثال در او میل به بازی و سرگرمی ایجاد می‌کند، این امکان را فراهم می‌سازد تا نقش‌های متفاوتی را ایفا کند، او را در افزایش خلاقیت یاری می‌رساند، به او فرصت می‌دهد تا خشم و پرخاشگری خویش را ابراز کند و به او می‌آموزد که چگونه این حس را هدایت کند.

پنج. دیگر پیامد تک‌فرزندى آن است که تنهائى و کم شدن ارتباطات کلامى، سبب جایگزین شدن انواع رسانه‌هاى تصویری در زندگى او مى‌شود؛ در نتیجه کودک به تلویزیون و هیجان‌هاى کاذب در بازی‌هاى رایانه‌اى و دنیای مجازى روى مى‌آورد که این امر تأثیرى منفى بر رشد معرفتى او مى‌گذارد. مرجعیت رسانه‌ها برای این کودکان سبب مى‌شود که هویت برخى از این فرزندان بیشتر بر اساس آموزه‌هاى رسانه‌هاى مدرن شکل گیرد تا تربیت خانوادگى.

شش. «از آنجاکه الگوی تربیتی در خانواده کم جمعیت معمولاً فردگرایانه است، گسست نسلى نیز افزایش مى‌یابد و فرزندان آمادگى کمتری دارند که فرهنگ و سنت‌هاى پرارزشى را که دستاورد هزاران سال زندگى بشرى است، از پدران و مادران و نیاکان خویش دریافت کنند. در نتیجه، پیوند میان گذشته و آینده که ضامن پایداری فرهنگ است، سست مى‌شود».^۱ تک‌فرزندى آثار منفى دیگری نیز دارد؛ از جمله:

هفت. ضعف در تجربه مراحل کودکى به دلیل ارتباط مستمر با بزرگسالان؛
هشت. گستردگى مسئولیت‌هاى تک‌فرزند در برابر پدر و مادر در ایام بیماری یا سالمندى آنان (به دلیل تمرکز مسئولیت بر یک فرزند)؛
نه. تنها شدن تک‌فرزند مجرد پس از فوت والدین؛

ده. محرومیت تک‌فرزند از حمایت خواهران و برادران در ایام جوانى و بزرگسالى و محرومیت فرزندان او از حمایت عاطفى و روانى خاله و دایى یا عمه و عمو.
آنچه بیان شد، آسیب‌هاى رایج تک‌فرزندى است؛ هرچند مواردى نیز وجود دارد که تک‌فرزندها به واسطه تربیت صحیح پدر و مادر از بسیاری از آسیب‌هاى تک‌فرزندى در امان بوده‌اند. از این سو، خانواده‌هائى با فرزندان متعدد نیز وجود دارند که به دلیل تربیت ناصحیح، آسیب‌هاى بسیارى دیده‌اند.

|| حمایت‌هاى اجتماعى و اقتصادى از فرزندآورى در قانون

نتایج پیمایش ملی زندگى خانوادگى در ایران که توسط جهاد دانشگاهى در پایان سال ۱۳۹۶ انجام شد نشان مى‌دهد تعداد فرزندهاى خوشایند برای خانواده‌هاى ایرانی به طور متوسط ۳/۳ فرزند است؛ ولى به رغم تمایل به فرزندآورى به این میزان، میزان بارورى

۱. جمعى از نویسندگان، تحولات جمعیتى ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها، ص ۴۷-۴۵.

کل در سال ۱۳۹۸ برابر ۱۰۷ فرزند بوده است. مطابق پژوهش‌های انجام‌یافته توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به‌رغم تمایل زن و شوهرها به فرزندآوری، موانعی برای این امر وجود دارد.

قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» با هدف رفع موانع فرزندآوری در سال ۱۴۰۰ تصویب و ابلاغ شد. علاوه بر موادی از این قانون که به حمایت‌های فرهنگی از فرزندآوری پرداخته، سایر مواد مهم این قانون عبارت‌اند از:

۱. حمایت اقتصادی از فرزندآوری

مواردی از این حمایت‌ها عبارت‌اند از:

- افزایش ۲۵ درصد سقف تسهیلات مسکن جهت خرید و ساخت و جعاله به‌ازای هر فرزند و افزایش دوساله دوره بازپرداخت؛

- اختصاص وام ۸۰ میلیون تومانی ودیعه خرید یا ساخت مسکن برای خانواده‌های فاقد مسکن دارای یک فرزند با بازپرداخت ۱۰ ساله و اختصاص وام ۱۰۰ میلیون تومانی ودیعه خرید یا ساخت مسکن برای خانواده‌های فاقد مسکن دارای دو فرزند با بازپرداخت ۱۰ ساله؛

- کاهش عوارض ساخت و ساز تا ۵۰ درصد برای خانواده دارای ۳ فرزند و تا ۷۰ درصد برای خانواده دارای ۴ فرزند؛

- اختصاص ۷۰ درصد ظرفیت منازل مسکونی سازمانی به کارکنان فاقد مسکن با حداقل ۳ فرزند؛

- تسهیلات قرض الحسنه برای تولد فرزند اول تا پنجم و بالاتر به ترتیب از ۱۰ تا ۵۰ میلیون تومان با تنفس شش ماهه؛

- افزایش ۱۰۰ درصدی کمک هزینه اولاد هر ساله به مدت ۵ سال؛

- افزایش محدودیت سنی در استخدام جدید به‌ازای تأهل و برای هر فرزند از یک تا ۵ سال؛

- پرداخت یک میلیون بلاعوض جهت سرمایه‌گذاری بورس به نام فرزندان متولد سال ۱۴۰۰ و بعد از آن؛

- افزایش ۳ برابری یارانه فرزندان در خانواده‌های دهک‌های ۱ تا ۴، حداقل سه فرزندی غیرشاغل در دستگاه‌های دولتی.

۱. مواد ۴ و ۹۰، ۹۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۲۱ و ۶۹ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت».

۲. حمایت از مادران

۱-۲. حمایت از عموم مادران^۱

- انتقال نیمی از مالکیت زمین یا واحد مسکونی به مادر پس از تولد فرزند سوم و بیشتر؛
- فروش بدون نوبت و بدون قرعه‌کشی خودروی ایرانی به قیمت کارخانه پس از تولد فرزند دوم به بعد به مادران؛
- تأمین فضای مناسب رفع نیاز نوزاد، کودک و مادر باردار جهت استراحت، شیردهی و نگهداری کودک در کلیه اماکن عمومی و دستگاه‌ها؛
- تحت پوشش کامل قرار دادن کلیه مادران در دوران بارداری و شیردهی تا پایان پنج‌سالگی کودکان بر اساس آزمون وسع^۲؛
- ارائه رایگان سبد تغذیه و بسته بهداشتی مادران باردار، شیرده و دارای کودک زیر پنج سال بر اساس آزمون وسع؛
- اضافه شدن دو سال به ازا هر فرزند به سوابق بیمه‌ای با تولد فرزند چهارم و پنجم؛
- تأمین ۱۰۰ درصد بیمه مادران خانه‌دار دارای ۳ فرزند و بیشتر روستایی و عشایری از طریق صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان و روستاییان و عشایر؛
- حمایت بیمه از درمان ناباروری اولیه و ثانویه؛
- حمایت وزارت بهداشت از زایمان طبیعی رایگان؛
- نیم‌بها شدن هزینه موزه‌ها و اماکن تاریخی، فرهنگی، ورزشی و سینماها برای مادران دارای ۳ فرزند و بیشتر به همراه خانواده؛

۲-۲. حمایت از مادران دانشجو^۳

- مرخصی یک نیم‌سال تحصیلی بدون احتساب در سنوات برای مادر باردار دانشجو؛
- مرخصی یا مهمان شدن مادران دانشجوی دارای فرزند زیر دو سال، حداکثر تا ۴ نیم‌سال بدون احتساب در سنوات؛
- حمایت از آموزش غیرحضوری و مجازی مادران دانشجو دارای فرزند زیر ۳ سال؛

۱. مواد ۴، ۱۲، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۴۳، ۴۴ و ۴۹ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت».

۲. بررسی رسمی وضع مالی فرد به منظور تعیین نیاز او به دریافت بسته حمایتی از سوی دولت، بر اساس معیارهایی چون: میزان حساب بانکی افراد، داشتن ملک گران قیمت، انجام سفرهای خارجی متعدد، داشتن خودروی گران قیمت، وضعیت اشتغال رسمی سرپرست خانوار و....

۳. مواد ۲۶، ۲۷ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت».

- افزایش سهمیه سقف استاد راهنمایی برای استاد دارای دانشجوی بارداری یا دارای فرزند شیرخوار؛
- کسر تعهدات قانون خدمات پزشکان و پیراپزشکان به ازای هر فرزند ۶ ماه برای مادران؛
- گذراندن تعهدات قانون خدمات پزشکان و پیراپزشکان در محل سکونت خود برای مادران؛
- تعویق تعهدات قانون خدمات پزشکان و پیراپزشکان برای مادران باردار و دارای فرزند زیر دو سال تا ۲ سال.

حکم ۲-۳. حمایت از مادران شاغل^۱

- مرخصی زایمان ۹ ماه کامل (به درخواست مادر می تواند تا دو ماه آن پیش از تولد فرزند باشد)؛
- اعطای دورکاری به مادران باردار حداقل به مدت ۴ ماه؛
- اختیاری بودن شیفت شب برای مادران باردار و دارای فرزند شیرخوار تا دو سال و برای پدر تا ۱ ماهگی فرزند، به جز در بخش خصوصی؛
- عدم جواز تعدیل فرد دارای ۳ فرزند، و مادران باردار و دارای فرزند شیرخوار؛
- کاهش سن بازنشستگی مادر به مدت یک سال به ازای تولد هر فرزند و برای تولد فرزند سوم به بعد، یک سال و نیم.

♦ برای مطالعه بیشتر

برخی مشوق های فرزندآوری در سایر کشورها
از آنجاکه برخی کشورهای جهان با بررسی میزان رشد جمعیت در کشور خود متوجه آثار زیان بار کاهش جمعیت در آینده شده اند، سیاست های مختلفی برای افزایش جمعیت در پیش گرفته اند که به تعدادی از آنها اشاره می شود:

سوئد: به هریک از پدر و مادر، هجده ماه مرخصی همراه با حقوق داده می شود. از آنجاکه مشارکت زنان در سوئد به عنوان نیروی کار بالاست، برای مادران شاغل برنامه های کاری منعطفی طراحی شده است: به گونه ای که مادران پیش از سن مدرسه کودکان می توانند ساعت های کاری خود را کاهش دهند.

نروژ: در این کشور به مادری که تا ۳۰ ماه پس از تولد فرزند قبلی، فرزند جدید خود را به دنیا آورد، مرخصی ویژه تعلق می گیرد. این قانون برای تشویق زنان به کم کردن فاصله بین بارداری ها وضع شده است.

بریتانیا: در حال حاضر پس از تولد فرزند، مادران شش ماه و پدران دو هفته مرخصی دارند. همچنین والدین کودکان زیر شش سال حق دارند از کارفرمایان خود درخواست

۱. مواد ۱۵، ۱۷، ۲۲ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت».

کنند که ساعت کاری انعطاف پذیرتری داشته باشند.

آلمان: این کشور مدتی طولانی است که یکی از پایین ترین نرخ های باروری را در اتحادیه اروپا دارد. تعداد زنان بدون فرزند در این کشور بسیار زیاد است؛ چنان که بر اساس آمار اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵م، ۳۰ درصد زنان آلمانی فرزند ندارند. جمعیت شناسان درباره ادامه این روند در آینده هشدار داده اند. از بزرگ ترین مشکلات خانواده ها، کمبود اماکن مراقبت از کودکان است که البته با وجود دریافت دستمزد خیلی زیاد، زمان کوتاهی سرویس ارائه می دهند و هنگام ظهر نیز تعطیل می شوند. همچنین زمان مدارس به طور سنتی در ساعت یک بعد از ظهر به پایان می رسد که همین مشکل بزرگی برای والدین شاغل است. دولت آلمان در حال حاضر بهبود نرخ زاد و ولد را در صدر امور سیاسی خود قرار داده است.^۱ ترکیه: این کشور نیز همانند دیگر کشورهای در حال توسعه، سیاست های تنظیم خانواده را در پیش گرفت، ولی اکنون تغییر در این روند را در دستور کار قرار داده، آن را به شدت پیگیری می کند. به تازگی نخست وزیر ترکیه، خانواده های این کشور را به آوردن حداقل سه فرزند تشویق کرده است. او داشتن سه فرزند را تنها راه جلوگیری از پیر شدن جمعیت ترکیه و افزایش نیروی کار مورد نیاز این کشور می داند و آن را عاملی مهم در افزایش قدرت منطقه ای می شمرد.

روسیه: از حدود سال ۱۹۹۵م تا اواسط سال ۲۰۰۷م جمعیت کشور روسیه حدود ۶/۵ میلیون نفر کاهش یافت و به پایین تر از ۱۴۲ میلیون نفر رسید که تقریباً کاهشی ۴/۴ درصدی را نشان می دهد. بدیهی است که رؤیای قدرت بزرگ روس نمی تواند بدون داشتن منابع انسانی فراوان تحقق یابد. از این رو، پوتین سال ۲۰۰۸م را سال «خانواده» نام نهاد. بدین ترتیب تمام دستگاه های دولتی روسیه موظف شدند برنامه های تشویقی خود را برای افزایش جمعیت و جلوگیری از بحران کاهش جمعیت ارائه کنند. نگرانی دولت از بحران کاهش جمعیت تا سال ۲۰۳۰م سبب شد تا برای تشویق والدین به فرزندآوری، مبلغ درخور توجهی به عنوان «سرمایه گذاری مادر»، به والدینی که فرزندشان به دنیا می آید، پرداخت کند. کشور روسیه پس از روی کار آمدن پوتین مشوق های لازم برای افزایش جمعیت را بیش از پیش مورد حمایت دولتی قرار داده است؛ بنا بر آمار منتشر شده توسط سازمان فدرال آمار روسیه جمعیت روسیه در شش ماه نخست سال ۲۰۱۲، با ۸۵ هزار نفر افزایش، به ۱۴۳ میلیون و صد هزار نفر رسید که از افزایش اندکی در این کشور (که با کاهش جمعیت مواجه است) حکایت دارد. روسیه حمایت مالی از خانواده هایی که برای اولین یا دومین و حتی سومین بار دارای فرزند می شوند را به دولت و نهادهای مسئول ابلاغ کرده است؛ بنا بر ابلاغ دولت روسیه، خانواده هایی که دارای فرزند می شوند از پرداخت مالیات تا سقف تعیین شده معاف می گردند و حمایت های مالی برای تربیت

۱. محمودی، شاخص های جمعیتی و آخرین وضعیت سیاست های جمعیتی، ص ۶۵.

و رشد فرزندان نیز تا حدودی با سبدهای کالای حمایتی و همچنین به صورت نقدی به خانواده‌ها پرداخت می‌شود. مرخصی مادران و پدران با تضمین بازگشت به کار از دیگر مشوق‌های افزایش فرزند است. در این کشور به جای پرداخت‌های نقدی کم اما مداوم، دولت حواله‌ای به ارزش ۲۵۰ هزار روبل به خانواده‌هایی که از ابتدای سال ۲۰۰۷ صاحب فرزند شوند ارائه داده است. این حواله تنها می‌تواند در تهیه مسکن بزرگ‌تر، تأمین هزینه تحصیل کودک و بازنشستگی مادر استفاده شود. این رقم معادل ۲۰ ماه متوسط حقوق روس‌ها در سپتامبر ۲۰۰۷ است.^۱

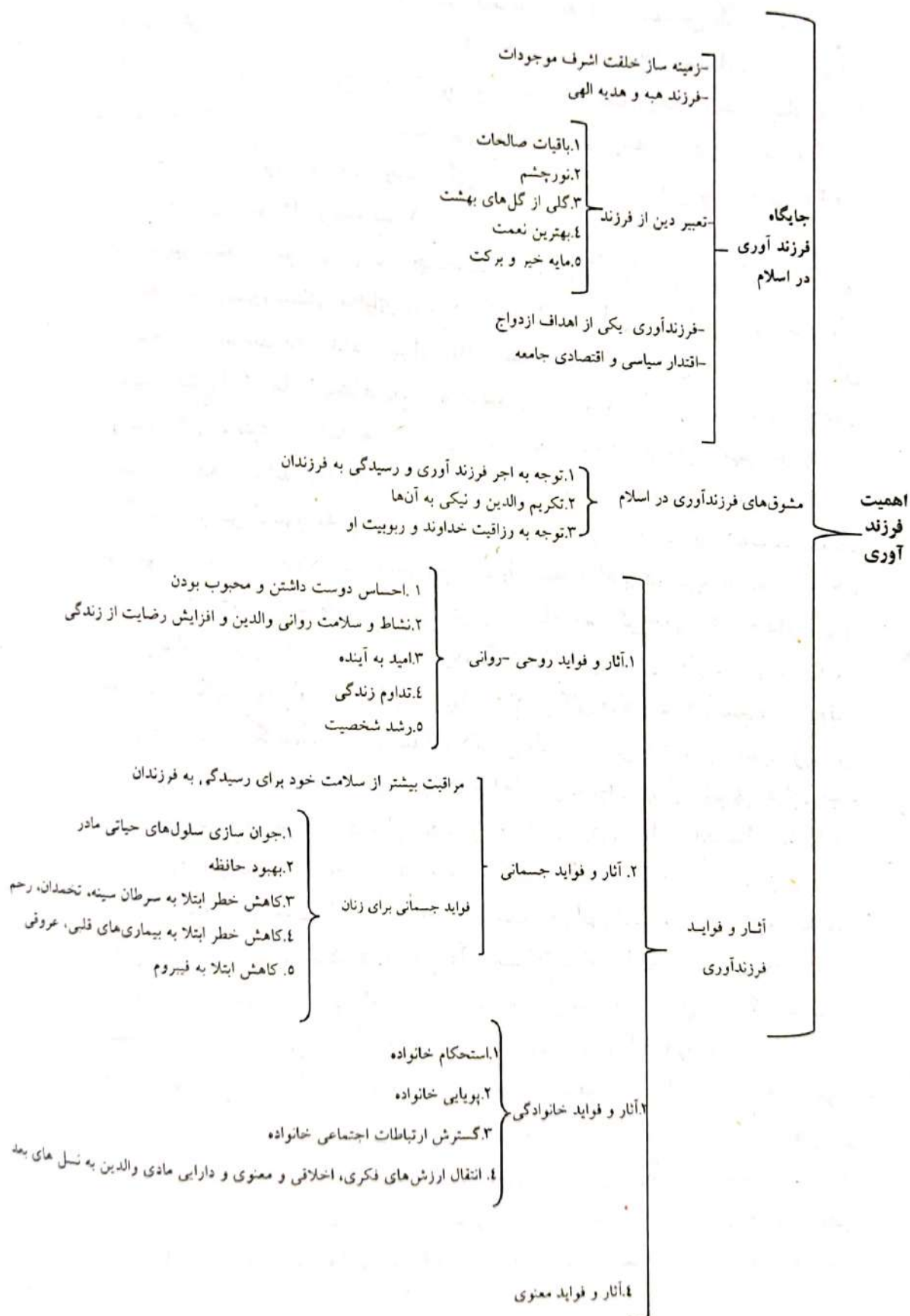
رژیم صهیونیستی: شورای افزایش جمعیت این رژیم با همکاری کابینه، برای تشویق زنان به زایمان‌های بیشتر، به ازای تولد هر فرزند کمک مالی چشمگیری می‌کند و زنان نیز تشویق می‌شوند که حداقل چهار فرزند داشته باشند. در ضمن تعداد زیاد فرزندان سبب کاهش انواع مالیات‌ها می‌شود و کارمندان بازنشسته دارای فرزندان زیاد، حقوق بازنشستگی بیشتری دریافت می‌کنند. تبلیغات دینی نیز ازدواج را برای یهودیان واجب دانسته و بچه دار نشدن با وجود توانایی مالی و جسمی را گناه شمرده است.

سنگاپور: در این کشور، به زوج‌های جوانی که در انتظار خرید آپارتمان هستند، کمک می‌شود تا آپارتمان اجاره کنند و ازدواج خود را به علت تأخیر در خرید آپارتمان به تأخیر نیندازند. همچنین از ساخت مسکن‌های چندنسلی (مسکن‌هایی که زوج‌های جوان و نسل‌های مسن‌تر آنها در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند) حمایت می‌شود تا هم مراقبت و نگهداری مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها از کودکان فراهم شود و هم فشار دولت برای حمایت و نگهداری از سالمندان کاهش یابد. در این کشور از طریق تلویزیون، رادیو، روزنامه، پوستر و بوردهای تبلیغاتی، شعارهای فراوانی برای تشویق به ازدواج و فرزندآوری تبلیغ می‌شود؛ شعارهایی همچون: «پلکان ترقی شغلی و تحصیلی را تنها طی نکنید؛ ازدواج کنید» یا «زندگی لذت‌بخش است، اگر مادر یا پدر باشید» یا «بهترین هدیه به فرزندان یک برادر یا یک خواهر است». در این کشور تأکید بسیج رسانه‌ای بر فواید لذت غیرمادی داشتن فرزند در مقابل مشکلات اقتصادی فرزندآوری وجود دارد. در سنگاپور کمیته‌ای دولتی با عنوان «خانواده مهم است»، تشکیل شده که هدف آن تسهیل ازدواج، افزایش فرزندآوری و ساختن محیطی دوستدار خانواده است.

در کشورهای متعدد دیگری نیز سیاست‌های افزایش جمعیت در حال اجراست. برای نمونه، در کره جنوبی برای درمان ناباروری، یارانه پرداخت می‌شود. در ایرلند بر اساس تعداد فرزندان - از یک تا هشت نفر - حقوق ماهیانه به والدین اختصاص می‌یابد. در آمریکا والدینی که تعداد فرزندان‌شان زیاد است، مشمول کاهش مالیاتی قرار می‌گیرند و در ژاپن خانواده‌هایی که فرزند زیر پانزده سال دارند، ماهانه مبلغ قابل توجهی کمک مالی دریافت می‌کنند.

۱. محمودی، شاخص‌های جمعیتی و آخرین وضعیت سیاست‌های جمعیتی، ص ۶۸-۶۷.

نمودار مطالب فصل



موانع فرزندآوری

۱. موانع فرهنگی - اجتماعی

۱. فرد گرا بودن
۲. دلسرد کردن از طریق خانواده و اطرافیان
۳. نقش برخی شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در تحقیر مادری
۴. مشکلات اقتصادی و هزینه‌های زیاد دوران بارداری و زایمان و شیرخوارگی کودک
۵. محدودیت‌های حاصل از مسئولیت‌های بچه‌داری
۶. نگرانی از تربیت صحیح فرزندان و آینده آن‌ها
۷. نگرانی‌های شغلی زنان حامل
۸. ناسازگاری فرزندآوری با محدودیت‌های کنونی آموزش عالی
۹. ضعف خدمات اجتماعی مادر و کودک در محیط‌های اجتماعی، اداری و آموزشی
۱۰. فتح زدایی از سقط جنین
۱۱. شیوع ناباروری و هزینه‌های سنگین درمان آن و محدودیت مراکز درمانی
۱۲. ترس از زایمان
۱۳. شیوه غیر استاندارد سزارین
۱۴. رواج فرهنگ فرزند کمتر، زندگی بهتر

۲. راه کارهای رفع موانع فرهنگی - اجتماعی

۱. ایجاد نگاه مقدس به مادری و پداری
۲. توجه به فواید فرزندان در خانواده
۳. ارزش گذاری بستگان و جامعه برای فرزنددار شدن
۴. ایجاد حمایت‌های اجتماعی از فرزندآوری
۵. ارتقای مهارت در جمع بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی
۶. تعدیل روحیه ایده آل گرایی در تأمین آینده فرزندان
۷. ایجاد فرهنگ قناعت
۸. ایجاد فرهنگ تقسم کار عادلانه بین پدر و مادر برای تربیت فرزندان
۹. بهره‌مندی از حمایت پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و سایر بستگان
۱۰. ایجاد ارتباط با دوستان همفکر دارای فرزند
۱۱. اعتماد به وعده‌های الهی و مراقبت خداوند

۱. ناباروری

۱. تغذیه ناسالم
۲. شرایط روحی و روانی
۳. نوع لباس
۴. فعالیت‌های بدنی
۵. تکنولوژی
۶. مواد مخدر و مشروبات الکلی
۷. رخی روش‌های پیشگیری از بارداری

علل و عوامل
مؤثر بر
ناباروری

۱. دارو درمانی
۲. هورمون درمانی
۳. عمل جراحی

درمان ناباروری

۲. موانع طبیعی

۱. بیمه
۲. تجهیز و راه اندازی مراکز تخصصی ناباروری
۳. حمایت از شرکت‌های دانش بنیان تولید تجهیزات درمان ناباروری
۴. برگزاری دوره تخصصی آموزشی برای متخصصان زنان و مامایی
۵. استقرار متخصصان طب سستی در مراکز درمان ناباروری

حمایت از درمان
ناباروری در قانون
حمایت از خانواده و
جوانی جمعیت

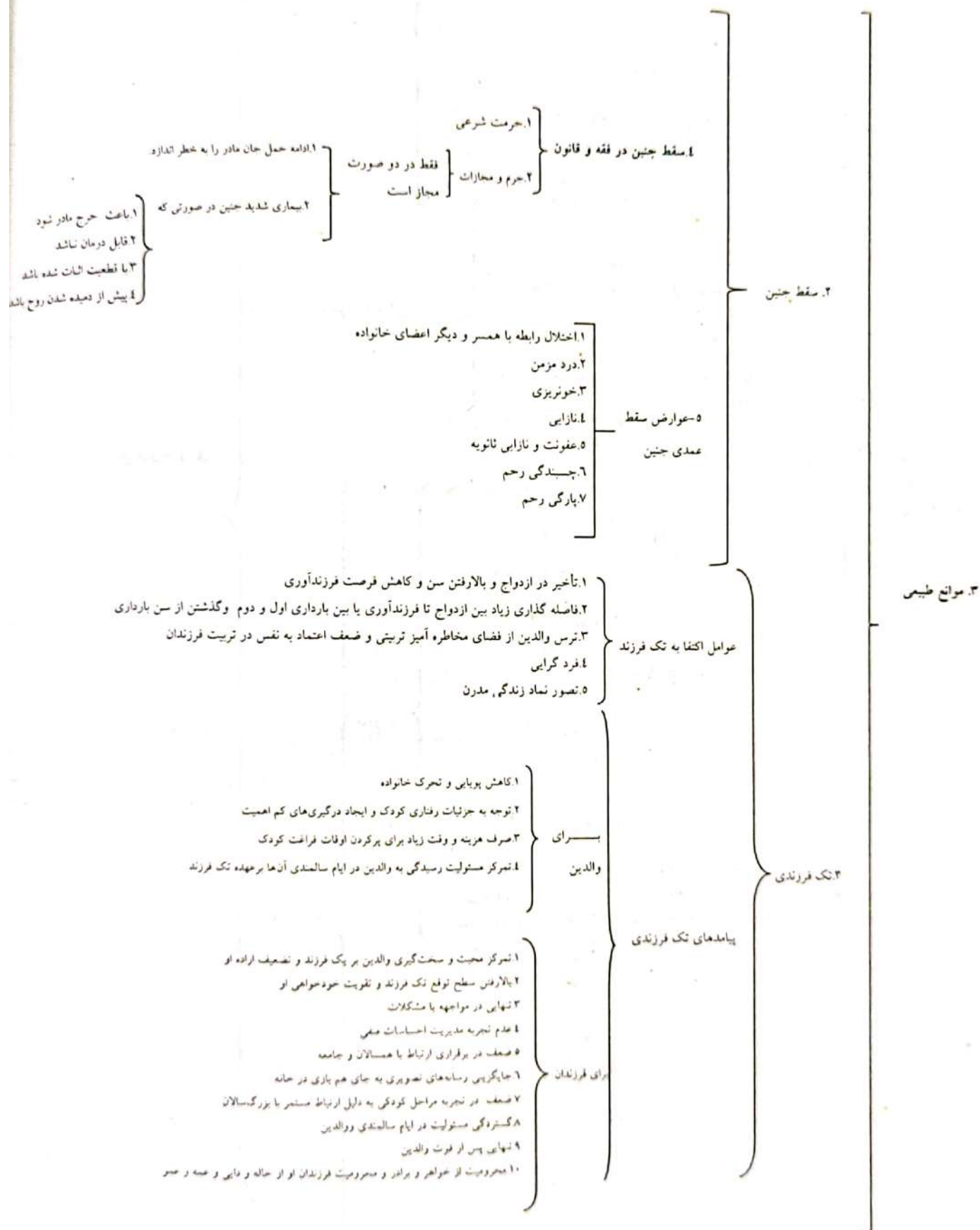
سقط
جنین

۱. سقط ناخواسته
۲. سقط القایی

انواع سقط جنین

۱. ضعف اعتقادات مذهبی
۲. نگرش منفی به فرزند بیشتر
۳. نگرش منفی اجتماع نسبت به تعدد فرزندان
۴. دلایل اقتصادی
۵. مشکلات روانی

دلایل سقط جنین



حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی از
فرزندآوری در قوانین

۱. حمایت‌های اقتصادی

۱. افزایش سقف تسهیلات برای خرید یا ساخت مسکن
۲. تسهیلات قرض‌الحسنه به ازای تولد فرزند
۳. افزایش کمک هزینه اولاد
۴. افزایش محدودیت سنی در استخدام به ازای تأهل و تولد هر فرزند
۵. پرداخت مبلغی جهت سرمایه‌گذاری بورس به نام فرزندان
۶. افزایش یارانه فرزندان

۲. حمایت از عموم مادران

۱. انتقال نیمی از مالکیت زمین یا مسکن به مادر
۲. تسهیلات در دریافت خودروی ایرانی
۳. تأمین فضای مناسب با نیاز کودک و مادر و شیرخواره در اماکن عمومی و دستگاه‌ها
۴. ارائه رایگان سبد تغذیه و بسته بهداشتی در ایام بارداری و شیردهی بر اساس آزمون وسع
۵. حمایت از بیمه مادران خانه‌دار
۶. نیم بها شدن هزینه مراکز تفریحی برای مادران دارای ۳ فرزند و بیشتر

۳. حمایت از مادران دانشجو

۱. تسهیلات در مرخصی تحصیلی یا مهمان شدن
۲. حمایت از آموزش غیر حضوری
۳. افزایش سهمیه سقف استاندارد راهنمایی برای اساتید دارای دانشجوی باردار یا فرزند شیرخوار
۴. تسهیلات جهت تعهدات قانون خدمات پزشکان و پیراپزشکان

۴. حمایت از مادران شاغل

۱. مرخصی زایمان تا ۹ ماه کامل
۲. اعطای دورکاری
۳. اختیاری بودن شیفت شب
۴. عدم جواز تعدیل مادر
۵. کاهش سن بازنشستگی به ازای تولد هر فرزند

♦ پرسش‌های فصل

۱. به نظر شما وجود فرزندان چه برکاتی برای همسران جوان دارد؟ (در ابعاد جسمانی، روانی و خانوادگی)
۲. در بین اطرافیان، دو خانواده متشکل از زن و شوهر سالمند بدون فرزند، و زن و شوهر سالمند دارای چندین فرزند را با هم مقایسه کنید. فواید فرزندآوری برای خانواده دوم چیست؟
۳. آسیب‌های تک‌فرزندی بر کودک و والدین را ذکر کنید.
۴. کدام یک از مواد قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را در حمایت از فرزندآوری مؤثرتر می‌دانید؟

♦ منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. ترکان، راضیه؛ فرزندم تک است؛ اصفهان: حدیث راه عشق.
۲. موسوی، حسن؛ مثبت سه؛ تهران: هیئت امروز.
۳. مقدمی، محمود؛ فرزندآوری؛ تهران: مرکز پژوهش‌های جوان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. قاسمی، صالح؛ یک نان‌آور بیشتر؛ تهران: خیزش نور.
۵. دهقانی، محسن و اقدس وکیلی؛ سیر تا پیاز بارداری؛ تهران: مهرستان، ۱۴۰۰.

فصل پنجم جمعیت

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱. دیدگاه‌های مختلف درباره جمعیت را ارزیابی کنند؛
۲. تحولات جمعیتی ایران و عوامل مؤثر بر کاهش جمعیت را بدانند؛
۳. وضعیت آینده ایران و چالش‌های پیش رو را بشناسند؛
۴. راهکارهای برون‌رفت از بحران آتی جمعیت را بدانند.

انسان‌ها گران‌بهاترین سرمایه کشورها محسوب می‌شوند و پایه‌گذار تمدن‌ها و محرک چرخه تولید به‌شمار می‌آیند؛ بنابراین موضوع جمعیت از مهم‌ترین مسائلی است که می‌باید در سیاست‌گذاری‌های اساسی کشورها به آن توجه کرد. به همین دلیل مطالعه مباحث جمعیتی برای اندیشمندان حوزه‌های مختلف، سودمند و اثرگذار است.

تعریف جمعیت و جمعیت‌شناسی

به مجموعه‌ای از انسان‌ها که در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به‌طور مستمر و در قالب خانوار^۱ و خانواده^۲ زندگی می‌کنند و شرایط ملی، قومی و سیاسی واحدی دارند، «جمعیت» گفته می‌شود.^۳

«جمعیت‌شناسی»^۴ علمی است که به مطالعه چگونگی تحول و حرکت‌های جمعیت‌ها در زمان و مکان می‌پردازد و پدیده‌های جمعیتی مانند باروری، ولادت، مرگ و میر و مهاجرت را به‌صورت منظم بررسی می‌کند و همچنین امکان آگاهی از وضعیت و تحلیل کمی و کیفی جمعیت‌ها را فراهم می‌سازد.^۵ این دانش در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی کاربردی وسیع دارد و روزبه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود؛ زیرا شناخت ویژگی‌های جمعیت همچون تعداد،

۱. در تعریف جمعیت‌شناسان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی خانوار، یک واحد آماری است با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی معینی، مرکب از افرادی که در یک کانون زندگی می‌کنند و زیر یک سقف می‌خوابند و هم‌خرج هستند و دور یک میز یا سفره غذا می‌خورند. (تقوی، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۵۳)

۲. در جمعیت‌شناسی، خانواده، نوع خاصی از خانوار است که حداقل از دو نفر تشکیل شده و اساس شکل‌گیری آن ازدواج است. (کاظمی‌پور، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۷۰)

3. Population.

4. Demography.

۵. کاظمی‌پور، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۷۰.

تراکم، توزیع جغرافیایی، ساختار سنی و جنسی، نحوه مهاجرت و جابه جایی فیزیکی یا طبیعی، از مؤلفه‌های مهم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. از این رو، جمعیت‌شناسی دانشی میان‌رشته‌ای است که در قلمرو موضوع خود با علوم دیگر ارتباط دارد و به علوم دیگر کمک می‌کند؛ زیرا علاوه بر نمایش وضعیت جمعیت‌های انسانی به گونه‌ای که هستند، با دنبال کردن کشف چرایی پدیده‌ها، انسان را به تفکر درباره آنچه باید باشد وامی‌دارد.^۱

برای مثال، اطلاعات مهمی که جمعیت‌شناس درباره مرگ و میر، تحول امراض مختلف و تأثیر آن بر افزایش متوسط عمر یا امید به زندگی افراد و همچنین پدیده پیری ارائه می‌دهد، به علوم پزشکی و دارویی کمک می‌کند تا تلاش‌های پزشکان و داروسازان در راه صحیحی به کار رود.

❖ دیدگاه‌های مختلف درباره جمعیت

موضوع جمعیت و مسئله مطلوبیت یا نامطلوب بودن افزایش جمعیت از دیرباز مورد توجه و بررسی صاحب‌نظران قرار داشته است. گاه افزایش جمعیت محرک اصلی توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی شمرده شده و گاه کیفیت بر کمیت ترجیح داده شده و افزایش جمعیت مطرود دانسته شده است.

به طور کلی دو دیدگاه اصلی درباره جمعیت وجود دارد که به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

❖ ۱. دیدگاه کاهش جمعیت

گروهی قائل اند افزایش جمعیت به تدریج باعث فقر و تنزل سطح زندگی خانواده و جامعه می‌شود؛ بنابراین در دیدگاه آنها باید با به کار بستن راه‌های مختلف از این افزایش جلوگیری کرد. بسیاری از متخصصان، دیدگاه‌های کنترل جمعیت را به توماس مالتوس^۲، اقتصاددان انگلیسی نسبت می‌دهند. او نظریات خود را بر پایه فضای اقتصاد صنعتی زمان خود بنا نهاد؛ فضایی که در آن سرمایه و منابع طبیعی نقش اصلی را در تولید کالا و خدمات ایفا می‌کردند. نظریه مالتوس شاید شناخته‌شده‌ترین نظریه‌ای است که مخالف افزایش جمعیت جهان است.

۱. همان، ص ۱۵.

2. Thomas Rabert Malthus

بر اساس این نظریه، منابع محدود موجود بر روی کره زمین، پاسخگوی رشد چشمگیر و سریع در دنیا نبوده و در نتیجه، تنش‌ها و بحران‌های ناشی از کمبود منابع در آینده اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. مالتوس راه‌کار حل این مسئله را جلوگیری از افزایش جمعیت و ازدواج دیر هنگام اعلام کرد. او نظریات خود را بر پایه فضای اقتصادی صنعتی آن روز که در آن، سرمایه و منابع طبیعی نقش اصلی را در تولید کالا و خدمات ایفا می‌کردند، بنا نهاده بود. تصور مالتوس از ثروت و منابع طبیعی، تصویری کمی و غیرپویا بود. از نظر وی منابع طبیعی کمیت ثابت و معینی دارند و به صورت عامل مستقل بیرونی بر اقتصاد تأثیر می‌گذارند؛ اما در اندیشه اقتصادی مدرن منابع طبیعی در درازمدت، خود بخشی از مجموعه متغیرهای درونی تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی محسوب می‌شوند. از این رو به دلیل تأثیر متقابل منابع طبیعی و مؤلفه‌های نظام اقتصادی، پیش‌بینی درازمدت این منابع، بدون در نظر گرفتن تحولات علمی و فنی سطح پیشرفت سایر متغیرهای مؤثر اقتصادی امکان‌پذیر نیست و فاقد پایه علمی خواهد بود.^۱

مالتوس جنگ، قحطی، گرسنگی، طاعون، قتل‌عام و... را وسیله‌هایی طبیعی برای کنترل جمعیت تلقی می‌کند و با هرگونه اصلاح اجتماعی، مانند کمک به فقرا و گسترش خانه‌سازی و تأمین مسکن به‌ویژه برای طبقات کم‌درآمد، مخالفت می‌کند.^۲

البته پس از وی، صاحب‌نظران بسیاری این رویکرد را نقد و رد کردند، تا جایی که حتی خود مالتوس در نوشتارهای بعدی خود (ویرایش پنجم رساله‌ای در باب اصول جمعیت)^۳ نظریاتش را تعدیل کرد؛ اما جالب اینجاست که با این همه، هنوز بسیاری از افراد بر نتایج اولین ویرایش کتاب او تکیه می‌کنند، درحالی‌که در مباحث علمی باید آخرین آرای هر صاحب‌نظر را معیار قرار داد و آن را تحلیل کرد.

۲. دیدگاه افزایش جمعیت

حامیان افزایش جمعیت عقیده دارند که افزایش جمعیت نه تنها مشکلات اقتصادی و گرفتاری‌های اجتماعی به وجود نمی‌آورد، بلکه ازدیاد جمعیت در قدرت نظامی و اقتصادی

۱. محمودی و احراری، درآمدی بر اقتصاد جمعیت؛ نگرش‌ها، روش‌ها و یافته‌ها، ص ۱۲.

۲. نک: کتابی، درآمدی بر اندیشه و نظریه‌های جمعیت‌شناسی.

3. Principle of Population fifth Edition Homewood Irwinoo. Malthus Thomas R (1817)

کشورها نقش مهمی را ایفا می‌کند.^۱ برخی از اقتصاددانان ها، افزایش و تراکم جمعیت را علت اساسی تکامل تکنیک‌های تولیدی و در نتیجه رشد و پیشرفت اقتصادی می‌دانند. ادموند فلیس،^۲ عضو برجسته انجمن اقتصاد آمریکا و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۶م، به رابطه‌ای دقیق بین رشد اقتصادی و رشد جمعیت دست می‌یابد که به «قاعده طلایی رشد» مشهور است. بر اساس قاعده طلایی، کارایی نهایی سرمایه با نرخ رشد جمعیت برابر است. به عبارت دیگر، رشد اقتصادی تابع مستقیم نرخ رشد جمعیت است.^۳ ژان باتیست سی،^۴ یکی از اقتصاددانان معروف فرانسوی، معتقد بود: «رشد جمعیت علت رشد اقتصادی کشورها در بلندمدت است».^۵ پل ساموئلسون،^۶ برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۰م، «بهترین عامل تحرک و تکامل اقتصاد را نرخ باروری انسانی می‌داند».^۷ همچنین هارود،^۸ از دیگر نظریه‌پردازان توسعه اقتصادی، «رشد جمعیت را عامل مثبتی برای رشد طبیعی اقتصاد می‌داند».^۹ طرفداران تولید ثروت از طریق کشاورزی که منشأ ثروت را زمین، انسان، کار و کشاورزی می‌دانند، از جمله طرفداران افزایش جمعیت محسوب می‌شوند.^{۱۰} پیروان مذاهب و ادیان بنا بر تعالیم خود، ازدواج، تشکیل خانواده و تولید نسل را مقدس می‌شمارند. محور مشترک این ادیان درباره گرایش به توالد و تناسل، عمدتاً ناشی از بالا بودن حرمت و ارزش انسان‌هاست، به‌ویژه آنکه آنها آفریده‌های خداوند محسوب می‌شوند. اساساً در تعالیم مذاهب آسمانی قتل نفس یا مشارکت در آن گناهی نابخشودنی است؛ بر همین پایه، جلوگیری از تولید نسل و افزایش جمعیت، در میان آنان نیز چندان مورد استقبال قرار نمی‌گیرد.^{۱۱}

۱. کلانتری، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۹۷.

2. Edmund pheleps.

۳. نک: صالحی «ارتباط رشد جمعیت و رشد اقتصادی» www.598.IR

4. Jean Baptiste Say.

۵. نک: محمودی و احراری، درآمدی بر اقتصاد جمعیت: نگرش‌ها، روش‌ها و یافته‌ها، ص ۳.

6. Paul Samuelson.

7. Paul A. Samuelson, "An exact consumption-loan model of interest with or without the social contrivance of money," Polit. Econ., vol. 66, no. 6, pp. 467-482, 1958.

8. Harrod.

9. R. F. Harrod, "An Essay in Dynamic Theory," Econ. J., vol. 49, no. 193, pp. 14-33.

۱۰. امامی، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۱۱-۱۰.

۱۱. تمنا، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۲۱۷.

آموزه‌های اسلامی هم بر مطلوبیت افزایش جمعیت دلالت دارد و انسان‌ها را به ازدواج و فرزندآوری و افزایش نسل تشویق می‌کند و نگرانی‌های اقتصادی را که خود عاملی برای بی‌میلی به فرزندآوری است، به صراحت می‌زداید و مسلمانان را به رزاق بودن خداوند متوجه می‌سازد. البته مطلوب بودن فرزندآوری به دلیل مطلوب بودن خودِ فرزند نیست، بلکه به دلیل آثار و نتیجه‌های آن است؛ آثاری همچون پایدار ماندن یاد خدا یا ایجاد نسلی از انسان‌های مؤمن و پیدایش افرادی شایسته که به خود و خانواده خود سود می‌رسانند. هرچند از منظر روایات، فزونی جمعیت مسلمانان معیاری مهم برای سعادت در دنیا و آخرت دانسته شده و فرزندان در دنیا مایه استعانت^۱ و قدرت و اقتدار و غلبه مؤمنان^۲ و در آخرت مایه مباهات پیامبر ﷺ^۳ معرفی شده‌اند، اصل در اتخاذ تصمیم و تدابیر سیاست‌های جمعیتی «حفظ و ارتقای حیات اجتماعی جامعه اسلامی» است.

❖ روند تحولات جمعیتی جهان

به لحاظ جمعیت‌شناسی، مهم‌ترین تحول در تایخ جمعیت جهان و کشورها «گذار جمعیتی» است؛ یعنی گذار از باروری و مرگ‌ومیر بالا به باروری و مرگ‌ومیر پایین. گذار جمعیتی به عنوان یکی از نظریه‌های مهم، ارتباط تحولات جمعیت را با مسائل بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به خوبی روشن می‌کند و با معرفی و تحلیل تاریخ جمعیت جهان، نمایی از آینده جمعیت را در اختیار ما قرار می‌دهد. بر اساس این نظریه، جمعیت‌شناسان روند تحولات جمعیت جهان را به سه دوره پیش از گذار، گذار اول و گذار دوم تقسیم کرده‌اند.

❖ ۱. پیش از گذار

تا اواسط قرن شانزدهم میلادی، نرخ موالید در جهان بالا و همچنین مرگ‌ومیر نیز زیاد بود؛ در نتیجه رشد جمعیت روند کندی داشت و می‌توان گفت که ترکیب سنی تا اوایل قرن هجده میلادی، ثابت بوده است. بنابراین تغییرات جمعیتی پیش از گذار، از الگوی ثابتی پیروی می‌کرد؛ اما این سیر از اواخر قرن هجده میلادی دچار تغییراتی گسترده شد.

۱. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۲، ح ۳.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۶۱؛ سوره اسراء، آیه ۶.

۳. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

در قرن هفدهم و هجدهم میلادی، دولت‌های اروپایی با رقابت بر توسعه فتوحات و مستعمره‌سازی سرزمین‌های دور، سیاست محدود کردن مهاجرت‌ها از خارج به داخل و دیدگاه تشویق توالد در داخل را دنبال می‌کردند. آنها بر این باور بودند که قدرت و ثروت هر دولت در رابطه با بزرگی جمعیت آن تعیین می‌شود و با افزایش جمعیت قدرت و ثروت نیز افزایش می‌یابد. در این دوره جمعیت زیاد به عنوان منشأ و عامل تعیین‌کننده اقتدار ملی و توان نظامی و اقتصادی دولت‌ها مطرح بود. به همین دلیل، توجه به جمعیت بیشتر از زاویه اهدافی بود که رسیدن به آنها غالباً جمعیت زیاد را بر کم ترجیح می‌داد؛ اهدافی نظیر تقویت قدرت نظامی دولت، مشارکت در ثبات سیاسی و کسب درآمدهای مالیاتی.^۱ علاوه بر آن با پیشرفت چشم‌گیر علم پزشکی و کنترل بیماری‌ها، نرخ مرگ و میر کاهش یافت و به همین دلیل رشد طبیعی جمعیت افزایش پیدا کرد و سیر صعودی شتابانی گرفت.

پس از این مرحله با وقوع انقلاب صنعتی اروپا به تدریج برتری‌های اقتصادی و تکنولوژیک اهمیت بیشتری یافت و رابطه جمعیت و افزایش قدرت در مرتبه پایین‌تری قرار گرفت. سرانجام در اواخر قرن هجده میلادی بسیاری، از جمله مالتوس، رشد جمعیت را عامل عقب‌ماندگی‌ها و نابسامانی‌ها دانستند و مردم و دولت را به کاهش جمعیت تشویق کردند؛ به تدریج نرخ موالید کاهش پیدا کرد و رشد طبیعی جمعیت سیر نزولی گرفت و با ادامه آن روند تغییراتی اساسی در هنجارها، ارزش‌ها و سبک زندگی کشورهای صنعتی که خواهان توسعه اقتصادی و اجتماعی خود بودند، ایجاد شد.

۳. گذار جمعیتی دوم

با ادامه روند کاهش موالید، در مرحله بعدی نرخ باروری به سطح جانشینی می‌رسد و رشد طبیعی جمعیت به تدریج به صفر سیر می‌کند و منفی می‌شود. به حداقل میزان نرخ باروری کل «سطح جانشینی»^۲ گفته می‌شود^۳ که یک جمعیت بتواند

۱. میرزایی، گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی، ص ۲۳.

2 Replacement Level of fertility

۳. باروری سطح جانشینی عبارت است از: سطحی از باروری مورد نیاز که جمعیت قادر باشد، خود را بازتولید کند. درواقع نشان‌دهنده تعداد فرزندی است که هر زن باید بدنیا بیاورد تا به حفظ سطح جمعیت فعلی بینجامد.

به لحاظ تعداد نسل، خود را با آن بازتولید کند؛ یعنی نسل بعدی جانشین نسل پیشین گردد.^۱

سطح باروری جانشینی در همه نقاط جهان یکسان نیست و بین کشورهای مختلف مقادیر متفاوتی دارد. این عدد معمولاً بین ۲/۱ تا ۳/۳ در نظر گرفته می شود؛ زیرا ممکن است دو فرزند یک خانواده به هر دلیلی از جمله بیماری، تصادف و حوادث غیرمترقبه زودتر از والدین خود از دنیا بروند و نقش جانشینی نسلی پس از پدر و مادر را ایفا نکنند. به همین دلیل جمعیت شناسان با در نظر گرفتن حاشیه امنی متناسب با میزان امید به زندگی، رفاه، بهداشت و مانند آن در هر کشور، این سطح را تعیین می کنند.^۲ در اواخر دوره گذار اول با پیشرفت پزشکی نرخ مرگ و میر تا حدودی ثابت شد، ولی باروری در هر دو گذار بالاتر از سطح جانشینی قرار داشت. از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، کاهش باروری و تأخیر در آن، با تغییر در هنجارها و ارزش ها و نگرش ها به زندگی خانوادگی و فرزندآوری همراه شد. تغییرات گذار باروری اول، از طریق دو عامل گرایش های فمینیستی و برابری های جنسیتی در دختران و پسران شدت بیشتری به خود گرفت و همین امر به تدریج با کمک کاهش باروری، زمینه تغییرات اجتماعی دیگری را نیز فراهم کرد. تغییراتی مانند تأخیر و کاهش عمومیت ازدواج، تأخیر در فرزندآوری، میزان زیاد طلاق، افزایش سقط جنین، همه از عوامل مؤثر در کاهش باروری به شمار می آید.^۳ پس از آن با شیوع فردگرایی و لذت گرایی در کشورهای صنعتی، سنگ بنای افول ارزش های خانواده محور در غرب پایه گذاری شد. کاهش تشکیل خانواده و ازدواج، افزایش تشکیل زندگی های بدون ازدواج و کاهش عمومی در باروری، بالا رفتن سن ازدواج و به تبع آن سن فرزندآوری، به تغییرات زناشویی و تشکیل خانواده در این دوره اشاره می کند.

از سویی دیگر، وسایل پیشگیری از بارداری نیز به بازار آمد و استفاده از آنها به شدت گسترش یافت. در نتیجه با ادامه کاهش نرخ زاد و ولد، نزول رشد طبیعی جمعیت ادامه یافت. شایان ذکر است که در این مرحله نرخ مرگ و میر نسبتاً ثابت بوده است؛ زیرا پیشرفت پزشکی تا حدی توانسته بود نرخ مرگ و میر را کاهش دهد. اکنون بسیاری از کشورها وارد

۱. سرایی، جمعیت شناسی، مبانی و زمینه ها، ص ۱۱۴.

۲. بدیهی است با رسیدن نرخ باروری کل به سطح جانشینی، رشد جمعیت یک باره متوقف نمی شود، بلکه سیر صعودی خود را مدتی ادامه می دهد تا بالاخره این روند متوقف گردد و رشد جمعیت به صفر برسد.

۳. کاظمی پور، مبانی جمعیت شناسی، ص ۳۶.

گذار دوم جمعیتی شده‌اند. در برخی کشورهای اروپایی، نهادینه شدن عوامل فرهنگی و اجتماعی بازدارنده از فرزندآوری، موجب استمرار شیب تند کاهش نرخ باروری شده است؛ آن‌گونه که میزان مرگ‌ومیر از زادوولد پیشی گرفته و افزون بر بالا رفتن نرخ سالخورده‌گی، مرحله جدیدی از این تحولات با رشد منفی جمعیت آغاز شده است.

اخیراً دیوید کلمن^۱ اندیشه گذار سوم جمعیتی را مطرح کرده است. وی افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی و شکل‌گیری شبکه‌های مهاجرتی را مهم‌ترین مشخصه گذار سوم جمعیتی می‌داند. آمارهای جهانی نشان‌دهنده آن است که سهم اروپا از کل جمعیت جهان در سال ۱۹۶۰م نزدیک پانزده درصد بوده؛ اما در سال ۲۰۰۵م به کمتر از هشت درصد رسیده است. این روند کاهشی همچنان ادامه دارد، تا جایی که محققان پیامد اختلاف رشد جمعیت در خاورمیانه اسلامی و اروپا را تغییر تناسب جمعیتی به نفع مسلمانان در سال ۲۰۵۰م می‌دانند. این بدان معناست که سهم مسلمانان در تحولات جهانی، با توجه به جمعیت جوان این کشورها، می‌تواند بیش‌ازپیش افزایش یابد.^۲

تحولات جمعیتی ایران

ایران در گذشته، کشور پرجمعیتی بوده است. به روایت برخی از مورخان، در حدود پانصد سال پیش از میلاد مسیح، جمعیت ایران باستان حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر گزارش شده است. هرچند این رقم مربوط به محدوده کنونی ایران نبوده و شامل سرزمین‌های وسیع‌تری می‌شده (که احتمالاً وسعتی بیش از سه برابر وسعت کنونی ایران داشته)، بسیاری از سیاحان و مورخان به پرجمعیت بودن شهرهای ایران اشاره کرده‌اند که این خود بر کثرت جمعیت ایران در ادوار مختلف تاریخ دلالت دارد.^۳

تا نیمه قرن سیزدهم شمسی، سرشماری جمعیتی در ایران متداول نبود. اولین برآوردها از جمعیت ایران مربوط به ژنرال شیندلر^۴ است که در جریان مأموریت خود برای گسترش تلگراف در ایران، سفرهای متعددی به ایران کرد. او ضمن گزارش از وضعیت ایران، شمار

۱. David Coleman.

۲. نک: مهری، بررسی طرح‌ها و سیاست‌های افزایش مولید در کشورهای منتخب و ارائه الگوی متناسب با شرایط ایران، ص ۱۶-۸.

۳. نک: تقوی، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۲۸.

۴. General Fch. Shindler.

جمعیت کشور را در سال ۱۲۶۳ شمسی حدود ۷/۶ میلیون نفر تخمین زد.^۱ همچنین نخستین سرشماری نوین در زمان میرزا تقی خان امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ انجام شد و جمعیت ایران بین ۸ تا ۱۰ میلیون نفر اعلام گردید.^۲

به این ترتیب تا پیش از آغاز قرن چهاردهم شمسی، جمعیت ساکن در ایران کمتر از ۱۰ میلیون نفر بوده است.^۳ پس از آن، سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ انجام، و جمعیت ایران حدود ۱۹ میلیون نفر شمارش شد. تا اوایل ۱۳۳۰ جمعیت ایران با نرخ رشد پایینی افزایش می یافت؛ به طوری که در فاصلهٔ چهل ساله از ۱۲۸۰ تا ۱۳۲۰، تنها ۱/۴ برابر شد.^۴ با اینکه باروری زیاد و نسبتاً ثابت بود، اما در مقابل مرگ و میر هم به دلیل کمبود امکانات و بهداشت زیاد بود؛ لذا نرخ رشد به طور متوسط پایین بود و جمعیت به کندی افزایش می یافت. میزان مرگ و میر در ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵ و سپس در سه دههٔ پس از آن پایین آمد.

با بهتر شدن اوضاع بهداشت و درمان در طول دوره‌ای ده ساله از سال ۱۳۳۵، جمعیت کشور با نرخ متوسط رشد سالانه ۳/۱۳ درصد، به ۲۵/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ رسید. تا اواسط دههٔ ۱۳۴۰ دولت سیاست مشخصی در زمینهٔ تحدید موالید و کاهش سطح باروری نداشت. در سال ۱۳۴۱ برای نخستین بار در برنامهٔ سوم عمرانی کشور، موضوع جمعیت مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۴۵ دولت به طور رسمی سیاست جمعیتی خود را مبنی بر تنظیم خانواده و کنترل زاد و ولد اعلام کرد و به این ترتیب ایران به امضاکنندگان بیانیهٔ جهانی تنظیم خانواده پیوست. این سیاست با افزایش دسترسی به خدمات جلوگیری از بارداری و به موازات آن با فعالیت‌های تبلیغاتی و آموزشی در راستای تحدید موالید همراه بود.^۵ بدین ترتیب، در طول دورهٔ ده سالهٔ بعدی (۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵) شتاب افزایش جمعیت ایران کاهش یافت. شمار جمعیت با نرخ رشد سالانه ۲/۷ درصد، از ۲۵/۷ میلیون نفر به ۳۳/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ رسید که در مقایسه با نرخ متوسط رشد در دورهٔ پیشین (۳/۱۳ درصد در سال) تا حدودی کاهش یافته بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر

۱. نک: حسینی، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، ص ۱۷۳.
۲. نک: تقوی، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۲۸.

۳. حسینی، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، ص ۱۷۳.
۴. مطیع حق‌شناس، گزارش نماگرهای جمعیتی: رشد جمعیت، ص ۳۵.

۵. حسینی، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، ص ۱۷۵.

بستر فرهنگی و اجتماعی در کشور و همچنین با متوقف شدن برنامه‌های تنظیم خانواده، روند افزایش جمعیت دوباره سرعت گرفت. اولین سرشماری رسمی پس از انقلاب، متوسط نرخ رشد سالانه را حدود ۳/۹ درصد و آمار ۴۹ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ را گزارش کرد. این بالاترین نرخ رشد جمعیت در طول تاریخ تحولات جمعیتی ایران بود. نکته جالب آنکه این رشد سریع جمعیتی در اوج جنگ تحمیلی و هم‌زمان با شهادت صدها هزار جوان اتفاق افتاد. به هر روی، مسئولان و سیاست‌گذاران از سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ مجدداً سیاست کنترل موالید و اجرای برنامه تنظیم خانواده را در اولویت قرار دادند. این سیاست‌ها در اولین برنامه توسعه پس از انقلاب طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ به اجرا درآمد.

در سال ۱۳۷۲، قانون کنترل جمعیت و تنظیم خانواده تصویب شد. این قانون، امکانات و تسهیلات متعلق به خانواده‌های پرجمعیت را قطع کرد و مبانی قانونی مشخصی را برای اعمال سیاست‌های همه‌جانبه کنترل موالید و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده فراهم ساخت.

در این راستا اقدامات سراسری و همه‌جانبه‌ای از سوی بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دولتی انجام شد؛ مثلاً سازمان‌های تبلیغاتی و رسانه‌ها به ترویج شعارهایی از قبیل «فرزند کمتر، زندگی بهتر» پرداختند؛ به‌گونه‌ای که در دهه هفتاد این تبلیغات در معابر عمومی، خیابان‌ها و روی بسته‌بندی کالاها دیده می‌شد و وزارت بهداشت نیز خدمات پیشگیری از بارداری را به‌طور فراگیر در سراسر کشور ارائه می‌داد. این تغییر رویکرد و فعالیت‌های صورت‌گرفته در پی آن موجب شد که در فاصله ده ساله بین ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، نرخ رشد جمعیت با سرعتی استثنایی از ۳/۹ درصد به ۱/۹ درصد (۲/۹۵ در شهر و ۰/۲۸ در روستا) تقلیل یابد. روند کاهش متوسط نرخ رشد جمعیت در مناطق روستایی بسیار بیشتر و بارزتر از مناطق شهری بود که از دلایل آن می‌توان به مهاجرت روستاییان به شهرها اشاره کرد. به این ترتیب، هدفی که سیاست‌گذاران برای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در نظر گرفته بودند، بیش از یک دهه زودتر محقق شد و ایران در رتبه نخست دستیابی به اهداف برنامه‌های کنترل جمعیت در جهان قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که هیچ کشوری در جهان نتوانسته بود در مدت زمانی به این کوتاهی، رشد جمعیت خود را به این میزان کاهش دهد.

جدول (۱): بازخوانی سیر تاریخی جمعیت در ایران^۱

ردیف	سال (شمسی)	تعداد جمعیت (نفر)	نرخ رشد سالانه (درصد)
۱	۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۱/۵
۲	۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۳/۱۳
۳	۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۲/۷۱
۴	۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۳/۹۱
۵	۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱/۹۶
۶	۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱/۶۲
۷	۱۳۹۰ ^۲	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱/۲۹
۸	۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۱/۲۴

۱. عوامل مؤثر بر تحولات جمعیتی ایران

تحولات جمعیتی در هر کشور تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد. برخی از این عوامل تأثیر مستقیم و بدون واسطه‌ای در روند تغییرات جمعیت دارند؛ به طوری که خود به عنوان شاخص‌های جمعیتی محسوب می‌شوند؛ از جمله این عوامل شاخص‌های باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت است. برخی دیگر از این عوامل به عنوان شاخص جمعیتی محسوب نمی‌شوند، اما از عوامل غیرمستقیم مؤثر بر تحولات جمعیتی به شمار می‌آیند.

۱-۱. عوامل مستقیم

- باروری: باروری به عنوان مهم‌ترین شاخص تأثیرگذار بر رشد جمعیت و از عوامل مستقیم بر تحولات جمعیتی محسوب می‌شود. میزان باروری کل، یکی از گویاترین شاخص‌های باروری است. میزان باروری کل^۲ عبارت است از شمار فرزندی که یک زن در طول دوران باروری خود با توجه به سن باروری (۱۵ تا ۴۹ سال) بدون به شمار آوردن مرگ‌ومیرهای

۱. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵.

۲. سرشماری عمومی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ به طور کلی هر ده سال یک بار انجام می‌شد، اما در سال ۱۳۹۵ مجدداً سرشماری انجام گرفت.

3. TFR: Total fertility rate.

فرزندان به دنیا می‌آورد. روند میزان باروری کل ایران در قرن اخیر نشان می‌دهد، سطح باروری افت‌وخیزهایی را تجربه کرده است. میزان باروری تا پیش از دهه ۷۰ در سطح بالایی بود، اما پس از آن روند کاهشی به خود گرفت؛ به گونه‌ای که آمار سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که در ۱۸ استان کشور، میزان باروری کل در حد زیر سطح جانشینی بوده است^۱ که استمرار آن به معنای جایگزین نشدن فرزندان با پدر و مادر در نسل بعدی است؛ معضلی که موجب تغییر ساختار سنی جمعیت کشور در آینده نزدیک می‌شود.

جدول شماره ۲ تحولات نرخ باروری، میزان مرگ‌ومیر عمومی و امید زندگی^۲ را در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نرخ باروری کل به صورت چشمگیری کاهش یافته است.

جدول (۲): نرخ باروری کل، میزان مرگ‌ومیر عمومی و امید زندگی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵

سال	نرخ باروری کل	میزان مرگ‌ومیر عمومی (در هزار نفر)	امید زندگی
۱۳۵۵	۶/۰۸	۱۱/۵	۵۴
۱۳۶۵	۶/۳	۸	۶۱
۱۳۷۵	۲/۵۲	۷	۶۷
۱۳۸۵	۱/۸۹	۵/۸	۶۹
۱۳۹۰	۱/۷۵	۵/۶	۷۲
۱۳۹۵	۲/۰۱	۴/۷	۷۴

از آنجا که تعداد جوانان در سن باروری در اوج است (متولدین دهه ۶۰ که بیشترین موالید تاریخ ایران را داشته‌اند)، نرخ باروری کل در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۰ افزایش داشته، ولی باز هم این نرخ، به نرخ باروری در حد جانشینی (۲/۱) نرسیده است. لازمه آنکه جمعیت کشور دست‌کم ثابت بماند، این است که نرخ باروری ۲/۱ باشد تا به‌ازای فوت پدر و مادر

۱. نک: مرکز آمار ایران، گزیده اطلاعات آماری، «چشم‌اندازی به باروری در ایران از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸».

۲. امید زندگی (Life expectancy) عبارتست از: تعداد سال‌هایی که امید می‌رود، یک کودک تازه به دنیا آمده در زمان و مکان معینی زنده بماند.

۳. پژوهشکده آمار، مرکز آمار ایران، دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری.

دست کم دو فرزند جایگزین آنها باشد؛ زیرا به هر حال تعدادی از فرزندان به دلایل مختلف در سال‌های آتی از دنیا خواهند رفت. البته در همین بازه زمانی، مرگ و میر عمومی نیز کاهش و امید زندگی افزایش چشمگیری داشته و در نتیجه جمعیت فزونی یافته است، ولی این افزایش جمعیت به دلیل ازدیاد افراد میانسال و سالخورده است، نه افزایش موالید. از این رو، آمار به روشنی نشان می‌دهد که ایران روبه سالمندی پیش می‌رود.

در چند سال اخیر هم روند کاهشی همچنان ادامه داشته به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۹ میزان باروری کل به کمترین میزان خود یعنی ۱/۷۱ رسیده است.^۱ سرعت کاهش باروری کل در ایران نشان می‌دهد که ایران در طول این سال‌ها سرمایه انسانی زیادی را از دست می‌دهد که از آن به سقوط باروری یاد می‌شود.^۲ نیکولاس ابرشتات،^۳ محقق آمریکایی، پرشتاب بودن این روند را یکی از سریع‌ترین و چشمگیرترین آمارهای کاهش نرخ باروری در تاریخ بشر می‌داند. این محقق خاطر نشان می‌کند که در طول سه دهه گذشته نرخ باروری در کل جهان ۳۳ درصد، در جهان اسلام ۴۱ درصد و در کشور ایران حدود ۷۰ درصد کاهش یافته است.^۴

توجه به این نکته ضروری است که طبق آمار، در اوج جمعیت در سن باروری، باز هم نرخ باروری به سطح جانشینی نرسیده است. البته روند نزولی تعداد تولدها از سال ۱۳۹۵ آغاز شده، این کاهش چشمگیر در جدول زیر کاملاً مشخص است. همچنین با اینکه تعداد زنان در سن باروری (۴۹-۱۵ سال) روبه افزایش بوده، میزان موالید به شدت کاهش یافته است.

۱. مرکز آمار ایران.

۲. محمودی، شاخص‌های جمعیتی و آخرین وضعیت سیاست‌های جمعیتی، ص ۲۲.

3. Nicholas Eberstadt.

4. Eberstadt and Apoorva 2011, on "Fertility Decline in the Muslim World: A Vertible Sea-Change, Still Curiously Unnoticed".

جدول (۳): تغییرات موالید و درصد تغییرات آن (۱۳۸۵-۱۴۰۰)

سال	جمعیت کل	تعداد تولدها	درصد تغییرات موالید
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۲۵۳۹۱۳	-
۱۳۸۶	۷۱۳۴۱۱۲۸	۱۲۸۶۷۱۶	۲/۶۲
۱۳۸۷	۷۲۲۱۵۱۰۸	۱۳۰۰۱۶۶	۱/۰۵
۱۳۸۸	۷۳۰۹۷۴۷۶	۱۳۴۸۵۴۶	۳/۷۲
۱۳۸۹	۷۴۰۵۲۵۰۸	۱۳۶۳۵۴۳	۱/۱۱
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱۳۸۳۳۲۹	۱/۳۷
۱۳۹۱	۷۶۰۸۱۵۲۵	۱۴۲۱۶۸۹	۲/۹
۱۳۹۲	۷۷۰۲۴۹۳۶	۱۴۷۱۸۳۴	۳/۵۳
۱۳۹۳	۷۷۹۸۰۰۴۵	۱۵۳۴۳۶۲	۴/۲۵
۱۳۹۴	۷۸۹۴۹۹۸	۱۵۷۰۲۱۹	۲/۳۴
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۱۵۲۸۰۰۳	- ۲/۷
۱۳۹۶	۸۰۸۷۶۲۷۰	۱۴۸۷۹۱۳	- ۲/۶
۱۳۹۷	۸۱۸۲۶۲۷۰	۱۳۶۶۵۱۹	- ۸/۱۶
۱۳۹۸	۸۲۷۷۶۲۷۰	۱۱۹۶۱۳۲	- ۱۱/۷۴
۱۳۹۹	۸۳۶۱۶۵۸۹	۱۱۱۴۰۰۰	۴/۷
۱۴۰۰	۸۴۲۵۶۳۲۹	۱۱۱۶۰۰۰	۰/۱۸

- **مهاجرت:** نیز تأثیر بسزایی در وضعیت جمعیتی هر کشوری دارد. تفاوتی که مهاجرت با موالید و مرگومیر دارد این است که مهاجرت از یک جامعه موجب کاهش رشد مطلق آن و ورود مهاجرها به جامعه دیگر موجب افزایش رشد جامعه مهاجرپذیر

می‌شود. ایران از یک سو مهاجرپذیر است؛ به گونه‌ای که یکی از بزرگترین میزبانان مهاجران افغانستانی در سال‌های اخیر بوده است، از سوی دیگر شواهدی مبنی بر خروج جمعیت جوان و عمدتاً تحصیل کرده به خارج از مرزهای کشور دارد؛ به گونه‌ای که در سال‌های اخیر به معضلی تبدیل گشته است.

آمارهای موجود در خصوص مهاجرت، نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند. طبق داده‌های منتشرشده بانک جهانی، در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۷ م تعداد مهاجران ایرانی به خارج از کشور روند افزایشی داشته است. رتبه ایران در کشورهای فرستنده مهاجر از میان ۲۳۲ کشور در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و ۲۰۱۷ م به ترتیب ۷۶، ۷۴ و ۵۴ بوده است که نسبتاً افزایش یافته است.^۱

با توجه به شرایط جمعیتی ایران و سالخوردگی جمعیت در سال‌های آتی، افزایش مهاجرت‌ها می‌تواند وضعیت بغرنج‌تری را برای کشور ایجاد کند. هرچند مهاجرت نخبگان و تحصیل‌کردگان در صورت بازگشت به کشور، فوایدی همچون ایجاد شبکه‌های اجتماعی، انتقال دانش و فناوری سرمایه‌گذاری و... را دربردارد، روند افزایشی آن می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری را بر کشور تحمیل کند.

- ساختار و ترکیب جمعیتی: ساختار و ترکیب جمعیتی هم تأثیر مستقیمی در کاهش یا افزایش جمعیت دارد. سن و جنس مهم‌ترین مشخصه‌های ترکیب جمعیت هستند و این وضعیت می‌تواند تأثیر درخور توجهی بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمعیت در زمان حال و آینده داشته باشد.

به‌طور کلی ساختار سنی و جنسی از تعامل میان باروری و مرگ‌ومیر و مهاجرت به‌وجود می‌آید.^۲ هرم سنی سال‌های اخیر بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ نشان‌دهنده این است که متولدان دهه ۶۰ که اکنون به بزرگ‌سالی رسیده‌اند، بیشترین تعداد جمعیت را تشکیل می‌دهند که باعث شده در کشور پدیده‌ای به نام «تورم جوانی»^۳ به‌وجود بیاید. اقتصاددانان

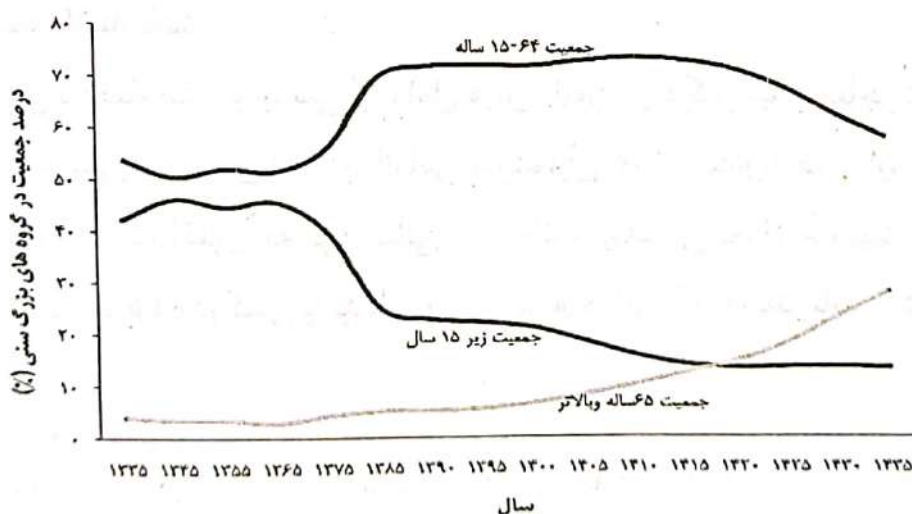
۱. همان، ص ۳۹.

۲. نک: «هرم‌های سنی ایران بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵»، مرکز آمار ایران، ص ۱۶.

۳. پدیده تورم جوانی زمانی به‌وجود می‌آید که قسمت درخور توجهی از جمعیت کشور (۲۰ درصد کل جمعیت یا بیشتر) شامل جوانان یا نوجوانانی (گروه سنی ۱۵-۲۴ سال) شود که در زمان پیروی از الگوی باروری بالا متولد شود و سپس در اثر کاهش میزان باروری، تعداد فرزندان زنده متولدشده، تنزل یابد. در سال ۱۳۸۵، ۲۵/۱۶ درصد از جمعیت کل کشور را گروه‌های سنی ۱۵ تا ۱۹ سال و ۲۰ تا ۲۴ سال تشکیل داده بود.

به چنین وضعیتی «فرصت طلایی» می‌گویند^۱ و از این لحاظ می‌توان گفت پدیده جدیدی به نام «پنجره جمعیتی» در کشور به وقوع پیوسته است. در علم جمعیت‌شناسی به شرایطی که در ساختار سنی جمعیت یک کشور، تعداد جوانان و افراد فعال در سنین کار (جمعیت تولیدکننده بین سنین ۱۵ تا ۶۵) به صورت چشمگیری بیشتر از سالمندان، کودکان و نوجوانان (جمعیت مصرف‌کننده) باشد، به اصطلاح «پنجره جمعیتی» گفته می‌شود. این شرایط، نتیجه کاهش باروری و تغییر در توزیع و ترکیب سنی جمعیت است. به وجود آمدن پنجره جمعیتی، فرصت مغتنمی برای رشد و توسعه کشور در ابعاد مختلف است که باید از آن به خوبی بهره برد؛ زیرا به آسانی تکرار نمی‌شود؛ آن گونه که شاید بتوان گفت در عمر هر ملت ممکن است فقط یک بار تجربه شود.^۲ چنان که در نمودار ۲ آمده، ایران با تغییر ساختار سنی از حدود سال ۱۳۸۵ وارد پنجره جمعیتی شده که حداکثر سه دهه به طول می‌انجامد و گفتنی است سال‌های ابتدایی دهه نود که جمعیت جوان کشور (متولدان دهه ۱۳۶۰) در بیشترین میزان خود قرار دارد، بهترین وضعیت آن بود و هم‌اکنون بیش از نیمی از این دوره سپری شده است. این ساختار سنی طلایی در کنار سایر ظرفیت‌ها و منابع موجود در کشور می‌تواند شرایط ویژه‌ای را برای توسعه و پیشرفت پرشتاب ایجاد کند. بی‌تردید بهره‌مندی از این فرصت در گرو تعجیل در سیاست‌گذاری و هوشمندی در برنامه‌ریزی‌هاست.

نمودار (۲): پنجره جمعیتی ایران



۱. بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

۲. نک: صادقی، «تغییرات ساختار سنی و ظهور پنجره جمعیتی در ایران: پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاسی».

وجود این جمعیت جوان، اما کاهش مستمر زاد و ولد، به تدریج ساختار سنی جمعیت ایران را از وضعیت جوانی خارج و به سوی سالخوردگی سوق داده است. به همین دلیل هرم سنی جمعیت ایران که در طول تاریخ همواره قاعده‌ای گسترده داشته و به لحاظ تمرکز بیش از ۴۰ درصد از کل جمعیت در سنین کمتر از پانزده سال، از ساختاری جوان برخوردار بوده، در دو دهه اخیر تغییر شکل داده و نوعی فرورفتگی در قاعده هرم سنی ایجاد شده است. به این ترتیب نسبت جوانی جمعیت کل کشور از رقیمی بیش از ۴۶ درصد در سال ۱۳۴۵، به رقیمی حدود ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش و در واقع در فاصله‌ای چهل ساله و با روندی بی‌سابقه، حدود ۵۰ درصد تقلیل یافته است. مطالعات نشان می‌دهد که در صورت ادامه این روند در چند سال آینده با ادامه رشد منفی و پیر شدن تدریجی جمعیت مواجه خواهیم شد.

۲-۱. عوامل غیرمستقیم

- تحول در ازدواج و طلاق: در چند دهه گذشته با بالا رفتن سن ازدواج و افزایش مجرد قطعی^۱ مواجه بوده‌ایم. میانگین سن در اولین ازدواج زنان از ۱۸/۴ سالگی در سال ۱۳۴۵، به ۲۳/۴ سالگی در سال ۱۳۹۸ و برای مردان نیز این شاخص از ۲۵/۶ سالگی در سال ۱۳۴۵ به ۲۷/۶ سالگی در سال ۱۳۹۸ رسیده است. این افزایش به معنای کاهش بازه احتمال باروری پس از ازدواج است.

به طوری که در تحقیقی نشان داده شد رابطه خطی همسویی بین سن ازدواج و سن فرزندآوری زنان وجود دارد و به ازای افزایش یک سال سن ازدواج زنان، ۱/۱۴ سال فرزندآوری با تأخیر مواجه می‌شود. این گونه تحولات به طور غیرمستقیم بر جمعیت کشور تأثیرگذار است.^۲

با توجه به سرشماری سال ۱۳۴۵ می‌توان گفت: پس از گذشت نیم قرن از این سرشماری، جمعیت کشور سه برابر شده و هم‌زمان شاهد رشد ۴ برابری زنان متأهل (جمعیت در معرض طلاق) و سه برابر شدن تعداد ازدواج‌های ثبت شده در یک سال و رشد ۷ برابری

۱. مجرد قطعی درباره افرادی به کار می‌رود که امید به ازدواج ندارند و احتمال زوجیت در بین آنها کم است. سرشماری سال ۱۳۹۰ آستانه ورود به مجرد قطعی برای زنان را چهل سالگی در نظر گرفته است.

۲. همچنین ارتباط بین دو متغیر سن ازدواج و سن فرزندآوری در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که با افزایش سن، فرزندآوری با تأخیر مواجه خواهد شد. (نک: «آمارهای حیاتی زنان و مادران ایرانی»، ص ۲۴)

تعداد طلاق‌ها در این دوره بوده‌ایم. چنان‌که پیداست رشد طلاق^۱ سرعتی چشمگیرتر از رشد جمعیت داشته است. همچنین با روند کاهشی ازدواج نسبت به جمعیت مواجه بوده‌ایم که البته متأثر از ساخت جمعیتی هم هست.

در سال ۱۳۹۹ در کشور به ازای هر هزار نفر از جمعیت، حدود ۶ ازدواج و ۲ طلاق رخ داده که نسبت به سال ۱۳۹۲ که حدود ۱۰ ازدواج و ۲ طلاق بوده، تغییر شایانی کرده است. جدول زیر میزان عمومی ازدواج و طلاق^۲ را نشان می‌دهد.

جدول (۴): میزان عمومی ازدواج و طلاق ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹

۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	
۶/۸	۶/۵	۶/۹	۷/۷	۸/۶	۹/۱	۹/۹	۱۰/۵	میزان عمومی ازدواج
۲/۲	۲/۲	۲/۲	۲/۳	۲/۲	۲/۳	۲/۳	۲/۲	میزان عمومی طلاق

- افزایش شهرنشینی: گسترش روزافزون تعداد شهرها و تغییرات کمی و کیفی آن تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون صنعتی شدن، مهاجرت روستاییان به شهرها و... بوده است. در سال‌های اخیر شهرنشینی در ایران رشد شتابانی داشته است. ایران تا پیش از سال ۱۳۰۰ از نظام شهری و شهرنشینی متناسبی برخوردار بوده و تا سال ۱۳۳۵ هم هیچ شهری بر شهر دیگر برتری نداشته است؛ اما حدود سال ۱۳۶۰ سهم جمعیت در مناطق شهری و روستایی برابر شد و انتقال شهری بعد از آن اتفاق افتاد. روند صعودی شهرنشینی در ایران بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ حدود ۷۴ درصد بوده که در دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵، سالانه رقمی حدود ۰/۷ واحد به میزان شهرنشینی کشور اضافه کرده است.^۲ در پی افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ، بخش زیادی از جمعیت جامعه در محیطی متراکم گرد هم می‌آیند. در نتیجه این تراکم، افراد مجبور می‌شوند در حداقل مساحت ممکن ساکن شوند.

انبوهی جمعیت و گرانی زمین، درآمد کم در کنار هزینه‌های زیاد محیط شهری، ایجاد محلات پرجمعیت، حاشیه‌نشینی، فقر، فزونی آسیب‌های اجتماعی، مشکل مسکن،

۱. همان، ص ۲۵.

۲. این میزان، از تقسیم «تعداد رویدادهای ازدواج و طلاق رخ داده در یک سال» بر «جمعیت میانه» به دست می‌آید.

۳. نک: محمودیانی، «بررسی وضعیت و تحولات شهرنشینی ایران با تأکید بر دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵».

ترافیک، دشواری در دفع زباله، آلودگی هوا از جمله پیامدهای افزایش شهرنشینی است که با کاهش جمعیت ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم دارد.

- **تغییرات فرهنگی و سبک زندگی:** با گسترش مدرنیته و تغییر سبک زندگی در خانواده‌ها، از یک سو مصرف‌گرایی، رفاه‌طلبی و احساس فقر کاذب افزایش پیدا کرد و از سوی دیگر تلاش برای تأمین سطح بالای رفاه برای فرزندان، به فرزندسالاری منجر شد؛ مادری و خانه‌داری تحقیر شد، فردگرایی و مجردزیستی رواج پیدا کرد و با تغییر ارزش‌ها، طلاق و فروپاشی خانواده‌ها نیز روند افزایشی یافت. سبک زندگی زنان و مردان ایرانی نیز آنان را در زمره پرشمارترین افراد نابارور در کشورهای جهان قرار داد. مجموعه این عوامل باعث کاهش میزان فرزندآوری شده است. بنابراین کاهش فرصت فرزندآوری به دلیل بالا رفتن سن ازدواج، افزایش میزان مجرد قطعی، افزایش طلاق و نیز گسترش میزان ناباروری موجب شد کاهش رشد جمعیت به صورت پرشتابی ادامه یابد.

- **مشکلات اقتصادی و بی‌ثباتی:** مشکلات اقتصادی و بی‌ثباتی اقتصادی که برآمده از تورم، بیکاری یا ضعف سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی است، زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این امر به طور غیر مستقیم بر میزان باروری مؤثر است. البته مشکلات اقتصادی کاذب که بیشتر ناشی از مصرف‌گرایی و توقعات بالا در زندگی است نمود بیشتری در این امر دارد. با بالا رفتن سطح توقع والدین و انتظار آنها برای داشتن زندگی مرفه، تمایل آنان برای داشتن فرزند کمتر می‌شود و از سوی دیگر با افزایش سطح توقع فرزندان، پدر و مادر از فرزنددار شدن هراس خواهند داشت؛ زیرا نمی‌توانند توقعات فرزندان را برآورده کنند. اگرچه شرایط بد اقتصادی تأثیر منفی بر نرخ تولد و میزان باروری دارد اما تحقیقات و تجربیات کشورها نشان می‌دهد که تأثیر شاخص‌های صرفاً اقتصادی در کنار سایر شاخص‌ها جدی و چشمگیر نیست و متغیرهای اجتماعی و فرهنگی از اهمیت بالاتری برخوردار هستند.^۱

- **سیاست‌های دولتی:** اعمال سیاست‌ها، برنامه‌ها و حمایت‌های دولتی می‌تواند تأثیر بسزایی در تحولات جمعیتی داشته باشد. با شکل‌گیری دولت‌های رفاهی در جهان از سال ۱۹۴۵م، حمایت‌های اجتماعی از بهداشت و رفاه و آموزش و پرورش افراد جامعه افزایش پیدا کرد. با افزایش جمعیت در یک دوره زمانی و نگرانی از افزایش تعهدات مالی دولت‌ها

۱. لک: نصیری، بررسی تأثیر عوامل اقتصادی بر نرخ باروری در ایران.

در زمینه رفاه اجتماعی این دیدگاه مطرح شد که با سیاست‌های تحدید جمعیت از فشار خواسته‌های اجتماعی مردم از دولت‌ها کاسته شود. در کشور ما نیز، افزایش زادوولد در دهه ۶۰ و احساس ناتوانی دولت در فراهم کردن فضاها، آموزشی و خدماتی و بهداشتی و رفاهی، انگیزه دولت را برای اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت افزایش داد و این امر تأثیر بسزایی در کم شدن میزان باروری داشت.^۱

از سوی دیگر اجرا نشدن سیاست‌های حمایت‌گر از جمله سیاست‌های اشتغال منعطف با مسئولیت‌های خانوادگی منجر به کاهش باروری گردید؛ به تعبیر دیگر، با توجه به اقبال زنان به تحصیلات عالی، افزایش میزان مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان و همچنین افزایش نرخ اشتغال آنان، باعث شد که میزان فرصت و تمایل آنها برای فرزندآوری کاهش یابد.

البته باید یادآوری کرد که در چند دهه اخیر سازمان‌های بین‌المللی سیاست‌ها و برنامه‌های کنترل جمعیت را تدوین، و کشورهای کم‌تر توسعه یافته را به کنترل جدی جمعیت تشویق کردند و در این راستا حمایت‌های ویژه‌ای از کشورها داشتند. برخی از محققان و متخصصان، تدوین سیاست‌های چندگانه جمعیتی در برخی از کشورهای غربی را نشان از جنگ جمعیتی می‌دانند.

۲. وضعیت جمعیتی ایران در آینده و پیامدهای پیش‌رو

گزارش آینده‌پژوهانه سازمان ملل در سال ۲۰۱۷ م که بر اساس تحولات اخیر جمعیتی کشور انجام شده، دورنمایی از تغییرات جمعیتی ایران و روند شتابان کاهش نرخ رشد را نشان می‌دهد.

این محاسبات پیش‌بینی می‌کند در صورتی که نرخ باروری ایران به همین صورت ادامه پیدا کند، ایران در آینده‌ای نزدیک، بیشترین جمعیت سالخورده را خواهد داشت. براساس پیش‌بینی‌ای که در سناریوی حد متوسط سازمان ملل انجام شده (بازنگری شده در سال ۲۰۱۵ م تا سال ۲۰۲۵ م) نزدیک ۱۲ درصد از جمعیت ایران در سنین بالای ۶۰ سال قرار خواهد گرفت و این نسبت تا سال ۲۰۲۵ م به نزدیک ۳۱ درصد خواهد رسید؛ یعنی کمتر از یک سوم کل جمعیت ایران سالخورده خواهند بود.^۲

۱. نک: جمعی از نویسندگان، تحولات جمعیتی ایران: عوامل، پیامدها، راهبردها.

۲. نک: محمودی، شاخص‌های جمعیتی، ص ۸۱ - ۸۰.

بخش جمعیت سازمان ملل هر دو سال یک بار، بر اساس نتایج سرشماری‌های ملی کشورها و مفروضات سطوح مختلف باروری و مرگ‌ومیر، تحولات جمعیتی کشورها را در افق‌های زمانی پنجاه‌ساله و در سه سناریوی مختلف (حد پایین، حد متوسط و حد بالای رشد جمعیتی) پیش‌بینی می‌کند. در ایران تمامی شاخص‌ها به‌نحو نگران‌کننده‌ای در حال افول است. نرخ باروری کل زیر خط نرخ جانشینی است و رشد جمعیت کاهش شدیدی را در افق ۱۴۸۰ تجربه خواهد کرد.^۱

همچنین پیش‌بینی‌های داخلی بر اساس پژوهش‌های علمی که بر چهار فرض افزایش باروری، تثبیت باروری و کاهش باروری و کاهش ملایم میزان باروری کل مبتنی است، نتایج خوبی را نشان نمی‌دهد. تقریباً همه مطالعات داخلی بر کاهش میزان باروری به‌عنوان عامل اصلی سالخوردگی تأکید کرده‌اند و اتخاذ سیاست‌های جامع جمعیتی برای جلوگیری از استمرار کاهش باروری را ضروری دانسته‌اند.^۲ با این روند، یعنی کاهش میزان باروری، کاهش رشد جمعیت، افزایش میانه سنی جمعیت، کاهش میزان جمعیت جوان، افزایش امید به زندگی و افزایش جمعیت سالخورده، به نظر می‌رسد مهم‌ترین چالش کشور در آینده پدیده سالمندی خواهد بود. به عبارتی در آینده سالمندی پدیده‌ای گریزناپذیر خواهد بود. مطالعات نشان می‌دهد که از اواخر دهه ۱۴۰۰ جمعیت ایران به‌سوی سالمندی رفته و در سال ۱۴۲۰ به مرحله سالمندی جمعیت و در دهه پس از آن به سالخوردگی جمعیت خواهد رسید. سالخوردگی جمعیت چالش‌های زیادی را ایجاد خواهد کرد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۲. پیامدهای اقتصادی

در بُعد اقتصادی، کاسته شدن از نیروی کار جوان و فعال باعث می‌شود تا از میزان تولیدات و خدمات کاسته شود و قیمت آنها افزایش یابد؛ زیرا تولید بسیاری از کالاها و خدمات در تعداد و مقیاس کوچک، هزینه‌های بالاتری خواهد داشت. همچنین جمعیت کمتر و سالمندتر، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و مصرف محدودتری دارد که همه این موارد از عوامل تضعیف اقتصاد به‌شمار می‌آیند.

۱. محمودی، «تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران».
۲. نک. محمودی، شاخص‌های جمعیتی، ص ۸۴ - ۸۳.

افزون بر این، کم شدن نیروی کار و افزایش مصرف‌کنندگان، کاهش تولید ناخالص داخلی را به دنبال خواهد داشت که پیامد آن کاهش صادرات محصولات صنعتی، افزایش واردات، کاهش ذخایر ارزی و افزایش بدهی‌های خارجی خواهد بود. به بیانی دیگر با بالا رفتن میانگین سنی افراد جامعه، سالمندان به مصرف‌کنندگان امکانات تبدیل می‌شوند و بار سنگینی از هزینهٔ تکفل آنها بر جامعه تحمیل می‌شود. سالمندان برخلاف جمعیت جوان، مستمری‌های دریافتی خود را برای تأمین مسکن و دریافت خدمات اجتماعی، بهداشت و درمان مصرف می‌کنند؛ از این رو، آنان توانایی کمتری برای پس‌انداز خواهند داشت که این امر بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد.

همچنین با افزایش تعداد بازنشستگان و مستمری‌بگیران نسبت به افراد شاغل، صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی فشار زیادی را متحمل می‌شوند که معمولاً برای جبران آن، سن بازنشستگی را افزایش یا میزان پرداختی به ایشان را کاهش می‌دهند و البته این امر نارضایتی بیمه‌شدگان و مشکلات اجتماعی را در پی خواهد داشت.

در بخش کشاورزی نیز باید یادآور شد که برای گسترش و توسعهٔ بخش کشاورزی، به عنوان یکی از محورهای توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی، به مجموعه‌ای از نیروهای خلاق، آموزش‌پذیر، ریسک‌پذیر، پویا و شاداب نیاز است. این ویژگی‌ها در جوانان بسیار بیشتر از سالمندان وجود دارد. شاغلان در بخش کشاورزی در سال‌های اخیر به طور قابل ملاحظه‌ای به سالخوردگی گراییده‌اند. مهاجرت از روستا به شهر، در کنار کاهش نسبت جمعیت جوان، از مهم‌ترین دلایل سالخوردگی شاغلان بخش کشاورزی است؛ به گونه‌ای که درصد اشتغال جوانان در این بخش بسیار کم است. مهم‌ترین نتایجی که سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی به دنبال خواهد داشت، عبارت‌اند از: کاهش بهره‌وری، به خطر افتادن امنیت غذایی، نیاز به واردات این مواد از خارج و نیز پذیرفتن نوآوری و فناوری نوین در عرصهٔ تولیدات کشاورزی و دامی.

از دیگر پیامدهای اقتصادی سالمندی جمعیت، هزینه‌هایی است که جامعه باید برای حفظ سلامتی سالمندان صرف کند؛ زیرا سالخوردگان در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیری بیشتری دارند. بر همین اساس نظام مراقبت پزشکی نیز باید به تجهیز مراکز درمانی مناسب برای ایشان و همچنین به پرورش متخصصان در حوزهٔ بیماری‌های دوران کهنسالی بپردازد.^۱

یافته‌ها نشان می‌دهد که در ایران تا سال ۱۴۳۰ به سه برابر تخت‌های بیمارستانی، پنج برابر مراکز فیزیوتراپی و چهار برابر آزمایشگاه‌های موجود نیاز خواهد بود.^۱

۲-۲. پیامدهای فرهنگی-اجتماعی

اساساً جامعه سالمند، چابکی و سرعت لازم را در حل مسائل اجتماعی و فرهنگی نخواهد داشت و همین سبب می‌شود که خلاقیت و نوآوری و ریسک‌پذیری در این جامعه کاهش یابد؛ همچنان‌که امروزه رشد علمی و نوآوری‌ها و موفقیت‌های کشور در عرصه دانش و ورزش و تولید، به دلیل کثرت نسل جوان است. افزایش تعداد سالمندان و از سوی دیگر کاهش مستمر میزان باروری باعث می‌شود جمعیت‌های سالمند بدون پشتوانه حمایت نسلی بمانند. همچنین یکی دیگر از چالش‌ها به وجود آمدن شکاف نسلی در اثر به هم خوردن توازن جمعیت نسل‌هاست. در جامعه‌ای که حدود یک‌سوم جمعیت آن را سالمندان بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهد، احتمالاً تعامل بین نسل جوان و گروه سالمند با دشواری روبه‌رو می‌گردد و شکاف نسلی بیشتر می‌شود.^۲

۳-۲. پیامدهای سیاسی-امنیتی

روند کلی تغییرات در جهان امروز نشان می‌دهد که جمعیت یکی از مؤلفه‌های قطعی در اقتدار کشورهاست. از بُعد سیاسی و امنیتی توان نظامی و قدرت بازدارندگی هر کشور به جمعیت آن بستگی دارد و در هنگام بروز بحران‌ها، کشوری که از لحاظ ساختار سنی درصد بیشتری از جوانان را دارد، کمتر از کشوری با جمعیت سالخورده، آسیب‌پذیر خواهد بود. جمعیت جوان در رویارویی با بحران‌های سیاسی امنیتی به سرعت می‌تواند نیروهای خود را بسیج کند. از این سو، جامعه سالمند در این بحران‌ها ریسک‌پذیری کمتر و محافظه‌کاری بالاتری از خود بروز می‌دهد. گذشته از این، در حوزه امنیتی، میزان تراکم جمعیت در مناطق مختلف کشور، از جمله مناطق روستایی و مرزی، و توزیع جمعیتی متقارن و متناسب با ظرفیت‌های جغرافیایی، از اهمیت زیادی برخوردار است.

۱. نک: کنعانی و حسینی، «انفجار سالمندان و نیازهای بهداشتی-درمانی».

۲. نک: «بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران».

خانواده در برابر پدیده سالمندی و کاهش جمعیت در آینده دچار چالش‌های جدی خواهد شد. افزایش جمعیت سالمند میزان وابستگی در خانواده‌ها را افزایش می‌دهد و در صورت نبود برنامه‌ریزی صحیح به فرسایش حمایت خانوادگی از سالمند منجر خواهد شد. حمایت خانوادگی از سالمند یکی از چالش‌های اساسی در آینده است و خود این مسئله چالش‌هایی را در خانواده‌ها به وجود خواهد آورد. درواقع با تغییر الگوی خانواده از گسترده به سمت هسته‌ای، همچنین اشتغال گسترده زنان و تأمین مراقبت از سالمندان توسط خانواده‌های خود، خانواده با مشکل روبه‌رو خواهد شد. افزون بر این، با کاهش تعداد خانوار، فرزندان کمتری مسئولیت نگهداری از والدین سالمند خود را بر عهده خواهند داشت و بدین سبب نگهداری از والدین برای آنها مستلزم صرف هزینه‌های زمانی و مالی زیادی است و احتمال ایجاد اختلاف و نزاع را بین زوجین برای نگهداری والدین سالمند در پی خواهد داشت. مراقبت اجباری و غیرداوطلبانه از سالمندان نیز پیامدهای فردی همچون ایجاد بدرفتاری و خشونت، و از سوی دیگر پیامدهای خانوادگی، همچون ایجاد تنش و درگیری در فضای خانواده را به دنبال دارد. زنانه شدن سالمندی (یعنی افزایش سهم زنان سالمند نسبت به مردان سالمند در جمعیت کشور) نیز مسائل و مشکلات خاصی ایجاد خواهد کرد. معمولاً امید به زندگی در زنان بالاتر و میزان مرگ و میرشان نسبت به مردان پایین‌تر است. بنابراین تعداد زنانی که به سنین سالمندی می‌رسند به مراتب بیشتر خواهد بود. داده‌ها نشان می‌دهد زنان بیشتر از مردان تنها زندگی می‌کنند و از نظر اقتصادی ناتوان‌تر از مردان هستند؛ به شکلی که آنها را در برآورده کردن نیازهای اولیه زندگی مثل مسکن و سرپناه ناتوان کرده است. فقر زنان سالخورده و ازدست دادن حمایت مالی همسر، فشار ناشی از نگهداری زنانی را که کاملاً پیر و ناتوان نیستند، ولی به تنهایی هم نمی‌توانند زندگی کنند، بر دختران و عروس‌ها بیشتر می‌کند؛ دختران و عروس‌هایی که بیشتر شاغل و صاحب فرزند هستند و مجبور به نگهداری از مادر یا مادرشوهر هم خواهند شد.

۱. نسبت وابستگی کل از تقسیم مجموع افراد گروه‌های سنی خردسال تا چهار سال و سالخوردگان ۶۵ ساله و بالاتر، بر جمعیت فعال گروه سنی ۱۵-۶۴ سال حاصل می‌شود. چنانچه در صورت کسر فقط جمعیت سالخورده ۶۵ ساله و بالاتر قرار گیرند، نسبت وابستگی سالمندان حاصل می‌شود.

کند بودن نرخ رشد جمعیت در کشورهای متعددی وجود دارد؛ ولی آنچه کشور ایران را نسبت به سایر کشورها متمایز می کند، سرعت زیاد این روند بوده است. ایران با سرعت بسیار زیادی به زیر سطح جانشینی رسید و با سرعت بسیار بالایی به سالخوردگی جمعیت مبتلا خواهد شد. کشورهای اروپایی با شیب ملایمی به سمت کاهش نرخ باروری و سالخوردگی جمعیت حرکت کردند و توانستند خود را با شرایط موجود بهتر تطبیق دهند. با این حال برخی کشورها برای برون رفت از این بحران راه کارها و سیاست های مختلفی در نظر گرفتند که به برخی از راه کارهایی که جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با این پدیده به کار گرفته اشاره می گردد:

الف. اعمال سیاست های جمعیتی مناسب

هر جامعه ای همان گونه که برای سامان دادن منابع طبیعی و مادی خود و استفاده از آن برنامه ریزی می کند، برای ساماندهی جمعیت و بهره وری بهینه از توان جسمی و روحی آن نیز باید برنامه ای مدون داشته باشد. تهیه چنین برنامه ای مستلزم اتخاذ نوعی سیاست جمعیتی است. تدوین و اجرای سیاست های جمعیتی، امروزه جزئی از برنامه ملی توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورها تلقی می شود. البته سیاست های جمعیتی به سیاست های مرتبط با زاد و ولد و باروری محدود نمی شود.

هر سیاستی را که به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم بر ویژگی های کمی و حتی کیفی جمعیت تأثیر بگذارد، می توان «سیاست جمعیتی» نامید. سیاست های توزیع جمعیت، سیاست های مهاجرتی و حتی خط مشی هایی که در جهت بهبود کیفیت جمعیت هاست، در زمره سیاست های جمعیتی به شمار می آیند.

در طبقه بندی ای کلی، سیاست های جمعیتی دو دسته اند:

الف. سیاست های تعدیل ساختاری یا متناسب سازی ساختار سنی و جنسی جمعیت در طول زمان که از سه طریق امکان پذیر است: افزایش باروری، مهاجرت و افزایش امید به زندگی؛

ب. سیاست های جامع جمعیتی: اتخاذ سیاست های جمعیتی لزوماً مترادف با محدود

^۱ به نمونه هایی از این سیاست ها در فصل فرزندآوری اشاره شد.

کردن یا افزایش موالید نیست؛ بلکه جنبه‌های دیگر جمعیت از جمله آموزش، اشتغال، موالید، مهاجرت بهداشت، مسکن، محیط‌زیست و... نیز هرکدام از اهمیت خاصی برخوردار است.

در سال ۱۳۶۵ که ایران با بالاترین نرخ رشد جمعیت روبه‌رو شد، سیاست‌گذاران سیاست‌های کنترل موالید را در اولویت قرار دادند و قانون کنترل جمعیت در سال ۱۳۷۲ تصویب شد.

در قانون برنامه اول توسعه در زمینه خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور، چنین آمده است: «بر مبنای بررسی‌های به عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل موالید از ۶/۴ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ به ۲/۳ درصد در همین مدت، با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه، امکان‌پذیر خواهد بود». با وجود تعیین این ارقام در برنامه یادشده، نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ کشور نشان داد: رشد جمعیتی کشور ۱/۲۴ درصد و متوسط میزان باروری کل کشور حدود ۲/۰۱ فرزند به ازای هر زن اعلام شده است. این انحراف درخور توجه و نیز پیشی گرفتن از اهداف قانون برنامه توسعه، ضرورت تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی کشور را روشن می‌کند. با توجه به مشکلات جمعیتی موجود و پیش‌رو و روند کاهش نیروی جوان و بانشاط در کشور، در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ «سیاست‌های کلی جمعیت» بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ابلاغ گردید. «سیاست‌های جدید جمعیتی ایران در ۶ محور کلی قابل دسته‌بندی است: فرهنگ‌سازی، اصلاح سبک‌زندگی، ارتقای کیفی جمعیت، تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها و قوانین حمایتی و تشویقی، آمایش جمعیتی، ایجاد و استقرار نظام مدیریت فرابخشی و جامع جمعیت»^۱.

♦ برای مطالعه بیشتر

سیاست‌های کلی جمعیت عبارت است از:

۱. ارتقا، پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی؛

۱. مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی کشور.

۲. رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد؛

۳. اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران، به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی، پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط؛

۴. تحکیم بنیان و پایداری خانواده، با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ایرانی و نیز توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری؛

۵. ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی؛

۶. ارتقای امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه اعتیاد، سوانح، آلودگی‌های زیست محیطی و بیماری‌ها؛

۷. فرهنگ سازی برای تکریم سالمندان و ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری آنان در خانواده و پیش‌بینی سازوکار لازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب؛

۸. توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ سازی و اصلاح، و تقویت و سازگار کردن «نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی حرفه‌ای و تخصصی» با نیازهای جامعه و استعدادها و علایق آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد؛

۹. بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب، با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی؛

۱۰. حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم‌تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیتی، به‌ویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان، از طریق توسعه شبکه‌های زیربنایی، حمایت از سرمایه‌گذاری و تشویق آن و نیز ایجاد فضای کسب و کار با درآمد کافی؛

۱۱. مدیریت مهاجرت به داخل و خارج، هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت، با تدوین و اجرای سازوکارهای مناسب؛

۱۲. تشویق ایرانیان خارج از کشور برای سرمایه‌گذاری در داخل و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان؛

۱۳. تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی ایرانی، اسلامی، انقلابی و ارتقای وفاق و

هم‌گرایی اجتماعی در پهنه سرزمینی، به‌ویژه در میان مرزنشینان و ایرانیان خارج از کشور؛ ۱۴. رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی با ایجاد سازوکار مناسب، تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی و نیز انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی.

همچنین در سال ۱۳۹۴ «سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه» ابلاغ شد که بند ۴۵ آن به فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه‌ها و ترتیبات لازم برای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت تکلیف کرده است. در سال ۱۳۹۵ هم سیاست‌های کلی خانواده ابلاغ شد که بند آخر آن به موضوع جمعیت پرداخته است.

سیاست‌های موجود در جامعه بر یکدیگر و از جمله سیاست‌های جمعیتی اثرگذارند؛ از این رو اصلاح سیاست‌ها، به‌ویژه سیاست‌هایی که مستقیم بر جمعیت تأثیرگذارند، می‌تواند راه‌کار مناسبی برای افزایش جمعیت باشد: سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های مهاجرتی اعم از سیاست‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست، و همچنین سیاست آموزش عالی که تأثیرات قابل‌توجهی بر جمعیت دارد. برای مثال، همبستگی زیادی میان نوع و میزان تحصیلات، نوع و محل مناسب اشتغال، نوع و مکان مطلوب سکونت و... وجود دارد.^۱

ج. **حمایت‌های قانونی:** یکی دیگر از راه‌کارهای برون‌رفت از بحران جمعیت، حمایت‌های قانونی است. در این راستا در آبان ۱۴۰۰ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید. جهت اجرای طرح و نظارت بر آن، ستاد ملی جمعیت با اعضای مشخص تشکیل شد و با وظایفی به فعالیت پرداخت؛ وظایفی همچون: تهیه برنامه عمل و تقسیم کار ملی؛ ایجاد هماهنگی بین سازمان‌ها و نهادها، دریافت گزارش سالانه و ارزیابی فعالیت‌های صورت‌گرفته در ارتباط با بودجه‌های اختصاص یافته در موضوع جمعیت و فرزندآوری؛ پایش زمانی و مکانی مستمر تغییرات جمعیتی در سطح استانی و شهرستانی با مشارکت مرکز آمار ایران و... تمامی دستگاه‌های ذی‌ربط موظف‌اند جهت اجرایی شدن ماده‌های حمایتی، تمام اقدامات لازم را انجام دهند.

۱. نوده فراهانی، «ملاحظات سیاست‌گذاری جمعیتی در ایران»، ص ۳۶.

در طی سال‌های اخیر ارتباط مسئله آب و موضوع جمعیت، سؤالات و شبهات زیادی را ایجاد کرده است، تا حدی که برخی افراد و رسانه‌ها بر اساس آن، در سیاست‌ها و راهبردهای افزایش جمعیت تشکیک و تردید کرده‌اند. منابع آب از جمله امکانات مربوط به ظرفیت جمعیتی و یکی از موضوعات درخور توجه در جمعیت هر کشور است.

منظور از «ظرفیت جمعیتی»، تعداد جمعیتی است که یک محیط طبیعی با تمام خصوصیاتش، نیازهای آن را کاملاً تأمین می‌کند. ظرفیت و توان جمعیتی هر کشوری را می‌توان با توجه به منابع و امکانات مختلفی مشخص کرد؛ همچون: زمین‌های کشت‌پذیر، حاصلخیزی خاک، میزان بارندگی، معادن و ذخایر زیرزمینی و میزان توسعه صنعتی و تکنولوژی.

در زمینه کمبود آب و نسبت آن با بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، مطالعات مختلفی انجام گرفته که اغلب آنها نشان می‌دهد مشکل اصلی، کمبود آب نیست، بلکه ضعف مدیریت آب است؛ یعنی نحوه مدیریت منابع آب، عامل ایجاد تنش و بحران در این زمینه شده است، نه رشد جمعیت. مشکل ایران در موضوع منابع آب را می‌توان در این موضوعات بررسی کرد: توزیع ناهمگون جمعیت، کشاورزی ناکارآمد و با بازده پایین، مدیریت نامناسب حوضه‌های آبی کشور، هدررفت آب در سیستم انتقال و توزیع.

یکی از چالش‌های جمعیتی ایران چالش آب ذکر می‌شود. شبیه این چالش در سایر منابع نیز بیان می‌شود؛ حال آنکه ایران دومین دارنده منابع گاز و سومین دارنده منابع نفت جهان است و حدود دو درصد از کل منابع معدنی دنیا را در اختیار دارد و دارای زمین‌های کشاورزی وسیع است و درعین حال یک درصد از کل جمعیت جهان را در خود جای داده است.^۱ کارشناسان می‌گویند با توجه به منابع غنی و خدادادی ایران، در صورت به‌کارگیری روش‌های مدیریتی صحیح و استفاده از روش‌های نوین آبخیزداری در بخش‌های شرب شهری، صنعت، محیط‌زیست و کشاورزی ظرفیت جمعیتی ایران می‌تواند تا ۱۵۰ میلیون نفر افزایش یابد.

۱. نک: سیاح، ارتباط رشد جمعیت با بحران آب، از سیاه‌نمایی تا واقعیت.

سخنرانی نوروزی مقام معظم رهبری در سال ۱۴۰۱:

اگر ما دانش را پایه و زمینه اقتصاد کشور قرار دادیم، منافع زیادی برای کشور و برای اقتصاد کشور خواهد داشت؛ هزینه‌ها را کاهش می‌دهد، یعنی اقتصاد دانش‌بنیان موجب کاهش هزینه‌های تولید می‌شود؛ بهره‌وری را افزایش می‌دهد که امروز یکی از مشکلات ما کاهش بهره‌وری است؛ کیفیت محصول را افزایش می‌دهد، بهبود می‌بخشد و محصولات را رقابت‌پذیر می‌کند، یعنی در بازارهای جهانی، ما می‌توانیم از این محصولات به عنوان محصولات رقابت‌پذیر استفاده کنیم، در داخل کشور هم همین جور. من اگر بخواهم از باب نمونه مثال بزنم، مسئله کشاورزی را مثال می‌زنم که متأسفانه بخش کشاورزی از عرصه دانش بنیان یک مقداری دورتر از بخش‌های صنعت و خدمات و مانند اینهاست. اگر ما در کشاورزی، شرکت‌های دانش بنیان را افزایش بدهیم و دانش را در مسئله کشاورزی به کارگیری کنیم، می‌توانیم در امر اصلاح بذر - که خیلی در تولید محصول کشاورزی مهم است - در مورد آبیاری نوین، در مورد شیوه‌های جدید تولید، در مورد بهره‌وری بهتر از آب و خاک می‌توانیم حداکثر استفاده را بکنیم، بهره‌وری مان را افزایش بدهیم و اینها را اصلاح کنیم. وقتی که در کشاورزی توانستیم این پیشرفت‌ها را به وجود بیاوریم و تحول جدی ایجاد بکنیم، این موجب می‌شود که اولاً امنیت غذایی کشور حاصل بشود و به دست بیاید، یعنی کشور از لحاظ مسائل غذایی هیچ وقت دچار مشکل نشود، هیچ نگرانی وجود نداشته باشد؛ ثانیاً درآمد کشاورزان افزایش پیدا کند؛ همچنین معضل کمبود آب را می‌شود حل کرد. در کشور ما آنچه معروف است و آنچه به طور معمول گفته می‌شود - که بنده البته نظراتی در این زمینه دارم - این است که ما دچار کمبود آب هستیم؛ خب اگر کشاورزی ما دانش بنیان شد، مشکل کمبود آب هم حل خواهد شد.

در همه بخش‌های دیگر هم - چه بخش‌های مربوط به تولید، چه بخش‌های مربوط به خدمات - همین برکات وجود دارد؛ یعنی حجم محصول افزایش پیدا می‌کند، کیفیت بالا می‌رود، قیمت تمام شده کاهش پیدا می‌کند؛ در واقع دانش بنیان کردن تولید، بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی را ارتقا می‌دهد؛ این امر مهمی است، یک نقطه‌ی حساس و اساسی است. یکی از مشکلات کشور کاهش بهره‌وری است؛ یعنی به تناسب آن مقداری که هزینه مصرف می‌کنیم، از این هزینه‌مان بهره‌برداری نمی‌کنیم؛ در بخش‌های مختلف همین جور است؛ بهره‌وری در کشور کم است. البته این [کار] موجب این نشود که ما یک شرکتی درست کنیم و اسمش را بگذاریم دانش بنیان، در حالی که دانش بنیان نباشد؛ نه حقیقتاً شرکت‌های دانش بنیان [درست شود]؛ باید همت کنند مسئولین ما و این کار را انجام بدهند؛ به خصوص در بخش‌هایی که عقب‌ترند، مثل همین بخش کشاورزی که عرض کردیم. شرکت‌های دانش بنیان در بخش کشاورزی، چهار درصد همه شرکت‌های

دانش بنیان ماست. چهار درصد از این شرکت‌ها مربوط به بخش کشاورزی است که بخش کشاورزی این همه هم حائز اهمیت است. مسئله کشاورزی مهم است، مسئله دامداری بسیار مهم است و کشور در محصولات پایه غذایی بایستی به امنیت کامل و به خودکفایی لازم حتماً دست پیدا کند. ما بایستی در مورد گندم، در مورد خوراک دام - ذرت، جو، امثال اینها - و مواد اصلی تولید روغن به خودکفایی برسیم. باید در ذرت، در جو، در بقیه چیزهایی که کالاهای اساسی نامیده می‌شود، حتماً به خودکفایی برسیم و می‌توان این کار را کرد. کشور بزرگ است، زمینه‌های زیادی هست، ما دشت‌های حاصلخیز زیادی داریم. در بخش‌های مختلف کشور دشت‌های حاصلخیز داریم، این دشت‌ها را باید صرف کنیم برای [تأمین] کالاهای اساسی.

۲-۲. پیشرفت اقتصادی و کاهش رشد جمعیت

برخی ادعا می‌کنند که با کاهش جمعیت و مهار آن بهتر می‌توان به پیشرفت و رشد اقتصادی رسید؛ همان‌طور که کشورهای غربی به رشد اقتصادی مطلوبی رسیده‌اند. اولاً، باید گفت کشورهای غربی و ایالات متحده هرگز برنامه‌ای کارآمد و مدون برای مهار جمعیت خود نداشتند؛ بلکه دگرگونی زیادی که در سبک زندگی آنان اتفاق افتاد و رواج مفاهیمی همچون اصالت لذت، رفاه‌طلبی، فردیت‌خواهی که نتیجه آن روی‌گردانی از مسئولیت فرزندآوری است، ناخودآگاه سبب مهار جمعیت شد؛ ثانیاً، بیشترین رشد اقتصادی در غرب، هنگامی اتفاق افتاد که از بالاترین نرخ رشد جمعیت برخوردار بود. همچنین، بحران اقتصادی کنونی کشورهای پیشرفته که به سبب کاهش چشمگیر آمار رشد جمعیت پدید آمده است، آنها را به تلاش واداشته تا برنامه‌های افزایش جمعیت را در اروپا و آمریکا آغاز کنند و با دادن مشوق‌های نقدی از فرزندآوری حمایت نمایند. بسیاری از اندیشمندان در دنیا، رشد و پایداری اقتصادی را در گرو داشتن رشد مناسب و بهینه جمعیت دانسته‌اند.^۱

۳-۳. افزایش رشد جمعیت و افزایش بیشتر میزان بیکاری

با افزایش نرخ بیکاری در سال‌های اخیر افرادی قائل شدند که با افزایش جمعیت رقابت بین نیروهای آماده‌به‌کار افزایش می‌یابد و این امر سبب افزایش نرخ بیکاری خواهد شد؛ اما باید گفت تجارب گوناگون در سراسر دنیا حاکی از آن است که افزایش جمعیت و در

۱. قاسمی، یک نان آور بیشتر، ص ۶۰-۵۸.

پی آن افزایش تقاضا، زمینه‌ای است برای نوآوری و تولید بیشتر و رقابتی‌تر، و این روند سبب کارآفرینی بیشتر خواهد شد. جمعیت جوان و درحال‌رشد، نیاز بیشتری به کالاها و خدمات دارد. افزون بر آن، تقاضا برای امکانات و مسکن در جوامع جوان بیشتر می‌شود. با افزایش نیازهای گسترده جمعیت درحال‌رشد، مردم باید بیشتر کار کنند تا کالاها، خدمات و نیازهای جمعیت را فراهم آورند. از سوی دیگر، چون کارگران بیشتری باید وارد چرخه کار در بخش‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی شوند به کارخانه‌ها و کارگاه‌های بیشتری نیاز است و همین روند سبب ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر و اقتصاد پویا برای هر کشوری خواهد شد.^۱

۴-۴. کیفیت جمعیت یا کمیت جمعیت

از آنجاکه زندگی‌های امروزی به سمت رفاه و آسایش بیشتر پیش می‌رود، عده‌ای ترجیح می‌دهند تعداد انسان‌ها کمتر، اما رفاه بیشتری حکمفرما باشد؛ از این رو مطرح می‌کنند که یک میلیون انسان مرفه و کیفی، بهتر از یک صد میلیون انسان حداقلی و متوسط است. نخست باید گفت که اصلاح زندگی مادی و معنوی نسلی که به دنیا می‌آید و افزایش کیفیت زندگی آنها ضرورتی عقلانی است که هم وظیفه حاکمیت و هم بر دوش والدین است؛ اما بر اساس آخرین یافته‌های علمی داشتن جامعه و جمعیتی با کیفیت، پس‌زمینه‌هایی می‌خواهد که از با ارزش‌ترین آنها داشتن کمیت مناسب از جمعیت جوان و پویاست. این نظریه به عنوان «نظریه کیفیت جمعیت بر پایه کمیت جمعیت» نزد متخصصان پذیرفته شده است. از سوی دیگر باید دانست که به دست آوردن جمعیت کیفی بدون داشتن کمیت مطلوبی از جمعیت، امکان‌پذیر نیست.^۲

۱. قاسمی، یک نان آور بیشتر، ص ۵۳-۵۴.

۲. همان، ص ۱۷.

نمودار مطالب فصل

۱. تعریف جمعیت و جمعیت شناسی

۲. دیدگاه‌های مختلف در خصوص جمعیت
۱. دیدگاه کاهش جمعیت
۲. دیدگاه افزایش جمعیت

۳. روند تحولات جمعیتی ایران
۱. پیش از گذار
۲. گذار جمعیتی اول
۳. گذار جمعیتی دوم

۴. سیر تحولات جمعیتی ایران

۵. عوامل مؤثر بر تحولات جمعیتی ایران
۱. عوامل مستقیم (باروری، مهاجرت، ساختار و ترکیب جمعیتی)
۲. عوامل غیر مستقیم (افزایش شهرنشینی، تحول در ازدواج و طلاق، تغییرات فرهنگی و سبک زندگی، مشکلات و بی‌ثباتی اقتصادی، سیاست‌های دولتی)

۶. وضعیت جمعیتی ایران در آینده و پیامدهای پیش رو
۱. پیامدهای اقتصادی
۲. پیامدهای فرهنگی - اجتماعی
۳. پیامدهای سیاسی - امنیتی
۴. پیامدهای خانوادگی

۷. راه کارهای برون رفت از بحران جمعیت
۱. اعمال سیاست‌های جمعیتی مناسب
۲. حمایت‌های قانونی

۸. شبهات جمعیتی
۱. کمبود آب و افزایش جمعیت
۲. پیشرفت اقتصادی و کاهش رشد جمعیت
۳. افزایش رشد جمعیت و افزایش بیشتر میزان بیکاری
۴. کیفیت جمعیت یا کمیت جمعیت

♦ پرسش‌های فصل

۱. مراحل انتقالی جمعیت در جهان را توضیح دهید.
۲. دیدگاه‌های مختلف در خصوص جمعیت را بیان کنید.
۳. سیر تحولات جمعیت در ایران را پس از پیروزی انقلاب اسلامی شرح دهید.
۴. افزایش سالمندان در ایران چه پیامدهای منفی در بردارد.

♦ منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. حسینی مجرد، اکرم؛ جمعیت ایران؛ افزایش یا کاهش؟؛ تهران: دبیرخانه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده.
۲. رهبری، حسن؛ اسلام و سامان‌دهی جمعیت؛ قم: بوستان کتاب.
۳. کاظمی‌پور، شهلا؛ مبانی جمعیت‌شناسی؛ تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
۴. جمعی از نویسندگان؛ تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها؛ قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۹۲ش.
۵. محمودی، محمدجواد؛ شاخص‌های جمعیتی و آخرین وضعیت سیاست‌های جمعیتی؛ تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.